

ایران

شهدای قدس - ۶

فروردین ماه ۱۴۰۳

پیوندهای برای
۱۳ شهید شاخص
حزب الله لبنان



دلیران لبنان

۱۵ روز نبرد با شیاطین



گزارش آماری از عملیات‌ها
و دستاوردهای حزب الله لبنان
از آغاز عملیات طوفان الاقصی

عملیات علیه
اهداف محدود

شهرک‌های صهیونیست نشین

مورد ۱۰۲

موقعیت‌های مرزی صهیونیستی

مورد ۳۴۱

مراکز پشتیبانی دشمن

مورد ۲۴

نقاط عملیاتی مرزی دشمن

مورد ۱۳۴

جنگنده‌ها و پرنده‌های
بدون سرنشین دشمن

مورد ۳۸





يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ
آنان (شهدا) را مرّده نعمت و فضل خدا می دهند و خدا پاداش مومنان را تباه نمی کند.

سوره آل عمران / آیه ۱۷۱



تحلیل دبیر کل حزب الله لبنان از آخرین وضعیت آمریکا در منطقه غرب آسیا | آمریکای امروز ضعیف‌تر از آمریکای جنگ سی و سه روزه..... ۵

بازخوانی جنایت رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان | کشتار قانا..... ۳۴

نگاهی به قابلیت‌های یگان هوایی حزب الله | مقاومت چگونه به برتری ارتش اسرائیل مهربان می‌گردد؟..... ۴۴



مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

- مدیر عامل:
- محمد حسن روزی طلب
- سردبیر:
- حسام الدین برومند
- دبیر ویژه نامه:
- حامد شیخ پور
- دبیر تحریریه:
- حسین محمدی اصل
- هیأت تحریریه:
- حمیدرضا خداشناس، حسین دارابی، حمیده معینی قالیبافان

شهادت «سید عباس موسوی»

روایت مردی که همه وجودش وقف مقاومت شد | «عباس» علمدار جبهه جنوب ۸

افطاری: میهمان امیرالمؤمنین هستیم ۱۰

زندگی و مبارزات شهید سیدعباس موسوی | دبیر کل مقاومت ۱۱

شهادت «راغب حرب»

زندگی نامه شهید «راغب حرب» بنیان‌گذار حزب الله | شیخ مقاومت لبنان ۱۲

روایتی ویژه از رهبر معظم انقلاب درباره شهیدان حزب الله لبنان | این شهدا مخصوص لبنان نیستند ۱۷

شهادت «احمد قصیر»

ماجرای زندگی احمد قصیر مجاهدی که صهیونیست‌ها را گرفتار کرد | شهید فاتح ۱۸

شهادت «سید محمد هادی نصرالله»

زندگی و شهادت سید محمد هادی نصرالله فرزند دبیر کل مقاومت لبنان | تازه داماد حزب الله ۲۰

شهادت «عماد مغنیه»

روایت زندگی شهید «عماد مغنیه» مرد شماره یک حزب الله لبنان | فرمانده میدان ۲۶

فرماندهی که سایه هم نداشت! | راز رضوان ۲۷

روایت اسرائیلی‌ها از ترور شهید عماد مغنیه | توطئه حذف «حاج رضوان» از زبان موساد ۲۸

روایت زندگی اثرگذارترین فرمانده مقاومت | فرمانده در سایه ۳۱

روایت پنهان شدن حاج قاسم، حاج رضوان و سیدحسن نصرالله از دوربین پهباد اسرائیلی | ماجرای آن سه نفر ۳۲

معرفی کتابی که فرایند ترور حاج رضوان را بررسی می‌کند | در جست‌وجوی شیخ ۳۳

شهادت «حسان اللقیس»

فرمانده گمنامی که دایرة المعارف فناوری‌های نظامی بود | بنیان‌گذار نیروی پهبادی حزب الله ۳۶

عقل درخشان ۴۱

ماجرای جالب دیدار شهید حسان اللقیس با آیت الله خامنه‌ای (دام ظلّه) | عکس یادگاری با ابوعلی ۴۳



از یگان ویژه حزب الله چه می دانیم؟ | **سربازان حیدر کراز** ۵۴

دستاوردهای حزب الله در عملیات طوفان الاقصی ۶۲

شرحی بر تجربه پیروزمندانه مقاومت اسلامی لبنان در جنگ ۳۳ روزه | **جبل عامل؛ سرزمین غافلگیری ها** ۸۰

- معاون اجرایی: هاشم سروش پور
- معاون فنی: محمد ملاعلی اکبری
- صفحه آرایی: محمد عباسپور
- ویرایش تصاویر: شبنم رضوانی
- مدیر چاپ: بابک اسکندرنیا
- نشانی:

تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
 صندوق پستی ۱۵۸۷۵-۵۵۳۸
 تلفن: ۰۸۸۷۶۱۷۲۰ - نمابر: ۰۸۸۷۶۱۲۵۴
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی:
 مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

<https://irannewspaper.ir>

→ شهید «سید مصطفی بدرالدین»

روایت زندگی شهید سید مصطفی بدرالدین | **ذوالفقار حزب الله لبنان** ۴۸
 جزئیات همکاری منافقین با داعش در ترور فرماندهان محور مقاومت | **رمزگشایی از شهادت شهید بدرالدین** ۵۰
 روایت رهبر معظم انقلاب از شخصیت شهید مصطفی بدرالدین | **شخصیت مستحکم و فولادین** ۵۳

→ شهید «جهاد عماد مغنیه»

روایت جهاد مغنیه از زندگی تا شهادت | **یادگار عماد** ۵۶
 ماجرای بوسه «جهاد مغنیه» بر پیشانی آیت الله هاشمی | **شهید محبت** ۵۸
 وقتی «جهاد مغنیه» مسئول توزیع هدیه های رهبر معظم انقلاب شد | **در مسیر پدر** ۶۰
 بیان فرزند شهید عماد مغنیه در مصاف حق علیه باطل | **کلام جهاد** ۶۱

→ شهید «سمیر قنطار»

فرمانده عملیات «نهاریا» را بهتر بشناسید | **سمیر قنطار، شهید بیدار** ۶۶
 واکنش مقامات صهیونیستی به خبر شهادت «سمیر قنطار» | **دستان آلوده** ۶۹

→ شهید «حسن محمدالحاج»

زندگی نامه «ابومحمد اقلیم» رهبر حزب الله در شمال سوریه | **فرمانده ماهر** ۷۰

→ شهید «علی فیاض»

فراز و فرود حیات جهادی فرمانده شهید «علی فیاض» | **مجاهدت از بوسنی تا سوریه** ۷۲

→ شهید «محمد عیسی»

فرمانده «محمد عیسی»؛ شهید دفاع از مقاومت اسلامی | **مقاومت؛ گزینۀ اول و آخر** ۷۷

→ شهید «فوزی ایوب»

زندگی نامه شهید فوزی ایوب، فرمانده بزرگ حزب الله لبنان | **تحت تعقیب** ۸۲

→ فرهنگ و هنر

خواندنی ها درباره لبنان، مقاومت و حزب الله | **مقاومت لبنان را با کتاب بشناسیم** ۸۵
 با تامل های مدیترانه ای لبنان از قاب دوربین همراه شوید | **روایت های مستند از عروس مدیترانه** ۸۹
 آوا و نوای لبنانی، از بیروت تا بعلبک | **پرطنین زیر پرچم زرد حزب خدا** ۹۵



آمریکای امروز ضعیف‌تر از آمریکای جنگ سی‌وسه‌روزه

س
مقاله



سید حسن نصرالله

دبیر کل حزب الله لبنان

از دستاوردهای مقاومت در جنگ سی‌وسه‌روزه از بین بردن طرح آمریکایی موسوم به خاورمیانه جدید بود؛ پس از حوادث یازده سپتامبر که آمریکا از آن به‌عنوان بهانه‌ای برای اشغالگری در افغانستان و عراق استفاده

کرد، گام دوم ریشه‌کن کردن مقاومت اسلامی در فلسطین و لبنان و به انزواکشاندن ایران بود تا رژیم صهیونیستی به سرور خاورمیانه تبدیل شود. پایداری مقاومت و لبنان و شکست اهداف جنگ سی‌وسه‌روزه ضربه سختی به طرح خاورمیانه جدید وارد کرد. این نقشه‌ها

تمامی ندارد و آن‌ها بعد از آن در دوره دولت اوباما روی بهار عربی حساب کردند که این طرح نیز از بین رفت.

آمریکای امروز ضعیف‌تر و متفاوت از آمریکای

۲۰۰۶ است

درباره سفر بایدن به منطقه، تحلیل‌ها و گمانه‌زنی‌های بسیاری منتشر شد که در بسیاری از آن‌ها درباره تشکیل ناتوی عربی یا ناتوی خاورمیانه سخن گفته شد. امروز بایدن وارد فلسطین اشغالی شد و در روزهای آینده مشخص خواهد شد که آیا ائتلاف ناتوی عربی در کار است یا خیر. آمریکای امروز متفاوت از آمریکای سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۶ است، زیرا رئیس‌جمهور فرتوت آمریکا تصویری از آمریکایی است که وارد مرحله پیری شده است. حضور این کشور در عرصه جهانی بسیار کم‌رنگ شده و آمریکا تورم اقتصادی زیادی دارد و اوضاع اجتماعی و امنیتی آن خوب نیست. رئیس‌جمهور آمریکا به منطقه آمد تا کشورهای حاشیه خلیج فارس را برای صادرات مقادیر بیشتری از نفت و گاز قانع کند.

رئیس‌جمهور جدید آمریکا از همان ابتدا اعلام

کرد یک صهیونیست است

آمریکا اکنون وارد نبرد بزرگی با روس‌ها شده است. این کشور مستقیماً وارد جنگ با روس‌ها نشده، بلکه به‌واسطه مردم و

دولت اوکراین وارد این نبرد شده است. از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های این نبرد، تحریم نفت و گاز روسیه به‌واسطه اروپایی‌هاست. آمریکا مسئولیت تأمین جایگزین برای اروپا را برعهده گرفته است. زمان برای آن‌ها تنگ است، زیرا زمستان در راه است و آن‌ها نیاز دارند در تابستان برای خود انرژی ذخیره کنند. بایدن به منطقه آمد تا ببیند کشورهای حاشیه خلیج [فارس] چقدر می‌توانند برای تأمین انرژی اروپا تولید را افزایش دهند.

بایدن از زمانی که ریاست‌جمهوری را به‌دست گرفت، اعلام کرد که یک صهیونیست است. بایدن گفت که نیاز نیست لزوماً برای صهیونیست بودن، یهودی باشی. تمام آنچه نیز او به‌محض ورود [به فلسطین اشغالی] امروز درباره راهکار دودولتی گفت، تعارفاتی بیش نبودند. بایدن می‌گوید که در آتش‌بس یمن نقش داشته، اما این در واقع خود آمریکاست که به‌دنبال تجاوز به یمن است. عربستان سعودی نیز ابرار است. تحریم قطر را به یاد آوریم که آمریکا در یک شب توانست این محاصره را بشکند، بایدن هم به‌راحتی می‌تواند جنگ علیه یمن را پایان دهد و محاصره را بردارد.

مقاومت تنها قدرت لبنان برای گرفتن حق نفت

و گاز خود است

پس از صحبت‌مان درباره مرزهای دریایی [لبنان]، وزرای دشمن تهدید کردند و حرف‌ها زدند: من جمله وزیر جنگشان گانتز که گفت بار دیگر به بیروت خواهند آمد (بیروت را اشغال خواهند کرد). او می‌داند که هم به ساکنان [اراضی اشغالی] و هم به خود دارد دروغ می‌گوید. گانتز جرئت ندارد چند قدم به‌سوی غزه تحت محاصره بردارد. اگر امور را از بیست یا سی سال گذشته تا به امروز مورد ارزیابی قرار دهد، ما به او توصیه می‌کنیم که جنگ سی‌وسه‌روزه را به یاد آورد؛ به‌ویژه زمانی که تلاش کردند وارد بنت جبیل شوند. آن‌ها در آن زمان گذرگاهی برای مجاهدان باز کردند تا شهر را رها کنند، اما عکس این مسئله اتفاق افتاد و رزمندگان برای دفاع از شهر وارد عمل شدند.

از جمله درس‌ها و عبرت‌هایی که باید از جنگ سی‌وسه‌روزه بگیریم این است که مردم جنوب پذیرای مقاومت هستند و تشکیلات مقاومت و امکانات آن، بیش از هر زمان دیگری است. روحیه مقاومت وجود دارد و مردم و جغرافیای منطقه با این مقاومت همراه هستند و خداوند نیز در آغاز و انجام کار با این مقاومت است. مقاومت تنها قدرتی است که لبنان برای گرفتن حق نفتی و گازی خود آن را در اختیار دارد.

از جمله درس‌ها و عبرت‌هایی که باید از جنگ سی‌وسه‌روزه بگیریم این است که مردم جنوب پذیرای مقاومت هستند و امکانات آن، بیش از هر زمان دیگری است. روحیه مقاومت وجود دارد و مردم و جغرافیای منطقه با این مقاومت همراه هستند و خداوند نیز در آغاز و انجام کار با این مقاومت است



اگر در اسرع وقت برای ترسیم خطوط مرزی اقدام نکنیم، مسئله دشوار و بسیار هزینه‌بر خواهد شد. لبنان به شدت نیازمند طرح برق است، اما آمریکا برای شما استثنایی در قانون سزار برای استفاده از گاز مصر قائل نیست. حدود یک سال از وعده‌های آن‌ها می‌گذرد. به خاطر چه کسی برتری را در ترسیم مرزها و استخراج نفت به شما خواهد داد؟ هوکشتاین در سفر اخیر به دو دلیل آمد که یکی نیاز آمریکا به نفت و گاز به خاطر اروپا بود و دلیل دیگر تهدیدات مقاومت. آن‌ها از قدرت مقاومت در خشکی، دریا و آسمان و قدرت آن برای عملی کردن تهدیدها آگاه‌اند.

◀ پول بانک جهانی هیچ مشکلی را حل نمی‌کند

هیچ فردی در داخل کشور با این مسئله مخالف نیست که نفت و گاز تنها راه خروج [لبنان] از بحران است، زیرا کشور در حال حرکت به سوی وضعیتی بسیار دشوار است. پول بانک جهانی نیز مشکل را حل نخواهد کرد و تنها یک بدهی خواهد بود. راه حل همان صدها میلیارد دلاری است که در اختیار ماست. لبنان می‌تواند مانع استخراج نفت و گاز از اراضی اشغالی فلسطین و در عین حال مانع [رسیدن آن] به اروپا شود. آن‌ها عجله دارند. تنها دو ماه فرصت باقی است، زیرا مقامات اشغالگر دارند از استخراج نفت در ماه سپتامبر صحبت می‌کنند.

شرح زندگینامه سید حسن نصرالله

سید حسن نصرالله (۱۹۶۰م) دبیرکل کنونی حزب‌الله لبنان است. وی در ۱۶ سالگی برای تحصیل علوم دینی به نجف اشرف مهاجرت کرد. ارتباط با شهید سید محمد باقر صدر در نجف و سید عباس موسوی باعث شد که وی وارد فضای مبارزه با اشغالگران اسرائیلی شود. برای مطالعه نسخه کامل زندگینامه دبیرکل حزب‌الله لبنان نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن نمایید.





گفتارهای عاشورایی سید حسن نصرالله

لبیک یا حسین

این کتاب شامل ۱۵ سخنرانی سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان در مناسبت‌های مرتبط با واقعه عاشورا در سال‌های ۱۴۳۲ تا ۱۴۳۵ است. نام این مجموعه از قطعه‌ای تاریخی در سخنرانی راهپیمایی کفن پوشان اخذ شده است. فرازی به یادماندنی: که در آن «سید حسن نصرالله» به تشریح معنای لبیک یا حسین می‌پردازد. در این کتاب بیان می‌شود که در میان گفتارهای حسینی «سید حسن نصرالله»، از همه مشهورتر و حماسی‌تر سخنرانی او در راهپیمایی کفن پوشان «مسیرة الاکفان» است که به عبارت «لبیک یا حسین» شناخته می‌شود و همه او را درحالی که خود نیز کفن پوشیده بود و با حالتی حماسی و به یادماندنی شعار «لبیک یا حسین» را معنا می‌کرد به خاطر دارند. آشکار است که حس و حال بی نظیرو تکرارناشدنی آن سخنرانی و فضای روانی و احساسی آن محیط را در قالب عبارات و کلمات نمی‌توان بیان کرد. برای تهیه این کتاب نمایه کیوار کد مقابل را اسکن نمایید.



◀ نقطه قوت لبنان، مقاومت است

دشمن نقطه ضعف دارد و این نقطه ضعف نیاز به نفت و گاز از جانب رژیم صهیونیستی است. نقطه قوت لبنان نیز مقاومت این کشور است که می‌تواند این عمل را بی‌اثر و از آن جلوگیری کند. لبنان اگر وارد مذاکرات شود، نیازمند اهرم فشارهای خاص خود است. مقاومت تنها نقطه قوت این کشور است. من به مقامات لبنان می‌گویم از مقاومتی که تنها نقطه قوت شماست، استفاده کنید. زمانی که با آمریکا بر سر میز مذاکره می‌نشینید، به آن‌ها بگویید که این مردم شوخی ندارند و نمی‌شود آن‌ها را کنترل کرد، پس حقوق طبیعی لبنان را به این کشور بدهید.

◀ مقاومت از توانایی‌های متنوعی در خشکی، دریا

و آسمان برخوردار است

درباره مسئله پهپادها نیز برخی گفتند که این خارج توافق رخ داد، کدام توافق؟! ما با کسی توافق نکرده‌ایم و به کسی نیز وعده نخواهیم داد. کسی که به آمریکایی‌ها وعده می‌دهد مقاومت کاری نخواهد کرد، او در واقع هم خودش و هم آن‌ها را فریب می‌دهد. برخی نیز گفتند که مقاومت چگونه پهپاد می‌فرستد و می‌گوید که پشت کشور است؟ ما در مسئله ترسیم مرزها پشت این کشور هستیم، اما این بدان معنا نیست که با کسی یا علیه کسی هستیم. ما در مسئله فشار به دشمن با کشور نیستیم و به کسی هیچ قولی ندادیم. ما چند پهپاد در ابعاد مختلف فرستادیم، زیرا می‌خواستیم که پرنده‌های نظامی موشک شلیک کنند و کشتی‌های جنگی به حرکت درآیند تا افرادی که در آن منطقه فعالیت دارند، بدانند این منطقه نامن است. برای اولین بار در تاریخ رژیم صهیونیستی مقاومت سه پهپاد در آن واحد به‌سوی یک هدف پرتاب کرد.

ما قدرت ارسال چند پهپاد مسلح در ابعاد مختلف و تعداد بالا را داریم. پیام پهپادها با آن اندازه‌شان می‌گفت که ما جدی هستیم و این پرونده مسئله‌ای اساسی است. در میان گزینه‌هایمان آنچه لازم است، انتخاب می‌کنیم. این پیام به دشمن رسید و نشانه آن علاوه بر آن تماس‌هایی که با لبنان و ما برقرار شد، واکنش میدانی دشمن بود. از نظر قدرت، ما از توانایی‌های متنوعی در خشکی، دریا و آسمان برخورداریم. تمام این گزینه‌ها روی میز هستند و هر آنچه در راستای حل مشکل ما باشد، در زمان مناسب و حجم مناسب برای انجام آن اقدام خواهیم کرد. لبنان به یک قدرت بازدارنده تکیه دارد و باید از آن استفاده کند. نباید تنها به تأیید بین‌المللی مرزها اکتفا کنیم، بلکه باید به شرکت‌های متعهد به حفاری اجازه بازگشت به کار بدهیم تا نتیجه عملی برای ما تضمین شود.

◀ به دشمن هشدار می‌دهیم دست از پا خطا نکند

به دوست و دشمن [می‌گوییم] ما در اینجا به دنبال جنگ روانی نیستیم و این از نظر ما تنها راه نجات کشورمان است. یک بار خواستیم که ما لبنانی‌ها یک موضع واحد داشته باشیم و این موضع را به گوش آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها برسانیم. برخی به دنبال ویران‌سازی این کشور هستند و می‌خواهند که مردم در صف‌ها بایستند و یکدیگر را از شدت گرسنگی بکشند. جنگ [داخلی] بالاترین چیزی است که دشمن به دنبال آن است. ما به دشمن می‌گوییم که دست از پا خطا نکند و به هوکشتاین و آمریکایی‌ها نیز می‌گوییم که لبنانی‌ها را فریب ندهید. پیام پهپادها رسید. این معادله را ثبت کنید: «کارپش» و پس از «کارپش» و پس از پس از «کارپش». ما تمام میدان‌ها، چاه‌ها و سکوه‌های نفتی در امتداد مرز فلسطین را زیر نظر داریم. اگر به دنبال این هستیم که این کشور از حقوق خود استفاده نکند، هیچ‌کس قادر به استخراج نفت نخواهد بود.

• تاریخ بیانات: ۲۲ تیرماه ۱۴۰۱



لبیک یا حسین



سید عباس موسوی (۲۶ اکتبر ۱۹۵۲ - ۱۶ فوریه ۱۹۹۲)، روحانی شیعه لبنانی، از مؤسسين و دومین دبیرکل حزب الله لبنان بود. او در روستای «نبی شیت» از توابع بعلبک به دنیا آمد. تحصیلات حوزوی خود را در شهر صور آغاز کرد و برای ادامه آن به حوزه علمیه نجف رفت. موسوی در سال ۱۹۷۹ به لبنان بازگشت و حوزه علمیه بعلبک را تأسیس کرد. او در مه ۱۹۸۴ پس از «صبحی طفیلی» به عنوان دومین دبیرکل حزب الله لبنان انتخاب شد. سید عباس موسوی که در ۱۶ فوریه ۱۹۹۲ برای شرکت و سخنرانی در مراسم سالگرد راغب حرب به روستای جیشیت رفته بود، در راه بازگشت خودرو حامل او مورد حمله بالگردهای رژیم اسرائیل قرار گرفت که در نتیجه آن او و فرزند و همسرش ترور شدند.

زندگی

سیدعباس موسوی در سال ۱۹۵۲ در روستای «نبی شیت» (روستای نبی شیت از توابع بعلبک لبنان منسوب به حضرت شیث فرزند حضرت آدم (ع) است که گروهی از سادات هاشمی و موسوی از گذشته در آن شهر سکونت داشته‌اند) در خانواده‌ای خوشنام، از پدری موسوی و مادری هاشمی متولد شد، برایش نام عباس را برگزیدند، با این امید که مانند حضرت ابوالفضل العباس (ع) در مسیر فداکاری و شجاعت گام بردارد و همه توان خویش را برای دفاع از حق و ارزش‌های الهی به کار گیرد.

تحصیلات

موسوی در سال ۱۹۶۶ در شهر صور با امام موسی صدر آشنا شد و به خواست او به حوزه علمیه صور (کانون تحقیقات اسلامی) که مؤسس آن موسی صدر بود رفت. در سال ۱۹۶۷ میلادی برای پیگیری تحصیلات علوم دینی به حوزه علمیه نجف رفت و نزد استادان بزرگ آن حوزه به تحصیل در رشته‌های علوم اسلامی پرداخت. وی در کلاس‌های درس سید ابوالقاسم خویی و سید محمد باقر صدر حضور یافت و با سید محمد باقر صدر روابط نزدیک فکری و سیاسی برقرار کرد. موسوی در این مدت ازدواج کرد و این بار به همراه همسرش راهی نجف شد. او با مشاهده ظلم صدام حسین بر مردم عراق در مقابل حکومت حاکم به فعالیت سیاسی پرداخت.

در سال ۱۹۷۷ که سید موسوی برای شرکت در مراسم عاشورا به لبنان آمده بود، نیروهای سازمان امنیت حزب بعث منطقه عراق چندین بار به محاصره و بازرسی منزل وی در نجف پرداختند و قصد دستگیری او را داشتند. چندی بعد به علت فشارهای مداوم پلیس عراق سید عباس موسوی به توصیه سید محمدباقر صدر به لبنان بازگشت. در سال ۱۹۷۹، حوزه علمیه بعلبک را تأسیس کرد. سپس به همراه همسرش حوزه الزهرا را برای آموزش احکام اسلامی به راه انداخت.

حزب الله لبنان

به دنبال اشغال لبنان توسط اسرائیل در سال ۱۹۸۲ سازمانی به نام بسیج عمومی مستضعفین شکل گرفت که بعدها به مقاومت اسلامی معروف شد. حزب الله در همین سال با توزیع اعلامیه‌ای به مناسبت کشتار صبرا و شتیلا و نیز یک سال بعد، به مناسبت کشته شدن راغب حرب، ضمن اعلام موجودیت، اهداف و طرح‌های خود را برای مسائل گوناگون لبنان اعلام کرد و خواستار تغییر نظام سیاسی این کشور شد.

با تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران توسط سید روح الله خمینی، سید عباس موسوی با همفکری جمعی از روحانیون شیعه و تعدادی از شاگردان خود، با جدا شدن از جنبش امل که آن روزها پس از ربوده شدن امام موسی صدر و کشته شدن مصطفی چمران



روایت مردی که همه وجودش
وقف مقاومت شد

«عباس» علمدار جبهه جنوب



رزمنده دفاع مقدس

از راست به چپ: ردیف ایستاده: شهید امیر قیاسی، علی برک، شهید محمود ملایری، ؟، ابراهیمی، ؟، ؟، ؟، شهید اصغر عسلی نژاد، شهید سید عباس موسوی، اکبر رضوانی
ردیف نشسته: پازوکی، ؟، شهید عباس فروزنده، شهید محمد اختیاری، ؟



دیدار شهید حجت الاسلام سید عباس موسوی و شهید شیخ راغب حرب با ولی امر مسلمین



حضور سید عباس موسوی در نماز جمع مجاهدان افغانستانی



سید عباس موسوی در جمع خانواده اش.

وارد جنگ داخلی با نیروهای مقاومت فلسطین شده بود، اقدام به تشکیل گروهی شبه نظامی به نام حزب الله لبنان در سال ۱۹۸۲ کرد. سید عباس در سال ۱۹۹۱ خود دبیر کلی این حزب را بر عهده گرفت.

ترور

عباس موسوی در صبح روز ۱۶ فوریه ۱۹۹۲ برای شرکت در مراسم هشتمین سالگرد کشته شدن راغب حرب به سمت روستای جبشیت سفر کرد و پس از شرکت در مراسم و سخنرانی به سمت بیروت در حرکت بود. بالگرهای رژیم صهیونیستی به کاروان خودروهای سید عباس موسوی حمله کردند و با ترور و هدف قرار دادن خودروی وی، موجب کشته شدن او و فرزند و همسرش شدند.

آثار منتشر شده درباره وی

آثار مکتوب و رسانه‌ای پرشماری درباره سید عباس موسوی تولید شده است که برخی از این آثار عبارتند از:
کتاب زندگی و مبارزات شهید سید عباس موسوی (دبیرکل حزب الله لبنان)، تألیف غلامرضا کلی زواره. متن این کتاب از اینجا این جا قابل دسترسی است.
کتاب «زُتر الحدید ۲» تألیف فاطمه مصلح زاده.
ماهنامه «شاهد یاران» ویژه شهید سید عباس موسوی با



عنوان «زیتون سرخ» به همت گروه مجلات شاهد. نسخه اینترنتی این مجله را می‌توانید از اینجا مشاهده و مطالعه کنید. مستند زندگی خوب، مرگ خوب. تولید گروه حماسه و دفاع شبکه اول تلویزیون جمهوری اسلامی ایران. این مستند را از اینجا می‌توانید تماشا کنید. مستند زیتون تلخ. این مستند را که از شبکه تهران تلویزیون جمهوری اسلامی پخش شده است می‌توانید از اینجا مشاهده کنید.

سریال الغالیون ۲؛ این سریال نخستین بار در رمضان سال ۱۳۹۲ش از شبکه المنار و با دوبله فارسی در رمضان سال ۱۳۹۳ش از شبکه آی فیلم تلویزیون جمهوری اسلامی پخش شد. این سریال را از اینجا می‌توانید مشاهده کنید.

<https://fa.wikishia.net> •

• ویکی شیعه

به دنبال اشغال لبنان توسط اسرائیل در سال ۱۹۸۲ سازمانی به نام بسیج عمومی مستضعفین شکل گرفت که بعدها به مقاومت اسلامی معروف شد. حزب الله در همین سال با توزیع اعلامیه‌ای به مناسبت کشتار صبرا و شتیلا و نیز یک سال بعد، به مناسبت کشته شدن راغب حرب، ضمن اعلام موجودیت، اهداف و طرح‌های خود را برای مسائل گوناگون لبنان اعلام کرد و خواستار تغییر نظام سیاسی این کشور شد

افطاری؛ میهمان امیرالمؤمنین هستیم



دو سینی یکی پر از غذا و دیگری پر از میوه. میوه‌ها و غذاهایی رنگارنگ و لذیذ.
سید گفت: «امیرالمؤمنین نپسندید که ما را به کمتر از این‌ها میهمان کند.
اشک هر دومان سرریز شد. مقداری از میوه‌ها و غذاها را جدا کردم تا سید برای طلاب ببرد. سید پیشانی‌ام را بوسید و گفت: خدا خیرت بده.

- منبع:
- راوی: ام یاسر؛ همسر شهید
- کتاب هم‌قسم: زندگی ام یاسر، همسر شهید سیدعباس موسوی، صفحه ۱۴۹-۱۵۱

”
سید عباس وقتی دستش تنگ می‌شد، باقیمانده پولش را می‌داد تا امور زندگی را تا سرماه مدیریت کنم. این بار هم دستش تنگ شده بود. دم غروب که آمد منزل، ته‌مانده پول را دادم به سید که مقداری سبزی، سیب‌زمینی و نان تهیه کند تا افطاری آماده کنم. نزدیک غروب بود و هوا داشت تاریک می‌شد که سید عباس وارد شد. با عجله رفتم تا وسایل را از دستش بگیرم. اما به ناگاه با داستان خالی سید روبه‌رو شدم.
در همین حال پرسیدم: بازار بسته بود؟
سید ابروانش را به علامت انکار بالا برد.
- افطار جایی دعوتیم؟
باز هم سید سرش را به نشانه انکار بالا برد.
- حتماً پول‌ها را گم کردی؟
سید پاسخ داد: نه اصلاً، آن‌ها را تبدیل به ۱۰ برابر کردم.
منظورش صدقه بود.

گفتم: در خانه هیچ چیز نداریم جز تکه‌ای نان خشک که باید با آن فتوش (نوعی غذا که با نان و پیاز و گوجه و خیار تهیه می‌کنند و روی آن سماق و آویشن می‌پاشند.) درست کنم.
سید خندید و گفت: امیرالمؤمنین ما را با فتوش و آویشن و آب میهمان کرده است. نظرت چیست؟ نمی‌خواهی امشب میهمان امیرالمؤمنین علی (ع) باشیم؟
گفتم: چه چیزی بهتر از این.
آماده کردن این غذا وقتی نمی‌خواست، در وقت اضافه هر دو مشغول دعا شدیم که ناگهان کسی در زد. سید رفت در را باز کند، اما من دلم هری ریخت. با خود گفتم نکند در این حال، نیازمندی باشد و چیزی بخواهد و یا میهمانی برای افطار آمده باشد.
در همین حال صدایی شنیدم که می‌گفت: «سید لنگه دیگر در را هم باز کن».



شهید سید عباس موسوی در کنار سردار دهقان از فرماندهان دفاع مقدس



سید حسن نصرالله در کنار شهید سید عباس موسوی





زندگی و مبارزات شهید سیدعباس موسوی

دبیر کل مقاومت

شهید «سید عباس موسوی»، روحانی زاهد، و مجاهد نستوهی بود که با سرمایه‌ای از بصیرت و معرفت در مسیر راستی و درستی گام نهاد و برای احیای ارزش‌ها و عزت شیعیان، خالصانه گام برداشت. عالمی که فضل را با فضیلت درآمیخت و بینشی عمیق در ژرفای وجودش رشد کرد که آگاهانه تمام لحظه‌های زندگی را با تعهد، هم‌دردی و گره‌گشایی از مشکلات مسلمانان همراه نمود تا آن‌که خداوند، پاداش یک عمر مجاهدت و اخلاص او را با شهادت داد و او همراه با همسر و فرزندش مهمان همیشه‌ی عرشیان و قدسیان گردید. کتاب حاضر، شرح زندگی و مبارزات این بزرگ مرد تاریخ مقاومت لبنان است که در چهار فصل به نگارش درآمده است. برای تهیه این کتاب نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.



دبیر کل مقاومت

این راه را تا آخر می‌رویم

سید حسن نصرالله درباره شهید سید عباس موسوی بنیان گذار حزب الله لبنان سخنان قابل تأملی دارد. وی در این سخنرانی که در جمع مردم ضاحیه جنوبی لبنان برگزار شده می‌گوید: رژیم صهیونیستی چه سید عباس موسوی را ترور کند یا نکند ما این راه را تا آخر می‌رویم و مبارزه با رژیم صهیونیستی راهی است که پایان ندارد. برای مشاهده ادامه این ویدئو نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.



زندگی خوب، مرگ خوب (شهید سید عباس موسوی)

روایت مجاهدت‌ها؛ فرماندهی و شجاعت سید عباس موسوی دبیر کل شهید حزب الله همگی به تفاحتا، جایی در جنوب لبنان ختم می‌شود. این فیلم اما روایت داستان زندگی خانوادگی این شهید است داستانی که با ام یاسر در نجف آغاز شد و همراه او در تفاحتا پایان یافت. در این مستند زندگی خصوصی و رفتار اجتماعی شهید سیدعباس موسوی دبیر کل حزب الله لبنان را از زبان نزدیکان و فرزندان وی روایت خواهد شد. برای مشاهده این فیلم نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.



فیلم جا مانده از لحظه شهادت سیدعباس موسوی

سیدعباس موسوی که سخنرانی در مراسم سالگرد راجع حرب به جیشیت رفته بود، در راه بازگشت خودروی حامل او مورد حمله هلی کوپترهای اشغالگران صهیونیست قرار گرفت که در نتیجه آن؛ او، فرزند و همسرش به شهادت رسیدند. برای مشاهده این فیلم نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.



خانواده ای که سه نفر آنها شهید شدند



شهید سید عباس موسوی در کنار سردار دهقان از فرماندهان دفاع مقدس



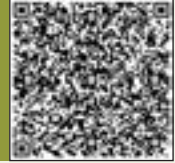
زندگی نامه شهید «راغب حرب» بنیان‌گذار حزب‌الله

شیخ مقاومت لبنان

تحصیلات

راغب از هفت سالگی وارد دبستان شد. او بسیار باهوش بود. زمانی که معلمانش از هوش و استعداد وی نزد پدر و مادرش تعریف کردند، ابوراغب بسیار خوشحال شد. مادرش زبان فرانسوی را زبان استعمار می‌دانست و این عقیده در وجود فرزندش نیز شکل گرفت. در روستای جبشیت تا مقطع دبستان وجود داشت و عالم دینی تأثیرگذاری هم نبود. با این حال حضور نیروهای نظامی سوریه که در آن جا پایگاه نظامی داشتند، فضای سیاسی خاصی ایجاد کرده بود. مادر راغب فرزندش را در ۱۰ سالگی برای ادامه تحصیل به «نبطیه» فرستاد. راغب در طول تحصیل علاقه بسیاری به بحث و گفت‌وگو در مدرسه از خود نشان می‌داد. وی که از همان دوران، نظام لبنان را قبول نداشت و پرچم این کشور را رمز سلطه فرانسه و نشان استعمار می‌دانست، در ۱۵ سالگی به تحصیل علوم دینی علاقه‌مند شد.

شهید شیخ «راغب حرب» در سال ۱۳۷۲ق در روستای جبشیت و در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمد. خانه «ابوراغب» محل رفت و آمد افراد مذهبی از جمله آیت‌الله محمد مهدی شمس‌الدین و آیت‌الله سید محمد حسین فضل‌الله بود. ابوراغب کشاورز متدینی بود که هرساله زکات محصولش را پرداخت می‌کرد و به تدین و تقوا معروف بود. «ابومالک» عموی شیخ راغب حرب، پس از استقرار در جبشیت نقش اساسی در گسترش فرهنگ اسلامی داشت. او کتاب‌های مهم اسلامی را از کویت می‌آورد و شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید را بارها مطالعه کرده بود. مادرش هم حتی قبل از تولد فرزندش علاقه داشت یکی از فرزندانش علوم دینی را فراگیرد. راغب یک سال پس از ازدواج پدر و مادرش به دنیا آمد و دوران کودکی را در زادگاهش گذراند.



دختریکی از شهدای مقاومت لبنان در حاشیه دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی پیام خانواده این شهید را به حضرت آیت الله خامنه‌ای ولی امر مسلمین رساند. دختر شهید راغب حرب ابراز داشت: آقای ما، سلامی گرم از تمامی زنان و مردان و کودکان خانواده شهید (شیخ راغب حرب) و سلام بیعت کنندگان مطیع امرتان، به شما. برای مشاهده این فیلم نمایه کیوار کد مقابل را اسکن کنید.

سفر به بیروت

راغب به شوق تحصیل دینی در سال ۱۳۸۹ق. (۱۳۴۸ش، ۱۹۶۹م) عازم بیروت و حوزه علمیه «المعهد الشرعی الاسلامی» در شرق بیروت رفت که علامه سید محمدحسین فضل‌الله مؤسس آن بود. علامه فضل‌الله پس از بازگشت از نجف، فعالیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی گسترده‌ای را در لبنان آغاز کرده بود که از جمله آن‌ها تأسیس حوزه علوم دینی «المعهد الشرعی الاسلامی» بود. وی رسائل، مکاسب و کفایه و خارج اصول و فقه را تدریس می‌کرد و بسیاری از شخصیت‌های جنبش مقاومت اسلامی لبنان تربیت شده این مدرسه هستند. راغب حرب نیز از نخستین طلاب این مدرسه بود.

در بیروت آرزوهای دینی، اجتماعی و سیاسی مهمی در روح راغب حرب شکل گرفت و برای تحقق آن‌ها به صورت هماهنگ تلاش می‌کرد. او به مسائل مسلمانان می‌اندیشید و جریان فلسطین را دنبال می‌کرد تا اینکه به ادامه تحصیل در نجف اشرف شوق پیدا کرد.

سفر به نجف

راغب در سال ۱۳۹۱ق (۱۳۵۰ش، ۱۹۷۱م) عازم نجف اشرف شد. به اجتهاد میل نداشت. علم را با عمل و خدمت به مردم می‌خواست. می‌کوشید تا درسش را به سرعت تمام کند و به جنبشیت بازگردد. او سه سال در نجف بود. تابستان سال ۱۳۹۲ق (۱۳۵۱ش، ۱۹۷۲م) در نجف اشرف با دختر عمویش ازدواج کرد و دو عالم بزرگ، سید محمدحسین فضل‌الله و محمد مهدی شمس‌الدین در مراسم عقد حاضر شدند.

راغب در نجف بر استفاده از تقویم هجری اصرار داشت، به گونه‌ای که حتی اگر از سال میلادی سؤال می‌شد، به قمری جواب می‌داد. به مراسم عاشورا توجه ویژه‌ای داشت و بارها از نجف برای زیارت امام حسین (ع) به کربلا می‌رفت و گاه این مسیر طولانی را پیاده طی می‌کرد. در سه سالی که در نجف اشرف بود، منطق، نحو، بلاغت و اصول فقه را فرا گرفت و در تابستان ۱۳۹۴ق. به لبنان بازگشت، در حال تحصیل اوایل کفایه و اواسط لمعه بود. در منطقه «سن الفیل» بیروت خانه‌ای اجاره کرد، ولی مدتی بعد دوباره به نجف برگشت، البته زیاد آنجا نماند و آن مدت را هم با فقر و سختی گذراند.

آشنایی با سید عباس موسوی

آشنایی راغب با سید عباس موسوی به روزهای اقامت وی در نجف اشرف بازمی‌گردد. آنچه موجب این دوستی در نجف و استحکام روزافزون آن شد، وحدت فکری آن دو نفر بود. وجه تمایز راغب حرب و سید عباس از دیگر عالمان، تنها به خاطر فقه یا درک خاص آنان از پدیده اشغالگری دشمن صهیونیست نبود، بلکه این دو عالم مجاهد، دانش و اندیشه خود را به مدرسه سیاری تبدیل کردند و در میان امت مسلمان به حرکت درآمدند و احکام اسلام درباره اشغالگران و اتحاد در برابر دشمنان را به مسلمانان آموزش دادند و در این مسیر مواضع دلیرانه و صریح اتخاذ کردند، در اعتقادات خود پایدار ماندند و در بسیج جوانان در راه ارزش‌ها کوشیدند.

ارتباط با امام خمینی (ره)

جناب سید علی اکبر محتشمی پور، سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در سوریه می‌گوید: «در نجف اشرف از همه کشورهای اسلامی و عربی مثل عراق، لبنان، ایران، افغانستان، هندوستان، پاکستان و حتی برخی از کشورهای آفریقایی و کشورهای جنوب خلیج فارس مثل کویت، بحرین، عربستان و دیگر کشورها طلاب زیادی مشغول تحصیل بودند و با امام رفت و آمد داشتند. منتها در میان طلاب و دانشجویان علوم اسلامی، لبنانی‌ها خیلی برجسته‌تر و شاخص‌تر از دیگران بودند. آن‌ها دارای فرهنگ غنی و پویا و خوشفکر بودند. مسائل روز را خوب درک می‌کردند. در آن زمان مرحوم شهید سید عباس موسوی در نجف اشرف تحصیل می‌کرد. البته شهید راغب حرب که شیخ مقاومت اسلامی نامیده می‌شد و به شهادت رسید، در نجف بود و برخی دیگر از چهره‌ها و شخصیت‌ها و طلاب لبنانی که در نجف اشرف زیاد بودند. آن‌ها که شاخص بودند و روحیه و فضای فکری خاص و نزدیک به حضرت امام رحمة‌الله علیه و نهضت ایشان داشتند، همان‌هایی بودند که نام بردم و رفت و آمدهایی با امام داشتند. منتها بر اساس تفکر و اندیشه حضرت امام در درس سایر مراجع از جمله شهید سید محمدباقر صدر هم شرکت می‌کردند.»

بازگشت به لبنان

راغب حرب در سال ۱۳۹۴ق بر اثر فشارهای حزب بعث عراق به لبنان بازگشت و ضمن ادامه تحصیلات حوزوی در مدرسه برج حمود، به برپایی جلسات هفتگی برای تربیت جوانان پرداخت. سال بعد، عازم روستای «الشرقیه» شد و از سال ۱۳۹۸ق (۱۳۵۷ش، ۱۹۷۸م) در زادگاه خود - جنبشیت - به عنوان روحانی محل مستقر شد.

وی عوامل انحراف و تباہی را ماد دیگری، نبود شخصیت‌های متفکر و روشن نبودن قوانین و دستاوردهای اسلام می‌دانست؛ بنابراین تصمیم گرفت ماهیت اسلام واقعی را که مطابق قرآن

در میان طلاب و دانشجویان علوم اسلامی، لبنانی‌ها خیلی برجسته‌تر و شاخص‌تر از دیگران بودند. آن‌ها دارای فرهنگ غنی و پویا و خوشفکر بودند. مسائل روز را خوب درک می‌کردند. در آن زمان مرحوم شهید سید عباس موسوی در نجف اشرف تحصیل می‌کرد. البته شهید راغب حرب که شیخ مقاومت اسلامی نامیده می‌شد و به شهادت رسید، در نجف بود و برخی دیگر از چهره‌ها و شخصیت‌ها و طلاب لبنانی که در نجف اشرف زیاد بودند





کریم است، آشکار کند و شیوه‌های تربیتی اسلامی را در پیش گیرد؛ شیوه‌هایی که توانایی خود در بنای یک شخصیت بااراده و مخالف لابی‌گری و پوچی را به اثبات رسانده بود. او مایل بود با علم به احکام شرعی انسان‌ها را هدایت کند تا در همه کارها خدا را در نظر بگیرند و در راه رضای او گام بردارند و خود را از خشم و غضب او دور نگه دارند.

◀ ارتباط با امام موسی صدر

راغب در فکر تجدید حیات اسلام و تأسیس حزبی بود که نامش را «حزب الطلیعة الثورة الاسلامیة» گذاشته بود. او همراه بعضی از دوستانش به دیدار امام موسی صدر شتافت. خود در این خصوص می‌گوید: «امام صدر به گرمی از ما استقبال کرد. دکتر چمران هم نزد او بود. هنگامی که موضوع تنظیم حرکت اسلامی پیش آمد، امام صدر پیمان میثاق را بیرون آورد و گفت این پیمان ملی حرکت محرومان است و شما جزو نخستین کسانی هستید که از آن اطلاع پیدا می‌کنید».

راغب حرب پس از قرائت متن پیمان توسط امام صدر گفت: در این اساس نامه به اسلام تصریح نشده است! امام صدر جواب داد: این میثاق ملی است. راغب گفت: «از قوم عربی یاد شده است. امام صدر پاسخ داد: ما در محیط عربی زندگی می‌کنیم، پس لازم بود به آن اشاره شود».

◀ همکاری با جنبش امل

با اعلام «حرکت المحرومین» توسط امام موسی صدر در سال ۱۳۵۴ ش. شهید راغب حرب همراه دوستان و مریدان خود همکاری با آن را در منطقه نبطیه آغاز کرد. حجت‌الاسلام سید ابوذری عاملی از هم‌زمان و همکاران شهید چمران در مؤسسه صنعتی جبل عامل در این خصوص می‌گوید: «... ما پس از تشکیل حرکت امل با شیخ راغب حرب آشنا شدیم. ایشان با ما همکاری زیادی داشت. بارها با شیخ به روستاهای منطقه نبطیه رفتیم تا جلسات هفتگی جوانان حرکت امل را اداره کنیم. شیخ راغب حرب صدای خیلی زیبایی داشت. به همین جهت در تمامی جلسات قرآن را خود تلاوت می‌کرد. این بخش از برنامه در حدود نیم ساعت طول می‌کشید. بعد از آن مسائل فرهنگی و سیاسی مطرح می‌شد...».

◀ شیخ راغب در میدان عمل

میدان عمل راغب در نبطیه جزوی از میدان عمل اسلامی او در لبنان بود. حرکت اسلامی او در بسیاری از حرکات اسلامی اثر گذاشت. نخستین اقدام راغب در جبل عامل، امر به معروف و نهی از منکر اهل شهر بود. کار اصلاح و تربیت مردم در خلال مواعظ، خطبه‌ها و دروس و در نماز جماعت، همان کاری بود که در جنبشیت انجام داده بود. مدتی در منزل خانواده همسرش ساکن بود. سپس در خانه جدش و بعدها در منزل وقفی برای عالم دینی ساکن شد. مسجد، خانه محبوب او بود. به نماز در آن اصرار می‌ورزید، تبار خود را در آن جا پیدا می‌کرد. قرآن‌های قدیمی را که اوراق آن‌ها از بین رفته بود، جمع‌آوری می‌کرد و به صحافی می‌سپرد. ابتدای امر در سخنرانی مشکل داشت، مات و مبهوت می‌شد. گاهی از روی ورق می‌خواند، ولی سرانجام بر اثر استقامت و تکرار، از خطبای نامی شد. علاقه بسیاری به قرآن کریم داشت. در ابتدای خطبه و درس، آیات قرآن را می‌خواند و تفسیر آیات را بیان می‌کرد. به کودکان و جوانان اهمیت می‌داد.

◀ برپایی نماز جمعه

اقدام دوم شیخ برپایی نماز جمعه بود. پیش از آن نماز جمعه تنها در برج البراجنه بیروت به امامت دکتر محمدصادقی تهرانی اقامه می‌شد. ابتدا از طرح نماز جمعه استقبال نشد،



راغب در فکر تجدید حیات اسلام و تأسیس حزبی بود که نامش را «حزب الطلیعة الثورة الاسلامیة» گذاشته بود. او همراه بعضی از دوستانش به دیدار امام موسی صدر شتافت. خود در این خصوص می‌گوید: «امام صدر به گرمی از ما استقبال کرد. دکتر چمران هم نزد او بود. هنگامی که موضوع تنظیم حرکت اسلامی پیش آمد، امام صدر پیمان میثاق را بیرون آورد و گفت این پیمان ملی حرکت محرومان است و شما جزو نخستین کسانی هستید که از آن اطلاع پیدا می‌کنید»



تکاپو گر دوران

ترور شیخ راغب حرب باب رویارویی با دشمن را باز کرد. مواضع وی همچنان به عنوان رویکرد اصلی مقاومت در همه مراحل است.



شیخ شهدای مقاومت اسلامی

شهید شیخ راغب حرب نقش اساسی در راه اندازی آن و استقرار هسته مقاومت اسلامی در جنوب لبنان داشت و در لحظات و مناسبت‌های مختلف آن به عنوان «شیخ شهدای مقاومت اسلامی» حضور داشت.



از چپ (نفر دوم شهید حجت الاسلام شیخ راغب حرب)



شیخ راغب حرب در جمع پیشاهنگان حزب الله لبنان، کودکان و نوجوانان



در کنفرانس تهران،
۷۹ شخصیت روحانی
و غیرروحانی از لبنان
شرکت کرده بودند.
مهم‌ترین شخصیت‌های
اصولی حاضر در
کنفرانس، علامه سید
محمدحسین فضل‌الله،
شیخ راغب حرب و شیخ
صبحی طفیلی بودند.
شرکت‌کنندگان لبنانی
خواستار کمک فوری
ایران به مردم لبنان
شدند



تمبر بزرگداشت شیخ راغب حرب منتشر شده در سال ۱۳۶۳



شیخ راغب حرب به همراه فرزندان



شیخ راغب حرب در جمع رزمندگان



مزار شهید شیخ راغب حرب در روستای جبشیت

چون بعضی از فقهای شیعه وجوب نماز جمعه را در زمان حاکم عادل (امام معصوم یا تالی تلواو در عصر غیبت) معتبر می‌دانستند. گاهی پنج یا هفت نفر برای نماز جمعه حاضر می‌شدند تا آنکه به تدریج جمعیت نمازگزاران افزایش یافت. نماز جمعه با وجود کمی علما در منطقه، فرصتی مناسب برای تجمع مؤمنان، جدای از فضیلت و ثواب آن بود. نماز جمعه ثمرات بسیاری داشت؛ از آشنایی مؤمنان با یکدیگر تا همکاری در بعد اجتماعی، مطرح شدن شئون سیاسی مختلف در منبر نماز جمعه و رشد جماعت مؤمنان و تربیت آنان در مجالس. راغب سال‌ها بعد و با اشغال جنوب لبنان توسط رژیم صهیونیستی، به اقامه نماز جمعه ادامه داد و اعتقاد داشت یکی از پیام‌های اصلی نماز جمعه این است به مسلمان بیاموزد با دشمن متجاوز همکاری نکنند و روز جمعه از مهم‌ترین روزهایی است که با بهره‌گیری از آداب آن، می‌توان جامعه را براساس اصول و معیارهای صحیح ساخت و به صفوف مسلمانان انسجام بخشید.

◀ سفر به ایران

راغب حرب در خرداد ۱۳۶۱ برای شرکت در کنفرانس نهضت‌های رهایی‌بخش عازم ایران شد. برنامه‌های این سمینار که نمایندگان بیش از ۳۵۰ هیئت نزدیک به ۱۰۰ کشور اسلامی، آسیایی و آفریقایی در آن شرکت داشتند، یک هفته به طول انجامید. این هیئت‌ها به دعوت واحد نهضت‌های آزادی‌بخش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به ایران مسافرت کرده بودند. حمله رژیم اسرائیل به لبنان با برگزاری کنفرانس همزمان بود. ارتش رژیم صهیونیستی با هدف اخراج رزمندگان فلسطینی از لبنان، روی کار آوردن رئیس جمهور مسیحی طرفدار اسرائیل و کاستن از قدرت نظامی و سیاسی سوریه در لبنان تهاجم گسترده‌ای را از زمین، هوا و دریا به این کشور آغاز و به خاطر عقب‌نشینی فلسطینی‌ها و جنبش امل تا دروازه‌های بیروت پیشروی کرد. منطقه شیعه‌نشین «ضاحیه» تنها منطقه‌ای در بیروت بود که ارتش اسرائیل نتوانست وارد آن شود و این موضوع سبب شد مجموعه‌های اسلام‌گرا بتوانند محل امنی برای حفظ اسلحه و نیروهای خود داشته باشند.

در کنفرانس تهران، ۷۹ شخصیت روحانی و غیرروحانی از لبنان شرکت کرده بودند. مهم‌ترین شخصیت‌های اصولی حاضر در کنفرانس، علامه سید محمدحسین فضل‌الله، شیخ راغب حرب و شیخ صبحی طفیلی بودند. شرکت‌کنندگان لبنانی خواستار کمک فوری ایران به مردم لبنان شدند.

◀ شروع مقاومت

شهید راغب حرب پس از کنفرانس به جنوب لبنان بازگشت تا از جریان به طور کامل مطلع شود. جماعت مسلمین و بیشتر مسلمانان به دنبال راحتی بودند. شعله مقاومت ملی لبنان را راغب حرب برای نخستین بار در جبل عامل برافروخت و مقاومت در همه مساجد و در مراسم مذهبی به خصوص در عاشورا رشد کرد. اولین گامی که راغب در جبشیت برداشت، اعلام احکام دینی در خصوص وجوب جهاد و دفاع از اسلام در مقابل دشمن بود.

با حمله رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۶۱ش (۱۹۸۲م) به لبنان و اشغال این کشور، در جنوب لبنان علمایی مانند سید عبدالمحسن فضل‌الله، شیخ راغب حرب، شیخ حسین سرور و دیگران از روستاهای خود پس از اشغال بیرون نیامدند و شیخ راغب حرب دست به انتفاضه مردمی زد.

◀ آشنایی با انقلاب اسلامی ایران

راغب حرب در همان سال، بار دیگر به ایران سفر کرد. هدف او آشنایی با انقلاب اسلامی ایران بود. او وارد شهر قم شد و چند

جیشیت از نخستین روستاهایی بود که با تعالیم وی رودرروی اسرائیل ایستاد و تمام کالاهای اسرائیلی را تحریم کرد و زن و مرد در بیرون راندن مزدوران صهیونیست کوشش فراوان کردند.

اسرائیل که متوجه شده بود پیروی کردن مردم از شیخ برای آن‌ها گران تمام می‌شود و شیخ هم رادمردی سخت و انعطاف ناپذیر است و افکارش بدون شک اهداف رژیم صهیونیستی و آمریکا در لبنان و منطقه را پایمال خواهد کرد، تلاش کرد به گونه‌ای نهضت نوپای انقلابیون لبنان را سرکوب کند، به گونه‌ای که دیگران بهراسند و از صحنه نبرد منزوی و خارج شوند.

نیروهای صهیونیستی شب جمعه ۲۸ اسفند ۱۳۶۱ (۸ مارس ۱۹۸۳ م) منزل شیخ راغب حرب امام جمعه جیشیت را با زره پوش محاصره و او را دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل کردند. پس از انتشار خبر دستگیری امام جمعه جیشیت که در عین حال عضو هیئت شرعی مجلس عالی اسلامی شیعیان لبنان بود، اهالی جیشیت پس از اعتصاب و تظاهرات در مسجد شهر تحصن کردند. پس از آن اهالی روستاهای نبطیه دست به اعتصاب زدند و مؤسسات و مدارس و مغازه‌ها تعطیل شد. با اعتصاب سراسری مردم نبطیه، نیروهای اسرائیل در جنوب لبنان به حال آماده‌باش درآمدند. اول فروردین ۱۳۶۲ مسلمانان شهر نبطیه در تظاهراتی ضمن محکوم کردن اشغال جنوب لبنان توسط صهیونیست‌ها و دستگیری شیخ راغب حرب و دیگر مردم جنوب لبنان، خواستار آزادی امام جمعه جیشیت شدند. ۲ فروردین ۱۳۶۲ (۱۱ مارس ۱۹۸۳) علمای جنوب لبنان تحصن خود را به عنوان اعتراض به دستگیری شیخ راغب حرب در حسینیه نبطیه آغاز کردند و در بیانیه‌ای خواستار آزادی امام جمعه شهر جیشیت شدند. در پی اعتصابات در نبطیه و جیشیت مردم منطقه بعلبک نیز دست به اعتصاب زدند و مغازه‌ها، مدارس و ادارات دولتی را تعطیل کردند. مردم شهرهای جنوب لبنان به خیل عظیم اعتصاب‌کنندگان پیوسته و سرانجام شیخ راغب حرب پس از ۱۷ روز اسارت عصر روز یکشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۶۲ (۲۵ مارس ۱۹۸۳) آزاد شد.

او پس از آزادی گفت: نیروهای صهیونیست چشم مرا بستند و دست بسته یک شب در شهر نبطیه نگه داشتند. آن‌ها گفتند می‌خواهند مرا به زندان انصار منتقل کنند، ولی مرا به صیدا بردند. بعد به مدرسه الشجره مرکز فرماندار نظامی اسرائیل در شهر صور بردند. آنجا بازداشت بودم تا روزی که مرا آزاد کردند. صهیونیست‌ها در بازجویی نظر مرا درباره صلح، شناسایی متقابل و مصلحت اسرائیل پرسیدند. پاسخ من این بود که هر انسان مصلحت خود و وطنش را مقدم می‌داند.

◀ آزادی شیخ راغب

شیخ راغب حرب همان روز به شهر خود رفت. در میان استقبال هزاران نفر که شعار الله اکبر سر می‌دادند، وارد جیشیت شد. عازم مسجد شد و طی سخنانی گفت:



مستند راغب حرب

مستند «راغب حرب»، روایتی است از مجاهدت‌های شیخ راغب حرب، روحانی شیعه لبنانی که به شیخ‌الشهدای مقاومت لبنان شهرت یافته است و یکی از رهبران مقاومت اسلامی در لبنان بود. برای مشاهده این مستند نمایه کی‌و‌آر کد مقابل را اسکن کنید.



نیروهای اشغالگر افزایش نقش روحانیون و اقدام آنان برای بسیج مردم علیه اسرائیل را دریافتند. از برجسته‌ترین این روحانیون، راغب حرب بود که حرکت بسیج عمومی را در جیشیت علیه رژیم صهیونیستی آغاز کرد. اشغالگران تلاش کردند بر او فشار آورند

ماه در این شهر مقدس به سر برد. وی در کنگره ائمه جمعه و جشن‌های دهه فجر سال ۱۳۶۱ شرکت و در هفته قدس برای تبلیغ انقلاب اسلامی به کشورهای عربی و آفریقایی مسافرت کرد. آیت الله حاج شیخ علی کورانی عاملی که در سفر دوم راغب حرب به ایران همسفر ایشان بود، در این خصوص می‌گوید: «من و شیخ راغب حرب در کنفرانس ائمه جمعه شرکت کردیم. شهید بزرگوار در تهران برای اهدای خون به رزمندگان اسلام به یکی از پایگاه‌های انتقال خون مراجعه کرد. آن‌گاه عازم اهواز و منطقه عملیاتی جنوب شدیم. سابقه آشنایی ما به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران برمی‌گردد. در سال ۱۳۹۸ ق (۱۳۵۷ ش، ۱۹۷۸ م) مدتی در درس تفسیر اینجانب که در منزلمان در شهر صیدا در جنوب لبنان برگزار می‌شد، شرکت کرد. ایشان از علاقه‌مندان و طرفداران انقلاب اسلامی ایران بود. پیش از پیروزی انقلاب در برگزاری نخستین تظاهرات در بیروت همزمان با روز عاشورا و در حمایت از انقلاب اسلامی با ما همکاری داشت.»

◀ دستگیری و شکنجه

نیروهای اشغالگر افزایش نقش روحانیون و اقدام آنان برای بسیج مردم علیه اسرائیل را دریافتند. از برجسته‌ترین این روحانیون، راغب حرب بود که حرکت بسیج عمومی را در جیشیت علیه رژیم صهیونیستی آغاز کرد. اشغالگران تلاش کردند بر او فشار آورند. یک افسر اسرائیلی برای گفت‌وگو با وی به خانه‌اش رفت، اما او از دست دادن با افسر خودداری کرد. راغب حرب در آن زمان جمله‌ای گفت که بعدها شهرت یافت: «مواضع ما سلاح ماست و دست دادن با دشمن به معنای به رسمیت شناختن او است.»

روایتی ویژه از رهبر معظم انقلاب درباره شهیدان حزب الله لبنان

این شهدا مخصوص لبنان نیستند



رهبر معظم انقلاب در روایتی ویژه درباره شهیدان حزب الله لبنان می‌فرماید:

این‌ها در واقع برجستگان عالم اسلامند؛ هم مرحوم سید عباس موسوی و هم مرحوم شیخ راغب حرب. این شهدا مخصوص لبنان و خانواده و محیط خودشان نیستند؛ علت هم این است که این‌ها در خط مقدم دنیای اسلام، در مقابل کفر و استکبار قرار گرفتند. در واقع الان خطرناک‌ترین خطوط مقدم مبارزه با استکبار در لبنان با صهیونیست‌ها مواجه است و صهیونیست‌ها اگرچه خودشان زمره معدود و کوچک و حقیری هستند، اما به کمک‌های بی‌دریغ استکبار و آمریکا و بقیه کسانی که در دنیا اهداف استکباری دارند، مستظرفند. لذا کسانی که در آن جا مبارزه می‌کنند، در واقع در خط مقدم مبارزه با دنیای کفر و استکبار دارند مقابله می‌کنند؛ و این دو شهید عزیز و بقیه شهدای لبنان از این قبیل بودند. خداوند ان شاء الله درجات آن‌ها را متعالی کند. ۷۵/۱۱/۲۹

«من بسیار خوشحالم که با شما ملاقات می‌کنم... بهترین جمله‌ای که می‌توانم در اینجا بر زبان آورم کلمه «لا اله الا الله» است، همچنان که مسلمانان هنگام پیروزی و ورود مکه آن را بر زبان آوردند.»

◀ شرکت در کنفرانس جنایات صدام

شهید راغب حرب آخرین بار اواخر سال ۱۳۶۲ش برای شرکت در کنفرانس جنایات صدام که از سوی مجلس اعلای شیعیان عراق در تهران برگزار شد، به ایران سفر و سخنرانی کرد که فرازی از آن چنین است: «... شاید برخی از کسانی که در این جا گرد آمده‌اند فقط از طریق مطبوعات با جنایات صدام آشنایی مختصری پیدا کرده باشند، لیکن ما خود گرفتار جنایات صدام بوده‌ایم. جنایات صدام منحصر به مردم عراق نیست و شامل حال همه مسلمین جهان است و من هر وقت درباره شهر نجف اشرف می‌اندیشم، سابقه تاریخی آن در ذهنم مجسم می‌شود. نجف اشرف شهری که گهواره علم و مرکز تجمع طلاب علوم و پرچمداران هدایت بوده در محاصره نیروهای صدام قرار گرفته و تعداد قابل ملاحظه‌ای از علمای این شهر به شهادت رسیدند و برخی دیگر پیوسته تحت تعقیب هستند. ما هر کجای دنیا قرار گرفته باشیم، همواره اخبار جنایات صدام در حق ملت مسلمان عراق را دریافت می‌کنیم...».

◀ شهادت

راغب حرب پس از بازگشت به لبنان به منطقه جنوب رفت و کار خود را دنبال کرد. رژیم اسرائیل که تمام نقشه‌های شوم خود را بر باد رفته می‌دید، دست به جنایتی هولناک‌تر زد. نیمه شب جمعه ۲۸ بهمن ۱۳۶۲ (۱۶ فوریه ۱۹۸۴) در حالی که شیخ راغب حرب پس از ادا نماز و سخنرانی در مسجد جیشیت به خانه‌اش می‌رفت، نیروهای اشغالگر قدس سر راه ایشان کمین کردند و با رگبار مسلسل او را به شهادت رساندند. دو مرد دیگر نیز که همراه وی بودند به شدت مجروح شدند. به گفته خبرنگاران شیخ راغب حرب پیش از مرگ فریاد زد: الله اکبر آن‌ها مرا کشتند.

پس از این حادثه جوانان جیشیت جنازه شیخ را به دوش گرفتند و در خیابان‌های شهرک به راه افتادند که ناگهان با آتش نیروهای امنیتی اسرائیلی رو به رو و پنج نفر زخمی شدند. رادیو

فالانژها نیز گزارش داد: نیروهای اسرائیلی پس از این حادثه جیشیت را محاصره کردند. رژیم صهیونیستی فکر می‌کرد با کشتن شیخ راغب حرب و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم مظلوم لبنان می‌تواند جلو گسترش انقلاب اسلامی را بگیرد، ولی چنین نشد. شهید راغب حرب را در زادگاهش جیشیت به خاک سپردند. از این شهید بزرگوار هفت فرزند (پنج دختر و دو پسر) به یادگار مانده است.

◀ شهید راغب حرب در کلام امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (قدس سره) در تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۶۷، به مناسبت شهادت علامه سید عارف حسین حسینی رهبر شیعیان پاکستان پیامی خطاب به ملت مسلمان پاکستان و علمای اسلام ارسال داشتند. فرازی از این پیام مبارک به عنوان حسن ختام زندگی نامه شهید راغب حرب درج می‌شود: «... تا به حال یک آخوند درباری یا یک روحانی وهابی را ندیده‌ایم که در برابر ظلم و شرک و کفر، به خصوص در مقابل شوروی متجاوز و آمریکای جهانخوار ایستاده باشد. همان گونه که یک روحانی وارسته عاشق خدمت به خدا و خلق خدا را ندیده‌ایم که برای یاری پابرهنگان زمین لحظه‌ای آرام و قرار داشته باشد و تا سرمنزل جانان علیه کفر و شرک مبارزه نکرده باشد و عارف حسینی این گونه بود و ملت‌های اسلامی حتماً دلیل این واقعه را دریافته‌اند که چرا در ایران مطهری‌ها و بهشتی‌ها و شهدای محراب و سایر روحانیون عزیز و در عراق صدرها و حکیم‌ها و در لبنان راغب حرب‌ها و کریم‌ها و در پاکستان عارف حسینی‌ها و در تمامی کشورها روحانیون دردآشنای اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هدف توطئه و ترور می‌شوند...».

• منابع:

- فرهیختگان تمدن شیعه، برگرفته از مقاله «شیخ راغب حرب» ۱۳۹۶۸۹۷
- ویکی فقه ۲۰۱۴۵۰
- اعلام الحربی للمقاوه الاسلامیه ۲۵۹۸۶
- جماران ۱۲۰۲۳

در کنفرانس تهران،
۷۹ شخصیت روحانی
و غیرروحانی از لبنان
شرکت کرده بودند.
مهم‌ترین شخصیت‌های
اصولی حاضر در
کنفرانس، علامه سید
محمد حسین فضل‌الله،
شیخ راغب حرب و شیخ
صبحی طفیلی بودند.
شرکت‌کنندگان لبنانی
خواستار کمک فوری
ایران به مردم لبنان
شدند

ماجرای زندگی احمد قصیر
مجاهدی که صهیونیست‌ها را گرفتار کرد

شهید فاتح

شهید احمد قصیر سال ۱۳۴۳

شمسی -۱۹۶۴ میلادی- در
روستای «دیرقانون النهر»

از توابع شهر صور لبنان به دنیا آمد و با
انجام موفق‌ترین عملیات شهادت‌طلبانه
تاریخ مبارزه با رژیم صهیونیستی
نام خود را جاودانه کرد. «احمد
جعفر قصیر» در یک خانواده
مذهبی به دنیا آمد، از همان
ابتدای کودکی کشش زیادی
به مسائل مذهبی داشت،
احمد به همراه خانواده در
سه‌سالگی به عربستان و
لیبی مهاجرت کرد. شغل
پدرش میوه‌فروشی بود و
خودش نیز در این کار به پدر
کمک می‌کرد. شهید قصیر
در نوجوانی برای کار به حجاز
عربستان رفت و در کار خرید و
فروش لوازم بهداشتی فعالیت
می‌کرد.

عضویت در حزب الله لبنان

حزب‌الله لبنان در آن سال‌ها در ابتدای تأسیس و شکل‌گیری قرار
داشت و نظام عضوگیری مشخصی برای آن تعریف نشده بود، شهید
احمد قصیر شخصاً عضو حزب‌الله نبود و به واسطه یکی از دوستانش
به رهبران حزب‌الله معرفی شد. او پس از عضو شدن در حزب‌الله
لبنان و در عملیاتی استشهادی با خودرو پژو ۵۰۴ سفیدرنگ پر شده
از مواد منفجره به یکی از ساختمان‌های ارتش اشغالگر قدس حمله
کرد. این عملیات در پی حمله رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان
طی جنگ ۱۹۸۲ لبنان و در ۲۰ آبان ۱۳۶۱ (یازدهم نوامبر ۱۹۸۲) صورت
گرفت. در این عملیات استشهادی ۷۱ افسر و سرباز اسرائیلی و مأمور
شاباک به همراه ۱۴ تا ۲۷ زندانی فلسطینی و لبنانی که در ساختمان
نگهداری می‌شدند، به هلاکت رسیدند. همچنین ۲۷ اسرائیلی دیگر
در این حمله مجروح شدند. روز این عملیات، از سوی سید حسن
نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان روز «شهید» نام‌گذاری شده‌است
و به شهید احمد القصیر که تنها ۱۹ سال داشت نیز لقب «امیر
الاستشهادیون» (امیر شهادت‌طلبان) داده شده‌است. دو سال بعد،
برادر او (حسن قصیر) نیز در یک عملیات استشهادی دیگر موجب
به درک واصل شدن تعدادی از پرسنل نظامی صهیونیست شد.
خیابان بخارست تهران در نزدیکی میدان آرژانتین را به نام او تغییر
نام داده‌اند و حالا یادمان آن شهید بزرگوار است.

اهمیت عملیات احمد قصیر از زبان سید حسن نصرالله

دبیرکل حزب‌الله لبنان در یکی از سخنرانی‌های خود در سال ۲۰۱۳
عملیات «احمد قصیر» را آغاز پیروزی مقاومت اسلامی برشمرد
و گفت: «این عملیات، اشغالگران رژیم صهیونیستی را روی ریل
شکست قرار داد. ما به این عملیات به عنوان نقطه عطفی نگاه
می‌کنیم که آغازگر عملیات استشهادی و اقدامات نظامی حزب
الله لبنان بوده است». سید حسن نصرالله با اشاره به اینکه این
عملیات سنگین‌ترین تلفات را از زمان تشکیل رژیم صهیونیستی
در یک عملیات واحد به جا گذاشت، گفت: «همه ما به یاد
داریم «آریل شارون» هنگامی که وزیر جنگ رژیم صهیونیستی
بود، چگونه با افسران بلندپایه خود روی تپه‌ها ظاهر شد، در
حالی که چهره‌ای غمگین داشت و از ناامیدی خود سخن به
میان آورد. او همان کسی است که باور داشت با ورود به لبنان،
این کشور را تا ابد جزئی از منظومه اسرائیل کرده است.»
دبیرکل حزب‌الله لبنان خاطرنشان کرد: «پس از عملیات
احمد قصیر شمار بسیاری از اقدامات شهادت‌طلبانه از سوی
حزب‌الله، جنبش امل و سایر گروه‌های مقاومت اسلامی انجام
شد که خسارت‌های سنگینی را به دشمن اسرائیلی وارد کردند».



مرد و مرادی که همه شهید شدند

شهید احمد قصیر در کنار شهید رضا حریری و شهید یوسف
حریری. وی قبل از شهادت اعلام کرده بود که الگوی من شهید
حسین فهمیده است.



عملیات بزرگ

ساختمان نیروهای رژیم صهیونیستی که شهید قصیر با ماشین
خود وارد آن شد و عملیات استشهادی خود را انجام داد. در جریان
این عملیات رژیم صهیونیستی به واسطه ضربه سنگینی که از حزب
الله خورده بود، ۷ روز عزای عمومی اعلام کرد.



◀ شرط انجام عملیات

در مذاکره شهید احمد قصیر با رهبران حزب الله یک موضوع مبهم شکل گرفت؛ احمد با وجود اشتیاق بسیار برای انجام عملیات، شرطی را مطرح کرد که تا زمان انجام عملیات کسی متوجه معنی آن نشد. او شرط کرد زمان عملیات را خودش مشخص می کند.

◀ صبر یا ترس

با گذشت اندک زمانی خودرو احمد آماده انجام عملیات شد، نقطه انجام عملیات نیز توسط حزب الله مشخص شده بود. یک ساختمان هشت طبقه که مقر نیروهای صهیونیست بود. اما احمد انجام عملیات را به فردا موکول کرد، فردا نیز به فردایش! درحالی که سه روز از آماده شدن خودرو گذشته بود، برخی از رهبران حزب الله احتمال دادند او از انجام عملیات منصرف شده است. دوستی که واسطه او و رهبران حزب الله شده بود، تصمیم گرفت خود را جایگزین احمد بکند، به محض آنکه به احمد گفت می خواهد به جای او عملیات را انجام بدهد، احمد با ناراحتی بسیار مالکیت ماشین را بهانه کرد و گفت اگر این کار را بکنی دین من برگردنت است. کسی تا آخرین لحظات خبر نداشت اتصال معنوی احمد با عالم غیب سبب می شد که هر روز استخاره اش برای انجام عملیات بد بیاید.

◀ حکمت ماجرا چه بود؟

در نیمه شب یازدهم نوامبر ۱۹۸۳ استخاره احمد برای انجام عملیات شهادت طلبانه خوب می آید، در آن لحظه باران آرامی شروع به باریدن می کند، هر چه به لحظه عملیات نزدیک تر می شد باران شدت می گرفت، ذقایق آخر که احمد با خودرویش به ساختمان مقر نظامیان صهیونیست نزدیک می شد باران دیگر سیل آسا شده بود. به علت باران سیل آسا تمام نیروهای صهیونیست به داخل ساختمان رفتند، احمد قصیر با سرعت خودرو را به در ورودی ساختمان می کوبد و به اذن خداوند خودرو پیش از انفجار چند متر وارد ساختمان می شود.

◀ عملیات ویژه ای که به قتل ده ها نظامی صهیونیست منجر شد

اما از جمله مهم ترین اقدامات مقاومت اسلامی لبنان را می توان عملیات شهادت طلبانه احمد قصیر در تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۸۲ برشمرد که در لبنان به روز «شهید» معروف است. احمد قصیر، جوان ۱۹ ساله لبنانی به واسطه انفجار یک ماشین بمب گذاری شده توانست ساختمان حاکم نظامی اسرائیل در صور لبنان را به طور کامل منهدم کند. در این ساختمان هشت طبقه شمار بسیاری از نیروهای اطلاعاتی و نظامی رژیم صهیونیستی استقرار داشتند که به واسطه این عملیات ویژه بیش از ۷۴ افسر و سرباز اسرائیلی از جمله حاکم نظامی رژیم صهیونیستی در بیروت به هلاکت رسیدند. با وجود این، رسانه های اسرائیلی پس از چند روز شمار کشته شدگان را ۱۴۱ نفر معرفی کرده و گزارش دادند ۱۰ نفر مفقود شده اند. عملیات شهید احمد قصیر سبب شد سران رژیم صهیونیستی هفت روز عزای عمومی در سرزمین های اشغالی اعلام کنند.

این عملیات حزب الله لبنان زلزله ای سیاسی و اجتماعی را در رژیم صهیونیستی به راه انداخت. در روزهای اولیه هیچ یک از ارکان رژیم صهیونیستی نمی خواستند باور کنند این عملیات توسط مقاومت لبنان صورت پذیرفته است، به نحوی که در میان ناظران و تحلیلگران و حتی مقامات اسرائیلی این گمان می رفت که این انفجار ناشی از یک سانحه بوده باشد.

نام احمد قصیر اما بنا به دلایل امنیتی تا سال ۱۹۸۵ از سوی حزب الله لبنان مخفی مانده بود تا اینکه سید حسن نصرالله در مراسم بزرگداشتی که در سالگرد این عملیات که پس از آزادی صور لبنان در شهرک «دیر قانون النهر» محل تولد این شهید برگزار شد، هویت این مجاهد لبنانی را فاش کرد.

• منابع:

- مشرق نیوز ۲۲۴۳۸
- مجله نور گرام ۲۲۳۶۹
- مقاومت اعلام الحری ۲۰۰۴۸۹۶

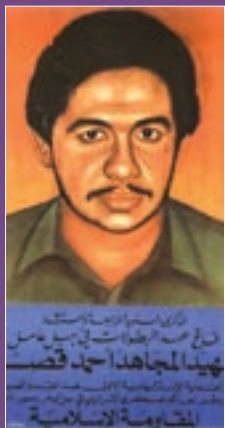


الاستشهادی احمد جعفر قصیر

وقتی صهیونیست ها خودشان را به ساختمان می رساندند تا از باران در امان بمانند، یک پژوی سفید رنگ هم به سمت آنها در حرکت بود. برای مشاهده مستند زندگی و حیات شهادت طلبانه شهید احمد قصیر، نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.

نقش شهید احمد قصیر در محور مقاومت چه بود؟

گفتگوی عزیزاده (رادیو جدال) با علی عبدی (کارشناسی مسائل فلسطین) با طرح این سؤال که نقش سید حسن نصرالله، حاج قاسم، عماد مغنیه، مصطفی بدرالدین و احمد قصیر در محور مقاومت چه بود؟ آیا اینها نابغه بودند و چگونه متیر داگان (رئیس سابق موساد) از حزب الله لبنان شکست خورد؟ برای مشاهده این فیلم نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.



پوستر شهید احمد قصیر



کودکی شهید احمد قصیر



شهید احمد قصیر پیش از عملیات استشهادی

احمد قصیر در روز ۲۰ آبان ۱۳۶۱ شمسی با خودروی خود که پراز مواز منفجره بود به یکی از ساختمان های نظامی ارتش رژیم صهیونیستی حمله کرد. ۱۴۱ افسر و سرباز اسرائیلی در این حمله کشته و ده ها نفر دیگر مجروح یا مفقود شدند.

زندگی و شهادت سید محمدهادی نصرالله
فرزند دبیر کل مقاومت لبنان

تازه داماد حزب الله

سید هادی نصرالله در دوران آموزش
رزم مقدماتی در اردوگاه های تمرینی
حزب الله لبنان



روز دوازدهم سپتامبر سال ۱۹۹۷ سه تن از رزمندگان حزب الله در حمله به یکی از مواضع ارتش اسرائیل در نزدیکی پایگاه صهیونیست ها در جنوب لبنان به شهادت رسیده و پیکر آنان به دست نیروهای اسرائیلی افتاد و به سرعت مشخص شد که یکی از این سه تن، هادی، فرزند سیدحسین نصرالله است. سحرگاه سرد روز چهارشنبه نوزدهم ژانویه سال ۱۹۷۹ در روستای بازوریه، پدر، اولین فرزند خود را گرم در آغوش می گیرد و در گوش او اذان اقامه می کند: «حی علی الفلاح، حی علی خیر العمل». از بدن نوزاد، شبنم می تراود و بوی عطراگین او با نسیم سحر درهم می آمیزد و در بلندترین قله «جبل الرفیع» مسکن می گزیند. این رایحه بهشتی، روح «سید محمدهادی نصرالله» است که ۱۷ سال بعد به آسمان هفتم عروج می کند.

زندگی نامه مردی که از ابتدا فروتن بود

از آغازین روزهای کودکی، نشانه های نبوغ، تیزهوشی، ثبات شخصیت، خوشرویی، مهربانی، خدمتگزاری و فروتنی در سیمای محمدهادی هویدا بود. او همواره برای برادرانش محمد جواد و محمد علی و یگانه خواهرش زینب، برادری مهربان و دوستی وفادار بود. محمدهادی در سن چهارسالگی وارد مدرسه «الناصر» و سپس مدرسه «الرسول الاعظم (ص)» در شهر بعلبک در منطقه بقاع شد. پس از انتقال خانواده به بیروت، سید هادی تحصیلات خود را در مجتمع آموزشی «المصطفی» ادامه داد. این مجتمع بزرگ آموزشی زیر نظر حزب الله اداره می شود.



ورود به حزب الله مثل بقیه مردم

در سال سوم متوسطه و در حالی که بیش از ۱۵ سال نداشت، با موافقت پدر، به طور موقت ترک تحصیل کرد تا به صفوف رزمندگان مقاومت اسلامی بپیوندد. حضور در صفوف مقاومت و عضویت در تشکیلات حزب الله مستلزم طی مراحل شدید گزینش امنیتی بود که این کار در مورد افرادی مانند هادی نصرالله (پسر سید حسن نصرالله) در زمان ورودش به حزب الله نیز انجام شد. مسئولان حفاظت اطلاعات حزب الله او را خواستند و در مورد او تحقیق کردند. او با لیخند پاسخ داد: «من پسر سید حسن نصرالله هستم.» در جوابش گفته شد: «مهم نیست. اطلاعات شخصی ات را بنویس.» هادی نصرالله پیش پدر خود می رود و به او می گوید: «پدر شما دستور دادید که من را اذیت نکنند و اجازه ورود به گروه را به من ندهند.» سید حسن نصرالله در پاسخ گفت: «سیستم مقاومت این گونه است باید جوابگو باشید.» و به این ترتیب سید هادی نصرالله مجبور شده بود ۱۴ صفحه در مورد خود بنویسد.

جهاد در میدان رزم و ازدواج

حضور در صفوف مقاومت و میدان های رزم، همه توجه و تلاش محمد هادی را به خود معطوف کرده بود و بسیاری از روزهای عمر خود را در جبهه های جهاد و قهرمانی سپری کرد و با ارتفاعات «جبل صافی» و «اللوئزه» و «ملیتا» انس گرفت. هرگاه به شهر و خانه باز می گشت، بیش از دو یا سه روز در خانه نمی ماند؛ زیرا تاب دوری از دوستان هم رزم خود را نداشت و دوری از آن ها را با راز و نیاز با پروردگار و دعا و تلاوت قرآن جبران می کرد. محمد هادی در روز چهارم آوریل سال ۱۹۹۷ با دختر شیخ علی خاتون، پیمان زناشویی بست. او در دوران نامزدی تلاش کرد از همسرش بانویی نمونه بسازد. سید محمد هادی نصرالله که یکی از رزمندگان مقاومت اسلامی بود و هر لحظه امکان داشت به فیض شهادت نایل شود، کوشید همسرش را برای چنین روزی آماده کند و سرانجام تلاش های او به ثمر رسید.

آخرین وداع

آخرین خداحافظی هادی با خداحافظی های پیشین متفاوت بود. مادر می گوید: «هادی در آخرین خداحافظی بسیار آرام بود و لبخندی پنهان در چهره اش دیده می شد، انگار می خواست چیزی را از من پنهان کند. هنگامی که به من اطلاع دادند هادی همراه سه رزمنده دیگر مفقود شده اند، تسلیم اراده خدا شدم. به خدا توکل و همه چیز را به او واگذار کردم.» او در واکنش به اسارت پیکر فرزندش توسط نظامیان صهیونیست می گوید: «این پیکر هم مانند اجساد

حضور در صفوف مقاومت و میدان های رزم، همه توجه و تلاش محمد هادی را به خود معطوف کرده بود و بسیاری از روزهای عمر خود را در جبهه های جهاد و قهرمانی سپری کرد و با ارتفاعات «جبل صافی» و «اللوئزه» و «ملیتا» انس گرفت



دیدار به قیامت...

سید حسن نصرالله در حال وداع با پیکر فرزندش سید هادی یک سال پس از شهادت وی و بازگشت پیکرش به خانه. سید حسن نصرالله می گفت: دوست داشتم فرزندم طلبه بشود.



خانواده ی مقاومت

سید حسن نصرالله و پسر دوشم جواد، در کنار پیکر سید هادی نصرالله. دبیر کل حزب الله لبنان، دارای ۵ فرزند است به قرار «هادی، محمد جواد، زینب، محمد علی و محمد مهدی». فرزند ارشد سید حسن، یعنی سید هادی نصرالله، قبل از آن که صاحب فرزندی شود، در نبرد رودر رو با ارتش صهیونیستی شربت شهادت نوشید.



نماز پدر بر پیکر فرزند

نماز سید حسن نصرالله بر پیکر شهید سید هادی نصرالله. دبیر کل حزب الله لبنان در خصوص شهادت پسرش در خط مقدم جهاد می گوید: هادی هم در مقاومت بود و در خطوط مقدم خدمت می کرد و چون شهید شد همه فهمیدند که در خط اول نبرد با دشمن بوده است. این را با تاکید عرض می کنم که بچه های فرماندهان و سران حزب الله در طول سال های مقاومت و جنگ اخیر همگی در خطوط مقدم بوده اند. چیزی که رخ داده مخصوص شخص من و پسر پندیده نیست که در خطوط مقدم باشد و شهید شود.

واکنش سید حسن نصرالله به شهادت فرزندش

در این ویدیو واکنش دبیر کل حزب الله لبنان به شهادت فرزندش به دست صهیونیست ها را مشاهده می کنید. سید حسن نصرالله می گوید: در ابتدا بچه های مقاومت به من نگفتند که فرزند من در مبارزات جبل رفیع به شهادت رسیده است... برای مشاهده این فیلم نمایه کیو ار کد مقابل را اسکن کنید.





نصرالله: کوه صبر

سید هادی نصرالله طی عملیاتی محرمانه در سرزمین های اشغالی به شهادت رسید. خویشتنداری و طمأنینه دبیرکل حزب الله در این صحنه غم انگیز، ستودنی است. برای مشاهده این کلیپ کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.



در تاریخ لبنان، چه در زمان جنگ داخلی و چه در مقابله با تجاوز نظامی اسرائیل، هیچ گاه دیده نشد فرزند یکی از رهبران گروه های سیاسی و یا شبه نظامیان در راه مبارزه کشته شده باشد. این واقعه، موجی از احساسات جوشان همدردی، احترام و شیفتگی را نسبت به دبیرکل حزب الله در میان همه طوائف مذهبی لبنان در پی داشت، به گونه ای که همه آحاد ملت لبنان از هر دین و مذهبی، تحت تأثیر شدید این واقعه قرار گرفتند

سایر شهیدان مقاومت است، تفاوتی میان آنان نیست. من نیز مادری چون مادر سایر شهیدان هستم. در اخبار شنیده ام که دشمن پیشنهاد مبادله پیکر فرزندم با اجساد نظامیان صهیونیست را کرده که در جریان عملیات ناکام انصراریه در لبنان مانده اند. او کورخوانده است و باید پیکر همه شهیدان را بدهد و اسیران را آزاد کند. تنها یک پیکر را قبول نداریم و تسلیم پیشنهادهای وقیحانه اشغالگران نمی شویم».

ماجرای شهادت

روز دوازدهم سپتامبر سال ۱۹۹۷ سه تن از رزمندگان حزب الله در حمله به یکی از مواضع ارتش اسرائیل در نزدیکی پایگاه صهیونیست ها در محور «سجد» در «جبل الرفیع» در منطقه اشغالی «اقلیم التفاح» در جنوب لبنان به شهادت رسیده و پیکر آنان به دست نیروهای اسرائیلی افتاد. تلویزیون اسرائیل بدون اطلاع از هویت این سه نفر، تصویر خون آلود آنان را به نمایش گذاشت، به سرعت مشخص شد یکی از این سه تن، سید هادی، فرزند سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله است. انتشار این خبر همانند بمبی در جامعه لبنان صدا کرد و تحول بسیار مهمی در پی داشت.

شهیدی که مردم را متحد کرد

در تاریخ لبنان، چه در زمان جنگ داخلی و چه در مقابله با تجاوز نظامی اسرائیل، هیچ گاه دیده نشد فرزند یکی از رهبران گروه های سیاسی و یا شبه نظامیان در راه مبارزه کشته شده باشد. این واقعه، موجی از احساسات جوشان



همدردی، احترام و شیفتگی را نسبت به دبیرکل حزب الله در میان همه طوائف مذهبی لبنان در پی داشت، به گونه ای که همه آحاد ملت لبنان از هر دین و مذهبی، تحت تأثیر شدید این واقعه قرار گرفتند. رهبران سیاسی لبنان نیز یکی پس از دیگری به دیدار سید حسن نصرالله رفته و ضمن گفتن تبریک و تسلیت به مناسبت شهادت سید هادی نسبت به شخصیت مبارز و صادق دبیرکل حزب الله، مراتب قدردانی و احترام خود را ابراز داشتند. این ابراز همدردی و احترام منحصر به لبنان نبود و افرادی چون امیر عبدالله، ولیعهد عربستان نیز برای نخستین بار در تاریخ حزب الله، با ارسال پیام تسلیت برای دبیرکل حزب الله، حمایت خود را از مقاومت اسلامی اعلام کرد.

بازگشت پیکر...

شنبه شب مورخ ۲۷ ژوئن سال ۱۹۹۸، سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان در دفتر کارش، منتظر ورود کاروان پیکرهای شهدای لبنانی بود که در پی مذاکرات غیرمستقیم و موفقیت آمیز میان حزب الله و اسرائیل، به میهن باز می گشتند. پیکرها کفن پوش و در پرچم سرخ رنگ لبنان پیچیده شده بودند. آقای دبیرکل چهره آرام رهبر ۴۰ ساله ای را داشت که ظاهری ساده و آراسته و محاسن سیاه و انبوهش که مرزی میان عمامه سیاه و محاسن او دیده نمی شد، چشم همگان را خیره می کرد. او منتظر رسیدن پیکر فرزند خود، سید هادی بود که یک سال قبل در نبرد با صهیونیست ها در منطقه اشغالی «سجد» در نوار امنیتی جنوب لبنان به شهادت رسیده بود. درک احساس سید حسن نصرالله درباره بازگشت پیکر فرزندش چندان دشوار نبود، اما سخن درباره تحصیلات، نوجوانی، همسالان، داوطلب شدن سید هادی برای حضور در میدان رزم، آخرین ملاقات او با پدر و واکنش مادر داغ دیده، بسیار دشوار بود.

شهید، الگو، اسوه و مایه عزت و سربلندی امت است

در میان سخنان سید حسن، این نکته توجه همه را جلب کرد. او گفت خبر شهادت فرزندش سید هادی و سه نفر از همرزمان او را روز جمعه ای به او اطلاع دادند که فردای آن روز قرار بود مراسم پرشوری با حضور توده مردم به منظور همبستگی با مقاومت برگزار شود. سید حسن نصرالله گفته بود: «سعی کردم با لغو مجلس عزاداری، برنامه مراسم را تغییر دهم تا برخی از افراد تصور نکنند به خاطر هادی و همرزمان او ترتیب داده شده است. این شیوه مناسبی برای استقبال از پیکرهای شهدا نیست. بر شهید نباید گریست. شهید الگو، اسوه و مایه عزت و سربلندی امت است. طبق برنامه قرار بود که بعد از مراسم عزاداری سخنرانی کنم. هنگامی که پشت تریبون قرار گرفتم با ده ها دوربین تلویزیونی با نورافکن های قوی روبه رو شدم. گرما فوق العاده طاقت فرسا بود. به ویژه اینکه نورافکن ها حرارت زیادی تولید می کردند و به چشم انسان آسیب می رساندند به خصوص برای کسانی مثل من



سید حسن نصرالله نیز با یکایک پیکرهای شهدا خداحافظی کرد تا به پیکر فرزند خود سید هادی نزدیک شد و در گوش عزیزش کلماتی را زمزمه کرد. سپس بر پیکر همه شهدا نماز اقامه و با همه آنان خداحافظی کرد و مانند سایر خانواده‌های شهدا به سراغ کار خود رفت، با این تفاوت که او رهبر و مسئول کاروانیان آزادسازی لبنان است. برای تشییع تازه داماد، پرچم‌های زرد رنگ حزب‌الله و پلاکاردهای تبریک و تسلیت شهادت بردر و دیوار ورودی حسینیه حضرت زینب(س) آویخته شده بود

که از عینک استفاده می‌کنند، خیلی دشوار است. سخنرانی را مثل همیشه شروع کردم و لحظاتی بعد احساس کردم چیزی را نمی‌بینم. از شدت گرما، عرق از سر و صورتم سرازیر شده و شیشه‌های عینکم را پوشانده بود. خواستم دستم را دراز کنم و از روی میز تریبون دستمال کاغذی بردارم و عرق روی چشم و صورتم و دست کم شیشه‌های عینکم را تمیز کنم. اما در یک لحظه به فکر رسید که برخی از دوربین‌های تلویزیونی ممکن است برنامه تولیدی خود را به اسرائیل بفروشد و همه گمان کنند که من برای فرزندم گریه و اشک‌هایم را پاک می‌کنم، بنابراین ترجیح دادم صورتم خیس بماند، ولی به دست دشمن بهانه ندهم که بگوید پدر داغ‌دیده، پشت تریبون ایستاده بود و برای جوان ارشد خود گریه می‌کرد و در عین حال دیگران را به شهادت در راه خدا فرا می‌خواند. من یکی از خانواده‌های شهدا بیش نیستم». پیکر ۴۰ شهید را زیر یکی از سوله‌های فرودگاه بین‌المللی بیروت، کنار یکدیگر چیده بودند.

◀ وداع با تازه داماد حزب‌الله

دسته موزیک گارد ریاست جمهوری برای نواختن مارش عزا وارد فرودگاه شد تا به شهدای راه آزادی میهن اداي احترام کند. سید حسن نصرالله نیز با یکایک پیکرهای شهدا خداحافظی کرد تا به پیکر فرزند خود سید هادی نزدیک شد و در گوش عزیزش کلماتی را زمزمه کرد. سپس بر پیکر همه شهدا نماز اقامه و با همه آنان خداحافظی کرد و مانند سایر خانواده‌های شهدا به سراغ کار خود رفت، با این تفاوت که او رهبر و مسئول کاروانیان آزادسازی لبنان است. برای تشییع تازه داماد، پرچم‌های زرد رنگ حزب‌الله و پلاکاردهای تبریک و تسلیت شهادت بردر و دیوار ورودی حسینیه حضرت زینب(س) آویخته شده بود. مادر و بازماندگان شهید آرزو داشتند مراسم عروسی سید هادی را در این حسینیه برگزار کنند و به زودی از آنجا به خانه زناشویی برود.

◀ مجلس عروسی که صحنه وداع بود

در جایگاهی در صدر مجلس، دسته گل بزرگی به چشم می‌خورد و عکس شهید، میان گل‌ها قرار داده شده بود. قاریان به ترتیب، آیه‌های قرآن را تلاوت می‌کردند. دختران نیز داوطلبانه شیرینی و حلوا میان عزاداران توزیع می‌کردند. پلاکاردهای تبریک شهادت سید هادی نصرالله به امام زمان(عج) و امام خمینی(ره) و سید حسن نصرالله، دیوار حسینیه را پوشانده و روی یکی از این پلاکاردها نوشته شده بود وعده پیروزی ما بر اسرائیل، در کنار گذرگاه‌های مرزی فلسطین اشغالی است. در صدر مجلس مادر شهید و در سمت راست او، نامزد شهید، دوشیزه بتول شیخ علی خاتون و نزدیک او زینب نصرالله خواهر ۱۲ ساله شهید و در سمت چپ فاطمه یاسین، مادر بزرگ‌های پدری و مادری شهید نشست‌اند. «خدا به شما پاداش نیک بدهد» و «شهادت بر شما مبارک باشد» از



آن خداحافظی که بوی شهادت می‌داد

سیده زینب و سید جواد نصرالله از آخرین وداع شهید سید هادی نصرالله، روایت می‌کنند و می‌گویند: وداع شهید سید هادی با مادرمان شاید کمی متفاوت بود. برای مشاهده این فیلم نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.





مجلس ازدواج سید هادی نصرالله- وی در کنار پدر خویش ایستاد و دستمزد این روحیه بزرگ او شهادتی همچون شهدای کربلا بود



جمله عبارتی بودند که پیوسته به گوش بانو فاطمه یاسین، همسر سید حسن نصرالله، می‌رسید. چشمان گریان برخی از تسلیت‌گویان و سخنانی نظیر همه ما به شهادت ایمان داریم، اما توان تحمل چنین لحظاتی را نداریم، مادر شهید را آزار می‌دهند. عبارات تحریک‌آمیز برخی از زنان هرگز خللی در صبر و شکیبایی مادر شهید به وجود نمی‌آورد. بانویی به مادر شهید گفت: «در تلویزیون همسران را آرام دیدم. انتظار نداشتم شما را هم این قدر آرام و شکیبا ببینم، زیرا شما مادر هستید». فاطمه یاسین با افتخار بیان می‌کند: «گمان می‌کنم در تربیت فرزندم موفق بوده‌ام. با شهادت او بهره‌مند شدم. زیان نکرده‌ام و بی‌تردید روز قیامت، نزد اهل بیت (ع) از من شفاعت خواهد کرد. این دنیا گذرگاه آخرت است و هادی راه را کوتاه کرد».



مستند شهادت سید هادی نصرالله

گروه انصارکلیپ در مستندی به بررسی ماجرای شهادت سید هادی فرزند دبیرکل حزب الله لبنان پرداخته است. ۲۶ سال پیش سید هادی نصرالله فرزند ارشد دبیرکل حزب الله لبنان در عملیاتی مقاومتی علیه صهیونیست‌ها در ارتفاعات موسوم به «جبل الرفیع» به شهادت رسید. برای مشاهده این مستند نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.

رساندند. این حادثه خیلی مهم بود؛ چرا که برای اولین بار تعدادی از نیروهای ارتش در کنار رزمندگان مقاومت به شهادت رسیدند. شاید حضور هادی میان شهدا، این حادثه را برای مردم پررنگ‌تر و برجسته‌تر نشان داد و از نظر سیاسی و رسانه‌ای خیلی مهم جلوه کرد، اما از نظر بنده، هادی که پسر من است مثل دیگر شهداست و هیچ ارزش فوق‌العاده‌ای در قیاس با دیگر شهدا ندارد. او هم مثل دیگر شهدا و رزمندگان است که در میدان شرف و عزت به شهادت رسیده‌اند.

◀ فرزند من، مانند بقیه شهدای حزب الله است

شهادت پسر من حالت خاصی در حزب الله نیست. در جنگ اخیر (جنگ ۳۳ روزه) و سال‌های طولانی مقاومت،

◀ سید هادی نصرالله به روایت پدر

سید حسن نصرالله این‌گونه شهادت فرزند خویش را روایت می‌کند: گاهی عملیاتی در داخل مناطق اشغالی داشتیم. شهید هادی در برخی از این رشته عملیات شرکت می‌کرد. در یکی از آن رشته عملیات‌ها در منطقه اقلیم التفاح ایشان با تعدادی از برادران رزمنده با گروهی از نظامیان صهیونیست برخورد کرد و در درگیری با این گروه، هادی و دو تن از برادران شهید شدند. پس از آن میان رزمنده‌های ما و صهیونیست‌ها درگیری گسترده‌ای رخ داد و کار به جایی رسید که تعدادی از سربازان و افسران ارتش لبنان نیز در کنار رزمندگان ما علیه صهیونیست‌ها وارد عمل شدند و جنگنده‌های دشمن منطقه را به شدت بمباران کردند و تعدادی از ارتشی‌های لبنان را هم به شهادت



آخرین دیدار سید حسن و سید هادی

سید حسن نصرالله می گوید: جز دفعه‌ی آخر و روزی که برای حضور در عملیات آخر می‌رفت، پس از نماز صبح آمد با من خدا حافظی و وداع کرد. مشخص بود که خدا حافظی اش مقداری متفاوت است. معمولاً خیلی عادی خدا حافظی می‌کرد و می‌رفت. اما آن روز وداع کرد. البته چیز خاصی نگفت و گفت "دارم می‌روم سرکار و خیلی گذرا گفت عملیاتی هم هست که شاید اجازه دهند در آن حضور داشته باشم". من هم گفتم "موفق باشی و خدا به همراهت." شاید این تنها دفعه‌ای بود که به جزئیات کارش اشاره کرد. اما اکثراً من نمی‌دانستم کجا کار می‌کند و چه کار می‌کند.



تشییع سید هادی نصرالله
و همزمانش در بیروت



شیخ زکراکی رهبر مسلمانان
نیجریه بر مزار شهید سید
هادی نصرالله



سران و فرماندهان حزب الله همگی فرزندانشان در خطوط مقدم نبرد با صهیونیست‌ها بوده‌اند. حتی در جنگ اخیر تعدادی از بچه‌های فرماندهان حزب الله در خط مقدم با دشمن می‌جنگیدند. نمی‌گوییم بچه فلان شخص، فلان جا می‌جنگد.

این‌ها در حزب الله طبیعی است. هادی هم در مقاومت بود و در خطوط مقدم خدمت می‌کرد و چون شهید شد همه فهمیدند که در خط اول نبرد با دشمن بوده است. این را با تأکید عرض می‌کنم که بچه‌های فرماندهان و سران حزب الله در طول سال‌های مقاومت و جنگ اخیر همگی در خطوط مقدم بوده‌اند. چیزی که رخ داده مخصوص شخص من و پسر بنده نیست که در خطوط مقدم باشد و شهید شود.



روایت زندگی شهید «عماد مغنیه» مرد شماره یک حزب الله لبنان

فرمانده میدان

◀ فعالیت سیاسی و نظامی

شهید عماد مغنیه در اوایل دهه ۸۰ میلادی به «نیروی ۱۷» شاخه نظامی جنبش آزادی بخش فلسطین پیوست. این نیرو به منظور محافظت از مبارزانی مانند ابوعمار، ابوجهاد و ابودایاد تشکیل شده بود. او از همان زمان، در عملیات انتقال سلاح از جنبش آزادی بخش فلسطین برای مقاومت اسلامی لبنان (که عبارت بود از حزب الله و جنبش امل)، نقش اساسی داشت. هرچند به دنبال اشغال لبنان در سال ۱۹۸۲م از سوی رژیم صهیونیستی، مبارزان جنبش آزادی بخش فلسطین مجبور به ترک لبنان شدند و با خروج آنان از لبنان، عماد مغنیه به جنبش امل پیوست، اما با انتقال سیدحسین نصرالله به حزب الله او نیز به این حزب منتقل شد و پس از اجرای موفق چند عملیات، به عنوان فرمانده گارد حفاظت مقامات بلندپایه حزب الله انتخاب شد. سیدحسین نصرالله عماد مغنیه را متفکر و مخترع عملیات های نظامی می دانست و او را رأس هرم ساختار جهادی معرفی کرده بود.

عماد مغنیه، معروف به حاج رضوان، ۷ دسامبر ۱۹۶۲م در شهر صور واقع در جنوب لبنان به دنیا آمد. پدرش فایز مغنیه است و برادرانش جهاد و فؤاد بودند که به شهادت رسیدند. وی به «مرد سایه» شهرت داشته و به عنوان مغز متفکر حزب الله لبنان شناخته شده بود. خانواده مغنیه پس از مدتی از صور به ضاحیه جنوبی بیروت نقل مکان کردند و در این منطقه بود که وی، تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را گذراند و پس از آن در جوانی، وارد دانشگاه آمریکایی بیروت (AUB) شد. عماد مغنیه سه فرزند به نام های جهاد، فاطمه و مصطفی داشت که جهاد، در ۱۸ ژانویه ۲۰۱۵م (۲۸ دی ۱۳۹۳ش) در هجوم بالگردهای اسرائیلی به خودرو حامل وی در بلندی های جولان سوریه به شهادت رسید. عماد مغنیه ۱۲ فوریه ۲۰۰۸م (۲۳ بهمن ۱۳۸۶ش) در پی انفجار در خودرو بمب گذاری شده در دمشق، به شهادت رسید.



فرماندهی که سایه هم نداشت!

راز رضوان

«راز رضوان» زندگی‌نامه و خاطرات سردار مقاومت اسلامی شهید عماد مغنیه (حاج رضوان) است که به همت انتشارات شهید ابراهیم هادی به چاپ رسیده است. حاج عماد مغنیه یا همان حاج رضوان، کسی است که پس از یک دهه از شهادت، هنوز ناشناخته است. باید سال‌ها از او صحبت شود. باید اساتید علوم نظامی و اطلاعاتی، افکار او را برای دانشجویان خود تدریس کنند. عماد مغنیه به گردن تمام مردم خاورمیانه حق دارد! اگر عماد، با توکل بر خدا و توسل به اهل بیت (ع)، حماسه ۳۳ روزه را به خوبی مدیریت نمی‌کرد، چه بسا امروز با خاورمیانه جدید و کشورهای کوچک و ضعیف روبه‌رو بودیم! برای مطالعه این کتاب نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.



راز رضوان

عملیات ترور دو نفر دیگر از همراهان او نیز مجروح شدند. پس از این واقعه، حزب‌الله در بیانیه‌ای، اسرائیل را مسئول ترور این مقام ارشد نظامی حزب‌الله دانست.

برنامه‌ریزی ترور

برنامه‌ریزی آمریکا و رژیم صهیونیستی برای ترور عماد مغنیه به این صورت بود که سرویس اطلاعات آمریکا بمبی را که رژیم صهیونیستی برای ترور شهید مغنیه آماده کرده بود، از راه اردن و از طریق سفارت واشنگتن در پایتخت سوریه به دمشق منتقل کرد و در آنجا به مأموران موساد تحویل داد. در حقیقت باید گفت که دو تن از نخست‌وزیران وقت رژیم صهیونیستی یعنی «آریل شارون» و «یهود اولمرت» به دو رئیس وقت موساد به نام‌های «افرایم هالیوی» و «مائیر داغان» مجوز دادند عماد مغنیه را ترور کرده و به شهادت برسانند.

• تابناک ۱۲۵۴۳

• خبرگزاری دفاع مقدس ۱۲۵۶۹۳

هراس صهیونیست‌ها از نام حاج رضوان

براساس ادعای رژیم صهیونیستی او رهبری عملیات ربودن دو تن از نظامیان اسرائیلی در تابستان ۸۴ را برعهده داشت. عملیاتی که به آغاز جنگ علیه لبنان انجامید. تصاویر منتشر شده از عماد مغنیه بسیار کم است. پلیس فدرال آمریکا (اف. بی. آی) مدعی شد وی دو بار اقدام به جراحی پلاستیک روی صورت خود کرده است تا شناسایی نشود. این در حالی بود که گذر زمان و سپید شدن موی سر و صورت او موجب تغییرات ظاهری وی شده بود. جراحی همه عملیات‌های نظامی حزب‌الله به عماد مغنیه نسبت داده شده است. وی فعالیت جهادی خود را از زمان ایجاد حزب، آغاز و یگان نظامی را تأسیس کرد.

حاج رضوان و جنگ ۳۳ روزه

سید حسن نصرالله در اغلب صحبت‌ها و سخنان خود «عماد مغنیه» را متفکر و مخترع عملیات‌های نظامی معرفی می‌کرد. او عماد مغنیه را رأس هرم ساختار جهادی می‌دانست. البته براساس ادعای واهی و بی‌اساس سران و فرماندهان نظامی رژیم صهیونیستی «عماد مغنیه» رهبری عملیات ربودن دو تن از نظامیان اسرائیلی در تابستان ۸۴ را برعهده داشته است. بر این اساس نیز می‌توان گفت این عملیات به آغاز جنگ علیه لبنان منتهی شد. ضمن اینکه عماد مغنیه، یکی از فرماندهان حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه بود و سید حسن نصرالله «عماد مغنیه» و فرماندهی او در جنگ ۳۳ روزه را آرام، مطمئن و ثابت قدم توصیف کرده بود.

ادعاهای رژیم صهیونیستی

بر اساس ادعاهای رژیم صهیونیستی، در زمان حیات این فرمانده شجاع و مقتدر لبنانی، عماد مغنیه به انجام برخی عملیات از جمله ربودن خارجی‌ها در لبنان، انفجار مقر نیروهای دریایی آمریکا در بیروت، انفجار مقر چتربازان فرانسوی در بیروت، ربودن هواپیمای «تی دلپوای» آمریکایی، دو بار انفجار مقر سفارت آمریکا در بیروت، انفجار مقر سفارت عراق در بیروت و انفجار مقر یهودیان در بوینس‌آیرس متهم شده بود. اما حاج رضوان تمامی این ادعاها را قویاً رد کرده و دخالت خود در آن‌ها را تکذیب کرده بود.

پیگرد توسط آمریکا

مقامات کشور آمریکا و سران کاخ سفید در آن زمان «عماد مغنیه» را فرد شماره یک در فهرست تروریست‌ها می‌دانستند و به بهانه‌هایی واهی و بی‌اساس او را تحت پیگرد قرار داده بودند. آن‌ها برای اینکه بتوانند هرچه سریع‌تر به این فرمانده شجاع و نترس لبنانی دست پیدا کنند، اعلام کردند جایزه‌ای ۲۵ میلیون دلاری به فرد یا افرادی که درباره او اطلاعات ارائه کند، اهدا می‌کنند.

شکست نخستین توطئه ترور

اولین توطئه ترور عماد مغنیه توسط رژیم صهیونیستی رقم خورد. این رژیم اشغالگر و نامشروع در جریان جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ میلادی به وسیله شلیک موشک از هواپیما قصد داشت او را به شهادت برساند که خوشبختانه این طرح و عملیات آن‌ها موفقیت‌آمیز نبود.

چگونگی شهادت

عماد مغنیه (حاج رضوان) در انفجاری که در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۱۲ فوریه ۲۰۰۸ (۲۳ بهمن ۱۳۸۶) درون یک خودرو میتسوبیشی پاجروی نو و نقره‌ای‌رنگ در منطقه «کفر سوسه» و خیابان «الحدیقه» در دمشق رخ داد، به شهادت رسید که در جریان این

روایت اسرائیلی‌ها از ترور شهید عماد مغنیه

توطئه حذف «حاج رضوان» از زبان موساد

دو سال پیش از ترور عماد مغنیه، خبرهایی در رسانه‌های آمریکایی مبنی بر افزایش تلاش‌های سیا برای کشتن او منتشر شد. این فرمانده لبنانی مقاومت اسلامی، بیش از ۲۵ سال تحت تعقیب دستگاه‌های اطلاعاتی و نیروهای آمریکایی بود و آمریکایی‌ها در دهه ۸۰ با آنکه تحت تعقیبشان بود، به او دست پیدا نکردند. یکی از مطبوعات غربی هم نوشته بود تل‌آویو اواخر دهه ۸۰ بارها سعی کرد مغنیه را نابود کند. اما هرچه اطلاعات بیشتری جمع می‌کرد، دسترسی به او سخت‌تر می‌شد؛ چون نقطه ضعفی که اسرائیل بتواند از آن استفاده کند نداشت؛ به این معنی که مغنیه نه مشروب می‌خورد، نه اهل ارتباط با زن‌ها بود و نه مواد مخدر مصرف می‌کرد.

بزرگ که بعداً می‌شد داخل آن بمب کار گذاشت و وقتی مغنیه نزدیکش بود، منفجرش کرد. اما داگان همه این طرح‌ها را رد کرد. چون «موساد هنوز آماده نبود». (صفحه ۱۴۶)

اسرائیل با نفوذ به سپاه و حزب‌الله به مغنیه نزدیک‌تر می‌شود

بیشرفت غیرمنتظره در این مسئله با یافشاری‌های «هارون زیوی فرخاش» در سازمان آمان میسر شد. او فرمانده باسابقه واحد ۸۲۰۰ بود که روش‌های جاسوسی الکترونیک را می‌شناخت. او و موساد مثير داگان کنار هم سیستم عملیاتی هیوگینت را ابداع کردند که به رهگیری پیام‌هایی که از طرف یا برای دشمن ارسال می‌شد مربوط بود. در ادامه یوسی کوهن رئیس بعدی موساد از افراد بسیار معدودی که تصمیم گرفتند به بدنه سپاه پاسداران و حزب‌الله نفوذ کنند و از آن‌ها جاسوس استخدام کنند، وارد این پرونده شد. او پیشنهاد داد با پوشش بازرگانان اروپایی برای جذب جاسوس اقدام شود و به واسطه همین پیشنهادها و دستاوردهایش جایزه امنیتی اسرائیل را دریافت کرد.

سال ۲۰۰۴ بود که داگان، کوهن را برای فرماندهی عملیات‌های مربوط به ایران در موساد نامزد کرد. رونین برگمن روایت می‌کند کوهن موفق شد به بخشی از سیستم‌های ارتباطی حکومت ایران نفوذ کند. همین مسئله سبب شد اطلاعات بیشتری درباره مغنیه فراهم شود.

پیروزی در جنگ ۳۳ روزه و احتیاط بیشتر حاج‌رضوان

پس از پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه مغنیه باور داشت اسرائیل به شدت تلاش خود را برای ترور او و سیدحسین نصرالله افزایش می‌دهد. در نتیجه دبیرکل حزب‌الله را در احاطه

یک فیلم ویدئویی و نخستین ردپا از مغنیه

براساس گفته‌های «مثير داگان» رئیس وقت موساد که «برگمن» در کتاب «تو زودتر بکش» نقل کرده است، مشکل اصلی اسرائیلی‌ها در ابتدای راه این بود که هیچ‌کس نمی‌توانست مغنیه را پیدا کند. اما در جولای ۲۰۰۴ پس از کشته شدن «غالب العوالی» یکی از بلندپایه‌ترین فرماندهان نظامی حزب‌الله در بمب‌گذاری مرسدس بنزش، حزب‌الله یک فیلم یادبود درباره او منتشر کرد که شامل تصاویری از جلسات درون حزبی بود. موساد با تهیه یک نسخه از این فیلم، آن را در ماه دسامبر برای گروهی از کارشناسان واحد ۸۲۰۰ آمان و موساد پخش کرد. در این جلسه که تمام شب به طول انجامید، جز به جز فیلم با دقت واکاوی شد به این امید که به اطلاعات تازه‌ای از دشمن دست پیدا کنند.

روبه‌روی سیدحسین مردی ایستاده بود که چهره‌اش در اغلب لحظات فیلم مشخص نبود، اما در یک لحظه خیلی کوتاه صورتش مشخص شد؛ مردی ریش‌دار، عینکی با یونیفورم نظامی پلنگی و کلاه که داشت درباره نقاط مختلفی از نقشه برای نصرالله توضیحاتی ارائه می‌کرد. چندساعت از شب گذشته بود و صهیونیست‌ها کنار هم در ساختمان مرکزی موساد نشسته و به نمایشگر چشم دوخته بودند که یکی از افسران واحد ۸۲۰۰ فریاد کشید: «خودشه، این مائوریسه!» «مائوریسی» اسم رمز مغنیه بود. حالا صهیونیست‌ها سرنخی از عماد مغنیه داشتند. طی روزهای بعد، طرح‌های مختلفی مطرح شد، از جمله اینکه رد فیلم‌بردار این فیلم را بگیرند و او را به عنوان جاسوس استخدام کنند یا اینکه یک شرکت جعلی تأسیس کنند که کارش تأمین کالاهایی باشد که نیروهای حزب‌الله استفاده می‌کردند؛ چیزهایی از قبیل همان نمایشگر



یوسی کوهن از جمله اسرائیلی‌هایی بود که تصمیم گرفتند به بدنه سپاه و حزب‌الله نفوذ کرده و از داخل این دونهاد جاسوس استخدام کنند.



اسرائیل تلاش کرد یک نفر از حلقه کوچک اطراف ژانرال محمد سلیمان مشاور امنیتی بشار اسد را به‌عنوان جاسوس جذب کند. متیر داگان روایت کرده در دمشق بود که موساد توانست اطلاعات بیشتری درباره مغنیه بدست آورد. اما دمشق پایتخت یک کشور هدف بود و در کنار تهران، خطرناک‌ترین مکان برای عملیات‌های موساد محسوب می‌شد

یک‌دسته ویژه از محافظان شخصی قرار داد و متقاعدش کردند در مکان‌های عمومی ظاهر شود و نه به‌صورت زنده سخنرانی تلویزیونی کند. خودش نیز از بیروت به دمشق نقل مکان کرد. یک‌علت جابه‌جایی این بود که نیروهای امنیتی سوری به‌عنوان نیروهای سخت‌گیر و حرفه‌ای شناخته می‌شدند. در ادامه اسرائیل تلاش کرد یک نفر از حلقه کوچک اطراف ژانرال محمد سلیمان مشاور امنیتی بشار اسد را به‌عنوان جاسوس جذب کند. متیر داگان روایت کرده در دمشق بود که موساد توانست اطلاعات بیشتری درباره مغنیه بدست آورد. اما دمشق پایتخت یک کشور هدف بود و در کنار تهران، خطرناک‌ترین مکان برای عملیات‌های موساد محسوب می‌شد.

اسرائیل دست تمنا دراز می‌کند و آمریکا وارد بازی می‌شود

داگان می‌دانست این بار نمی‌تواند و نباید از خبرچین‌های عرب استفاده کند. بنابراین یک‌بار دیگر با زیرپا گذاشتن قوانین سفت و سخت موساد، راهی یک کشور دیگر یعنی آمریکا شد تا برای عملیات ترور یار بگیرد. به این ترتیب رئیس موساد خود را به دیدار با مایکل هایدن رئیس وقت سازمان سیا دعوت کرد. بوش پسر درخواست کمک داگان را پذیرفت اما به سه شرط: اول اینکه قضیه مخفی بماند. دوم فقط شخص عماد مغنیه کشته شود و سوم اینکه قتل نهایی و عملی را آمریکایی‌ها انجام ندهند؛ آمریکا به‌صورت معمول در کشتن یک نفر در کشوری که آمریکا با آن در حال جنگ و درگیری مسلحانه نبود، مشارکت نمی‌کرد. اما راه دورزدن این قانون هم به‌راحتی پیدا شد و مشاوران حقوقی سیا راه حل را ارائه کردند. طبق این راه حل هدف قرار دادن مغنیه در سوریه قانونی می‌شد! چون مبتنی بر اصل دفاع از خود بود! ایهود اولمرت نخست‌وزیر وقت اسرائیل هم برای رعایت این موارد تعهد داد. اما براساس مقاله‌ای که واشینگتن پست پس از ترور حاج‌رضوان منتشر کرد، بازگر اصلی این ترور سیا بود نه موساد و مایکل هایدن فرماندهی ارشد عملیات را به عهده داشته است. رونین برگمن می‌گوید: «آن زمان ایالات متحده آمریکا هنوز یک‌سفارتخانه فعال در دمشق داشت و بازرگانان آمریکایی می‌توانستند تقریباً به‌صورت آزادانه وارد سوریه یا از آن خارج شوند. این مسئله به سیا امکان داد البته با همکاری آژانس امنیت ملی آمریکا که آدم‌های خودش را به داخل سوریه بفرستد و از مأموران محلی‌اش برای این مأموریت استفاده کند». (صفحه ۱۵۲)



◀ آمریکا مکان مغنیه را مشخص می کند

یکی از فرماندهان عملیات ترور عماد مغنیه گفته هرگز تا آن زمان سابقه نداشت برای کشتن یک شخص چنین سرمایه گذاری عظیمی صورت بگیرد. با کمکی که آمریکایی ها کردند، بالاخره مکان مغنیه مشخص شد. آن ها کشف کردند مغنیه به صورت منظم و جداگانه با سه نفر سوری دیدارهایی دارد که شخص ثالثی در آن ها حضور ندارد. مشخص شد مغنیه هیچ وقت در این دیدارها محافظانش را با خود نمی برد. همین سبب می شد در این اوقات در معرض رصد و همچنین فعالیت های عملیاتی دشمنانش در جایی که تحت کنترلش نبود، قرار بگیرد. او در زمان های مختلف از مسیرهای مختلف عبور می کرد. به همین دلیل موساد از پیش نمی توانست مسیر و زمان حرکتش را پیش بینی کند. مشخص هم نبود چه طور نیروهای عمل کننده می توانند پیش از خبرشدن فرودگاه ها و بندرهای سوریه و مسدود شدنشان از این کشور فرار کنند.

◀ شکل گرفتن نقشه ترور

بررسی های موساد به مدت چهار ماه ادامه پیدا کرد تا اینکه مسئول واحد فناوری موساد که رونین برگمن در کتابش او را N نام گذاری کرده، با پیشنهاد انفجار از راه دور به دفتر مئیر داگان وارد شد. در این طرح راهی پیشنهاد شده بود که مواد منفجره در چیزی جاسازی شود که از نظر فیزیکی نزدیک مغنیه قرار داشته باشد. گزینه گوشی تلفن همراه همان ابتدا رد شد. چون مغنیه مدام گوشی هایش را تعویض می کرد. تنها گزینه باقیمانده خودرو میتسوبیشی پاجروی حاج رضوان بود که موساد می دانست هم او و هم محافظانش به طور مدام و مکرر داخل و زیرش را بررسی می کنند. اما طبق روایت اسرائیلی ها از ماجرای ترور، یک جا بود که هیچ وقت بررسی



یکی از فرماندهان عملیات ترور عماد مغنیه گفته هرگز تا آن زمان سابقه نداشت برای کشتن یک شخص چنین سرمایه گذاری عظیمی صورت بگیرد. آن ها کشف کردند، بالاخره مکان مغنیه مشخص شد. آن ها کشف کردند مغنیه به صورت منظم و جداگانه با سه نفر سوری دیدارهایی دارد که شخص ثالثی در آن ها حضور ندارد

نمی شد و آن محفظه لاستیک زاپاس پشت خودرو بود. طبق روایت نیروهای مقاومت یک جاسوس سوری با ورود به سوریه، یک میتسوبیشی پاجروی مشابه خودروی حاج رضوان خریداری کرده و آن را به ویلایی اجاره ای برد که نزدیک محل ترور قرار داشت و روی آن را با چادر پوشاند. این خودرو به دلیل حفاظت خودرو حاج عماد بمب گذاری می شود. بمب هم در در پشتی خودرو گذاشته می شود و علاوه بر ماده انفجاری بسیار قوی، حاوی کرات فولادی هم بوده تا ضربات جسمی حاد به هدف وارد شود. تیم عملیات ترور، به مدت ۶ هفته مغنیه را تعقیب کرد و بارها و در مجموع ۳۲ بار موقعیت انفجار داشت که هر بار در لحظه نهایی، عملیات ترور لغو می شد. بمب مورد استفاده هم وقتی کارایی داشت که مغنیه بیرون از خودرو باشد نه داخل آن.

◀ «سلیمانی را هم با مغنیه ترور کنیم!»؛

پیشنهادی که رد شد

نیروهای موساد برای اجرای عملیات ترور، در ساختمان نیمه کاره مستقر بودند؛ یک نفر با دوربین مشغول رصد بود، یکی کلید انفجار را در دست داشت و سومی مسئولیت مراقبت را. نفر چهارم هم در یک خودرو میتسوبیشی لنسر پایین ساختمان منتظر دیگران بود.

صبح روز ۱۲ فوریه اعضای تیم ترور که در ساختمانی نیمه کاره در محله کفرسوسه مخفی شده بودند، مردی را کنار مغنیه در نزدیکی ماشین دیدند. او به روایت رونین برگمن در کتاب «تو زودتر بکش»، سردار قاسم سلیمانی بود که به پاجرو تکیه زده بود و از نوع نگاه و گفت و گویش با مغنیه مشخص بود چقدر با او صمیمی است. داگان با اطلاع از هویت سردار سلیمانی، خواست یک تیر و دو نشان بزند و



روایت زندگی اثرگذارترین فرمانده مقاومت فرمانده در سایه

کتاب «فرمانده در سایه» به قلم وحید خضاب در پنج فصل با بخش‌های متعدد منتشر شده است که در فصل اول به بیان شرح زندگی این شهید والامقام مقاومت می‌پردازد تا خواننده وقتی در فصل‌های بعد با جزئیات برخی مقاطع روبه‌رو می‌شود، یک تصویر کلی از زندگانی او در ذهن داشته باشد. در فصل دوم به بحث ارتباط جهادی حاج‌عماد با مسئله فلسطین و نقش مهم او می‌پردازد. در فصل سوم به موقعیت ارتباطی او با ایران و مسئولان ایرانی پرداخته شده است. فصل چهارم تصویر عماد مغنیه در رسانه‌های دشمن و فصل آخر به صحنه زندگی سراسر عزت و پایداری و شهادت او مربوط می‌شود. برای تهیه این کتاب نمایه کیوآر کد مقابل را اسکن کنید.



فرمانده در سایه

مستند کمین کفتار

دفتر نمایندگی صداوسیما در لبنان مستندی را تولید کرده که ضمن بررسی رابطه نظامی و عاطفی شهید شهید حاج قاسم سلیمانی و حاج عماد مغنیه و تاثیر آنها در اعتلای جبهه مقاومت، نقش رژیم صهیونیستی در پرونده ترور آنها را نیز به نمایش گذاشته است. برای مشاهده این مستند نمایه کیوآر کد مقابل را اسکن کنید.



هر دو فرمانده مقاومت را با هم ترور کند. اما اولمرت اجازه انفجار بمب را صادر نکرد. چون به آمریکایی‌ها تعهد داده بود در عملیات ترور، فقط خود مغنیه ترور می‌شود.

به این ترتیب اجرای مأموریت ترور دوباره لغو شد تا اینکه ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه همان روز، مغنیه به یکی از خانه‌های امن منطقه کفرسوسه وارد و ساعت ۱۰ و ۴۵ دقیقه به‌تنهایی از آن خارج شد. این بار چون هدف تنها بود اجازه انفجار صادر شد و ۹ مترمانده به خودرو، کلید بمب زده شد. با انفجار بمب، حاج‌رضوان در لحظه به‌شهادت رسید و به‌حالت سجده روی زمین افتاد.

با رسیدن خبر به اولمرت و بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا صمیمانه از اولمرت بابت یکسره کردن کار مغنیه تشکر کرد و هفت تیرشخصی صدام حسین را به او نشان داد که در محفظه ویژه‌ای در کاخ سفید نگهداری می‌شد.

حفره‌ای که دشمن از آن نفوذ کرد و ترور را انجام داد

طبق روایت نیروهای مقاومت، «در آن برهه حاج‌عماد مانند بسیاری دیگر از فعالان حوزه مقاومت، سوریه را یکی از امن‌ترین میدان‌ها می‌دانست. برآوردی مبتنی بر داده‌های اطلاعاتی فراوان وجود داشت مبنی بر اینکه اسرائیل در دمشق به اجرای مستقیم عملیات دست نخواهد زد. گرچه ترور برخی از نیروهای حماس و دیگر گروه‌های فلسطینی سبب شده بود همه نیروهای مقاومت، از جمله سران مقاومت لبنان، جانب احتیاط در پیش بگیرند، اما با همه این‌ها جابه‌جایی در دمشق آسان‌تر بود و پیچیدگی‌های کمتری در زمینه تدابیر امنیتی داشت. این آسودگی خاطر ضمنی همان حفره‌ای بود که دشمن صهیونیست توانست برای ترور حاج‌عماد از آن استفاده کند.» (صفحه ۱۵۸ و ۱۵۹) رونین برگمن می‌گوید در یک پژوهش مرکز بحران‌های بین‌المللی نیز که سال ۲۰۰۹ با عنوان «گفت‌وگو با دمشق؟ درس‌هایی از تجربه فرانسه» منتشر شد، به ترور عماد مغنیه به‌عنوان یکی از قسمت‌های درگیری دمشق و پاریس اشاره شده بود. در این پژوهش ذکر شده در اواخر سال ۲۰۰۷ سوری‌ها طرح فرانسه مبنی بر انتخاب میشل سلیمان به عنوان رئیس‌جمهور لبنان را رد کرده بودند و همین، سبب خشم نیکلا سارکوزی شده و سوری‌ها بار دیگر خود را در کنار ایران تنها دیده بودند.

خنده قاتلان عماد مغنیه و دیگر مبارزان در یک قاب؛ جورج بوش پسر و ایهود اولمرت



روایت پنهان شدن حاج قاسم، حاج رضوان و سید حسن نصرالله
از دوربین پهپاد اسرائیلی

ماجرای آن سه نفر

◀ همه جا سوت و کور شد

هواپیماهای ام‌کا، یعنی هواپیماهای بدون سرنشین اسرائیل، پیوسته و سه تا سه تا در آسمان ضاحیه پرواز می‌کردند و بر همه رفت و آمدها کنترل دقیق داشتند. با این حال ضاحیه که مرکز اصلی حزب‌الله بود، ساعت ۱۲ شب، سوت و کور شده و انگار هیچ کس در آن جا زندگی نمی‌کرد. تصمیم گرفتیم سید حسن را جابه‌جا کنیم. منظور از خارج شدن این نبود که از ضاحیه خارج شود؛ بلکه باید از ساختمانی به جای دیگر منتقل



در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ میلادی، رژیم صهیونیستی مناطق بسیاری از ضاحیه را که از مناطق شیعه‌نشین حاشیه جنوب بیروت در لبنان است، مورد حمله قرار داد؛ چون احتمال حضور سید حسن نصرالله را در آن مناطق می‌داد. با این حال نتوانستند حتی اثری از او پیدا کنند. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و حاج عماد مغنیه، رهبر جبهه مقاومت اسلامی لبنان و از فرماندهان جنگ ۳۳ روزه، از همراهان سید حسن نصرالله بودند و در این تعقیب و گریزهای میان رژیم صهیونیستی و سید حسن، همراه رهبر جبهه مقاومت اسلامی لبنان بودند. سردار سلیمانی در یکی از مصاحبه‌هایش، یکی از این تعقیب و گریزهای میان پهپادهای رژیم صهیونیستی و سید حسن نصرالله را این‌گونه تعریف کرد: «حزب‌الله یک اتاق عملیات در قلب ضاحیه داشت که عموماً ساختمان‌ها در مجاور آن به طور پیوسته مورد بمباران قرار می‌گرفت. این اتاق عملیات، یک اتاق عملیات زیرزمینی نبود، یک اتاق عملیات معمولی بود؛ اما بعضی از تجهیزات اتصالات، ارتباطات و ... در این اتاق عملیات پیش‌بینی شده بود. یک شب ساعت ۱۱ با تقریباً همه مسئولان اداره جنگ در اتاق عملیات بودیم. بعد از اینکه ساختمان‌های اطرافمان را منهدم کردند، من احساس کردم خطری جدی نسبت به سید حسن وجود دارد.»





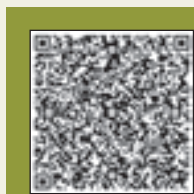
معرفی کتابی که فرایند ترور حاج رضوان را بررسی می کند

در جست و جوی شبخ

کتاب «در جست و جوی شبخ» روایت «رابرت بائر» مأمور سابق سی آی ای از تلاش برای ترور عماد مغنیه (حاج رضوان) است. در همین رابطه مهدی بختیاری کارشناس مسائل امنیتی می نویسد: «در جست و جوی شبخ» کتاب عماد مغنیه است به روایت جاسوس سابق سیا و مستؤل پرونده او در دهه ۸۰ میلادی و بهترین کتابی است که تاکنون در ایران در این موضوع چاپ شده است. عماد مغنیه نیاز به تعریف ندارد ولی یادآوری چند نکته درباره نویسنده کتاب ضروری به نظر می رسد: این کتاب را رابرت بائر جاسوس ارشد سیا در سال های گذشته در غرب آسیا نوشته که مسئولیت پرونده عماد مغنیه در این سازمان را هم برعهده داشت و از این نظر در زمانه ای که خیلی ها حاج رضوان را یک شخصیت خیالی می دانستند، می شود گفت بائر کسی است که از همه بیشتر به شهید عماد مغنیه نزدیک شد. رابرت بائر نویسنده و مستندساز هم هست و شاید برایتان جالب باشد که در همین پوشش به ایران هم سفر کرده است. بائر در مستند خودش به نام The Cult of the Suicide Bomber که در ایران به نام «در مکتب استشهادیون» شناخته می شود، به سه کشور ایران، لبنان و فلسطین سفر کرد تا روند شکل گیری عملیات های استشهادی (به قول خودشان انتحاری) را بررسی کند. در ایران به منزل شهید حسین فهمیده (به عنوان نخستین مجری عملیات استشهادی) رفت و حتی در یکی از مراسم های نظامی، توانست مصاحبه کوتاهی هم با سرلشکر فیروزآبادی رئیس وقت ستادکل نیروهای مسلح بگیرد! خلاصه که کتابش را از دست ندهید.

بخشی از کتاب:

«انگار آن روز صبح در جلسه ای که در دفتر سفیر داشتیم، حاج رضوان هم حضور داشت و مانند شبخی دست به سینه در گوشه ای ایستاده بود و نقشه نفله کردن ما را می کشید؛ درست همان زمانی که ما درباره شلیک توپ ۱۵۵ م.م به او، جوگ می گفتیم».



مرد سایه ها

مرد سایه ها مستندی کوتاه از رشادت های شهید عماد مغنیه است. برای مشاهده این فیلم نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.

می شد. فاصله زیادی هم میان دو ساختمان نبود. با این حال سید به سختی می پذیرفت که از اتاق عملیات خارج شود».

◀ بمب سوم به کجا می خورد؟

وقتی منتقل شدیم، بمباران دیگری صورت گرفت که کنار همان ساختمان را زدند. ما هم صبر کردیم، چون آن جا خط ارتباطی امن داشتیم و ارتباطات سید و عماد نباید قطع می شد. باردیگر بمباران دیگری صورت گرفت. پلی را که کنار ساختمان بود، زدند. احساس می شد بمباران سومی وجود دارد و همین ساختمانی که ما در آن بودیم هدف قرار خواهد گرفت. در آن ساختمان تنها ما سه نفر یعنی من، سید و عماد حضور داشتیم. برای همین تصمیم گرفتیم به ساختمان دیگری برویم. وقتی ما سه نفر آمدیم بیرون، هیچ خودرویی نداشتیم. ضاحیه تاریک تاریک بود و سکوت کامل. فقط صدای هواپیماهای رژیم صهیونیستی بالای سر ضاحیه به گوش می رسید.

◀ به این راحتی نمی شود پنهان شد

عماد برای اینکه از دید هواپیماها حفظ شویم، به من و سید گفت: «شما بنشینید زیر این درخت». با این حال آن درخت



نمی توانست محفوظ کند، چون دوربین ام کا حرارت بدن انسان را از حرارت دیگر اشیا تفکیک می کرد؛ بنابراین آن درخت غیر قابل محفوظ کردن بود. اطلاعات دوربین ام کا مستقیماً به اتاق عملیاتی در تل آویو منتقل می شد.

◀ یاد قصه مسلم افتادم

با این حال ما نشستیم. من برای سید یاد قصه مسلم افتادم؛ چرا که سید صاحب آن جا بود. عماد به سرعت رفت، یک ماشین پیدا کرد و کمتر از چند دقیقه بعد برگشت. ام کا هم به طور متمرکز روی سر ما بود. وقتی ماشین به ما رسید، ام کا متمرکز شد بر ماشین. از اتاق عملیات تل آویو این صحنه ها را می دیدند.

◀ به سلامت از «ام کا» ها پنهان شدیم

طول کشید تا ما توانستیم با رفتن به زیرزمین، به زیرزمین دیگری برویم و سپس از این خودرو به چیز دیگری که الان قابل بیان نیست منتقل شویم و دشمن را گول بزنیم. تقریباً ساعت ۲ نیمه شب باردیگر به اتاق عملیات برگشتیم».

در ادامه می توانید فیلم صحبت های حاج قاسم سلیمانی درباره این ماجرا را ببینید.



بازخوانی جنایت رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان

کشتار قانا

۱۸ آوریل مصادف با سالروز حمله رژیم صهیونیستی به یک محوطه سازمان ملل در لبنان است که به «کشتار قانا» معروف است. در ۱۸ آوریل ۱۹۹۶، نظامیان رژیم صهیونیستی (IDF) یک مجتمع سازمان ملل (سازمان ملل) در روستای «قانا» در لبنان را هدف حمله خمپاره‌ای خود قرار داد. «قانا» روستایی در جنوب لبنان است که در ۱۲ کیلومتری مرزهای شمال اراضی اشغالی است و محل اسکان حدود ۱۰ هزار نفر است که عمدتاً شیعه هستند. این منطقه محل یک مجموعه سازمان ملل است که نیروهای موقت سازمان ملل در لبنان (یونیفیل) در آن قرار دارند. بنای یادبودی ساده و خطی رو به جاده مجاور اسامی ۱۰۶ نفری است که ۲۷ سال پیش در طی ۵ دقیقه جان خود را از دست دادند، زمانی که رژیم صهیونیستی مقررگدان نیروهای سازمان ملل در لبنان (یونیفیل) را بمباران کرد. اقدامی که به عنوان کشتار قانا در تاریخ ثبت شده است.



بنابراین بسیاری از مردم این منطقه به «قانا» منتقل می شدند تا در محوطه سازمان ملل پناه بگیرند؛ کمی قبل از ساعت ۲ بعدازظهر روز پنجشنبه بود که صدای گلوله باران را شنیدیم که نزدیک و نزدیکتر می شد. همه ما می دانستیم که اسرائیل قانا را بمباران خواهد کرد، اما فکر می کردیم خانواده‌های ما در داخل محوطه سازمان ملل در امان خواهند بود. اما ثابت

هدف قرار دادن ۸۰۰ غیرنظامی

در آن زمان، بیش از ۸۰۰ غیرنظامی در این محوطه بودند و به دنبال پناه بردن به آن از عملیات رژیم صهیونیستی بودند. براساس گزارش «میدل ایست آی»، «جمیل سلامه» ۴۹ ساله که از شاهدان آن بمباران است، می گوید: هر روز در رادیو اخباری از گلوله باران روستای جدیدی از سوی اسرائیل دریافت می کردیم،



که ظاهراً با ادعای رژیم صهیونیستی مبنی بر بی‌اطلاعی از حضور غیرنظامیان در محوطه سازمان ملل در تناقض است.

◀ شکایت از رژیم صهیونیستی

با خشم ساکنان، گزارش تحقیقات سازمان ملل و ویدئو در ابتدا به دلیل فشارهای سیاسی شدید آمریکا و رژیم صهیونیستی پنهان شدن، با این حال، آن‌ها به سرعت توسط یونیفل فاش شد و خشم گسترده‌ای را برانگیخت. در سال ۲۰۰۵، گروهی از بازماندگان در دادگاهی در آمریکا علیه «موشه یعلون»، رئیس پیشین ستاد ارتش رژیم صهیونیستی شکایت کردند. دادگاه منطقه‌ای آمریکا این شکایت را رد کرد و مدعی شد که «یعلون» براساس قانون مصونیت حاکمیت خارجی مستحق مصونیت است. ترازوی از دست رفتن جان بیش از ۱۰۰ نفر در یک جامعه نزدیک، همراه با ناامیدی از ناتوانی آن‌ها در دستیابی به عدالت بین‌المللی، به این معنی است که ۲۷ سال از زخم‌ها به کندی التیام می‌یابد. این آسیب زمانی بیشتر شد که رژیم صهیونیستی بار دیگر در سال ۲۰۰۶ جنگی را علیه حزب‌الله آغاز کرد و بخش بزرگی از جنوب لبنان را ویران کرد. «قانا» یک بار دیگر مورد حمله قرار گرفت و ۲۸ نفر در یک حمله در ۳۰ جولای ۲۰۰۶ جان خود را از دست دادند.

• منبع:

• الخنادق ۲۵۸۵۶۹

• بزنا ۹۶۸۹۶۳

• میزان ۲۵۹۸

شد که آن‌ها به شدت اشتباه می‌کردند. «سلامه»، گفت: تنها چیزی که می‌دیدم آتش و خون بود. من اجساد و افراد مجروح را دیدم - برخی از آن‌ها یک پا، یک دست و یک چشم نداشتند. در کیسه‌ای که به دور کمرش بسته شده است، او هنوز مدارکی از آنچه را که شاهد آن بوده نگه می‌دارد و آزادانه تصاویری را که در روز قتل عام توانسته است بگیرد، نشان می‌دهد. «سلامه» می‌گوید با وجود شوک و درد ناشی از ترکش‌هایی که از دست و پایش اصابت کرده، می‌دانست باید آنچه را که می‌دید ثبت کند تا روزی دنیا بفهمد اینجا چه اتفاقی افتاده است. در حالی که او کتاب عکس را ورق می‌زند، تصاویر اجساد تکه تکه شده یا بی‌جان روی زمین آغشته به خون به وضوح مقیاس ویرانی را نشان می‌دهد. به گفته وی، هنوز آن را جلوی چشمانم می‌بینم که انگار الان اتفاق می‌افتد. سال‌هاست که این تصاویر هر روز در ذهن من بوده است.

◀ ویرانی یک روستا

افسران صهیونیست ادعا می‌کنند که گلوله باران به دلیل یک خطای رایانه‌ای هنگام تلاش برای هدف قرار دادن جنگنده‌های حزب‌الله در نزدیکی پایگاه رخ داده است. با این حال، بررسی فنی انجام شده توسط سازمان ملل به این نتیجه رسید که «بعید است گلوله باران محوطه سازمان ملل نتیجه اشتباهات فنی و یا رویه‌ای فاحش باشد. برخلاف تکذیب‌های مکرر مقامات صهیونیست، ویدئویی وجود دو بالگرد و یک خودروی کنترل از راه دور بر فراز منطقه قانا قبل از حمله را تایید می‌کند

ترآزوی از دست رفتن
جان بیش از ۱۰۰ نفر
در یک جامعه نزدیک،
همراه با ناامیدی
از ناتوانی آن‌ها در
دستیابی به عدالت
بین‌المللی، به این
معنی است که ۲۷ سال
از زخم‌ها به کندی
التیام می‌یابد. این
آسیب زمانی بیشتر شد
که رژیم صهیونیستی
بار دیگر در سال ۲۰۰۶
جنگی را علیه حزب‌الله
آغاز کرد و بخش بزرگی
از جنوب لبنان را ویران
کرد. «قانا» یک بار دیگر
مورد حمله قرار گرفت
و ۲۸ نفر در یک حمله
در ۳۰ جولای ۲۰۰۶ جان
خود را از دست دادند



فرمانده گمنامی که دایرة المعارف فناوری‌های نظامی بود

بنیان‌گذار نیروی پهپادی حزب‌الله

◀ روایت حمید داوودآبادی از «حاج حسان»
حمید داوودآبادی از پیشکسوتان دفاع مقدس که ده‌ها کتاب درخصوص خاطرات دفاع مقدس ایران در کارنامه خود ثبت کرده است، در یکی از کتاب‌های خود به نام «عقل درخشان» به بیان خاطراتی از دوست شهیدش «حاج حسان اللقیس» طی چندین دیدار پرداخته که در این مطلب به گزارشی اجمالی از سیره و خاطرات «حاج حسان» می‌پردازیم. همچنین در این گزارش از زبان هم‌زمان دیگر و رسانه‌های مختلف به بیان سیره و اقدامات شهید اللقیس پرداخته شده است.
«حسان هولو اللقیس» ۲۳ مهر ۱۳۴۲ در خانواده‌ای اصیل

شهید «حسان اللقیس» از جمله فرماندهان ارشد و با هوش حزب‌الله لبنان و مسئول توسعه ارتباطات موشکی حزب‌الله بود که در عین گمنامی سال‌ها در کنار دوستان و هم‌زمان خود در زمینه پیشرفت‌های نظامی حزب‌الله سهم ممتاز و ویژه‌ای داشت. وی از دوران نوجوانی با سید حسن نصرالله آشنا بوده و تا آخرین لحظات شهادت در حالی که سید مقاومت بر بالین او حاضر بود، به قافله شهدا ملحق شد. سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی بارها سعی کرده بود «حاج حسان» را ترور کند که در یکی از ترورهای ناموفق پسر حاج حسان به شهادت می‌رسد.



شهید حسان اللقیس بین الحرمین-کربلائی معلی



حمید داوودآبادی نویسنده حوزه دفاع مقدس در کنار فرمانده شهید حاج حسان اللقیس





آشنایی و رفاقت با سیدحسن نصرالله، که اهل روستای بازوریه در جنوب بود ولی بیروت بودند و خودش در حوزه علمیه بعلبک درس می خواند، بر روحیه پرهیجان حسان تأثیر مثبت زیادی داشت. نخستین تأثیر این بود که او به جمع لبنانی هایی پیوست که به استقبال نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به لبنان اعزام شده بودند، رفتند

ادامه داد و در رشته الکترونیک و کامپیوتر که از علاقه های جوانی اش بود، دانش آموخته شد. با گذر ایام، رفاقت و دوستی حسان با سیدحسن نصرالله بیشتر می شد، به طوری که موقعیت مکانی، حوادث و کار نتوانست میان آن ها فاصله بیندازد. وی به شدت مقید بود میان مسئولیت در مقاومت و رابطه اش با سیدحسن، توازن برقرار باشد.

◀ رابطه سید مقاومت با حسان همچون پلک و چشم بود

سید حسن نصرالله و حسان اللقیس تحت آموزش ها و دروس شهید «سیدعباس موسوی» قرار داشتند و سیدحسن میهمان خانه حاج حسان در بقاع بود. روابط دوستانه و خانوادگی آن ها بسیار محکم بود؛ به قول یکی از مسئولان بزرگ حزب الله، رابطه و دوستی خانوادگی حاج حسان و سیدحسن همچون پلک و چشم بود.

◀ حاج حسان دایرةالمعارف فناوری های نظامی بود

شخصیت فرماندهی حسان اللقیس با آغاز کار جهادی اش در سال ۱۳۶۱ ظهور پیدا کرد؛ هنگامی که در میان همسن و سالانش برتری داشت. قطعاً آشنایی با زبان فارسی و انگلیسی و تسلط بر آن ها بر بازکردن افق های دور در برابر عطش شدیدش به فرهنگ، مطالعه و شناخت کمکش می کردند، به ویژه در بخش های تکنولوژیک، او را برجسته ساخت. حسان بر بالابردن اعتماد به نفس و توسعه خویش کار کرد تا به جایی رسید که در میان آن هایی که او را می شناختند به «ویکی پدیا (دایرةالمعارف) فناوری های نظامی» معروف شد. یکی از مشغولیات وی، مطالعه دقیق روی سامانه دفاعی و رزمی ارتش رژیم صهیونیستی بود.

◀ حاج حسان؛ شخصیتی جامع الاطراف

او فرماندهی بود که برای افرادی که با وی کار می کردند غذا تهیه می کرد، کمکشان می کرد، به آن ها خدمت می کرد و ظرف هایشان را می شست. هیچ گاه اجازه نمی داد مشغولیتش او را از حضور در کلاس هفتگی فرهنگی، مجالس عزاداری اهل بیت (ع)، دیدارهای اجتماعی یا عیادت افراد بیمار باز دارد.

و مرفه از «آل اللقیس» در بعلبک لبنان به دنیا آمد. در همان دوران کودکی، خانواده اش همچون بسیاری دیگر از لبنانی ها، برای کار و تجارت عازم کشور گینه در شمال غربی آفریقا شدند. حسان جوان، پس از مدتی به لبنان بازگشت و زادگاهش را غرق در جنگ و خون ریزی های وحشیانه و بی ثمر دید. آوارگان فلسطینی که رژیم اشغالگر صهیونیستی خانه و کاشانه شان را غصب کرده و آن ها را روانه همسایه شمالی، لبنان کرده بود، یکی از مشکلات آن روزها بودند. آنان که با استقبال امام «سیدموسی صدر» و شیعیان وارد لبنان شده بودند، با مخالفت و دشمنی مسیحیان مارونی که در حزب فالانژیست کتائب متمرکز بودند، روبه رو شدند.

◀ آغازمجاهدت حاج حسان و سید حسن علیّه متجاوزان

«حسان اللقیس» جوان که همچون دیگر جوانان لبنانی در احزاب و گروه های اسلامی مشغول فعالیت بود، بلافاصله پس از آشنایی با اندیشه های رهایی بخش امام خمینی (ره)، آن ها را الگوی خویش قرار داد. شهید اللقیس وقتی فهمید گروهی از جوانان شیعه از جمله دوست و همشهری اش طلبه جوان «سیدحسن نصرالله» که عضو سازمان امل بودند، به مقابله با متجاوزان پرداختند، این سازمان را ترک کرده و به جمع مقاومتان پیوست.

آشنایی و رفاقت با سیدحسن نصرالله، که اهل روستای بازوریه در جنوب بود ولی خانواده اش ساکن بیروت بودند و خودش در حوزه علمیه بعلبک درس می خواند، بر روحیه پرهیجان حسان تأثیر مثبت زیادی داشت. نخستین تأثیر این بود که او به جمع لبنانی هایی پیوست که به استقبال نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به لبنان اعزام شده بودند، رفتند. با استقرار سپاه پاسداران در بعلبک، حسان جزو نخستین نفراتی بود که در مقر «محبی الشهادة» (عاشقان شهادت) به آن ها پیوست که در مرکز شهر بعلبک، مقر فرماندهی «حرس الثورة الاسلامیه فی لبنان» بود و در کنار پارک رأس العین قرار داشت.

◀ رابطه دوستی و همکاری با سید حسن نصرالله

حسان که از استعداد بسیار بالایی برخوردار بود، در کنار جنگ و مبارزه با اشغالگران، به تحصیل در «دانشگاه آمریکایی بیروت»



دوران جوانی شهید حسان اللقیس و سید حسن نصرالله در جبهه جنوب لبنان.



شهید حسان اللقیس در کنار سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان



◀ پیگیری نامه‌های مردم و رساندن به سید حسن نصرالله

موقعیت حاج حسان در مقاومت بسیار حساس بود و این مشخص نشد مگر پس از شهادتش. مسئولیت و وظیفه او برای همه حتی خانواده‌اش هم ناشناخته بود. اهالی بعلبک و همسایه‌های او نمی‌دانستند حسان چه مسئولیت‌های مهمی دارد، ولی می‌دانستند او از دوستان نزدیک دبیرکل حزب‌الله است. به همین خاطر بیشتر اوقات، نامه‌های خود را برای انجام اموری که برای سید حسن نوشته بودند، به حسان می‌دادند و او آن‌ها را به سید می‌رساند و برایشان پیگیری می‌کرد.

دختر او فاطمه، یک سال پیش از شهادت پدر، با خواندن ترجمه مقاله یکی از سایت‌های خبری رژیم صهیونیستی متوجه شد پدرش، مسئول توسعه ارتباطات موشکی حزب‌الله است و با تدبیر و همت او است که مقاومت به این سطح از تسلیحات و تجهیزات رسیده و تبدیل به یکی از قدرتمندترین نیروهای خاورمیانه شده است.

برخلاف تصور صهیونیست‌ها، مغز متفکر جنگ الکترونیک حزب‌الله، بسیار عادی و بدون هرگونه هراس و بازی‌های امنیتی، به سادگی تمام زندگی می‌کرد. درست برخلاف دشمنان اشغالگر صهیونیست که همواره در خوف و هراس زندگی می‌کنند. حسان اللقیس، مغزهای در بیروت و شعبه‌ای

برخلاف تصور صهیونیست‌ها، مغز متفکر جنگ الکترونیک حزب‌الله، بسیار عادی و بدون هرگونه هراس و بازی‌های امنیتی، به سادگی تمام زندگی می‌کرد. درست برخلاف دشمنان اشغالگر صهیونیست که همواره در خوف و هراس زندگی می‌کنند. حسان اللقیس، مغزهای در بیروت و شعبه‌ای هم در بعلبک داشت که لوازم و تجهیزات کامپیوتر، موبایل و دیگر وسایل ارتباطاتی را در اختیار مشتریان می‌گذاشت

هم در بعلبک داشت که لوازم و تجهیزات کامپیوتر، موبایل و دیگر وسایل ارتباطاتی را در اختیار مشتریان می‌گذاشت. جالب اینکه غالباً خود حاج حسان در مغازه بود و کار مشتریان را راه می‌انداخت!

◀ ماجرای قرآنی که سید حسن به دختر حسان هدیه داد و زیر بمباران سالم ماند

دختر شهید حسان اللقیس از قرآنی که بازده سال پیش از آن، سید حسن نصرالله صفحه اول آن را امضا کرده و هنگام عقدش به آن‌ها هدیه داده بود، تعریف می‌کند. هنگام «جنگ ۳۳ روزه» در تابستان ۱۳۸۵، هنگامی که خانه آن‌ها در بعلبک هدف بمباران هوایی صهیونیست‌ها قرار گرفت، آن قرآن به طور کامل سالم مانده بود. آن قرآن در اختیار شهید «عماد مغنیه» بود که آن را خدمت سید حسن برد و او بار دیگر امضا کرد.

◀ شهادت فرزند حاج حسان به دست صهیونیست‌ها

علی‌رضا که متولد ۳۱ خرداد ۱۳۶۵ در بعلبک بود، در جوانی به مقاومت اسلامی پیوست و همدوش پدرش، به نبرد علیه صهیونیست‌ها پرداخت. در هنگامه جنگ ۳۳ روزه در تابستان ۱۳۸۵، علی‌رضا مسئولیت امور مالی مقاومت را برعهده داشت و در واحد آپارتمان‌نش که در منطقه شیاح قرار داشت، زندگی

نماهنگ «قائد الابی» درباره شهید حسان اللقیس

به همراه تصاویری منحصر بفرد از شهید حاج حسان اللقیس، از فرماندهان جنگ الکترونیک حزب‌الله در کنار فرمانده کل حزب‌الله "سید حسن نصرالله" که در آن دوران، هر دو جوان بوده و تحت امر شهید "سید عباس موسوی" دبیرکل سابق حزب‌الله فعالیت می‌کرده‌اند. حاج حسان اللقیس، سال گذشته به دست جوخه‌های ترور رژیم صهیونیستی، در ضاحیه جنوبی بیروت به شهادت رسید.





حاج حسان اللقیس در حال نوشتن یادداشت یادگاری برای حمیدرضا داوودآبادی

می کرد. سه شنبه شب ۱۷ مرداد ۱۳۸۵ مطابق با ۱۳ رجب، ولادت امیرالمؤمنین علی (ع)، نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی، با ردگیری تلفن همراه یکی از نیروهای مقاومت، توانستند به محل علی پی ببرند. آن‌ها به این خیال بودند که حاج حسان در آن جا قرار دارد. دقایقی طول نکشید که هواپیماهای اسرائیل به منطقه شیاح حمله کرده و با موشک، آپارتمان محل سکونت علی‌رضا را هدف قرار دادند که طی آن، ده‌ها تن دیگر از مردم بی‌گناه به شهادت رسیدند و تعدادی نیز مجروح شدند. صهیونیست‌ها از این عملیات شادمان شدند؛ چون تصورشان بر این بود که سرانجام توانسته‌اند حسان اللقیس را هدف قرار داده و به قتل برسانند.

صهیونیست‌ها که به شدت به دنبال زدن حاج حسان بودند، ساختمانی را در منطقه شیاح هدف موشک قرار دادند که پسر بزرگ او -علی‌رضا- در آن به شهادت رسید. ۶ ماه پس از جنگ ۳۳ روزه و شهادت علی‌رضا، ضربه سخت دوم بر روحیه حسان وارد شد. دختر ۱۵ ساله‌اش -آیه- بر اثر حادثه فوت کرد. این مسئله برای او بسیار گران آمد. حسان وابستگی شدیدی به خانواده داشت، به طوری که خودش با اتومبیل فرزندانش را به مدرسه می‌رساند.

◀ حاج حسان از زبان صهیونیست‌ها

حسان اللقیس کسی است که رئیس سابق سرویس اطلاعاتی موساد «مئیر داگان» درباره او گفته بود: «قطعاً او دلیل اصلی است که به حزب‌الله قدرت نظامی‌ای داده که ۹۰ درصد کشورها از آن بی‌بهره‌اند؛ یا بدون شک او بر ساخت سیستم پایدار و مستحکم در سال ۲۰۰۶ با حاج عماد مغنیه کار کرده است، یا آن مرد، مأمور خرید تجهیزات نظامی و تکنولوژیکی حزب‌الله است.»

◀ ماجرای دیدار حاج حسان و امام خامنه‌ای

پس از شهادت او، یکی از همزمانش گفت: حاج حسان یک ماه پیش از شهادتش به ایران رفت و در آن جا به زیارت حضرت امام سیدعلی خامنه‌ای شتافت. در آن دیدار، حسان صورت و محاسن آقا را بوسید و از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درخواست کرد برای شهادت او دعا کنند؛ حضرت آقا در پاسخ به خواسته حاج حسان گفتند: «من برای شما دعا می‌کنم که عاقبت به خیر شوید.»

◀ همواره تشنه علم و اطلاعات بود

یکی از خصوصیات بارز حاج حسان این بود که هیچ‌گاه و در برابر هیچ‌کس، وانمود و اظهار نمی‌کرد که همه چیز را بلد است و می‌داند. همواره تشنه علم و اطلاعات بود و این در اخلاق و رفتارش به‌خوبی دیده می‌شد.

مثلاً اگر کسی درباره شیوه کار با تجهیزات و یا وجود وسایلی جدید صحبت می‌کرد، مشتاقانه می‌نشست به حرف‌های او گوش می‌داد و در ذهن خود آن را تجزیه و تحلیل می‌کرد. برایش هم فرق نمی‌کرد آن فرد کیست و سطح علم و آگاهی‌اش چه میزان است. مهم حرفی بود که می‌زد.

تایبستان ۱۳۷۵، یکی از شب‌ها، همراه چندتایی از بچه‌ها، در بعلبک شام را میهمان حاج حسان در خانه‌شان بودیم. پس از شام، نشسته بودیم به صحبت و تعریف خاطرات. ناگهان چیزی به ذهنم رسید. به‌تازگی یک لنز «فیش آی» (چشم ماهی) برای دوربین عکاسی کانن خود خریده بودم تا بهتر از مناظر و مناطق وسیع عکس بگیرم. لنز را روی دوربین بستم و دادم دست حاج حسان. خوب که در آن دقیق شد، مشتاقانه گفت چنین لنزی خیلی به‌کارشان می‌آید و با آن می‌شود از



شهید «علی‌رضا اللقیس» فرزند شهید «حسان اللقیس»



فرمانده حسان اللقیس در کنار شهید عماد مغنیه

حسان اللقیس کسی است که رئیس سابق سرویس اطلاعاتی موساد «مئیر داگان» درباره او گفته بود: «قطعاً او دلیل اصلی است که به حزب‌الله قدرت نظامی‌ای داده که ۹۰ درصد کشورها از آن بی‌بهره‌اند؛ یا بدون شک او بر ساخت سیستم پایدار و مستحکم در سال ۲۰۰۶ با حاج عماد مغنیه کار کرده است، یا آن مرد، مأمور خرید تجهیزات نظامی و تکنولوژیکی حزب‌الله است»



در اتاق کار شخصی حاج حسان، تصویر بزرگی از یک شهید نصب شده بود که خیلی توجه مرا به خود جلب کرد. برایم مهم بود بفهمم چرا حاج حسان در میان آن همه دوستان شهیدش، عکس او را بر دیوار اتاق خود نصب کرده است. بعدها که دفترش عوض شد، همچنان عکس رنگی شهید «جمیل نعیم سکاف» در کنار عکس رهبر معظم انقلاب اسلامی، زینت بخش اتاقش بود. وقتی علت این مسئله را پرسیدم، حاجی نگاه حسرت‌باری به عکس شهید جمیل انداخت، چشمانش را پرده‌ای از اشک گرفتند و با بغض گفت: جمیل خیلی خوب بود، خیلی خیلی خوب بود، خیلی

مناطق اشغالی عکس‌های خوبی گرفت. این را که شنیدم، خیلی خوشحال شدم. سریع لنز را از روی دوربین باز کردم و به حاجی دادم. با تعجب پرسید چه شده؟ گفتم: این لنز چندان زیاد به کار من نمی‌آید، ولی برای شما خیلی استفاده دارد، پس به عنوان هدیه قبول کنید و حاج حسان خندان لنز را گرفت. با شناختی که از روحیه او داشتم، می‌دانستم دو روز بعد، ده‌ها نمونه از آن لنز تهیه می‌کند و در اختیار نیروهای گشتی شناسایی‌شان قرار می‌دهد.

◀ شهید مورد علاقه حاج حسان

در اتاق کار شخصی حاج حسان، تصویر بزرگی از یک شهید نصب شده بود که خیلی توجه مرا به خود جلب کرد. برایم مهم بود بفهمم چرا حاج حسان در میان آن همه دوستان شهیدش، عکس او را بر دیوار اتاق خود نصب کرده است. بعدها که دفترش عوض شد، همچنان عکس رنگی شهید «جمیل نعیم سکاف» در کنار عکس رهبر معظم انقلاب اسلامی، زینت بخش اتاقش بود. وقتی علت این مسئله را پرسیدم، حاجی نگاه حسرت‌باری به عکس شهید جمیل انداخت، چشمانش را پرده‌ای از اشک گرفتند و با بغض گفت: جمیل خیلی خوب بود، خیلی. وقتی پرسیدم جمیل کجا و چگونه شهید شد؟ تنها به این جمله بسنده کرد: در حین آموزش و دیگر هیچ نگفت. زیرعکس، تکه کاغذی چسبانده بود که دست خط خود جمیل بود و روی آن نوشته شده بود: «سقطنا شهداء... و لم نرکع... هذه دماؤنا... فتابعوا الطريق... به شهادت رسیده‌ایم... و سر خم نکرده‌ایم... این خون ماست... پس راه را ادامه دهید... شهید جمیل».

آن روزها، حسان درباره شهادت جمیل، فقط گفت طی دوره آموزشی به شهادت رسیده است. سرانجام در سال ۱۳۹۳، حزب الله لبنان که ۲۹ سال نحوه شهادت جمیل را مخفی نگه داشته بود، اعلام کرد: شهید «جمیل نعیم سکاف» روز جمعه ۳ تیر ۱۳۷۴ طی آموزش‌های خلبانی هواپیمای بدون موتور برای انجام عملیات شهادت طلبانه، به شهادت رسیده است.

◀ ذوق حاج حسان از دیدن عکس آقا

زمرستان سال ۱۳۷۷، هنگامی که برای عکاسی از مراسم روز قدس که در بیروت برگزار می‌شد، به لبنان رفتم، مقدار زیادی عکس‌های برجسبی و تعدادی پوستر به عنوان سوغات از ایران، همراه خود بردم. حاج حسان را که دیدم، گل از گلم شکفت، همیشه همین‌گونه بود. دیدن او، صفایی خاص داشت. حاج حسان «شاه‌کلید» اختصاصی من در لبنان بود. اصلاً نمی‌دانستم حاجی چه مسئولیتی در حزب الله و مقاومت دارد؛ هرچه که بود، با بودن او، برای تردد در مناطق مرزی و عملیاتی جنوب هیچ مشکلی نداشتم. همین مسئله برایم

کلی ارزش داشت. هیچ‌گاه هم از او نپرسیدم چه کاره است و چه مسئولیتی دارد، مهم این بود که حرفش برو داشت و اصلاً نیازی به نوشتن برگه یا حکم مأموریت نبود. فقط کافی بود اراده کنم به جنوب بروم، به او می‌گفتم و او با یک تلفن کوتاه، همه چیز را حل می‌کرد.

وقتی به دفتر حاجی رفتم، مقوای لوله شده را باز کردم و پوستر بسیار زیبای رهبر معظم انقلاب که چفیه بر گردن داشتند و به تازگی در ایران چاپ شده بود، تقدیم او کردم. چنان برق ذوقی در چشمان حاج حسان پدیدار شد و لبانش به خنده باز شدند که من یکی کیف کردم. پوستر آقا را در دست گرفتم، ذوق کرد و مدام صلوات می‌فرستاد. خوشحال شدم از اینکه توانسته بودم هدیه‌ای برای حاجی ببرم که خوشحالش کند. دو روز بعد متوجه شدم از آن پوستر که آورده بودم، تعداد زیادی تکثیر شده و در قلابی زیبا، در همه اتاق‌ها قرار گرفته است. حاجی آن را به عکاسی که دوستش بود، سپرده بود و از روی آن تعداد زیادی چاپ کرده بود.

◀ حاج حسان و آموزش خلبانی

اواخر ماه رمضان سال ۱۳۷۶ در سفری که برای عکاسی از مراسم روز قدس به لبنان داشتم، میهمان حاج حسان بودم. دفتر کار حاجی، واحدی اجاره‌ای از آپارتمانی بزرگ در منطقه ضاحیه، محله «حاره حریک» بود. یکی از شب‌ها، دیدم حاجی، پای کامپیوتر مشغول بازی است. تعجب کردم. یعنی حاج حسان این قدر بی‌کار بود که مثل بچه‌ها، بنشیند پای کامپیوتر و بازی کند!

جلو که رفتم، دیدم دارد بازی هواپیمایی می‌کند. خنده‌ام گرفت. گفتم: چیه حاجی، هوس کردی مثل بچه‌ها با کامپیوتر بازی کنی؟ خندیدم و گفتم: خب معلومه حاجی، تو شب و روز نشستی بازی می‌کنی، من اولین بارمه، باید بگویم زمین، که گفت: بازی چیه جوون؟ اینکه بازی نیست. گفتم پس چیه؟ حاجی جواب داد: به این می‌گن «سیمولاتور». با تعجب گفتم چی؟ سیمولاتور! این دیگه چیه؟ گفت: سیمولاتور شبیه‌ساز پرواز. چیزیه که خلبان‌ها قبل از پرواز باید آن قدر با اون کار کنند که به راحتی بتونن تو کابین پرواز بشینن. اگر خلبانی این‌جا نتونه پرواز کنه، قطعاً نمی‌تونه هواپیما رو هدایت کنه. کار با این، خیلی مهمه. با تعجب گفتم: حاجی جون، مگه شما هواپیما دارید که این چیزها رو تمرین می‌کنید؟ پاسخ داد: نداریم، ولی خدا رو چه دیدی؟ شاید روزی رسید هواپیما هم تهیه کردیم. ما در



شهید گمنام

فیلم کمتر دیده شده از فرمانده حسان اللقیس در فضای مجازی. برای مشاهده این فیلم نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.





عقل درخشان

«عقل درخشان» پیرامون زندگی فرمانده شهید مقاومت اسلامی لبنان «حسان اللقیس» می باشد که پاییز سال ۱۳۹۲ به دست مزدوران رژیم غاصب صهیونیستی اسرائیل در لبنان ترور شد. این کتاب، حاوی ناگفته هایی از زندگی شهید، تصاویر اختصاصی، خاطرات شخصی حمید داوودآبادی از او، خاطرات شخصی شهید اللقیس، متن کامل مصاحبه منتشر نشده با حسان اللقیس همچنین اخبار و اطلاعات ویژه درباره ترور او است. اللقیس به ضرب گلوله هایی که از فاصله نزدیک شلیک شده بود با ۵ تیر در سر و گردنش به شهادت رسیده که برخی منابع اعلام کرده اند که وی به ضرب ۴ گلوله که به سوی کتف و سرش شلیک شده، به شهادت رسیده است. همچنین گفته می شود وی در پارکینگ منزلش ترور شده است. برای تهیه این کتاب نمایه کیوار کد مقابل را اسکن کنید.



عقل درخشان

جنگ خودمون با اسرائیل، باید از همه لحاظ آماده باشیم. نیروهای ما، فقط رزم روی زمین و کار با کلاشینکف و ام ۱۶ رو یاد نمی گیرند، نیروهای ما باید دوره های ویژه کماندویی، چتربازی و ... و حتی خلبانی رو هم ببینند و از همه لحاظ آمادگی داشته باشند. یک نیروی رزمی مقاومت باید بتونه در مواقع ضروری رانندگی تانک مرکاوا، هدایت نفربرها و کنترل موشک های مختلف رو بلد باشه. یعنی هر سلاحی که دشمن داره، بچه های مقاومت باید کار با اون رو بلد باشن. حتی اگر هواپیمای اف ۱۶ باشه.

آموزش فیلم برداری به نیروهای عملیاتی

مدتی بود که دوربین در میان نیروهایی که برای عملیات به مناطق اشغالی می رفتند، از داشتن سلاح واجب تر شده بود. این خبر خوبی بود؛ ولی باید ثبت صحنه های تکرار نشدنی عملیات، حساب شده و منظم صورت می گرفت. در یکی از سفرها که با یکی از دوستان به لبنان داشتم، با حاج حسان بر سر آموزش نیروهایی که دست به دوربین بودند، بحث کردیم. خیلی از این مسئله استقبال و اعلام آمادگی کرد. همین که به تهران رفتیم، با مسئول روابط بین الملل یکی از سازمان های فیلم سازی صحبت کردیم که آن ها هم با روی گشاده استقبال کرده و حتی اعلام کردند برای این کار، ریالی هم دریافت نخواهند کرد.

وقتی تلفنی قضیه را به حاج حسان اطلاع دادیم، مدتی نگذشت که ۱۵ نفر از بچه های مقاومت که علاقه و استعداد بسیاری برای کار با دوربین داشتند، به تهران آمدند. آن مؤسسه، دوره ای ۴۵ روزه برای آنان گذاشت و همه آموزش های لازم از جمله فیلم برداری در مواقع بحرانی، تدوین و ساخت برنامه های تبلیغی و تلویزیونی و ... را به آنان آموزش دادند. دوره که به پایان رسید، آن ۱۵ نفر که واقعاً استعداد شگرفی در جذب دروس و آموزش داشتند، به لبنان بازگشتند و در عملیات های مختلف، به تصویربرداری پرداختند. کم کم دوربین آنچنان در صحنه نبرد کارساز شد که خشم صهیونیست ها را برانگیخت؛ چرا که تا پیش از آن، پس از هر عملیات مقاومت و ضربه به مواضع دشمن اشغالگر، صهیونیست ها به راحتی هرگونه آسیب و ضربه را تکذیب می کردند که این مسئله هم برای حفظ روحیه صهیونیست ها بود و هم برای خنثی سازی فعالیت حزب الله. از وقتی دوربین وارد صحنه عملیات شد، دقایقی پس از عملیات، تصاویر بکرو و ناب از ضرباتی که بر صهیونیست ها وارد آمده بود، از شبکه المنار وابسته به حزب الله پخش می شد و دشمن را رسوا می کرد. همین مسئله سبب شد تا بالگردهای ارتش اسرائیل، بلافاصله پس از هر عملیات، به جای تعقیب نیروهای نظامی و عملیاتی، به دنبال آسانی باشند که دوربین بر دوش داشتند تا با هدف قرار دادنشان، عملیات روانی مقاومت را خنثی کنند.

جنایت در کلیسای کحاله و زنده شدن خاطرات

اسارت حاج احمد متوسلیان

اوایل تابستان سال ۱۳۷۴ بود که سوار بر ماشین بنزی که از بیروت عازم بعلبک بود، میان چند نفر از بچه های مقاومت نشسته بودم. حاج حسان پشت فرمان بود که در میان شوخی ها و تکه های قشنگ، در جواب من که از سرعت بالایش انتقاد کردم، گفت: لبنانی ها خیلی تند و سریع می رانند، ولی ایرانی ها بسیار عجولانه و خطرناک رانندگی می کنند.

ناگهان حاج حسان به تندی ماشین را کشید کنار جاده و زد روی ترمز. همه تعجب کردیم. علت را که پرسیدم، رویش را به



در کنار یار شهید

سمت راست شهید حسان اللقیس؛ سمت چپ شهید حسین ایوب. شهید حسین ایوب از بنیان گذاران اولیه عملیات هوایی در مقاومت بود و در همین راه نیز به شهادت رسید. گروه جهاد و مقاومت مشرق افتخار داشت که برای نخستین بار عکس و مشخصات کامل شهید حسین ایوب را در فضای مجازی فارسی منتشر کند.



پدر موشکی حزب الله

ترور اللقیس بعد از عماد مغنیه، یکی از مهمترین ترورهای اسرائیل بود که برخلاف عمده موارد گذشته، این یار آنها مسئولیت ترور را هم برعهده گرفتند. رونن برگمن نویسنده اسرائیلی در کتاب خود (برخیز و اول تو بکش) می گوید: «لقیس شروع به ساخت یک سری طولانی از انبارها و سیلوهای موشکی در جنوب لبنان کرد. این انبارها و سیلوها چنان ماهرانه استتار شده بودند که اطلاعات اسرائیل هرگز متوجه آنها نشد.»



◀ حرکت پشت سر امام خامنه‌ای

خرداد ۱۳۷۵ همراه چندتن از بچه‌های مقاومت اسلامی، روستا به روستا و شهر به شهر جنوب لبنان را زیر پا می گذاشتیم. می‌رفتم تا از نزدیک، سنگرها و مواضع مقابله با تجاوزگری صهیونیست‌ها را ببینم و تصویر و گزارش تهیه کنم. هنگام عبور از شهرک‌های مسیر، آنچه توجهم را بسیار جلب کرد، تصاویر بزرگی بود که در ورودی و خروجی هر شهر به چشم می‌خورد. تابلوهای فلزی بزرگ با طول حداقل ۴ متر که روی آن‌ها تصاویری نقاشی شده بود. با یک حساب سرانگشتی، فهمیدم از حدود ۱۰۰ تابلو، ۳۰ عدد متعلق به رئیس جمهوری و رئیس مجلس لبنان است و از هفتاد تای بقیه، حدود ۲۰ تابلو متعلق به حضرت امام خمینی (ره)، ۱۰ تابلو متعلق به حجت‌الاسلام سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله و ۴۰ تابلو اختصاص به تصاویر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دارد. وقتی به



پشت سر برگرداند و به کلیسایی که در پایین جاده، سرپیچی تند قرار داشت، اشاره کرد و گفت: خوب به این کلیسا نگاه کن. دقت که کردم، دیدم یک کلیسای مسیحی ظاهراً متعلق به مارونی‌های لبنان است. بیشتر که دقیق شدم، متوجه آم «حزب کتائب» یا همان فالانژیست‌های لبنان شدم که در کنار کلیسا بر بالای ساختمانی به چشم می‌خورد.

نام و نشان فالانژیست‌ها، مرا می‌برد به اسارت مظلومانه حاج احمد متوسلیمان، سیدمحسن موسوی، تقی رستگار و کاظم اخوان که ۱۴ تیر ۱۳۶۱ در منطقه «برباره» در شمال بیروت، توسط نیروهای فالانژ به رهبری «سمیر جعجع» اسیر شدند و دیگر هیچ خبری از آن‌ها بازنیامد. در لبنان، حزب کتائب و فالانژیست‌ها و «قوات اللبناویه» شاخه نظامی آن، مترادف است با جنگ، جنایت، وحشیگری و قتل عام فلسطینی‌ها و مسلمانان؛ و حتی در بعضی موارد، دیگر مسیحیان مخالف آن‌ها و فرقه‌ها و پیروان ادیان غیر از مارونی.

وقتی از حاج حسان پرسیدم این کلیسا چه ماجرای دارد که نگه داشتی تا آن را نشان دهی، چهره‌اش درهم رفت و با ناراحتی گفت: چند سال پیش در اوج جنگ‌های داخلی لبنان که بین فالانژها و مسلمانان به خصوص شیعیان بود، تعدادی از بچه‌های حزب‌الله را به اسارت گرفتند، آوردند جلو در این کلیسا، همین جا.

به ورودی کلیسا اشاره کرد و ادامه داد: مقابل کلیسا و دفتر کتائب، زنان بدکاره و فواحش را آوردند، مشروب می‌خوردند، عیاشی کردند و به رقص و پایکوبی پرداختند. در همان حال، بچه‌های مظلوم حزب‌الله را جلو در کلیسا نشاندهند و به عنوان قربانی، از پشت، تیر خلاص به سرشان شلیک کردند. با شنیدن این حرف، خونم به جوش آمد. تصور اینکه چندسال پیش، همین جا جلو در کلیسا، بچه‌های شیعه، دست‌بسته و مظلومانه، میان هلله و عیاشی فالانژها، نشسته‌اند و جنایتکاران، مست و وحشی، تیر خلاص به آن‌ها می‌زنند، دیوانه‌ام کرد. خواستم دوربین را در بیاورم و عکس بگیرم که حاجی نگذاشت. گفت: اگر متوجه شوند، شر به پا می‌کنند.



آن‌هایی که پشت سر امام خمینی گیر کردند، همان‌جا خواهند ماند. امروز نیاز است که پشت سر ولی فقیه حاضر و حی‌خویش حرکت کنیم. اگر قرار باشد ما هم پشت امام (ره) بمانیم، که باید در همان روز رحلت ایشان، دیگر قدم از قدم برنذاریم و فقط توی سر خود بزنیم و گریه کنیم. ما امروز با اقتدا به ولی زمان خویش است که این‌گونه جلو صهیونیست‌ها قد علم می‌کنیم و به لطف خدا پیروز هم خواهیم شد



فرزندان شهیدی که شهید شدند

صهیونیست‌ها که شدیداً به دنبال زدن حاج حسان بودند، ساختمانی را در منطقه شیخ هدف موشک قرار دادند که پسر بزرگ او "علی رضا" در آن به شهادت رسید. شش ماه پس از جنگ ۳۳ روزه و شهادت علی رضا، ضربه سخت دوم بر روحیه حسان وارد شد. دختر ۱۵ ساله اش آیه، بر اثر حادثه فوت کرد. این مسئله برای او بسیار گران آمد. حسان وابستگی شدیدی به خانواده داشت به طوری که خودش با اتومبیل فرزندانش را به مدرسه می‌رساند.



رابطه سید مقاومت با حسان همچون پلک و چشم بود

تصویری از جوانی سید حسن نصرالله و حاج حسان. آن دو تحت آموزش‌ها و دروس شهید "سیدعباس موسوی" قرار داشتند و سید حسن میهمان خانه حاج حسان در بقاع بود. روابط دوستانه و خانوادگی آنها بسیار محکم بود؛ به قول یکی از مسئولین بزرگ حزب الله، رابطه و دوستی خانوادگی حاج حسان و سید حسن همچون پلک و چشم بود.

ماجرای جالب دیدار شهید حسان اللقیس با آیت الله خامنه‌ای (دام ظلّه)

عکس یادگاری با ابوعلی

شخصیت حاج حسان بسیار ویژه بود، وی علاوه بر اینکه مطالعات علوم کامپیوتر را در دانشگاه آمریکایی لبنان خوانده بود، بدون حضور در مدارس تخصصی زبان فارسی و تنها از طریق سفرهای خود به ایران به خوبی می‌توانست فارسی صحبت کند، وی حتی لهجه‌های مختلف فارسی و گویش مخصوص تهران پایتخت ایران را نیز بلد بود.

یکی از عناصر مقاومت پس از شهادت وی به خانواده شهید گفت حاج حسان یک ماه پیش از شهادت به ایران سفر کرده و با امام سید علی خامنه‌ای دیدار داشت. وی در این دیدار از ایشان خواست تا برای او دعا کنند خداوند شهادت را نصیب او گرداند. امام خامنه‌ای صورت او را بوسیدند و پاسخ دادند: برای شما از خداوند عاقبت به‌خیری را می‌خواهم. در آن روز سید حسن نصرالله از ابوعلی (کنیه حسان اللقیس) خواست وی سخنگوی هیئت شود. وی مشروح عملیات مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی طی ۳۳ روز را گزارش کرد. ناگهان امام خامنه‌ای از اللقیس پرسیدند: آیا تو ایرانی هستی؟ اللقیس جواب داد: نخیر، من لبنانی‌ام. امام خامنه‌ای گفتند: اما زبان فارسی را به خوبی صحبت می‌کنی. اللقیس پاسخ داد: به علت تردد دائم به جمهوری اسلامی ایران یاد گرفته‌ام. در این زمان امام خامنه‌ای عکاس ویژه خود را فراخواندند و از او خواستند یک عکس یادگاری با حاج حسان بگیرند.

حاج حسان تعجبم را از این ترکیب گفتم و اینکه چرا تعداد تصاویر امام خمینی (ره) کم‌تر از تصاویر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است، با تبسمی زیبا گفت: مگر بین امام و سیدالقائد تفاوتی هست؟ نه خب، ولی هرچی باشد او امام خمینی است. که باز خندید و گفت: ببین، اشتباه نکنید. الان (سال ۱۳۷۵) هفت سال از رحلت حضرت امام خمینی می‌گذرد و ایشان به ملکوت‌اعلا سفر کرده‌اند، ولی آن که امروز حی و حاضر است و به درستی همان شیوه و مرام امام خمینی را ادامه می‌دهد، سید قائد است.

خواست باشد، خیلی‌ها پس از رحلت پیامبر اسلام (ص)، پشت سر پیغمبر گیر کردند و مدام از او دم زدند. انگار امروز هم که ایشان نیست، باید به جسم پیامبر (ص) اقتدا کنند. همان شد که از امام زمان خویش یعنی مولا علی (ع) واماندند. تاریخ همواره تکرار می‌شود. آن‌هایی که پشت سر امام خمینی گیر کردند، همان‌جا خواهند ماند. امروز نیاز است که پشت سر ولی فقیه حاضر و حی خویش حرکت کنیم. اگر قرار باشد ما هم پشت امام (ره) بمانیم، که باید در همان روز رحلت ایشان، دیگر قدم از قدم برداریم و فقط نوی سر خود بزنیم و گریه کنیم. ما امروز با اقتدا به ولی زمان خویش است که این‌گونه جلو صهیونیست‌ها قد علم می‌کنیم و به لطف خدا پیروز هم خواهیم شد.

• منابع:

- ویکی شیعه ۱۲۱۴۵
- پاتوق کتاب توضیح کتاب عقل درخشان ۵۲۸۵۹۶
- خبرگزاری دفاع مقدس ۵۶۹۸۳۲
- خبرگزاری حوزه ۵۸۹۷۴۲۱

گزارش لحظه شهادت

گزارش اختصاصی خبرگزاری یورونیوز وابسته به سرویس‌های اطلاعاتی اروپا از شهادت حسان اللقیس و محل وقوع حادثه در جنوب لبنان. برای مشاهده این فیلم نمایه کیوآر کد مقابل را اسکن کنید.



نگاهی به قابلیت‌های یگان هوایی حزب‌الله

مقاومت چگونه به برتری

ارتش اسرائیل مهر ابطال زد؟



مهاجر

برتری هوایی وضعیتی نظامی است که در آن نیروی هوایی ارتش یک کشور از آزادی عمل بیشتری در انجام مأموریت‌های خود در برابر دشمن برخوردار است و علاوه بر آن مانع استفاده مؤثر دشمن از حریم هوایی این کشور می‌شود. بسیاری از کارشناسان و نظریه‌پردازان امور نظامی معتقدند که دستیابی به برتری هوایی پیش‌نیاز پیروزی در هر جنگی است، این واقعیتی است که از زمان جنگ جهانی دوم ثابت شده است و هیچ کشوری نتوانسته است در برابر کشور دیگری که برتری هوایی را در اختیار دارد مقاومت کند. بر همین اساس صهیونیست‌ها از زمان تشکیل رژیم جعلی خود در سال ۱۹۴۸ بر تجهیز نیروی هوایی ارتش این رژیم متمرکز بوده‌اند و عمده تلاش‌های رژیم اشغالگر در زمینه تجهیز نظامی مربوط به تکاپو برای دستیابی به برتری هوایی بوده است. در سایه حمایت‌هایی که آمریکا از ارتش رژیم صهیونیستی به عمل آورد و اتفاقاتی که در منطقه

عربی و در سطح درگیری فلسطینیان و صهیونیست‌ها بعد از اشغال فلسطین افتاد، این رژیم تصور می‌کرد که به یک برتری مطلق هوایی دست یافته است، اما با ظهور گروه‌های مقاومت در منطقه از جمله حزب‌الله لبنان همه معادلات صهیونیست‌ها به هم ریخت و آنها نتوانستند به هیچ دستاورد راهبردی و تاکتیکی در برابر مقاومت دست پیدا کنند. در شرایطی که رژیم صهیونیستی دوبار برای اشغال لبنان خیز برداشت و تصور می‌کرد که با قدرت نیروی هوایی خود می‌تواند این کشور را شکست دهد، اما متوجه شد که قدرت مقابله با موشک‌های حزب‌الله را ندارد و این اتفاقی بود که دو بار در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ افتاد، بنابراین رژیم اشغالگر صهیونیستی بعد از پایان جنگ جولای سال ۲۰۰۶ متوجه شد که حزب‌الله علاوه بر پیشرفت در زمینه تقویت زرادخانه موشکی خود از سامانه‌های پدافند هوایی پیشرفته‌ای برخوردار است که به راحتی می‌توانند پهپادها و موشک‌های اسرائیل را رهگیری کنند. البته کارشناسان و محافل صهیونیست اعتراف می‌کنند

اسرائیل هنوز نتوانسته است اطلاعات دقیقی درباره قدرت موشکی و به‌طورکلی یگان هوایی حزب‌الله به دست بیاورد و به همین دلیل ممکن است در آینده غافلگیری‌های بیشتری در این زمینه برای تل‌آویو در راه باشد، این چیزی است که سید «حسن نصرالله» دبیرکل حزب‌الله در یکی از سخنرانی‌های اخیر خود درباره افزایش قدرت موشکی حزب‌الله و پروژه موشک‌های نقطه‌زن مقاومت به آن اشاره کرد؛ جایی که قدرت یگان هوایی حزب‌الله تنها محدود به موشک‌ها نیست و پهپادها نیز به‌طور رسمی وارد معادله هوایی مقاومت لبنان شده‌اند.

در همین چارچوب سرویس‌های اطلاعاتی و رسانه‌های رژیم صهیونیستی از دو دهه گذشته همواره در تلاش بوده‌اند بفهمند که حزب‌الله در سطح یگان هوایی چه قابلیت‌هایی دارد. رسانه‌های صهیونیستی به‌کمک مطبوعات خارجی چندین بار

فیوز مجاورتی و تماسی سام-۱۴ استفاده می‌کند اما طرح کلی موشک کاملاً جدید است و برد و سرعت آن به میزان چشمگیری افزایش یافته است. یک جست‌وجوگر جدید و بهبودهای آئروپنایمیکی روی آن باعث شده است محدوده تأثیرگذاری موشک افزایش یابد و سرعت بالای آن باعث می‌شود توانایی اصابت به اهداف سریعتری را داشته باشد. حداکثر برد ایگلا ۵۲۰۰ متر و سقف اوج‌گیری آن تا ارتفاع ۳۵۰۰ متری است.

QW (ساخت چین): یک سیستم موشکی با هدایت مادون قرمز علیه اهداف هوایی در برد ۵ کیلومتر و حداکثر ارتفاع ۴ کیلومتر است.

اقدام به انتشار مقالاتی در رابطه با قابلیت‌های نظامی حزب‌الله به‌ویژه یگان هوایی آن کرده‌اند. بخشی از اطلاعاتی که محافل و رسانه‌های صهیونیستی درباره توان یگان هوایی حزب‌الله به دست آورده‌اند به‌طور خلاصه به‌شکل زیر است:

◀ توپ‌های ضد هوایی

AZPS-۶۰: گلوله‌های ۵۷ میلی‌متری آن می‌توانند اهداف هوایی را در ارتفاع ۶۰۰۰ متری و ۴۰۰۰ متری (در صورت مجهز بودن به هدایت راداری) رهگیری کنند.

زسو ۴-۲۳ معروف به «شیلکا»: این سیستم از یک توپ مسلسل



چهارلول ۲۳ میلی‌متری و یک رادار تشکیل می‌شود که روی یک شاسی زرهی سوار می‌شود که از تانک سبک پی‌تی-۷۶ اقتباس شده است. قابلیت دید در شب را با استفاده از سیستم‌های مادون قرمز مثبت دارد، و می‌تواند اهداف را در حداکثر ارتفاع ۱۵۰۰ متری، در برد ۲۵۰۰ متری و با آتش سنگین رهگیری کند.

◀ موشک‌های شانه پرتاب

سام یا استرلا ۲ (ساخت روسیه): یک سیستم موشکی زمین به هوای ارتفاع کم، دوش پرتاب و قابل حمل توسط نفر با سیستم هدایت گرمایاب است.

سام-۱۴ (ساخت روسیه): یک سیستم موشکی که تا حد زیادی به استرلا ۲ متکی است، اما با مشخصات پیشرفته‌تر، به طوری که می‌تواند هواپیماها را در برد ۴۵۰۰ متر، در ارتفاعات ۱۸۰۰ متری تا حداکثر ۳۰۰۰ متر هدف قرار دهد.

سام-۱۶ معروف به ایگلا (ساخت روسیه): ایگلا مدل ارتقایافته خانواده موشک‌های دفاع هوایی دوش پرتاب روسی سام-۷ و سام-۱۴ است. ایگلا از کلاهک انفجاری دوکیلوگرمی با

سامانه‌های ثابت و قابل حمل

سامانه سام ۸

این سامانه موشک‌های زمین به هوا را به سمت اهداف کوتاه و ارتفاع کم شلیک می‌کند.

اولین سامانه پدافند هوایی قابل حمل است که با رادار در یک وسیله نقلیه ادغام شده است.

این سامانه می‌تواند در عرض پنج دقیقه به اجرای وظایف پاسخ دهد و برای پرتاب آماده شود و قادر به حرکت در خشکی و آب است.

سرعت موشک‌های آن ۱۰۲۰ متر بر ثانیه است که تقریباً ۳ ماخ محسوب می‌شود.

می‌تواند اهداف را در برد حداکثر ۱۵ کیلومتر و ارتفاع ۱۲ کیلومتر کنترل کند.

موشک‌های آن توانایی زیادی در دفع حملات پرازیت الکترونیکی دارند.

سامانه سام ۱۷ (ساخت روسیه)

نام اصلی این سامانه «Buk-MYA» است، در حالی که ناتو آن را «Grizzly W-SA» می‌نامد.

این سامانه موشک زمین به هوای میان برد را از ۳ کیلومتر تا ۴۵ کیلومتر پرتاب می‌کند و دقت اصابت آن بین ۹۰ تا ۹۵ درصد است و سامانه‌ای مجهز به رادار است که می‌تواند با راندمان بالا اهداف را رهگیری و با ۶ هدف به‌طور همزمان مقابله کند.

گفته می‌شود در برخی آزمایش‌ها ثابت شده است که این سامانه می‌تواند با ۲۴ هدف به‌طور همزمان مقابله کند.

این سامانه در سرنگونی بالگردها، هواپیماهای جنگی، موشک‌های بالستیک و موشک‌های هوایی با ارتفاع هدف از ۱۵ متر تا ۲۵ هزار متر (۲۵ کیلومتر) مؤثر است و می‌تواند در فاصله ۱۲ ثانیه پاسخ دهد.

این سامانه همچنین می‌تواند علیه اهداف زمینی مانند وسایل نقلیه سنگین و یا حتی اهداف دریایی مانند ناوچه‌ها و کشتی‌های جنگی مورد استفاده قرار گیرد.

ویژگی این سامانه این است که روی یک مکانیسم متحرک عمل می‌کند که به آن امکانات زیادی برای مانور و ازدحام در یک نقطه جغرافیایی می‌دهد.

طول موشک‌های این سامانه حدود ۶ متر و سرعت پرتاب آن ۱۲۳۰ متر بر ثانیه است که تقریباً ۳٫۵ ماخ است و مدل‌های مدرن آن قدرت تخریب بسیار بالایی دارند.

سامانه مرصاد ۱۶

این سامانه از ۳ باتری موشک و ۲ و ۳ رادار تشکیل شده است و در سال ۲۰۱۸ وارد خدمت شد.

برد تشخیص هدف: ۱۵۰ کیلومتر.

برد درگیری: ۴۵ کیلومتر.

سامانه سام ۲۲

این سامانه یکی از سامانه‌های پدافند هوایی است که در انجام مأموریت‌ها بسیار کارآمد و شایسته بوده است، به‌ویژه در سوریه که دائماً با حملات هوایی اسرائیل مقابله می‌کند.

یکی از مهمترین ویژگی‌های آن این است که هدف هوایی را در دو مرحله منهدم یا رهگیری می‌کند.

حداکثر ارتفاع: ۱۵ کیلومتر.

حداکثر برد: ۱۸ کیلومتر.

محدوده سرعت این موشک بین ۷۸۰ متر بر ثانیه (۲/۳ ماخ) تا ۱۳۰۰ متر بر ثانیه (۳/۸ ماخ) است.

منبع:
الخنادق



رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه علیه لبنان در سال ۲۰۰۶ آسیب‌های فراوانی متحمل شد که در اینفوگرافی زیر به آن اشاره کرده ایم:

نگاهی آماری به عوامل تشدید فروپاشی رژیم اشغالگر قدس در
جنگ ۳۳ روزه

شروع زوال صهیونیسم

۵♦♦♦

اصابت ۴ تا ۵ هزار فروند موشک به شهرک‌های صهیونیست نشین

۹۶

انهدام ۹۶ دستگاه خودروی زرهی

۱♦♦♦♦

یک میلیون شهرک نشین صهیونیست آواره و بی خانمان شدند

۱۶۵

هلاکت ۱۶۵ نظامی صهیونیست و زخمی شدن ۲۵۰۰ نفر دیگر

اثبات ناتوانی یگان‌های نخبه ارتش رژیم صهیونیستی در نبردهای چریکی از جمله تیپ گولانی و تیپ ناحال

ناتوانی سیستم‌های جاسوسی و اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی

انهدام تانک‌های مرکاوا از سوی حزب الله که نماد ارتش به اصطلاح شکست ناپذیر اسرائیل تا آن زمان بودند

انهدام ناو پیشرفته ساعر ۵

عدم آزادسازی دو اسیر اسرائیلی در جریان جنگ

اثبات ضعف بنیه ساختاری ارتش رژیم صهیونیستی و ضعف رهبری سیاسی

ضعف بنیه دفاعی در عمق اسرائیل

۲♦♦♦

- تخریب ۲۰۰۰ واحد صهیونیست نشین در شهرک‌ها

۳۷%

کاهش ۳۷ درصدی بخش گردشگری اسرائیل

۱,۴

آسیب ۱,۴ میلیارد دلاری به درآمدهای اتاق بازرگانی اسرائیل

۳,۵

۳,۵ میلیون دلار آسیب مالی به اقتصاد رژیم صهیونیستی



روایت زندگی شهید سید مصطفی بدرالدین

ذوالفقار حزب الله لبنان

شهید مصطفی بدرالدین معروف به فؤاد صعب، سامی عیسی و ذوالفقار حزب الله لبنان، ۶ آوریل سال ۱۹۶۱ برابر با ۲۶ فروردین ۱۳۴۰ در منطقه شیعه نشین «غیبری» در جنوب شهر بیروت پایتخت لبنان به دنیا آمد. او برادر همسر عماد مغنیه بود و رسانه های اسرائیلی از وی تحت عنوان جانشین حاج عماد مغنیه فرمانده نظامی حزب الله لبنان یاد می کردند که پس از شهادت ایشان در سال ۲۰۰۸ در دمشق، فرماندهی نظامی نیروهای مقاومت لبنان را در اختیار گرفته بود.

در همین راستا اتهامات واهی زیادی از جمله مشارکت در ترور رفیق حریری نخست وزیر اسبق لبنان در مورد وی مطرح شد.

آغاز فعالیت جهادی و مبارزاتی

وی از سال ۱۹۸۲ هنگامی که از زندان کویت آزاد شد و فعالیت جهادی و مبارزاتی خود را در دوایر حساس امنیتی و نظامی مقاومت آغاز کرد، همواره از سوی سازمان های جاسوسی رژیم صهیونیستی، آمریکا و انگلیس تحت تعقیب قرار داشته و بارها از عملیات ترور جان سالم به در برده بود. شهید بدرالدین، تمام زندگی خود را در راه مبارزه با اسرائیل صرف کرد. او از زمان اشغال لبنان به دست رژیم صهیونیستی تا زمان شهادتش در درگیری های متعددی بر ضد دشمن صهیونیستی شرکت کرده بود. شهید بدرالدین یکی از عناصر تیمی بود که در درگیری های مشهور خلد در برابر ارتش اسرائیل ایستاد و مانع از ورود ارتش متجاوز به بیروت از دروازه های جنوبی شد.

قرار گرفتن در لیست سیاه

شهید بدرالدین، همچنین مسئولیت عملیات های نظامی حزب الله را در خارج از لبنان بر عهده داشت. وی از سال ۲۰۱۲ که مسئولیت حضور نظامی حزب الله در سوریه را بر عهده گرفت؛ همان زمان نیز از سوی آمریکا در لیست سیاه قرار داده شد.

خانواده مصطفی بدرالدین

پدر «مصطفی بدرالدین» امین بدر الدین و مادرش فاطمه جزینی بودند. همسر او «فاطمه حرب» نام داشت و دارای ۶ فرزند به نام های زینب سادات، زهرا سادات، ساره سادات، سمیه سادات، مروه سادات و علی بود.

القاب شهید مصطفی بدرالدین

او با نام های مصطفی امین بدرالدین، مصطفی یوسف بدرالدین، سامی عیسی، الشبح، الیاس صعب، ابراهیم عیسی، سید ذوالفقار و الیاس فؤاد سائب نیز شناخته می شد و مسئولیت بخش نظامی حزب الله لبنان را بر عهده داشت.

زندانی شدن در کویت

مصطفی بدرالدین تا سال ۱۹۸۲ به همراه عماد مغنیه در میان نیروهای گروه ۱۷ که بخشی از جنبش فتح در بیروت بود، فعالیت می کرد. او به اتهام مشارکت در انفجار سفارت آمریکا در کویت در سال ۱۹۸۳ در این کشور بازداشت شد. رسانه های وابسته به آمریکا و رژیم صهیونیستی سعی داشتند همواره اتهامات تروریستی پرشماری را به وی نسبت دهند تا علاوه بر تخریب چهره این فرمانده نظامی در میان افکار عمومی منطقه، زمینه تعقیب حقوقی وی در کشورهای مختلف را فراهم کنند.

کلام عشق از زبان فرمانده ذوالفقار

کلیپ سخنان زیبای شهید مصطفی بدرالدین. وی معروف به فواد صعب، سامی عیسی و ذوالفقار حزب الله لبنان در تاریخ ششم آوریل ۱۹۶۱ در الغیبری به دنیا آمد. رسانه های اسرائیلی از وی تحت عنوان جانشین حاج عماد مغنیه فرمانده نظامی حزب الله لبنان یاد می کردند که بعد از شهادت ایشان در سال ۲۰۰۸ در دمشق، فرماندهی نظامی نیروهای مقاومت لبنان را در اختیار گرفته بود. برای مشاهده این کلیپ نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.





ویژگی‌های شخصیتی

شهید بدرالدین، دارای شخصیتی بسیار کارزماتیک و سخت‌گیر در امر انضباط و آموزش بود. در همین حال درون حزب‌الله از او به عنوان یک فرمانده کارگشته و بسیار حرفه‌ای یاد می‌شد، به طوری که گفته می‌شود او می‌توانسته همزمان با دو تفنگ شلیک کرده و به هدف بزند. در زمینه تاکتیک‌های نظامی نیز وی دارای هوش بسیاری بالایی بود و بسیاری در درون حزب‌الله، عمده پیروزی‌ها و خلق تاکتیک‌های نظامی و عملیاتی را به وی نسبت می‌دهند.

این شهید همچنین در طول زندگی خود به پروتکل‌های امنیتی بسیار پایبند بود و از یک گوشی موبایل بیش از یک روز استفاده نمی‌کرد و اجازه نمی‌داد در اطراف محل حضور خود شخصی از تلفن همراه استفاده کند. برای همین است که اطلاعات و تصاویر چندان از وی در دسترس نیست.

شهید بدرالدین و بحران سوریه

با آغاز بحران سوریه و ورود آن به مرحله نظامی، شهید بدرالدین حضور در این عرصه و مبارزه با گروه‌های تکفیری را وظیفه خود شمرد. وی در دیداری خصوصی به یکی از فعالان رسانه‌ای لبنان گفته بود: «وظیفه من مبارزه با توطئه‌های این کشورهاست و مبارزه در لبنان یا سوریه یا هر جای دیگر را جز با در دست گرفتن پرچم پیروزی و با رسیدن به شهادت رها نخواهم کرد». سازمان‌های جاسوسی اسرائیل، آمریکا و انگلیس بر این باور بودند که شهید بدرالدین در پس بزرگ‌ترین عملیات مقاومت در شناسایی و انهدام شبکه‌های جاسوسی آن‌ها در لبنان و سوریه و بازداشت عوامل آن‌ها در این شبکه‌ها قرار دارد.

تلاش برای ترور شخصیتی

مسئله دیگر، حجم تبلیغات سوء صهیونیست‌ها و رسانه‌های جریان سعودی علیه شهید بدرالدین است، به طوری که در سال‌های گذشته، رسانه‌های معاند علاوه بر تلاش صهیونیست‌ها برای ترور فیزیکی وی، در راستای ترور اخلاقی و شخصیتی این شهید نیز بودند؛ مسائلی از جمله بد اخلاق بودن وی، آموزش در اوکراین، تجارت طلا و یا اتهامات اخلاقی، درباره این شهید در رسانه‌های جریان سعودی بسیار به چشم می‌خورد.

حجم تبلیغات منفی و ترور شخصیتی علیه وی از سوی رسانه‌های غربی و سعودی به مسئله‌ای عادی در بین افراد حزب‌الله تبدیل شده بود و شهید بدرالدین به عنوان فردی شناخته می‌شد همواره آماج این حملات بوده است.

ذوالفقار که زندگیش مملو از جهاد، اسارت، مجروحیت و موفقیت‌های ویژه بزرگ بود، زندگی‌اش به شهادت ختم شد و به کاروان فرماندهان شهید (رحمت خدا بر آن‌ها باد) و به‌ویژه رفیق و هم‌زمش، فرمانده شهید حاج عماد مغنیه پیوست.

نحوه شهادت

سید مصطفی بدرالدین ملقب به «سید ذوالفقار» فرمانده شاخه نظامی حزب‌الله لبنان، که به نوعی جانشین شهید عماد مغنیه محسوب می‌شد، بامداد جمعه ۲۲ اردیبهشت ۹۵ در انفجاری در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی دمشق، به شهادت رسید.

منبع:

- آرشيو روزنامه ایران ۲۵۸۹۶۳
- دفاع پرس ۴۵۸۵۹۵
- شهدای مقاومت ۱۲۵۶۹۸



در کنار سید مقاومت

شهید بدرالدین از ۳۶ سال پیش مبارزات ضد صهیونیستی خود را در قالب جنبش فتح و حزب الله آغاز کرد و بسیاری از او به عنوان جانشین حاج عماد مغنیه و فرمانده نظامی حزب الله لبنان یاد می‌کردند.



دقایقی قبل از شهادت

دقایقی قبل از شهادت بدرالدین، او با حاج قاسم جلسه‌ای داشت که عناوین مهمش را در برگه‌ای یادداشت کرد. وقتی مصطفی شهید شد ابوزینب (حاج قاسم) بالای سر او آمد؛ به امید اینکه بلندش کند، شاید ذوالفقار شهید نشده باشد. اما همسرم آخرین نگاهش به ابوزینب بود که شهید شد. بعد از شهادتش حاج قاسم بالای سرش نشست و گریه کرد. این برگه هم همچنان کنار مصطفی افتاده بود که برای ما آخرین دست‌نوشته همسرم بسیار ماندگار و باارزش است.



مبارزه با توطئه، رسالت ماست

شهید بدرالدین در دیداری خصوصی به یکی از فعالان رسانه‌ای لبنان گفته بود: «وظیفه من مبارزه با توطئه‌های این کشورهاست و مبارزه در لبنان یا سوریه یا هر جای دیگر را جز با در دست گرفتن پرچم پیروزی و با رسیدن به شهادت رها نخواهم کرد.»

▼

حجم تبلیغات سوء صهیونیست‌ها و رسانه‌های جریان سعودی علیه شهید بدرالدین است، به طوری که در سال‌های گذشته، رسانه‌های معاند علاوه بر تلاش صهیونیست‌ها برای ترور فیزیکی وی، در راستای ترور اخلاقی و شخصیتی این شهید نیز بودند؛ مسائلی از جمله بد اخلاق بودن وی، آموزش در اوکراین، تجارت طلا و یا اتهامات اخلاقی، درباره این شهید در رسانه‌های جریان سعودی بسیار به چشم می‌خورد



دست نوشته های شهید سیدمصطفی بدرالدین در دستان دختر شهید



آخرین دست نوشته شهید مصطفی بدرالدین



جزئیات همکاری منافقین با داعش در ترور فرماندهان محور مقاومت

رمزگشایی از شهادت شهید بدرالدین

سندی از همکاری منافقین با داعش رسیده که نشان می‌دهد گروهک تروریستی منافقین، اطلاعات مقررهای نیروهای محور مقاومت را در اختیار داعش قرار داده و عامل شهادت یکی از فرماندهان ارشد محور مقاومت در سوریه بوده است. گروهک تروریستی منافقین که از هیچ جنایتی علیه مردم ایران دریغ نکرده و حتی در کنار صدام علیه وطن خود جنگیدند؛ در جریان جنگ سوریه ارتباط تنگاتنگی با گروهک تفکیری داعش داشته‌اند. براساس سند رسیده به دست ایسنا منافقین در قالب نقشه‌ای با عنوان «نقشه نیروهای ایرانی در سوریه» به تشریح موقعیت مقررهای نیروهای محور مقاومت پرداخته و درباره نوع و تعداد نیروها و کارکرد هر مقرر، جاسوسی کرده‌اند. در ذیل این سند به‌صراحت نوشته شده اطلاعات نیروهای محور مقاومت از طریق گروهک تروریستی منافقین بدست آمده است.



لباس رزم، عینک، خاک محل شهادت، تسبیح، مَهر و انگشتر شهید سیدمصطفی بدرالدین ملقب به سید ذوالفقار در موزه و سراسر نمای مقاومت سردار شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی



دوران جوانی ذوالفقار حزب الله



تلاش دشمن برای شناسایی شهید مصطفی بدرالدین در سوریه از طریق عکس برداری و رصد تصویری

مصطفی بدرالدین نمی تواند به صورت اتفاقی صورت گرفته باشد.

بدرالدین برادر همسر شهید عماد مغنیه بود و رسانه های رژیم صهیونیستی از وی با عنوان جانشین حاج عماد مغنیه فرمانده نظامی حزب الله لبنان یاد می کردند. شهید بدرالدین پیش از این در قالب شناسایی و انهدام شبکه های جاسوسی در لبنان و سوریه و بازداشت عوامل جاسوس، بیشترین ضربه را به سازمان های جاسوسی رژیم صهیونیستی، آمریکا و انگلیس زده بود و شهادتش توسط عوامل تکفیری از همکاری وسیع داخلی و خارجی حکایت داشت.

◀ رمزگشایی از شهادت شهید بدرالدین

بر اساس اطلاعات منبعی آگاه، پروژه ترور شهید مصطفی بدرالدین توسط منافقین روی میز داعش قرار گرفته است. منافقین که به سفارش موساد این پروژه را طراحی کردند، پس از جمع آوری اطلاعات شهید بدرالدین، آن را در اختیار داعش قرار دادند که منجر به شهادت وی در پایگاه الزجاجی شد. اطلاعات این سند هم این خبر را تأیید می کند.

طبق این سند اطلاعات منافقین درباره یکی از مقرهای نیروهای محور مقاومت با محل شهادت شهید بدرالدین مشابهت دارد.

گروهک منافقین در گزارش اطلاعاتی خودش، مقرر نمود اشاره را به عنوان مرکز فرماندهی محور مقاومت و محل رفت و آمد آن ها معرفی کرده بود.

مقر «الزجاجی» یکی از مقرهای نیروهای مقاومت حزب الله در نزدیکی فرودگاه بین المللی دمشق بود که به عنوان هدف ویژه و مشترک میان منافقین و چند گروه تکفیری برای جاسوسی تعریف شده بود.

اطلاعات جاسوسی نفاق در کنار بازوی تروریستی گروه های تکفیری موجب شهادت این فرمانده مقاومت شد.

پیش از این گمانه زنی هایی درباره نقش منافقین در جمع آوری اطلاعات، جاسوسی تلفنی، انتقال پول و حتی کمک به جذب و اعزام نیرو برای تکفیری ها مطرح شده بود، اما این سند به صراحت نشان می دهد داعش و منافقین همکاری جدی سطح بالایی در ترور فرماندهان مقاومت در سوریه نیز داشته اند.

همان زمان نیز تحلیلگران معتقد بودند نحوه شهادت شهید بدرالدین نشان می دهد هدف قرار گرفتن دقیق محل حضور



شهید بدرالدین پیش از این در قالب شناسایی و انهدام شبکه های جاسوسی در لبنان و سوریه و بازداشت عوامل جاسوس، بیشترین ضربه را به سازمان های جاسوسی رژیم صهیونیستی، آمریکا و انگلیس زده بود و شهادتش توسط عوامل تکفیری از همکاری وسیع داخلی و خارجی حکایت داشت



شهیدی که شهیدی را بدرقه کرد

کلیپ بدرقه شهید ذوالفقار توسط حاج قاسم سلیمانی برای حضور در معرکه حق علیه باطل، همراه زیرنویس عربی - الشهید سلیمانی یتکلم الشعر عن الأكبر والقاسم قبل ذهاب الشهید مصطفی بدر الدین للمعركة. برای مشاهده این فیلم نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.





◀ جزئیاتی از شیوه همکاری منافقین و داعش

عناصر بعثی در فرماندهی داعش، حلقه اولیه برای وصل منافقین به داعش شدند؛ چرا که منافقین از زمان صدام با بعثی‌های عراق رابطه نزدیکی داشتند و در زمان جنگ سوریه نیز برای بعثی‌ها خوش خدمتی می‌کردند.

منافقین از طریق شنود بیسیم، تخلیه تلفنی و ... اطلاعات مراکز نظامی و فرماندهان محور مقاومت را در عراق و سوریه جمع‌آوری و در اختیار برخی گروه‌های تکفیری شامل داعش و حتی صهیونیست‌ها قرار می‌دادند. حتی مستندات وجود دارد که نشان می‌دهد مسئولیت جمع‌آوری اطلاعات و طراحی عملیات حمله تروریستی داعش به مجلس شورای اسلامی در سال ۹۶ بر عهده منافقین بوده و داعش صرفاً بازوی اجرایی بوده است.

◀ نقش یک مرکز مطالعاتی در ارتباط میان گروه‌های تکفیری و منافقین

به دلیل آنکه اطلاعات جاسوسی منافقین به زبان قابل فهم گروه‌های تکفیری نبود، بر اساس توافق میان گروهک منافقین و یکی از گروه‌های تکفیری سوری مقرر شد اطلاعات مقررهای محور مقاومت در سوریه در اختیار یک مرکز مطالعاتی وابسته به معارضان سوری به نام «مرکز جسور للدراسات» قرار گیرد. بخش اطلاعات «مرکز جسور للدراسات» پس از تحلیل اطلاعات دریافتی از منافقین؛ آن‌ها را به صورت نقشه‌های نظامی و اطلاعاتی در اختیار گروه‌های تکفیری حاضر در سوریه قرار داده است.

سند منتشرشده یکی از خروجی‌های این مرکز مطالعاتی معارضان سوری است که به طور صریح در آن عبارت «مقاومت ایرانی» به عنوان منبع اطلاعاتی قید شده که منظور منافقین است. این مرکز مطالعاتی از سال ۲۰۱۱ و همزمان با شروع جنگ سوریه آغاز به کار کرد و دو دفتر اصلی در آمریکا و لبنان دارد.

این مرکز هرچند هدف خود را کمک به جوانان سوری به ویژه مهاجران سوری در زمینه‌های آموزش، توسعه شغلی و مشارکت در جامعه جهانی تعریف کرده است، اما به گزارش منبعی آگاه، از این طریق ضمن ایجاد یک شبکه انسانی برای جاسوسی و تحلیل اطلاعات، نقش پشتیبانی گروه‌های تکفیری سوریه را در دو حوزه جاسوسی و جنگ روانی ایفا می‌کند.

جسور (به معنای پل‌ها در زبان عربی) خود را یک سازمان غیردولتی بین‌المللی یا مأموریت «به حداکثر رساندن توانایی جوانان سوری از طریق آموزش» معرفی کرده است.

طبق اطلاعات برخی منابع «جسور» دارای شبکه ۱۰۰ هزار نفری از ۵۰ کشور جهان در قالب پژوهشگر و تحلیلگر است. این مرکز مطالعاتی که منابع مالی اش هم مشخص نیست، با دانشگاه‌های مهم جهان هم در ارتباط است و دانشجویانی را برای بورسیه تحصیلی معرفی می‌کند. «جسور» همچنان به عنوان یک مرکز مطالعاتی در حال فعالیت و تولید اطلاعات



انگشتی که رهبر معظم انقلاب به فرزند شهید بدرالدین هدیه داد



دیدار خانواده شهید بدرالدین و رهبر معظم انقلاب اسلامی



تسبیح، مُهر و انگشتر شهید سیدمصطفی بدرالدین ملقب به سید ذوالفقار در موزه و سراسر نمای مقاومت سردار شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی



نماز بر پیکر شهید مصطفی بدرالدین



روایت رهبر معظم انقلاب از شخصیت شهید مصطفی بدرالدین

شخصیت مستحکم و فولادین



رهبر معظم انقلاب در دیدار خانواده شهید بدرالدین با تجلیل از شجاعت‌ها و شهامت‌های این شهید فرمودند: «راجع به شخصیت مستحکم و فولادین این شهید عزیز زیاد شنیده بودم ... من برای ایشان از خدای متعال علو درجات و برای شما خانواده شهید صبر مسئلت می‌کنم ... خانواده شما خانواده شهید است. نه فقط خانواده شهید بدرالدین [بلکه] شهید عماد مغنیه و پسرش و دیگران. خانواده شما خانواده شهادت‌اند ... لبنان به برکت وجود حزب‌الله و عناصر مقاومت، تبدیل شده به یک سرزمین نمونه. واقعاً کمتر جایی را ما سراغ داریم که این همه عناصر مؤمن، عناصر خالص در آن حضور داشته باشند. با اینکه لبنان به حسب حجم جغرافیایی کوچک است، لکن از لحاظ معنا روی همه این منطقه اثر دارد و این به برکت همین خون شهدای شماس است. خون این شهدا خیلی اثر دارد». ۱۳۹۵/۰۳/۰۶

منابع:

- مشرق نیوز ۲۵۶۲۸۹
- العالم ۲۵۶۳۹۸
- خبرگزاری ایسنا ۱۴۰۲۶۵۹۸
- المیادین ۲۵۹۸۶۹۳۲
- اعلام الحریبی سوریا ۲۵۸۵۷۵

درباره سوریه است؛ این مرکز نه تنها مباحث نظامی که حتی مباحث اقتصادی و فرهنگی را دنبال می‌کند و گزارش‌های پرشماری درباره میزان و شیوه نفوذ فرهنگی ایران در سوریه تهیه کرده است، اما این گزارش‌ها یا در راستای تکمیل شناخت گروه‌های تکفیری بوده یا هم‌راستا با جنگ روانی علیه محور مقاومت.



دیدار حاج قاسم با شهید مصطفی بدرالدین در سوریه

شبکه تلویزیونی المیادین برای اولین بار تصاویر پخش نشده‌ای از دیدار سردار شهید قاسم سلیمانی با شهید مصطفی بدرالدین از فرماندهان حزب‌الله لبنان در حومه حماه و همچنین محورهای عملیاتی جنوب سوریه پخش کرد. برای مشاهده این فیلم نمایه کیوار کد مقابل را اسکن کنید.





از یگان ویژه حزب الله چه می دانیم؟

سربازان حیدر کرار

یک نیروی زمینی بسیار قدرتمند برخوردار است که ارزش و کارایی خود را در طول بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ و جنگ با تروریست‌های تکفیری ثابت کرد.

اما در خط مقدم نیروی زمینی حزب الله یگان ویژه‌ای به نام «رضوان» وجود دارد. نام یگان ویژه حزب الله معروف به یگان «رضوان» که برگرفته از نام «عماد مغنیه» فرمانده نظامی شهید حزب الله معروف به «حاج رضوان» است، فرمانده‌ای که صهیونیست‌ها در سال ۲۰۰۸ طی عملیاتی در دمشق وی را ترور کردند، همواره لרزه به جان صهیونیست‌ها می‌اندازد.

این یگان که چالش بزرگی برای اشغالگران محسوب می‌شود، مورد توجه بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران رژیم صهیونیستی قرار گرفته است و آنها ارزیابی می‌کنند که یگان رضوان مسئول آزادسازی منطقه «الجلیل» در شمال فلسطین اشغالی خواهد بود. آنها به سخنان سید «حسن نصرالله» دبیرکل حزب الله اشاره می‌کنند که فاش کرده بود مقاومت یگان‌های رضوان و «عباس» را در اختیار دارد که شمار نیروهای آنها بسیار زیاد است و مجهز به مقادیر زیادی سلاح مدرن هستند. این نیروها همچنین تخصص زیادی در نبردهای هجومی دارند و میزان توانمندی آنها از سال ۲۰۰۶ تاکنون بسیار افزایش یافته است.

اما کارشناسان رژیم صهیونیستی به دلیل نگرانی بالایی

کنار ناوگان موشکی و پهپادی حزب الله، یگان ویژه «رضوان» یکی از جدی‌ترین چالش‌ها و نگرانی‌های محافل امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی است و کارشناسان و نهادهای این رژیم توجه زیادی به آن دارند.

کتاب مذهبی یهودیان مملو از عباراتی است که آنها را به احتیاط درباره جبهه شمالی فلسطین اشغالی فرامی‌خواند. نگاهی به کتاب‌هایی که یهودیان تلمودی نوشته‌اند نشان می‌دهد که آنها دائماً درباره خطری که از جبهه شمالی بر صهیونیست‌ها وارد می‌شود هشدار داده‌اند.

طی دو دهه اخیر و به ویژه بعد از جنگ جولای ۲۰۰۶ میان حزب الله لبنان و ارتش رژیم اشغالگر صهیونیستی، شهرک‌نشینان و نظامیان صهیونیست به این نتیجه رسیدند که جبهه شمالی میان همه عرصه‌های رویارویی با مقاومت خطرناک‌ترین عرصه خواهد بود که موجودیت اسرائیل را شدیداً تهدید می‌کند؛ زیرا طرفی که اسرائیل را از جبهه شمالی تهدید می‌کند حزب الله است که توانایی‌های آن قابل مقایسه با قدرتمندترین ارتش‌های جهان می‌باشد.

در شرایطی که پاشنه آشیل ارتش رژیم صهیونیستی نیروی زمینی آن است و بارها ضعف خود را در عرصه‌های مختلف رویارویی با مقاومت نشان داده است، حزب الله لبنان از



تمرین «رضوان» برای روز موعود

نیروهای یگان الرضوان زنده‌ترین و معروف‌ترین که نیروهای حزب‌الله که مهمترین ماموریت آن ورود به خاک فلسطین در هر نبرد احتمالی در آینده است با سلاح‌های پیشرفته‌ای که در دست داشتند از دیوار شبیه به دیوار حائل عبور کردند. برای مشاهده این فیلم نمایی کیوآر کد مقابل را اسکن کنید.

کلیپ‌ها نشان می‌داد که نیروهای یگان الرضوان مهارت‌های رزمی زیادی دارند: از تک تیراندازی دقیق در سخت‌ترین شرایط گرفته تا تاکتیک‌های مختلف جنگی در شرایط آب و هوایی سخت و نبردهای کوهستانی و بیابانی و همچنین نبردهای دریایی. این نیروها همچنین مهارت و تجربه زیادی در استفاده از موتور سیکلت‌ها، تانک، نفربر زرهی و سایر وسایل حمل و نقل جنگی و همچنین تخصص زیادی در زمینه چتربازی دارند. در این کلیپ‌ها مشخص شد که نیروهای یگان الرضوان به جدیدترین سلاح‌ها همانند تپانچه‌های HS-۹۰ و اسلحه‌های کلاشینکف پیشرفته برای چتربازان AKS-۷۴ مجهز هستند که با انجام آموزش‌های پیشرفته در نبردهای دقیق می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند. برای مثال در یکی از صحنه‌های این فیلم‌ها نشان داده می‌شد که نیروهای یگان الرضوان در مانورهای خود به راحتی می‌توانند مواضع دور و نزدیک را به دقت مورد هدف قرار دهند.

● نیروهای یگان الرضوان تجربه عملی گسترده‌ای در سوریه به دست آورده‌اند و علاوه بر نبرد نظامی در جنگ اطلاعاتی و سایبری نیز تخصص زیادی دارند.

● یک سایت صهیونیستی در سال ۲۰۲۱ گزارشی منتشر و اعلام کرد که یکی از ماموریت‌های نیروهای یگان الرضوان حزب‌الله انجام عملیات شناسایی و اطلاعاتی توسط پهپادها از اهداف اسرائیلی است که هدف آن آماده‌سازی برای اجرای تهدیدها و انجام حملات علیه مواضع نظامی و شهرک‌های اسرائیلی می‌باشد.

که درباره یگان ویژه رضوان حزب‌الله دارند از مدت‌ها قبل تحقیقات زیادی درباره آن انجام داده و در ارزیابی‌های خود درباره ویژگی‌های این یگان به اطلاعات زیر دست یافته‌اند: ● یگان رضوان متشکل از نیروهای ویژه حزب‌الله است که شمار آنها ۲۵۰۰ رزمنده تخمین زده می‌شود. این نیروها در رده بندی‌های دقیق قرار داشته و تحت آموزش‌های سخت در زمینه تک تیراندازی، استفاده از سلاح‌های ضد تانک و مواد منفجره، دویدن در مسافت‌های طولانی، تردد در مناطق کوهستانی، انجام عملیات‌های دستگیری و ... بوده‌اند. این نیروها همچنین ماموریت‌های نظامی محرمانه و حساس زیادی انجام داده‌اند که همه آنها به روشی سریع و حرفه‌ای انجام گرفته است.

● یگان رضوان به شمار زیادی از گروه‌های متشکل از ۷ تا ۱۰ نفر تقسیم شده که قادر به انجام عملیات‌های مستقل و بدون هیچ گونه وابستگی و دریافت کمک لجستیکی از فرماندهی مرکزی هستند. بنابراین یکی از ویژگی‌های اصلی یگان الرضوان خودمختاری گروه‌های آن است و فرماندهی مرکزی این ویژگی را در اختیار گروه‌های مذکور قرار داده؛ به طوری که آنها اجازه تصمیم‌گیری سریع تاکتیکی در میدان را دارند. همین مسئله به سرعت عمل گروه‌های یگان الرضوان کمک زیادی می‌کند. ● این یگان بعد از جنگ جولای ۲۰۰۶ توسط «عماد مغنیه» فرمانده شاخه نظامی حزب‌الله تاسیس شد.

● کارشناسان صهیونیست در ارزیابی‌های خود اعلام کردند که نیروهای ویژه یگان الرضوان حزب‌الله در بسیاری از عملیات‌ها در سوریه در کنار ارتش روسیه می‌جنگیدند و آموزش زیادی در این زمینه دیده‌اند. این یگان حزب‌الله همچنین نقش فعالی در آزادسازی مناطق مختلف سوریه از شر گروه‌های تروریستی-تکفیری داشت.

● ارتش رژیم صهیونیستی ارزیابی می‌کند که در جنگ بعدی این یگان ویژه حزب‌الله از تونل‌ها برای آزادسازی منطقه الجلیل استفاده خواهد کرد و از آنجایی که امکان حمل و نقل هوایی نیروهای حزب‌الله به اراضی اشغالی وجود ندارد تونل بهترین گزینه برای انجام این عملیات حزب‌الله خواهد بود. به این ترتیب نیروهای یگان الرضوان بازوی اجرایی این طرح می‌شوند. «رون بن یشای» تحلیلگر نظامی رژیم صهیونیستی معتقد است که در اجرای این طرح سایر گروه‌های مقاومت نیز به حزب‌الله کمک خواهند کرد.

پیش از این رسانه‌های جنگی وابسته به مقاومت فیلم‌های متعددی منتشر کردند که در آن نیروهای یگان الرضوان حزب‌الله را نشان می‌داد که در عملیات آزادسازی دوم حاضر بودند. این



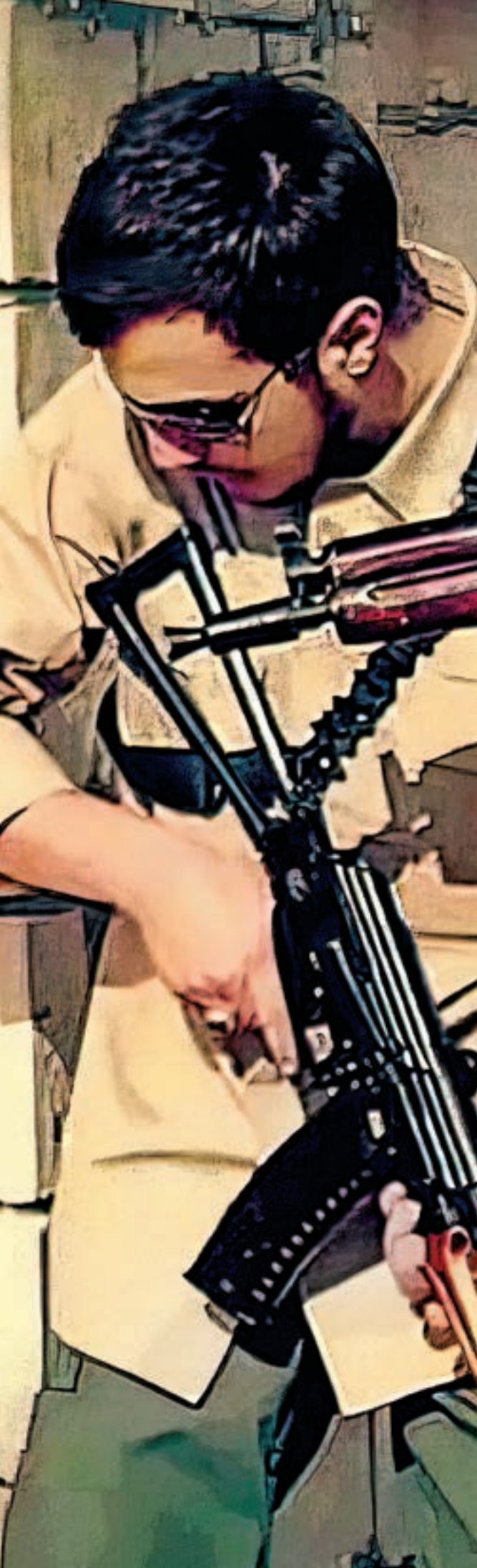
تمرینات یگان ویژه حزب‌الله لبنان در کوهستان برفی

عملیات رضوان

گروه رسانه‌ای «الاعلام الحربی فی المقاومة الاسلامیه» لبنان با انتشار ویدئویی تحت عنوانی «بعض من بأسنا» (بخشی از شجاعت ما)، گوشه‌هایی از تمرینات نیروهای ویژه حزب‌الله لبنان با تجهیزات کامل در ارتفاعات این کشور و در میان برف را به نمایش گذاشت. در این ویدئو، تمرینات نیروهای ویژه حزب‌الله لبنان با تجهیزات کامل و در ارتفاع ۱۳۷۰ متری و دمای منفی ۲ درجه به نمایش گذاشته شده است. رزمندگان

که چهره‌های آن‌ها پوشانده شده، با استفاده از ماشین برفی و اسکی برای عملیات در مناطق کوهستانی تمرین می‌کنند. روزنامه صهیونیستی جروزالم پست طی یادداشتی در دی ماه گذشته، ضمن اشاره به مهارت بالای رزمندگان یگان الرضوان در انجام حمله نوشت که اعضای یگان الرضوان در خط مقدم هر حمله حزب‌الله علیه اسرائیل خواهند بود و عملیات نفوذ به شهرهای صهیونیستی در طول مرز فلسطین اشغالی به همراه موج شلیک موشک‌ها و راکت‌ها توسط آنها صورت خواهد گرفت.





روایت جهاد مغنیه از زندگی تا شهادت

یادگارِ عماد

” (زاده ۲ مه ۱۹۹۱ - درگذشته ۱۸ ژانویه ۲۰۱۵) فرزند عماد مغنیه یکی از فرماندهان ارشد حزب الله لبنان بود. «جهاد عماد مغنیه» چهارمین عضو از خانواده مغنیه است که در جریان حمله موشکی در مزرعه الامل شهید شد. جهاد مغنیه در ۲ مه ۱۹۹۱ به عنوان کوچک‌ترین فرزند عماد مغنیه از ازدواج اولش با خواهر مصطفی بدرالدین-سعدی بدرالدین- پس از خواهر و برادر بزرگ‌ترش فاطمه و مصطفی در طبردبای لبنان متولد شد. در سال ۱۹۹۱ او همراه با پنج خواهر و برادر دیگر خود، به نام‌های اسرا، حسن، حسین، فؤاد و زهرا از ازدواج‌های دوم و سوم پدرش به دلیل مسائل امنیتی، به ایران سفر کردند و بعدها به لبنان بازگشته و در جنوب لبنان مستقر شدند. جهاد، تحصیلات عالی‌ه را در رشته مدیریت در دانشگاه آمریکایی بیروت ادامه داد و یک هفته پس از به شهادت رسیدن پدرش، به سیدحسن نصرالله، رهبر حزب الله لبنان اعلام وفاداری کرد. به گفته برخی از منابع، او یکی از محافظان شخصی نصرالله بوده است. به دنبال حضور شبه نظامیان القاعده و داعش در سوریه، نیروهای لبنانی خطوط دفاعی گوناگونی را در منطقه جولان ایجاد کردند تا مانع از ورود آن‌ها به خاک لبنان شوند. فرماندهی این منطقه با جهاد عماد مغنیه بود. او در حالی که مشغول تدارک و ایجاد یک پایگاه موشکی برای حزب الله در قنيطرة سوریه در نزدیکی مرز فلسطین اشغالی بود، شهید شد.

◀ فعالیت‌های شهید جهاد مغنیه در حزب الله

در طول سال‌های جنگ داخلی سوریه، حزب الله توانست به کمک ایران و سوریه زیرساخت‌های «جولان» را به دست گیرد و پایگاه مهمی در آن جا دایر کند. مسئول اول این پایگاه شهید جهاد مغنیه پسر شهید عماد مغنیه بود و مسئول دوم نیز «سمیر قنطار» است که در سال ۲۰۰۸ در توافق تبادل اسرا میان رژیم صهیونیستی و حزب الله آزاد شد. حزب الله خطوط دفاعی گوناگونی را در این منطقه به وجود آورده و نزدیک به هزار نفر را در آن خطوط مستقر کرده است تا به این ترتیب از عبور بنیادگراهای سنی از سوریه به خاک لبنان جلوگیری کند. روزنامه صهیونیستی «هآرتس» در گزارشی ادعا کرده خمپاره کاتیوشای ۱۰۷ میلیمتری که در جریان جنگ اسرائیل علیه غزه در تابستان گذشته از جولان به سمت اسرائیلی‌ها شلیک شد نیز از سوی عناصر حزب الله در این منطقه صورت گرفته است.

درباره اهمیت منطقه جولان و حضور مؤثر جهاد مغنیه، وب سایت شبکه سی ان ان در مصاحبه‌ای که با «موید غزلان» یکی از اعضای هیئت رهبری شورای ملی مخالفان سوری انجام داده بود، گفته بود سازمان امنیت نظامی ارتش آزاد به

اطلاعاتی دست یافته که نشان می‌دهد حزب‌الله جهاد مغنیه را مسئول پرونده «جولان» کرده است. این چهره مخالف سوری همچنین اظهار کرده بود: «نیروهای مسلح ارتش آزاد دریافته‌اند حزب‌الله تا چه اندازه در منطقه جولان نفوذ دارد، تا آن‌جا که توانسته است بر منطقه استراتژیک «تل الحاره» مسلط شود. اطلاعات بدست آمده حاکی از آن است که مراکز وابسته به حزب‌الله امکانات ویژه‌ای در اختیار دارند که می‌تواند آن‌ها را به واحدهای مستقر در مرزهای جولان مرتبط کند».

اهمیت این منطقه زمانی افزایش یافت که مخالفان مسلح توانستند پیشروی‌هایی در این منطقه داشته باشند و کنترل گذرگاه «قنيطرة» و منطقه «تل الحاره» را به‌دست گیرند. اتفاقی که تأثیری بسیار در نقشه استراتژیک منطقه گذاشت. پس از آن حزب‌الله متوجه این منطقه شد و با حمله گسترده توانست کنترل این مناطق را بدست گیرد و نیروهای مخالف سوری را به عقب براند.

◀ رابطه صمیمانه با حاج قاسم سلیمانی

نخستین بار وقتی مردم با چهره جهاد مغنیه آشنا شدند که او در مراسم ختم والده سردار شهید حاج قاسم سلیمانی شرکت کرده بود. فرزند خوش‌سیمای حاج رضوان درست پشت سر سردار ایستاده بود و به میهمان‌ها خوش‌آمد می‌گفت. گاهی شانه‌های سردار را می‌بوسید و سردار گاه برمی‌گشت و با او نجوا می‌کرد. رابطه صمیمانه حاج قاسم و این جوان او را در کانون توجهات قرار داد. سردار گاه او را به بعضی از میهمانان معرفی می‌کرد و آن‌ها با لبخند او را در آغوش می‌کشیدند.

◀ بر بال ملائک ...

بر اساس اعلام حزب‌الله لبنان، در ۱۸ ژانویه ۲۰۱۵ سالروز پایان جنگ ۲۲ روزه غزه و شکست خفت‌بار رژیم صهیونیستی در این جنگ، گروهی از رزمندگان حزب‌الله در حین بازدید میدانی از شهرک «الامل» در «قنيطرة» سوریه مورد حمله موشکی اسرائیل قرار گرفتند. این حمله تروریستی هنگامی روی داد که دو خودرو نیروهای مقاومت لبنان در حال بازدید از منطقه مرزی جولان اشغالی بودند. یک بالگرد اسرائیلی، دو موشک به نقطه‌ای در جنوب سوریه شلیک کرد. این بالگرد رژیم صهیونیستی نقطه‌ای در شهرک «مزرعة الامل»

در منطقه «قنيطرة» در جنوب سوریه را هدف قرار داد. کانال ۱۰ تلویزیون رژیم صهیونیستی اعتراف کرد این رژیم در پشت هجوم «قنيطرة» قرار داشته و هدف، ترور یکی از فرماندهان حزب‌الله بوده است که «جهاد عماد مغنیه» و «محمد عیسی» مسئول نیروهای ضربتی حزب‌الله لبنان، در این حمله به شهادت رسیدند. اسامی شهدای این حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به شرح زیر است: فرمانده شهید محمد عیسی (ابو عیسی الاقلیم) شهید جهاد عماد مغنیه (جواد عطوی) شهید مجاهد سید مهدی محمد ناصرالموسوی (سید مسلم) شهید مجاهد سید علی فؤاد حسن (سید امیر) شهید مجاهد سید حسین حسن (ابوزهراء) شهید مجاهد حسین اسماعیل الاشهب (قاسم) شهید سردار سرتیپ محمدعلی الله‌دای.

پیکر مطهر شهید جهاد مغنیه در کنار آرامگاه پدرش، شهید عماد مغنیه در «ضاحیه جنوبی» در مقبره «روضه الشهدیین» مزار سربازان شهید مقاومت به خاک سپرده شد.

◀ واکنش حزب‌الله لبنان به اقدام تروریستی علیه فرماندهانش

حزب‌الله لبنان در واکنش نسبت به ترور فرماندهان حزب‌الله در جولان اعلام کرد: «با روش و مقیاسی که فعلاً پرده از آن بر نمی‌دارد، به حمله بالگرد رژیم صهیونیستی و شهید شدن فرزند عماد مغنیه پاسخ می‌دهد». «الکس فیشمن» تحلیلگر نظامی روزنامه صهیونیستی «یدیعوت آحارونوت» بر این باور است که اعلام رسمی ایران برای تشییع جنازه شهدای این عملیات از جمله شهید جهاد مغنیه به معنای پیامی برای افکار عمومی منطقه‌ای و جهانی با این مضمون است که: «ما قصد واکنش داریم...» و در چنین حالتی همه بازیگران تجمیع قوا خواهند کرد و به حالت آماده‌باش درخواهند آمد؛ از ارتش لبنان تا نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل در جنوب لبنان و ارتش اسرائیل در شمال.

- منابع:
- جهاد عماد مغنیه - ویکی‌وحدت
- موقع رسمی مقاومت آی آر
- المیادین ۲۰۱۹/۱۸/۲۰
- العالم ۲۰۱۹/۰۵/۲۵

▼
نخستین بار وقتی مردم با چهره جهاد مغنیه آشنا شدند که او در مراسم ختم والده سردار شهید حاج قاسم سلیمانی شرکت کرده بود. فرزند خوش‌سیمای حاج رضوان درست پشت سر سردار ایستاده بود و به میهمان‌ها خوش‌آمد می‌گفت. گاهی شانه‌های سردار را می‌بوسید و سردار گاه برمی‌گشت و با او نجوا می‌کرد. رابطه صمیمانه حاج قاسم و این جوان او را در کانون توجهات قرار داد. سردار گاه او را به بعضی از میهمانان معرفی می‌کرد و آن‌ها با لبخند او را در آغوش می‌کشیدند



شهید «جهاد مغنیه» در کنار فرزند شهید حاج همت در حال تجدید عهد و پیمان با آرمان‌های حزب‌الله بر مزار شهید عماد مغنیه.



حاج قاسم گفت: جهاد مغنیه را دارم برای روزهای سخت تربیت می‌کنم ...





ماجرای بوسه «جهاد مغنیه» بر پیشانی آیت الله هاشمی

شهیدِ محبت

هاشمی آه سردی از دل پراز آتش می کشد و می گوید: «دل ما با وجود شهید شما در منطقه گرم بود. سال هاست که ایشان محبت زیادی در دل های ما داشتند. ما در هر مرحله ای با جهاد ایشان آشنا بودیم. خیلی به اسلام و به خصوص شیعیان خدمت کرد. مطمئناً مردم لبنان و کل شیعیان ایشان را فراموش نخواهند کرد. خداوند به شما خیلی محبت داشت که چنین فرزندی عطا کرد. ما این ها را تصادفی نمی دانیم و فکر می کنیم صفات خوب شما و مادر ایشان است که چنین فرزندی را تربیت کردید».

حاج جواد مغنیه، پدر شهید عماد مغنیه از صبر و همراهی همسر شهید می گوید و تأکید می کند: «ایشان هم نقش مهمی داشتند و خانم مجاهدی هستند».

هاشمی تأکید می کند و می گوید: «همه فامیل شما، هم در دنیا و هم در آخرت جزو سعادت مندان و مورد توجه خاص امام زمان (عج) خواهند بود. وقتی در تاریخ ما شهدایی مثل امام حسین (ع)، فرزندان و یارانش را داریم، خیلی خوب می توانیم خودمان را تسلیت بدهیم».

در ادامه دیدار، آیت الله هاشمی رفسنجانی از اوضاع تک تک خانواده پرسید و وقتی به شهید «جهاد» رسید، در جواب گفت: «دارم در دانشگاه درس می خوانم». هاشمی دستی بر شانه هایش زد و گفت: «بهترین کار ممکن را می کنید. اسلام،

خانواده شهید «عماد مغنیه» فرمانده نامدار حزب الله لبنان، دی ماه سال ۱۳۸۷ با آیت الله «اکبر هاشمی رفسنجانی» رئیس وقت مجمع تشخیص مصلحت نظام، دیدار کردند.

هاشمی رفسنجانی در آن دیدار، احوالات تک تک آنان را جویا شد و زمانی که به «جهاد» رسید، او گفت: در دانشگاه درس می خوانم. هاشمی دستی بر شانه های جهاد زد و گفت: بهترین کار ممکن را می کنید. اسلام، به خصوص شیعیان مظلوم لبنان نیاز به جوانان متعهد و متخصصی چون شما دارند.

پایگاه اطلاع رسانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، بخشی از روایت این دیدار را منتشر کرده که به شرح ذیل است. وقتی سلام و احوال پرسی ها تمام می شود و همه می نشینند، آیت الله هاشمی خطاب به همه آن ها می گوید: «خیلی خوش آمدید. ما مشتاق زیارت شما هستیم. خداوند شما را نگاه دارد». پدر شهید عماد مغنیه هم در حالی که دستانش را برای شکرگزاری به آسمان برده است، می گوید: «ما هم مشتاق دیدار شما بودیم و خدا می داند که امروز چقدر خوشحالیم». هاشمی به یاد شهید مغنیه می افتد و با حزن خاصی می گوید: «خداوند به شما صبر عطا کند، صبری همراه با اجر جزیل». پدر عماد تشکر می کند و می گوید: «آرزو داشتیم با شهید (عماد مغنیه) خدمتتان بیایم که نشد».



پدر و پسر در آغوش پدر



دیدار جهاد مغنیه و رهبر معظم انقلاب اسلامی



تصویر کمتر دیده شده از جهاد مغنیه و حاج قاسم سلیمانی در تالار آئینه مشهد مقدس



جهاد مغنیه در آغوش مادر



جهاد مغنیه علاقه عجیبی به تمرینات نظامی داشت به همین دلیل بیشتر وقت خود را به تمرین و تاکتیک می گذراند.

به خصوص شیعیان مظلوم لبنان نیاز به جوانان متعهد و متخصصی چون شما دارند».

از فرزند دیگر شهید عماد مغنیه درباره نحوه شهادت پدرش پرسید و نکته عجیبی شنید: «بمب در صندوق عقب ماشین بود. این یک نوع بمبی است که خود ماشین را منفجر نمی کند، بلکه از داخل ماشین به سمت هدف شلیک می شود. ماشین را سوراخ کرده و بیرون می آید. وقتی انفجار شد، شهید به حالت سجده افتاده بود. پایشان شکسته و پیشانی شان روی زمین بود و دو دستشان دو طرف سرشان و دقیقاً به حالت سجده روی زمین قرار گرفته بودند».

آیت الله هاشمی وقتی صحبت ها را شنید، با تأثر گفت: «یک عزای جدی برایمان پیش آمده و صاحب عزای اصلی هم شما هستید. ما هم با شما در این مصیبت شریک هستیم. نمی خواهم ایشان را با شهدای عاشورا مقایسه کنم، ولی ماهیت شهادت همین است. مطمئناً شهید مغنیه چنین روزی را برای خودش پیش بینی می کرد و برای چنین سرنوشتی آماده بود. امیدواریم راه ایشان هیچ وقت بی رهرو نماند. خانواده مغنیه با این شهادتی که داده است، در تاریخ اسلام جاویدان شد». در آن دیدار حرکات و سکنات شهید جهاد جالب بود. گاه همراه با مادر خاطرات پدر را به یاد می آورد، گاه به خواهرانش دلداری می داد و گاه از انتقام خون پدرش می گفت.

دیدار به پایان و وقت خداحافظی فرا می رسد و بوسه های محبت آمیز آیت الله هاشمی رفسنجانی بر گونه های نوه نوزاد شهید مغنیه، حسن ختام آن دیدار بود.

مستند آقا زاده بی ادعا

این مستند که در گروه رسانه ای میقات مدیا تولید شده است به زندگی مخلصانه شهید جهاد مغنیه می پردازد. برای مشاهده این فیلم نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.





وقتی «جهاد مغنیه» مسئول توزیع هدیه‌های رهبر معظم انقلاب شد

در مسیر پدر

همفکری کردیم که چگونه و توسط چه کسی آن‌ها را اهدا کنیم که همه اقتضائات رعایت شده باشد. عزیزی پیشنهاد داد مسئول توزیع برای خانم‌ها فاطمه مغنیه باشد و آقایان برادرش جهاد؛ چرا که فرزند شهیدی هستند که برای بسیاری از جوانان کشورهای اسلامی شناخته شده است (اگر نگویم که به حاج عماد و خدماتش مدیون‌اند) همه موافق بودیم. قرار شد پس از نهار چند نفر از جوانان مشتاق، که از قضا عمدتاً از عزیزان اهل سنت بودند را در گوشه‌ای از لابی هتل گرد هم بیاوریم و از جهاد عزیز و خواهرش هم دعوت کنیم تا در خلق این لحظات زیبا و به یادماندنی به ما کمک دهند. آن‌ها هم با کمال میل و البته مشتاقانه پذیرفتند و قبل از موعد در محل قرار حاضر شدند.

اشتیاق جوانان سفید و سیاه، عرب و ترک و آفریقایی تبار در لحظه دریافت چفیه ولی امر مسلمین وصف‌ناپذیر است. وصف اشک شوقی که از دیدگان‌شان جاری می‌شد و نگاه حسرت‌آمیز عده‌ای که قرعه به نامشان نیفتاده بود، در توان کلمات نمی‌گنجد.

جوانانی که آن روز نماد ایستادگی و مقاومت را با «دست» پسر عماد مقاومت بر «دوش» خود انداختند، نمی‌دانستند که دقیقاً سه سال بعد جهاد هم «پا» در مسیر پدر می‌گذارد، اما حتماً امروز «شانه»‌هایشان برای مبارزه در راه جبهه مقاومت اسلامی سنگینی بیشتری را احساس می‌کند.

• منبع: خبرگزاری مهر- کد خبر ۲۴۷۲۳۹۳

محمد مهدی رحیمی از فعالان رسانه‌ای در صفحه شخصی خود در گوگل پلاس خاطره جالبی را از «جهاد مغنیه» و ملاقات با رهبر معظم انقلاب نقل کرده است. بهمن‌ماه ۹۰ تهران میزبان اجلاسی متفاوت بود؛ «جوانان و بیداری اسلامی». حضور بیش از یک‌هزار و ۵۰۰ جوان دختر و پسر از ۷۰ کشور جهان با مذاهب مختلف اسلامی، آن هم در اوج تب بیداری اسلامی، قطعاً حواشی زیبا و متنوعی دارد، اما بی‌شک اوج آن، دیدار جوانان با رهبر معظم انقلاب در حسینیه امام خمینی (ره) صبح روز دوم همایش بود.

برای جلوه‌های بی‌نظیری که آن روز آفریده شد، می‌توان صدها مطلب نوشت که جایش اینجا نیست، اما کم نبودند شرکت‌کنندگانی که مانند همسن و سالان ایرانی‌شان چشم به چفیه آقا داشتند؛ آرزویی که با توجه به حجم درخواست‌ها و فضای جلسه امکان تحقق آن نبود.

از بخت خوب آن‌ها و لطف دوستان روابط عمومی بیت، قرار شد این آرزو به شکلی برآورده شود، به همین منظور تعدادی از چفیه‌هایی که سابقاً بر دوش رهبر فرزانه انقلاب قرار گرفته بود، در اختیار مسئولان اجرایی اجلاس قرار گرفت تا به نحو مقتضی به علاقه‌مندان آن که بسیار پیگیر بودند، اهدا شود. (بعضی از این جوانان از یکی دو روز پیش از دیدار و آن هنگام که فهمیدند ملاقات رهبر معظم انقلاب اسلامی هم در برنامه‌هایشان هست، برای بدست آوردن چفیه آقا نقشه کشیده بودند و مدام پیگیر آن بودند)

چفیه‌ها که رسیدند، به‌سرعت با تعدادی از دوستان

بیان فرزند شهید عماد مغنیه در مصاف حق علیه باطل

کلام جهاد

ما در مواجهه با مرگ، رسیدن به شهادت و بزرگی را انتخاب کرده‌ایم؛ ما فرزندان کسانی هستیم که مرگ، راه آن‌ها را نمی‌شناسد؛ چرا که آن‌ها به‌وسیله مرگ در مسیر خدا صعود کرده‌اند و به زندگی و نشاط و بشارت دست یافتند؛ زندگی که جز کسی که ابرها از دیدگانش کنار رفتند آن را احساس نمی‌کند؛ از این رو آنچه را که کسی ندیده، می‌بیند و آنچه که به قلب کسی خطور نکرده به قلب وی خطور می‌کند.

ما فرزندان کسانی هستیم که در راه دفاع از مرزهای وطن جز زیبایی چیزی ندیدند. وطنی که ما شرم داریم آن را رها کنیم، هر چقدر تهدید هم باشد؛ ما سربلند می‌ایستیم و افتخار می‌کنیم میوه‌های سال‌ها جهاد با چشمانی باز هستیم، با اختیار و اخلاص، چشمانی که با عشق و اراده با شهادت بسته شدند. ما فرزندان مدرسه‌ای هستیم که در آنجا یاد گرفتیم آزاد زندگی کنیم، ما امنیت را از دشمن التماس و گدایی نمی‌کنیم؛ ما حق خود را با خون‌هایمان که برای سربلندی نذر شده و بر آزادی ایستاده است، باز پس می‌گیریم.

ما آموختیم اگر سلاح را در جنگ خونین بیرون نیاوری، برده‌ای خواهی شد در بازار برده فروشان که رحم و مروتی دیگر در آنجا نیست.

ما امروز اینجا آمدیم تا به دشمن صهیونیستی بگوییم اگر خونی را ریختی، این خون‌ها جوی‌هایی می‌شود در مسیر قدس و فلسطین. ما آمده‌ایم که به مجاهدان و مبارزانی که در مسیر شهدا گام برمی‌دارند، بگوییم ثبات زمین از پافشاری‌های شماست و ثبات آسمان از ثبات شماست و ما و شما قسم خورده‌ایم سلاح‌هایمان را رها نسازیم و مرزها را ترک نکنیم. ما امروز اینجا آمدیم تا بگوییم در مسیر حزب‌الله و شهدا گام برمی‌داریم؛ مسیر عشق و جهاد، مسیر تصمیم برای پیروزی. ای شیخ راغب، ای سید عباس و ای حاج عماد؛ شما چراغ‌هایی بودید که راه را روشن ساختید و چراغ‌ها در پی شما و در راه شما روشن شدند؛ ما برای تمامی جهانیان خواهیم گفت چگونه آزادی بدست می‌آید و چگونه با خون، پیروزی محقق می‌شود.

فیلم آموزش نیروهای حزب‌الله توسط جهاد مغنیه برای مشاهده این فیلم نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.



دستاورد های حزب الله

در عملیات طوفان الاقصی

◀ مقدمه:

یکصد روز از ۱۶ مهرماه (هفتم اکتبر ۲۰۲۳) و عملیات پیروزمندانه «طوفان الاقصی» توسط گروه های مقاومت فلسطین با محوریت جنبش مقاومت اسلامی حماس علیه رژیم صهیونیستی در سرزمین های اشغالی می گذرد، عملیات طوفان الاقصی به عنوان نقطه عطف تاریخی در روند مبارزاتی گروه های محور مقاومت به رهبری ایران در مقابله با رژیم غاصب صهیونیستی و استکبار جهانی به رهبری و سرکردگی آمریکا محسوب می شود که دستاوردهای پیدا و پنهان و اثرات منطقه ای و جهانی آن نیازمند بررسی همه جانبه در گذر زمان است، اما در مقاله پیش رو قصد آن را داریم تا ضمن بررسی نقش و عملکرد مقاومت اسلامی لبنان «حزب الله» در عملیات طوفان الاقصی، اهداف و دستاوردهای این گروه مقاومت طی حماسه ای یکصد روزه در مسیر آزادی قدس شریف را از منظری دیگر برشماریم.

◀ «تبیین مبنای محاسبات حزب الله بر اساس فلسفه مقاومت»

طوفان الاقصی در زمانبندی و پیاده سازی صرفاً فلسطینی آغاز شد، طبق گفته رهبران و فرماندهان محور مقاومت (حضرت آقا) و حتی به اذعان گزارش های سازمان های امنیتی-اطلاعاتی دشمن (لوموند)، عملیات هفتم اکتبر به صورت کاملاً محرمانه و مخفیانه اجرایی شد (باتوجه به اصل غافل گیری اشراف اطلاعاتی، برق آسا بودن و عدم درز اطلاعات حیاتی)، به طوری که هیچ هماهنگی در سطوح مختلف با گروه های محور مقاومت به عمل نیامده بود و برای خود فلسطینی ها نیز موجب شگفتی های بسیار شد (سید حسن)، بدین دلیل تمامی گروه های جغرافیای مقاومت بدون اطلاع قبلی نیازمند آن بودند تا در سریع ترین زمان در راستای حمایت از برادران فلسطینی خویش اقدام کنند (بیانیه اول همه گروه ها). اما با تدابیر و شرایط خاص منطقه ای خود، به واقع عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر را باید آغاز عملیات های چند جبهه ای محور مقاومت در برابر اشغالگری رژیم کودک کش اسرائیل نامید. در این میان حزب الله لبنان و دبیرکل آن، جناب سید حسن نصرالله، نقش محوری در حمایت قاطع و فوری از اقدام برادران فلسطینی و آغاز عملیات در کمترین بازه زمانی را ایفا کردند. (اولین بیانیه سید حسن)

حزب الله با وجود بی اطلاعی قبلی از زمان آغاز عملیات و غافل گیری اولیه پس از صبح روز ۱۶ مهر، به سرعت طرح واکنش میدانی و هماهنگی را تهیه و تنظیم کرد، محاسبات حزب الله بر مبنای فلسفه وجودی مقاومت در حمایت همه جانبه از «فلسطین عزیز» طرح ریزی شد، مبنای عمل این بود که «حمایت از مردم فلسطین، چگونه و با چه شدت عملی صورت پذیرد؟» (سید حسن نسخه اول یا دوم) نه اینکه «آیا جبهه جدیدی ایجاد شود یا خیر؟»، بر همین اساس از روز

۱۷ مهرماه (تنها یک روز پس از آغاز عملیات گروه های فلسطینی) اقدامات عملیاتی حزب الله لبنان در محور شمالی فلسطین اشغالی آغاز شد.



سید رحیم هاشمی

مستند ساز و پژوهشگر حوزه غرب آسیا

◀ «تبیین شیوه نبرد حزب الله»

در روزهای آغازین طوفان الاقصی، تصاویر و ویدئوهایی از غزه مخابره شد که نشان از عجز، تحقیر و شکست سربازان و در نتیجه آن فروپاشی هیمنه تبلیغی ارتش اشغالگر قدس بود (تصاویر کانال های تلگرامی حماس)، این موضوع موجب شد در ذهن بسیاری از علاقه مندان و حامیان محور مقاومت انتظاراتی مبنی بر اینکه «ما در روز اول نبرد آزادی هستیم» شکل گیرد و بسیاری از آن ها منتظر (فضای توپیتر) اقدام همه جانبه از جانب حزب الله و محور مقاومت به رهبری ایران در برپایی نبردی همه جانبه و به تعبیری پیچیدن نسخه اسرائیل بودند، سید حسن نصرالله در آن مقطع تاریخی، به تاسی از فلسفه فکری محور مقاومت و تجدید عبارت «قلب گرم و عقل سرد» (عبارت مشهور شهید ابومهدی المهندس- تصویر دارد؟) در سخنان خود بیان کرد: این لحظه بزرگی در تاریخ مبارزه و ضربه عمیقی به اشغالگر صهیونیست است، اما اکنون لحظه «ضربه نهایی و پایانی» نیست و محاسبات بر اساس اصل «صبر استراتژیک» و «پیروزی بر اساس امتیازگیری» (سید حسن) مبنای کار قرار گرفت و نه «حذف حریف با امتیاز ناک اوت»، زیرا صبر استراتژیک صرفاً مستلزم استقامت نیست و پیگیری این شیوه هوشمندانه منجر به ضعف و فرسودگی تمام ارکان دشمن می شود و آنچه توسط حزب الله در این عملیات ۱۰۰ روزه عملیاتی شد، موجب ضرباتی به پیکره رژیم در سطوح مختلف اقتصادی، اجتماعی، نظامی و راهبردی شده است که آثار پیدا و پنهان آن در ۷۵ سال گذشته بی سابقه بوده است که برای آن مجال دیگری نیاز دارد تا پرداخته شود. (داخل سرزمین میحث عدم توانمندی حزب الله و اینکه بخش عربی اعلام می کند این ها توانمندی تغییر معادلات را ندارند...)

◀ «پیاده سازی عملیات ها بر اساس فلسفه نبرد»

عملیات های میدانی و رسانه ای هدفمند حزب الله طبق برنامه ریزی هوشمندانه در هنگامه نبرد پیاده سازی و اجرایی شد که به چند مورد از مهم ترین عناوین آن اشاره خواهیم کرد:

• «بیانیه هدفمند در کوتاه ترین زمان ممکن، ایجاد توازن

«مقابل»

اگر بیانیه های مقاومت اسلامی لبنان را که مختصر، متمرکز و فشرده منتشر شده است مرور کنیم، متوجه خواهیم شد بر اساس ساختاری مشخص و قابل توجه تقسیم بندی می شوند:

- بخش اول با یک آیه از قرآن کریم آغاز می شود.
- سپس موضوع و دلیل عملیات بیان می شود.



- سومین بخش، استفاده از عبارت سلاح مناسب (تنوع تسلیحات) است.

- بخش چهارم استفاده از عبارت «آسیب‌های دقیق» است (دقت و حرفه‌ای بودن عملیات).

- در نهایت نتیجه‌گیری می‌شود که «پیروزی فقط از آن خدای توانا و حکیم است».

اگر این داده‌ها را مرور کنیم، متوجه می‌شویم این عملیات‌ها همیشه در حمایت از مردم مظلوم فلسطین و مقاومت غزه انجام پذیرفته است؛ در موارد خاص پاسخ‌ها به یک دلیل فوری و اضطراری عملیاتی شده که همان پاسخ نظیر به نظیر برای ایجاد توازن متقابل است. مانند تجاوز رژیم به منطقه غیر نظامی و آسیب دیدن غیرنظامیان که حزب‌الله در پاسخ به این تجاوز منطقه کربیات شیمونه را هدف قرار داد (تصاویر کربیات شیمونه) یا تشدید حملات در پاسخ به ترور و شهادت فرماندهان ارشد حزب‌الله و حماس که رژیم، شهید العاروری را ترور کرد و حزب‌الله در پاسخ برای اولین بار «میرون» که پایگاه رصد، هدایت، اشراف و جمینگ رژیم است را با ۶۲ موشک و راکت هدف قرار داد یا پاسخ به شهادت خبرنگاران در جنوب لبنان و ... (مصداق بیاریم از شاخه سیاسی)

سرعت پاسخ‌دهی از ویژگی‌های منحصر به فرد حزب‌الله در این نبرد است، پاسخ اغلب بلافاصله پس از حادثه (۲۴ الی ۳۶ ساعت پس از واقعه) صورت می‌پذیرد و که منجر به عبور از عبارت کلیشه‌ای «پاسخ در مکان و زمان مناسب» شده است (سخنرانی صد روزه گفته) و بازدارندگی قطعی را برای حزب‌الله و ملت لبنان به ارمغان می‌آورد.

● «اصابت برج‌های تجسسی و راداری» (کلید واژه حزب‌اللات، سخنگوی عربی ارتش و امثال ادی کوهن توپیتزر - در تاریخ بعد سخنرانی اول)

برخی تلاش کردند اهمیت اصابت تجهیزات شناسایی و رادارهای نظارتی را کم‌اهمیت جلوه دهند و اقدام حزب‌الله را «جنگ بر علیه دک‌ها» توصیف کردند. اقدامات اولیه در تمرکز بر این تجهیزات، علاوه بر خسارات مادی، موجب سردرگمی و

دستپاچگی رژیم در مواجهه با این اقدام شد، اصابت این نوع اهداف به معنای آماده شدن برای بستن چشم‌های نظارتی و خاموش کردن آن‌ها و همچنین گامی برای آمادگی به منظور تهاجم زمینی است که این موضوع کابینه و ارتش رژیم را در مناطق مرزی شمالی، در حالت آماده‌باش و بالاترین سطح خود قرار داد که موجب شد تمرکز و تجمع نیروها در مناطق عملیاتی غزه کاهش یابد. (سید حسن)

● «تلفات‌گیری با دقت بالا در اصابت اهداف»

مقاومت اسلامی لبنان وارد بازی «کمیت پرتاب» نشد، بلکه با هوشمندی تمام و با تنوع تسلیحات مورد استفاده در حمله به اهداف مورد نظر، «ضربات دقیق» موشکی و پهپادی را وارد کرد، حزب‌الله نبرد را زیر آستانه جنگ همه‌جانبه و به صورت کنترل شده نگه می‌دارد، اما با «بهره‌مندی از دستاوردهای یک نبرد همه جانبه». موشک‌های سنگین وزن بورکان، موشک‌های ضدزره کورنت در نسخه‌های برد متوسط و برد بلند، راکت‌های گراد و پهپادهای انتحاری پرتاب شدند (تصاویر شلیک) و به نتایج مطلوب رسیدند.

«تانک‌های مرکاوا» و «نفرهای زرهی نمر» که دارای «سامانه دفاع فعال تروفی» هستند را هدف قرار داده و منهدم کردند (معرفی تانک مرکاوا از زبان خودشان و فیلم هدف قرار گرفتن تانک). پادگان‌ها و برج‌های دیده‌بانی هدف قرار شد، آسیب دیدند یا تخریب شدند. حمله ترکیبی به سایت استراتژیک مرکز کنترل هوایی میرون، حمله موفق پهپادی به مرکز فرماندهی منطقه شمال ارتش در عمق اراضی اشغالی پایگاه واقع در محدوده شهر صفد، فاصله ۱۵ کیلومتری از مرز که دو روز بعد از حملات موشکی به میرون اتفاق افتاد و این همان حکایتی است که سید در سخنرانی‌اش استفاده کرده بود «میدان خودش حرف می‌زند». (کلام سید) در شهرک متولا بیش از ۱۸۰ واحد مورد اصابت مستقیم قرار گرفت، استفاده گسترده از پهپادهای شناسایی در عمق ۳۰ کیلومتری مرزهای شمالی فلسطین اشغالی که در تاریخ مقاومت بی سابقه است؛ مانند نفوذ به حریم هوایی شهرهای عکا، حیفا و صفد. همه



مقاومت اسلامی لبنان وارد بازی «کمیت پرتاب» نشد، بلکه با هوشمندی تمام و با تنوع تسلیحات مورد استفاده در حمله به اهداف مورد نظر، «ضربات دقیق» موشکی و پهپادی را وارد کرد، حزب‌الله نبرد را زیر آستانه جنگ همه‌جانبه و به صورت کنترل شده نگه می‌دارد، اما با «بهره‌مندی از دستاوردهای یک نبرد همه جانبه».

استفاده از مکانیسم‌های «اقدام هوشمند» به جای «پاسخ هیجانی و لحظه‌ای» مبنای دستاورد بسیار درخشان برای مقاومت اسلامی لبنان بود که نتایج آن در آمار یکصد روز جنگ به صورت عینی و ملموس قابل ارزیابی است

این‌ها به این معنی است که عملیات‌های انجام شده توسط مقاومت از سلاح و نیروی انسانی کافی برای رسیدن به اهداف بهره برده و به نتایج مدنظر دست یافته است. نکته آخر اینکه درصد اصابت مستقیم، بالاترین میزان در تاریخ مقابله با اشغالگران است. (نگاه مقایسه ای با نبرد ۲۰۰۶)

• «تشدید و افزایش تدریجی حملات»

استفاده از مکانیسم‌های «اقدام هوشمند» به جای «پاسخ هیجانی و لحظه‌ای» مبنای دستاورد بسیار درخشان برای مقاومت اسلامی لبنان بود که نتایج آن در آمار یکصد روز جنگ به صورت عینی و ملموس قابل ارزیابی است. بیش از ۲ هزار مجروح، تخلیه بیش از ۴۳ شهرک، تخلیه حدود ۸۰ هزار نفر شهرکنشین از نواحی شمالی که رژیم اعلام کرده، اما در آمارهای غیررسمی افزون بر ۲۳۰ هزار نفر از مناطق شمالی تخلیه شده‌اند (شهردار گالیوت که می‌گه همه کارهای اقتصادی مونده و مدرسه‌ها تعطیل شده و... و شهردار صف یا شهردار کریات که می‌گه ما رو ول کردید- عبارت شهر ارواح)، ۷۰۰ موضع صهیونیستی در طول مرز مورد هدف قرار گرفته است، اصابت مستقیم و انهدام بیش از ۱۸۱ سیستم فنی (جاسوسی، شناسایی، پارازیت) و ۱۷۰ دوربین آسیب دیده، هدف‌گیری ۱۸ مرکز فرماندهی صهیونیستی، ۱۷۹ عملیات ایذایی و یورش به تجمعات دشمن در مقرها و شهرک‌ها، ۲۱۱ مرکز تجمع نیروها مورد هدف واقع شده، ۵۱۰ سایت نظامی مرزی و ۲۴ پایگاه فرماندهی پشت مرز مورد هدف قرار گرفته شده است و ۴۴ جنگ افزار (۳ خودرو لجستیکی، ۲۰ نفربر، ۲۰ تانک و یک سکوی گنبد آهنین) مورد اصابت قرار گرفته است. به‌طور متوسط تعداد هفت عملیات در یک روز و بیشترین تعداد عملیات ۲۳ بار در یک روز بوده است (طبق آمار بولتن‌های حزب الله- ایوحسنا) که بسیار قابل توجه و تحسین برانگیز است.

علاوه بر همه این‌ها پیامدهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی (مهاجرت معکوس، عدم بازگشت به شهرک‌های شمالی، فشار بر نظام درمان در حوزه آسیب‌های روحی و روانی ناشی از جنگ و...) (صحبت‌های لیبرمن که می‌گه همین‌طور فشار در مناطق بالا زیاد بشه ما فروپاشی داریم همچونجا که قصد داره بگه حملات علیه حزب الله تشدید بشه) و همچنین بحران راهبردی ناشی از افسردگی و خستگی نیروهای احتیاط (گزارش وای نت که با به گروه در واحد توپخانه ای صحبت میکنن)، ضررهای اقتصادی کسب و کارهای خرد و کلان ساکنان مناطق شمالی (کلکلیست گزارش داره)، ورشکستگی صنعت گردشگری در منطقه جولان اشغالی و سواحل مناطق شمالی، بحران صنایع غذایی و دامپروری در نواحی شمال (خبرنگار وای نت میره کریات شیمونه که آمارش هست) و... که شامل هزینه‌های

۱-آواره شدن از شهرک‌های صهیونیست‌نشین

پیدا و پنهان فراوانی می‌شود به موارد فوق افزوده خواهد شد.

• «تبیین آثار نهران»

«صهیونیست‌های آواره شمال فلسطین: تا زمانی که حزب الله و نیروهای رضوان به مرز نزدیک هستند، به خانه‌هایمان برنمی‌گردیم». (زیاد هست)

با وجود تمهیدات و پناه‌گاه‌های عمومی در شهرک‌های شمال فلسطین اشغالی، مقامات اسرائیلی تصمیم گرفتند ۴۳ شهرک را تا عمق ۵ کیلومتری از خط مرزی به شهرهای مرکزی سرزمین‌های اشغالی تخلیه کنند (هاآرتص و...) و صرفاً در پناهگاه‌های عمومی باقی نمانند. دلیل این تصمیم به سابقه ذهنی از عملیات موفق مقاومت فلسطین در نوار حاشیه‌ای غزه و ترس از تکرار آن در مرزهای شمالی برمی‌گردد، آن‌هم به جهت دقت عملیات‌های انجام شده توسط حزب الله است که اهداف خود را با سرعتی بالا و بی سابقه در تاریخ مناقشات مورد اصابت قرار داده و این امر موجب افزایش تراکم جمعیتی در مناطق مرکزی شده و کابوس «دیاسپورای کیبوتسی»^۱ را در میان مردم و مسئولان رقم زده است.

• «عقب نشینی آمریکا از حمایت نبرد همه جانبه بر علیه

حزب الله»

در سال ۲۰۰۶ استعداد نیروهای آمریکایی در منطقه افزون بر ۱۵۰ هزار سرباز بوده است. در آن مقطع زمانی، اسرائیل از آغاز جنگ علیه مقاومت در لبنان به منظور حمایت آمریکا آسوده خاطر بود، اما از سال ۲۰۱۰ و پس از ضربات پر شمار محور مقاومت بر علیه آمریکا، تعداد نیروهای آمریکایی در منطقه به طور قابل توجهی کاهش یافت.

(نخست وزیر، وزیر جنگ، وزیر امور خارجه) مقامات رژیم صهیونیستی به کرات بیان کرده‌اند از حمایت‌های همه جانبه آمریکا پس از ۷ اکتبر رضایت داشته و خرسند هستند، به ویژه پس از سال‌ها ناکامی در ممانعت از هرگونه ابتکار عمل در حمایت از اقدام پیش‌دستانه نظامی در قبال موضوع هسته‌ای ایران، شخص نتانیاهو و مقامات افراطی دولت اسرائیل بر این باورند که این حضور فوری آمریکا فرصتی تقریباً پایانی برای جنگی فراگیر تحت حمایت و حفاظت آمریکاست. (وزیر خارجه آمریکا، وزیر دفاع یا بایدن از حمایت کردن) آن‌ها به خوبی می‌دانند حضور آمریکا در منطقه به صورت کلی رو به کاهش است و تقویت نخواهد شد. به همین دلیل است که جناب سید نصرالله در سخنرانی خود نسبت به جنگ پیش‌گیرانه‌ای هشدار داد که ممکن است تلاش کنند آن را به راه بیندازند (صحبت‌های سوم یا چهارم سید اونجا که می‌گه ما آماده ایم و جب به و جب خاک شبع را آزاد کنیم)، زیرا این آخرین فرصت در زمان فعلی است. اگر



فإن حزب الله هم الغالبون

این دور نبرد با اشغالگران بدون تبدیل شدن به یک جنگ منطقه‌ای همه جانبه پایان یابد، آمریکا در دوره‌های بعدی قطعاً حضور کمزنگ‌تری خواهد داشت و احتمال ضربه مهلک و زهراگین به رژیم صهیونیستی قطعی خواهد بود.

«دست قدرتمند سید مقاومت در جنگ روایت‌ها»

(چند تا تکه از جملات خاص سید) جناب سید حسن نصرالله در بازه زمانی پس از ۱۶ مهر با محوریت موضوعات جزئیات اقدامات نبرد جبهه جنوب لبنان، چرایی اقدام و اهداف عملیات و تبیین شرایط پیش‌رو، چهارمرتبه سخنرانی کرده است که به اذعان رسانه‌های اسرائیلی سید حسن نصرالله «استاد مدیریت مناقشه و مبارزه» و «فردی بسیار باهوش و خطرناک» است. (کانال ۱۲ یا ۱۴ بوده و اسمش رو المیادین زده) سید مقاومت علاوه بر سمت «دبیرکل حزب الله لبنان» به عنوان «فرمانده شورای جهادی» حزب الله نیز شناخته می‌شود، ایشان از زمان آغاز عملیات در محور جنوب لبنان، ضمن حضور مستمر در اتاق جنگ و فرماندهی نیروهای عملیاتی حزب الله، یک امر مهم دیگر را نیز به‌عنوان «بازوی رسانه‌ای جبهه مقاومت» برعهده گرفته‌اند.

سیدمقاومت با هوشمندی تمام و وقفه‌ای مدبرانه در زمانبندی اولین سخنرانی پس از هفتم اکتبر، تمام توجهات دوستان و دشمنان را به خود جلب کرد که تعداد مخاطبان این سخنرانی نشان از این واقعیت دارد. (خبرگزاری رویترز اعلام کرد که سخنرانی ۱۲ آبان ماه سید حسن نصرالله نزدیک به ۴ میلیون نفر بیننده داشته است)، ایشان بهتر از هر کسی شخصیت نتانیاها و خلق و خوی سیاستمداران اسرائیلی را می‌شناسد و در قبال آن موضع‌گیری مناسب دارد.

سید حسن نصرالله با مدیریت میدان نبرد و تشریح حملات هدفمند، عملاً رژیم صهیونیستی را در میان منگه قرار داده است، در این موضوع ژنرال بازنشسته «گرشون هاکوهن»، تحلیلگر ارشد مؤسسه امنیتی بگین سادات، در مقاله‌ای در روزنامه اسرائیل هیوم می‌نویسد: «سید حسن نصرالله عمدتاً بر آسیب‌زدن و تحقیر روحیه در اسرائیل تمرکز دارد».

او توضیح داد در سپتامبر ۲۰۲۲ در توافق‌نامه دریایی به این مهم دست یافت و در حال حاضر نیز «با حمله به پایگاه میرون در الجلیل» به آن رسیده است.

هاکوهن در این زمینه تأکید کرد: «اسرائیل بار دیگر در یک عملیات رزمی محدود به دام نصرالله می‌افتد؛ زیرا حزب الله با تخلیه تمام شهرک‌های خط مقدم در محور شمالی و تبدیل آن منطقه به منطقه جنگی، به دستاورد استراتژیک بی‌سابقه‌ای دست یافته است».

همچنین سید حسن نصرالله در سخنرانی‌های خود، نوک پیکان توجهات را به سمت آمریکا می‌برد و تأکید می‌کند در ریختن خون مردم مظلوم غزه، رژیم صهیونیستی و آمریکا از یکدیگر جدا نیستند. (سخنرانی سید)

دبیرکل حزب الله لبنان با عنوان‌گذاری «شهادی راه قدس» برای شهادی حزب الله طی عملیات طوفان الاقصی، عملاً هدف از شروع این عملیات‌ها را در مسیری که منتج به آزادسازی قدس می‌شود، اعلام می‌کند. (سید حسن) (توی نریشن نزدیک بشیم به این موضوع که همان هدف نهایی است نام‌گذاری نمود و این موضوع در ادامه عدم ناکووت یکجا و امتیاز گیری از حریف برای شکستن اون بار دیگر در جملاتش تداثی می‌کند.) او با هوشمندی تمام به عنوان اولین فرد به موضوع کشتار ساکنان یهودی غلاف غزه به دست ارتش اسرائیل در تاریخ هفتم اکتبر اشاره کرد که منجر به زلزله در رسانه‌های اسرائیل و بی‌آبرویی ارتش اشغالگر نزد مردم خود شد. (سخنرانی اول سید و تصاویری که از بالگرد و تانک هست و تصویری که رد تانک توی حیاط خونه شهرک نشینان هست)

سید مقاومت در سخنرانی خود پس از شهادت العاروری بیان کرد: «قبلاً گفتیم هر عضو ما زده شود، شما را خواهیم زد. معادله تغییر کرد. ما از اصطلاح زمان و مکان مناسب استفاده نمی‌کنیم. میدان شرایط را تعیین خواهد کرد». (صحبت سید. همین یک جمله برای کابوس شب و روز فرماندهان ارتش و سیاستمداران اسرائیلی کافی بود تا زمانی که شاهد انفجار سایت مراقبت هوایی میرون با ۶۲ موشک بودند.

بازدارندگی مقاومت اسلامی لبنان در کلام سید حسن نصرالله، خود یک دستاورد حیاتی و مهم محسوب می‌شود. سید حسن نصرالله در سخنرانی روز چهارشنبه ۱۳ دی ۱۴۰۲ هشدار داد: اگر دشمن جنگ با لبنان را آغاز کند، پاسخ مقاومت اسلامی لبنان «بدون سقف، مرز و قوانین» خواهد بود. او تأکید کرد: «هر کس به فکر جنگ با ما باشد، پشیمان خواهد شد؛ زیرا جنگ با ما بسیار پرهزینه است». (صحبت سید)

پس از سخنرانی دبیرکل حزب الله، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی از جبهه شمالی دیدار کرد و در میان فرماندهان اسرائیلی گفت: «ما راه حل سیاسی را به راه حل نظامی ترجیح می‌دهیم، اما ساعت صفر نزدیک است. ارتش در حال آماده باش است».

اگر سیر زمانی میزان مداخله و پشتیبانی حزب الله را در نبرد طوفان الاقصی مرور کنیم، شاهد خواهیم بود جبهه‌ای که حزب الله طی یکصد روز نبرد در جنوب لبنان و برضد رژیم اشغالگر قدس گشوده است، نه تنها دارای دستاوردهای فراوان که نشان از آن دارد که حزب الله لبنان علاوه بر آنکه یک نیروی قدرتمند و منسجم است، یک یار وفادار و هوشمند برای جبهه سراسری مقاومت محسوب می‌شود.



مستند «عبیر»

مستند تلویزیونی «عبیر» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی سیدرحیم هاشمی جویباری در گروه مستند مرکز بسیج صداوسیما تولید شده است. این مستند ۴۰ دقیقه‌ای با نگاهی اجتماعی به اسارت خانم خیرنگاری به نام «عبیر» از خانواده‌های دروژی در جنگ سوریه به دست داعش می‌پردازد و مشقت‌های جانگاہ او و کودکش در اسارت داعش را به تصویر می‌کشد. قسمت‌هایی از این مستند در سوریه و در مکان‌هایی که خاطرات تلخی برای خانم عبیر، خیرنگار سوری به‌همراه دارد، تصویربرداری شده است. این مستند جایگاه زن در جنگ سوریه و تجربه تلخ زنان سوری در اسارت داعش را به نمایش می‌گذارد.





فرمانده عملیات «نهاریا» را بهتر بشناسید

سمیر قنطار، شهید بیدار

قتل سه نفر به پنج بار حبس ابد و ۴۷ سال زندان محکوم کرد. سمیر قنطار حدود ۳۰ سال در زندان بود. در سال ۲۰۰۴م در جریان مبادله زندانی‌های حزب‌الله تا مرز آزادی پیش رفت، اما رژیم صهیونیستی با آزادی او در آن زمان موافقت نکرد.

◀ رهایی

در روز ۱۶ ژوئیه سال ۲۰۰۸م، دو سال پس از جنگ ۳۳ روزه، سمیر قنطار به همراه چهار عضو حزب‌الله با دو جنازه سربازان اسرائیل معاوضه شد. آزادی او پس از ۲۸ سال حبس، جنجال و انتقاد زیادی در اسرائیل برانگیخت، اما در فرودگاه بیروت همچون یک «قهرمان ملی» با استقبال رئیس جمهور، نخست‌وزیر و رئیس مجلس وقت لبنان روبه‌رو شد.

◀ سفر به ایران و سوریه

قنطار در بهمن ۱۳۸۷ش به ایران سفر کرد و با مقام‌های ایران از جمله رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کرد. از زمان آغاز جنگ داخلی در سوریه، سمیر قنطار در بلندی‌های جولان همراه با جنبش حزب‌الله فعالیت می‌کرد.

سمیر قنطار در سال ۱۹۶۲م در لبنان در خانواده‌ای دروزی متولد شد. خانواده وی از مبارزان لبنانی بودند. سمیر در ۱۴ سالگی به جبهه آزادی‌بخش فلسطین پیوست. وی در نخستین مأموریت در مسیر ورود مخفیانه به فلسطین گرفتار نیروهای امنیتی اردن شد و کمتر از یک سال در زندان اردن بود و پس از آزادی از ورود به این کشور منع شد.

◀ عملیات در سرزمین اشغالی

در نیمه‌شب ۲۱ آوریل سال ۱۹۷۹م، سمیر قنطار ۱۶ ساله با همراهی چند نوجوان دیگر خود را به شهر نهاریا در ۱۰ کیلومتری مرز لبنان رساندند. گفته می‌شود یکی از اهداف آنان، ربودن دانشمند اسرائیلی برای تبادل اسرای لبنانی بود. گروه تحت رهبری او با نیروهای اسرائیلی درگیر شدند که منجر به کشته شدن همراهانش و دستگیری قنطار شد.

◀ زندان ۳۰ ساله

پس از محاکمه قنطار، دادگاه او را در سال ۱۹۸۰م به اتهام



◀ شیعه شدن

سمیر قنطار در روزی مذهب بود. او هنگامی که در زندان رژیم اسرائیل بود، مذهب شیعه را انتخاب کرد. در مصاحبه‌ای که از وی منتشر شده گفته است در زندان با تشیع و نهج البلاغه آشنا شده و مذهب شیعه را پذیرفته است. اما در دوران حضور در زندان این مسئله آشکار نشد؛ چرا که به گفته مسئولان حزب الله لبنان با افشای آن، این تصور ایجاد می‌شد که سمیر قنطار برای آزادی از زندان تغییر مذهب داده است.

◀ ماجرای عملیات «نهاریا»

سمیرقنطار در آن زمان به لبنان بازگشت و تصمیم گرفت برای عملیات دوم برنامه‌ریزی کند. وی در ۲۲ آوریل همان سال تصمیم گرفت عملیات جدیدی را برای ربودن سربازان اسرائیلی در پاسخ به توافق شرم‌آور مصر و رژیم صهیونیستی فرماندهی کند. القنطار در این عملیات به همراه سه تن از نیروهای جبهه آزادی‌سازی فلسطین به نام‌های «عبدالمجید اصلان»، «مهنا المؤید» و «احمد الأبرص» از سواحل جنوبی لبنان از شهر صور توسط یک قایق به سمت شهرک نهاریا در شهر عکا که در داخل فلسطین اشغالی و مرز لبنان واقع شده بود، حرکت کردند. آن‌ها ساعت ۲ بامداد به ساحل رسیدند؛ جایی که بزرگ‌ترین پایگاه نظامی متشکل از دانشکده نظامی، ستاد پلیس، گارد ساحلی، شبکه هشدار دریایی و یگان‌های نظامی رژیم صهیونیستی در آنجا مستقر بود. سمیرالقنطار به همراه تیم خود ابتدا با یک ماشین گشت صهیونیستی درگیر شدند و یک گروهان ارتش رژیم اشغالگر را کشتند. آن‌ها سپس موفق شدند «دانی هاران» دانشمند اسرائیلی را اسیر کرده و به ساحل ببرند تا بتوانند زمینه تبادل وی را با اسرای فلسطینی محبوس در زندان‌های رژیم اشغالگر فراهم کنند. القنطار و همراهانش در ابتدا سعی کردند او را به سمت قایق بکشانند، اما پلیس رژیم اشغالگر با نیروهای کمکی وارد درگیری با او و تیمش شدند. در جریان این درگیری «اصلان» و «مؤید» دو همراه القنطار به شهادت رسیدند. پلیس رژیم صهیونیستی همچنین پنج گلوله به بدن سمیرالقنطار شلیک کرد. پس از رسیدن یگان‌های ارتش رژیم صهیونیستی یک درگیری گسترده میان آن‌ها اتفاق افتاد و سمیرقنطار اسیر شد.

◀ سمیر قنطار: سردار اسرا

قنطار در طول دوران حبس توانست به عنوان دانشجوی آزاد (آموزش از راه دور) در دانشگاه تل‌آویو مشغول به تحصیل شود و در سپتامبر ۱۹۹۸ در رشته ادبیات و علوم اجتماعی این دانشگاه موفق به اخذ مدرک لیسانس شود.

روایت آزادی سمیر قنطار

گزارش خبری «در لباس مقاومت» نگاه کوتاهی داشته است به زندگی و شهادت سمیر قنطار مجاهد لبنانی که سال‌ها در زندان‌های رژیم صهیونیستی اسیر بود و بعد از آزادی تاریخی، در لباس مقاومت به شهادت رسید. لازم به ذکر است این ویدیو برای اولین توسط پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (دام‌ظله) منتشر شده است. برای مشاهده این فیلم نمایه کیوآر کد مقابل را اسکن کنید.



سید حسن نصرالله؛ ویژگی سمیر این است؛ کسی که ۳۰ سال را در اسارت گذرانده بود اما در چهره و اراده‌اش چیزی جز ایستادگی، تحمل و صبر دیده نمی‌شد. در برابر زندان بانان و سال‌های طولانی محکومیتش هیچ‌گونه عقب‌گرد، تزلزل، سازش، خضوع و وضعی از خود نشان نمی‌دهد، وارد معامله نمی‌شود و مأیوس نمی‌شوند. این چیزی است که مهم است. در مورد امید صحبت خواهیم کرد. مهم این است که مأیوس نمی‌شود.



سمیر قنطار برای اولین بار در تاریخ ۳۱ ژانویه زمانی که قصد داشت از مرز اردن و فلسطین اشغالی در منطقه "مزح پيسان" به همراه دو عضو دیگر جبهه آزادی بخش فلسطین عبور کند و یک کاروان اسرائیلی در مسیر بین منطقه بیسان و طبریا را در مقابل آزادی زندانیان دربند لبنانی در زندان‌های رژیم صهیونیستی به گروگان بگیرد، دستگیر شده بود.



«سمیر قنطار» هیچگاه از آتش رژیم صهیونیستی در سوریه در امان نبود و بارها هدف ترور و ربایش مزدوران وابسته به این رژیم قرار گرفت. نکته قابل تأمل این است که در عملیاتی که صهیونیست‌ها در آغاز سال میلادی کنونی در شهر «قنیطره» سوریه انجام دادند و طی آن «جهاد مغنیه» فرزند شهید «عماد مغنیه» به شهادت رسید، «سمیر قنطار» نیز یکی از اهداف اصلی این عملیات بود اما صهیونیست‌ها موفق نشدند در این عملیات وی را به شهادت برسانند.

او هنگامی که در زندان رژیم اسرائیل بود، مذهب شیعه را انتخاب کرد. در مصاحبه‌ای که از وی منتشر شده گفته است در زندان با تشیع و نهج البلاغه آشنا شده و مذهب شیعه را پذیرفته است. اما در دوران حضور در زندان این مسئله آشکار نشد؛ چرا که به گفته مسئولان حزب الله لبنان با افشای آن، این تصور ایجاد می‌شد که سمیر قنطار برای آزادی از زندان تغییر مذهب داده است



بوسه سمیر قنطار بر سلاح پس از آزادی از زندان های رژیم صهیونیستی



بازگشت «سمیر قنطار» به خانه پس از ۲۹ سال-لحظه ورود به فرودگاه بیروت در محاصره خبرنگاران



جمله «محمد عیسی» به شهادت رسیدند. ارتش رژیم صهیونیستی هیچ‌گاه دست از برنامه‌ریزی برای ترور و به شهادت رساندن سمیرقنطار برنداشت. در همین ارتباط یک منبع نظامی صهیونیست عالی‌رتبه به روزنامه «یدیوت آحارونوت» تصریح کرد: «کار اسرائیل با قنطار ادامه دارد و به این زودی‌ها تمام نمی‌شود». پس از مدتی «غسان بن جدو» از چهره‌های برجسته رسانه در یک برنامه تلویزیونی از برخی اطلاعات درباره برنامه‌ریزی‌های گسترده رژیم صهیونیستی برای ترور و با ربایش قنطار در شهر قنطره پرده برداشت. درست ۶ ماه پس از مطرح شدن این اطلاعات، قنطار هدف ترور نظامیان رژیم صهیونیستی قرار گرفت اما این بار هم اقدام آن‌ها با ناکامی مواجه شد.

◀ شهادت

در نهایت، پس از گذشت ۴۰ سال مقاومت در عرصه‌های مختلف، در ساعت ۱۰ و ۱۵ دقیقه ۲۰ دسامبر ۲۰۱۵ (۲۹ آذر ۱۳۹۴) جنگنده‌های دشمن صهیونیستی به یک ساختمان مسکونی در منطقه جرمانا در حومه دمشق حمله کردند که منجر به شهادت سمیرقنطار و شماری از شهروندان سوریه شد.

◀ واکنش رسانه‌های صهیونیستی به خبر شهادت سمیرقنطار

به نوشته روزنامه «جرزالمپست»، «ایال رثوون» فرمانده



قنطار پس از آزادی از زندان‌های رژیم صهیونیستی به صفوف حزب‌الله لبنان پیوست و بار دیگر مأموریت حمایت از مسئله فلسطین و مردم مظلوم این کشور را در رأس اولویت‌های خود برای خدمت به محور مقاومت قرار داد. سمیر قنطار پس از آزادی از بند رژیم صهیونیستی و بازگشت به لبنان در اولین سخنرانی خود تصریح کرد: «سال‌های اسارت هم نتوانست مرا از آغوش مقاومت دور گرداند». وی ادامه داد: «من تنها برای بازگشت دوباره به فلسطین، این کشور را ترک کردم».

◀ نبرد با تکفیری‌های سوریه

قنطار هیچ‌گاه در قبال جنایت‌های تکفیری‌ها علیه دولت و ملت سوریه سیاست سکوت و یا حتی انفعال را نپذیرفت. وی به خوبی دریافت برای آزادسازی قدس و تحقق آرزوی دیرینه‌اش که در بیرون راندن صهیونیست‌ها از اراضی مقدس فلسطینیان خلاصه می‌شد، باید در سوریه ضربه مهلکی را بر پیکره تکفیری‌ها و اربابان آن‌ها یعنی صهیونیست‌ها وارد آورد. قنطار همواره دوشادوش ارتش و کمیته‌های مردمی سوریه در نبرد علیه تکفیری‌ها حضور داشت. بسیاری از گزارش‌ها طی سال‌های اخیر حاکی از این بود که قنطار فرماندهی تعداد زیادی از عملیات‌های نظامی علیه تکفیری‌ها در سوریه را بر عهده داشته است. این مبارز خستگی‌ناپذیر مقاومت لبنان نقش ویژه‌ای در نبرد با تکفیری‌ها در شهر «القنطره» واقع در مقابل بلندی‌های جولان اشغالی ایفا کرد. درست به دلیل همین نقش‌آفرینی در نبرد علیه تکفیری‌ها در سوریه بود که ایالات متحده آمریکا وی را در سپتامبر گذشته در لیست گروه‌های تروریستی قرار داد.

◀ سمیرقنطار؛ شهید بیدار

سمیر قنطار هیچ‌گاه از آتش رژیم صهیونیستی در سوریه در امان نبود و بارها هدف ترور و ربایش مزدوران وابسته به این رژیم در سوریه قرار گرفت. نکته قابل تأمل این است که در عملیاتی که صهیونیست‌ها در آغاز سال میلادی کنونی در شهر «قنطره» سوریه انجام دادند و طی آن «جهاد مغنیه» فرزند شهید «عماد مغنیه» به شهادت رسید، «سمیر قنطار» نیز یکی از اهداف اصلی این عملیات بود اما صهیونیست‌ها موفق نشدند وی را به شهادت برسانند. در این عملیات برخی از همراهان قنطار از

«سردار مقاومت»: از اسارت تا شهادت/ «سمیر قنطار» کیست؟

«سمیر قنطار» عضو برجسته مقاومت لبنان که خدمات وی در طول سالیان متممادی به محور مقاومت خواب را از چشمان صهیونیست‌ها ربوده بود، سرانجام در حملات این رژیم به حومه دمشق به شهادت رسید. برای مشاهده مستند زندگی این شهید نمایه کیو ار کد مقابل را اسکن کنید.





تشییع با شکوه پیکر شهید سمیر قنطار



شهید سمیر قنطار در جمع تظار کنندگان لبنانی در مرزهای فلسطین اشغالی

این خبر را تأیید نکرد که آیا رژیم صهیونیستی حمله هوایی انجام داده است یا خیر؟

- منابع:
- خبرگزاری میزان - به قلم علی حضرتی ۱۲۰۱۲۰
- خبرگزاری تسنیم ۱۳۲۰۱۲
- ویکی بین ۱۴۵۴۰۵

سابق فرماندهی مرکزی رژیم اسرائیل و نماینده کنونی کنست از حزب «اتحادیه صهیونیست» با استقبال از خبر شهادت سمیر قنطار، خواستار قدردانی از مقامات نظامی، اطلاعاتی و نیروهای هوایی شد. «یوفا گالانت» وزیر مسکن رژیم صهیونیستی نیز به رادیو اسرائیل گفت بسیار خوب است شخصی مانند سمیر قنطار بخشی از جهان نباشد. وی البته

واکنش مقامات صهیونیستی به خبر شهادت «سمیر قنطار»

دستان آلوده

گالانت «وزیر مسکن رژیم صهیونیستی نیز به رادیو اسرائیل گفت، بسیار خوب است که شخصی مانند سمیر قنطار بخشی از جهان نباشد. وی البته این خبر را تأیید نکرد که آیا رژیم صهیونیستی حمله هوایی انجام داده است یا خیر. دقایقی پس از آنکه برخی منابع محلی در سوریه از وقوع انفجار در شهر دمشق، پایتخت این کشور خبر دادند، رسانه‌های صهیونیستی اعلام کردند این انفجار احتمالاً در پی حمله هواپیماهای اسرائیلی رخ داده است.

به دنبال تأیید خبر شهادت «سمیر قنطار» از مبارزان قدیمی وابسته به مقاومت، در حمله جنگنده‌های رژیم صهیونیستی به دمشق، مقامات اسرائیلی به ابراز خرسندی از این اتفاق پرداختند. به نوشته روزنامه «جروزالم‌پست»، «ایال رتوون» فرمانده سابق فرماندهی مرکزی اسرائیل و نماینده کنونی کنست از حزب «اتحادیه صهیونیست» با استقبال از خبر شهادت سمیر قنطار، خواستار تقدیر از مقامات نظامی، اطلاعاتی و نیروهای هوایی شد. «یوفا





زندگی نامه «ابومحمد اقلیم»
رهبر حزب الله در شمال سوریه

فرمانده ماهر

شهادت شهید «حسن محمدالحاج» در دهه ۱۹۸۰ به حزب الله لبنان پیوست و از بنیان گذاران حزب الله و فرماندهان یگان های نظامی به شمار می رفت. او ابتدا به دلیل فعالیت در منطقه خود، به فرماندهی اقلیم الطفاح و جبل صافی شهرت یافت تا اینکه به همان نام «ابومحمد اقلیم» هم معروف شد. شهید پس از سال ها مجاهدت در جنوب لبنان و در مصاف با دشمن صهیونیست، همچنین مشارکت در تعلیم نیروها و کادرسازی برای مبارزه با تروریسم در حرکت مقاومت برای دفاع از مردم سوریه وارد میدان شد و فرماندهی و کنترل عملیات های نظامی پرشماری را در مناطق پذیرفت.

◀ سوابق ابومحمد در جنوب لبنان

شهادت ابومحمد اقلیم هفت سال رهبر مقاومت اسلامی در منطقه «اقلیم التفاح» بود که در فرماندهی و نوع رزم آوری خود در جبهه مقاومت آثار منحصر به فردی به جای گذاشت؛ زیرا او یکی از مسئولان خط مقدم مقابله با اشغالگران اسرائیل بود. رژیم صهیونیستی بارها در اعلامیه های مختلفی که منتشر می کرد او را «یکی از ستون های مقاومت» می دانست و معرفی می کرد.

◀ طراح و مجری عملیات های نظامی

او طراح و مجری بسیاری از مأموریت ها و عملیات های نظامی بود و البته در همه حرکت های نظامی به اهداف خود در برابر اشغالگران و عوامل آن در جنوب دست یافت و خسارات سنگینی به آن ها وارد کرد تا اینکه اشغالگران را در سال ۲۰۰۰ مجبور به عقب نشینی از جنوب لبنان کرد. البته شهید حسن الحاج در این مدت دوبار مورد حمله خشونت آمیز و ترور قرار گرفت، اما تسلیم نشد. در یکی از این موارد وی همراه با ۳۰ رزمنده مقاومت در یکی از مناطق مورد محاصره اشغالگران قرار گرفتند، ولی با بهره گیری از تاکتیک های دفاعی و ایمان قوی محاصره را شکستند. او در هنگام محاصره از نیروها می خواست دستگاه های بی سیم خود را خاموش کنند؛ زیرا تنها گزینه روی میز، مبارزه است و جایی برای عقب نشینی



او طراح و مجری بسیاری از مأموریت‌ها و عملیات‌های نظامی بود و البته در همه حرکت‌های نظامی به اهداف خود در برابر اشغالگران و عوامل آن در جنوب دست یافت و خسارات سنگینی به آن‌ها وارد کرد تا اینکه اشغالگران را در سال ۲۰۰۰ مجبور به عقب‌نشینی از جنوب لبنان کرد



شهید روستای المنصوریه

شهید حسن حسین الحاج در روستای «المنصوریه» در حومه شمالی استان «حمه» سوریه به فیض شهادت نائل آمد. آخرین مسئولیت شهید حاج ماهر فرماندهی نیروهای مقاومت در محور «سهل الغاب» در استان «حمه» سوریه بود. ابومحمد قبلاً از دهه ۱۹۸۰ به فعالیت‌های «جهادی» علیه دشمن اسرائیلی پرداخته بود، عملیات‌های مهم و معروفی را رهبری کردند و از هچندین از سوء قصد جان سالم به در برد.



فرمانده اطلاعات عملیات

ابو محمد از بدو ورود به حزب الله لبنان همواره نیروی اطلاعاتی بود و کمتر در انتظار عموم حاضر می‌شد. به گفته منابع آگاه، "شهید" آثار مهمی در عملیات‌های خاص انجام شده در حومه ادلب داشت که به دستاوردهای بزرگی دست یافت که او اعلام نکرد.



شهید حسن الحاج در دوران جوانی



نیست. او معتقد بود آزادی از مسیر سختی و شدت می‌گذرد و نباید از مبارزه تا حصول نتیجه دست کشید.

«حاج ماهر» لقب فرمانده کاربلد

حاج ماهر، یکی از القاب نظامی او است. حاج حسن در یک دوره ۶ ساله از عمر با برکتش، تلاش خود را برای تقویت و توسعه خطوط رویارویی مستقیم مقاومت با رژیم صهیونیستی به کار گرفت تا با آن ارتباط نزدیک‌تری پیدا کند. وی از ماهیت جنگ و شیوه‌های نبرد مطلع شد و از تاکتیک‌ها و حرکات به بهترین شکل عبرت‌آموزی کرد و در پیروزی تیم ماه ۱۳۸۵ نقش اساسی داشت. شهید ابومحمد به عنوان یک شخصیت بلند پایه امنیتی شناخته می‌شد و اغلب در انظار عمومی دیده نمی‌شد و فقط نزدیکان او در حزب الله ماهیت کار نظامی او را می‌دانستند.

جهاد در سوریه

همزمان با فتنه داعش در منطقه و به خطر افتادن جان مردم مظلوم سوریه، شهید ابومحمد برای دفاع از مقاومت و مقدسات وارد میدان شد و تجربیات نظامی و امنیتی را که از جنوب لبنان بدست آورده بود به کار گرفت. او فرمانده عملیات‌های بسیاری از مناطق سوریه و شاهد نبردهای گسترده با گروه‌های تروریستی بود. حاج حسن الحاج فرمانده عملیات حزب الله در قلمون و ادلب بود و بر مقاومت و روند نبردها نظارت می‌کرد. وی در دهم مهرماه ۱۳۹۴ در نبرد با دشمن تکفیری و در عملیات‌های آزادسازی شهر ادلب در جبهه شمال سوریه به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

منابع:

• موقع الخنادق ۱۲۰۵۲۳

• تسنیم ۱۲۵۲۴

• اخبار حزب الله لبنان ۱۳۱۰۰

مستند حزب الله و جنگ تموز

ارتش رژیم صهیونیستی پس از شکست تاریخی از نیروهای مقاومت و خروج از جنوب لبنان در روزهای ابتدایی قرن بیست و یکم، تصمیم گرفت در جولای ۲۰۰۶ با دستاویز قراردادن دستگیری دو سرباز صهیونیست در عملیات «الوعد الصادق»، یک‌بار برای همیشه استعدادها و نظامی حزب الله را از بین برده و این گروه مقاومت را خلع سلاح کند. برای مشاهده این مستند نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.



نماهنگ سرود پیروزی در جنگ ۳۳ روزه



جنگ یوگسلاوی و پیمان دیتون

حضور شهید فیاض در جنگ بوسنی . جنگ در بوسنی و هرزگوین، جنگی مسلحانه و بین المللی بود که بین ۵ آوریل ۱۹۹۲ تا ۱۴ دسامبر ۱۹۹۵ بین بوسنی و هرزگوین، کرواسی و صربستان جریان داشت و با امضای توافق دیتون در شهر دیتون ایالت اوهایو ایالات متحده آمریکا پایان یافت.

فراز و فرود حیات جهادی فرمانده شهید «علی فیاض»

مجاهدت از بوسنی تا سوریه

شهید «علی فیاض» در سال ۱۹۶۴ در شهر ساحلی انصار از توابع غربی شهرستان نبطیه در جنوب لبنان به دنیا آمد. دوران کودکی شهید مقارن بود با دوران حضور امام موسی صدر در لبنان که با جنگ‌های داخلی لبنان همزمان می‌شد. در آن دوران، شهر انصار مرکز گروهک‌های چپ‌گرا و سوسیالیست بود و به همین دلیل تفکرات اسلامی خیلی در این شهر مورد اقبال افراد با نفوذ نبود، ولی با این حال عامه مردم، به‌ویژه خاندان فیاض، رابطه خودشان را با امام موسی صدر و نهضت انقلابی وی حفظ کرده بودند. حاج علی فیاض در این محیط تربیت و به‌دلیل جو قوی ناشی از حضور گروه‌های مبارز ضد اسرائیلی در انصار، از همان دوران کودکی با آرمان فلسطین آشنا شد.



آغاز مبارزه



شهید علی فیاض و حاج قاسم سلیمانی در استان ادلب سوریه

در زمان حمله دوم ارتش رژیم اسرائیل در سال ۱۳۶۱ که گسترده‌ترین حمله پس از نبرد اشغال فلسطین به حساب می‌آمد، علی فیاض ۱۸ سال داشت. در این حمله ارتش رژیم صهیونیستی نزدیک به نیمی از خاک لبنان به علاوه پایتخت این کشور یعنی بیروت را به اشغال خود درآورد. نخستین مقاومت در جنوب بیروت شکل گرفت که تحت نفوذ شیعیان قرار داشت.

اگرچه در نتیجه این مقاومت، ارتش اسرائیل متحمل تلفات سختی در پایتخت لبنان شد؛ اما با وجود این، سیطره خود را تمام نقاطی که در جنوب و بقاع غربی تحت اشغال درآورده بود، محکم کرد. از اقدامات دشمن صهیونیستی، ایجاد زندانی برای تمام نیروهای مخالف مردمی در شهر «انصار» بود. در این زندان بزرگ انواع مختلف شکنجه روی هرکس که به نحوی با فعالیت‌های ضداسرائیل ارتباط داشت، اعمال می‌شد. در مواردی نیز تعدادی از جوانان شیعه اقدام به فرار از این زندان کردند که متأسفانه بیشتر آن‌ها در حین فرار توسط متجاوزان صهیونیستی به شهادت رسیدند.

تنگناهایی که رژیم صهیونیستی درست می‌کرد

علی که در آن زمان با چنین محیطی در ارتباط بود، از فشار جنایات صهیونیست‌ها به تنگ آمد و تصمیم گرفت به نیروهای مردمی که علیه این رژیم متجاوز می‌جنگند، بپیوندند. نزدیک به سه سال از هجوم گسترده ارتش صهیونیست گذشته بود که نیروهای متجاوز در پی ضربات کوبنده جنبشی که به خود نام «حزب الله» و القاب «انقلاب اسلامی لبنان» و «مقاومت اسلامی لبنان» را داده بود، از بخش‌های گسترده‌ای از خاک لبنان عقب‌نشینی کرده و خود را در منطقه‌ای که نام آن را کمربند امنیتی گذاشته بودند، محصور کردند. مدت زیادی از عقب‌نشینی اسرائیلی‌ها به نوار اشغالی-آن‌گونه که حزب‌الله از منطقه تحت اشغال موسوم به کمربند امنیتی یاد می‌کرد و می‌کند- نگذشته بود که علی فیاض به‌طور رسمی وارد صفوف مقاومت اسلامی لبنان شد. در آن برهه، عمده عملیات‌های مهم مقاومت اسلامی تحت فرماندهی شهیدان «حاج سمیر مطوط» (جواد)، «حاج محمد بَجِیجی» (ابوحسن) و «حاج رضا شاعر» قرار داشت. علی فیاض در کنار چنین فرماندهانی به کسب تجارب رزمی پرداخت تا اینکه در مدتی کوتاه به جایگاه یک فرماندهی عملیاتی در مقاومت اسلامی رسید. چند سال پس از حضور رسمی علی فیاض، که با لقب نظامی «علاء» در مقاومت اسلامی شناخته می‌شد، حادثه‌ای رخ داد که نقطه عطفی در زندگی او محسوب می‌شود.

جنگ صرب‌های جنایتکار علیه جمهوری مسلمان بوسنی و هرزگوین

درست زمانی که مقاومت اسلامی در حال بدست آوردن جایگاهی مهم در معادلات جاری در صحنه لبنان و فلسطین بود، جنگ دیگری علیه مسلمانان این بار در دروازه شرقی اروپا در جمهوری مسلمان و تازه تأسیس بوسنی و هرزگوین در جنوب یوگسلاوی سابق درگرفت. قوم صرب که در نقاط مختلفی از یوگسلاوی پراکنده شده بودند، با استفاده از شیوه ارتش اسرائیل در متحدسازی ملت یهود، به دنبال تصرف تمام مناطق صرب‌نشین در شبه جزیره بالکان و تأسیس «صربستان بزرگ» (به مثابه نمونه‌ای مسیحی-ارتدوکسی از نظریه اسرائیل بزرگ) بودند. حضور مسلمانان که از چندین قرن قبل در این ناحیه تثبیت شده بود، مانعی بزرگ برای تحقق آرمان نژادی صرب‌ها که برای تحقق آن از هیچ اقدام جنایت‌باری رویگردان



علی فیاض به خاطر حضورش در جنگ بوسنی به علاء بوسنة معروف شده بود. همچنین شهید فیاض در کنار نیروهای عراقی از مدافعان بغداد در مقابل حمله سراسری سال پیش داعش بود.



محور شهادت

شهید حاج علی فیاض (حاج علاء بوسنیایی) در نبرد با تروریستهای تکفیری داعش و القاعده در محور عملیاتی «اثریا-خناصر» واقع در جنوب استان حلب سوریه به درجه رفیع شهادت نائل آمد.



شهید علی فیاض در ساحل لاذقیه سوریه



عمده عملیات‌های مهم مقاومت اسلامی تحت فرماندهی شهیدان «حاج سمیر مطوط» (جواد)، «حاج محمد بَجِیجی» (ابوحسن) و «حاج رضا شاعر» قرار داشت. علی فیاض در کنار چنین فرماندهانی به کسب تجارب رزمی پرداخت تا اینکه در مدتی کوتاه به جایگاه یک فرماندهی عملیاتی در مقاومت اسلامی رسید. چند سال پس از حضور رسمی علی فیاض، که با لقب نظامی «علاء» در مقاومت اسلامی شناخته می‌شد، حادثه‌ای رخ داد که نقطه عطفی در زندگی او محسوب می‌شود



سه فرمانده شهید مقاومت از سه ملیت در یک قاب

شهید سلیمانی، شهید
فیاض و شهید رضا بخشی
در سوریه کنار هم ایستاده
و مبارزه با تروریسم را
سازمان دادند و در همین
راه آسمانی شدند.



نبودند، محسوب می‌شد. به همین دلیل صرب‌ها تأسیس یک جمهوری مسلمان را بهانه‌ای برای تکرار جنایات خود در جنگ جهانی دوم علیه مسلمانان بالکان قرار داده و در آوریل ۱۹۹۲ (فروردین ۱۳۷۱) حمله‌ای گسترده علیه شهرهای بوسنی و هرزگوین را آغاز کردند. این حملات مورد تأیید کشورهای اروپایی و دولت روسیه به عنوان نزدیک‌ترین متحد صربستان در حمله علیه مسلمانان بوسنی قرار گرفت و در مقابل ایران و چند کشور مسلمان دیگر از مسلمانان حمایت کردند. در همین برهه زمانی، حزب الله نیز تعدادی از رزمندگان خود را به همراه نیروهای سپاه پاسداران عازم بوسنی و هرزگوین کرد تا به آموزش نیروهای مسلمان برای نبرد با صرب‌ها و کروات‌ها بپردازند. حاج علی فیاض نیز یکی از فرماندهان نیروهای مقاومت اسلامی در نبرد علیه صرب‌های وحشی در بوسنی بود. رشادت‌های او در نبردهای بوسنی و هرزگوین چنان مورد تحسین نیروهای مجاهد بوسنیایی و رزمندگان لبنانی حاضر در بوسنی قرار گرفت که به پاس این موضوع، کلمه بوسنی را به لقب نظامی وی اضافه کرده و او را «علای بوسنیایی» (علاء البوسنة) خطاب کردند.

◀ آزادسازی و جنگ ۳۳ روزه

پس از کسب تجربه مهم نبرد در بوسنی و هرزگوین، جایی بسیاری دور از خاک لبنان، حاج علاء دست به طراحی و فرماندهی عملیات‌هایی گسترده علیه نیروهای ارتش رژیم صهیونیستی در ارتفاعات جنوب لبنان زد. در یکی از این عملیات‌های بسیار مهم که در منطقه «دیشه» در حومه نبطیه به اجرا درآمد، گروهان «شهید حاج سمیر مطوط» از مقاومت اسلامی لبنان موفق به انهدام این پایگاه و برافراشتن پرچم حزب الله بر فراز سنگرهای این پایگاه شد. این شهید همچنین در هدایت و فرماندهی چندین عملیات مهم دیگر تا آزادسازی

جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹) حضور داشت.

با وجود برقراری آتش‌بس میان حزب الله و ارتش رژیم صهیونیستی در خرداد ۱۳۷۹، منطقه مرزی جنوب لبنان و شمال فلسطین به‌ویژه مزارع اشغالی شبعاً هراز گاهی صحنه عملیات‌های مقاومت اسلامی قرار می‌گرفت تا اینکه حزب الله لبنان طی دو عملیات در مزارع شبعاً و بیروت موفق به اسیر کردن چهار نظامی ارتش صهیونیست شد. در نتیجه تبادلی که بعدها صورت گرفت بسیاری از اسرای لبنانی آزاد شدند؛ اما خیانت اسرائیل در تحویل تعدادی از اسرا به خصوص «سمیر قنطار» سبب شد حزب الله در سال ۲۰۰۶ با فرماندهی شهید عماد مغنیه (بعدها در عملیاتی تروریستی در دمشق به شهادت رسید) اقدام به عملیات اسیرگیری دیگری کند که سبب شتاب دشمن در طرح خود برای جنگ گسترده به منظور نابودی حزب الله و آغاز جنگ ۳۳ روزه در تیر ۱۳۸۵ شد. از اینکه حاج علاء در جنگ ۳۳ روزه چه سمتی داشته، اطلاعات دقیقی در دست نیست اما همان‌گونه که مشخص است مانند گذشته یکی از جایگاه‌های فرماندهی را دارا بوده است. پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه سبب شد جایگاه این جنبش در میان مسلمانان بیش از پیش تقویت شود؛ اما اتفاقاتی که بعدها به وقوع پیوست نشان داد دشمن در صدد استفاده از هر راهکاری برای ضربه زدن به مقاومت اسلامی و حامیان آن است.

◀ سوریه: رزمگاه اصلی

پس از وقوع اعتراضات سازماندهی شده در سوریه در سال ۲۰۱۱ و سوءاستفاده برخی جریان‌های داخلی با حمایت دولت‌های خارجی، جریان اعتراضات تبدیل به زد و خورد و سپس جنگ میان نیروهای ارتش سوریه و گروه‌های مسلح شده مخالف، که زیر پرچم «ارتش آزاد سوریه» می‌جنگیدند، شد. ارتش آزاد

سوریه برخلاف شعارها و گفته‌های خود، نه تنها در بسیاری از موارد دست به کشتار غیرنظامیان هوادار دولت و شیعیان سوریه، که رابطه خوبی با دولت داشتند، زد بلکه در چند مورد اقدام به کشتن اسرایی که از ارتش سوریه گرفته بود کرد و فیلم‌های آن را در اینترنت یا از طریق شبکه‌های عربی حامی خود به‌ویژه الجزیره و العربیه نشر داد.

در مدت چند ماه از وقوع این اعتراضات، بسیاری از مناطق سوریه سقوط کرد و در عمل راه‌های ارتباطی میان سوریه و همسایگانش به‌ویژه لبنان بسته شد. حزب‌الله لبنان از همان روز نخست اعلام کرد علاقه‌ای به ورود به سوریه ندارد و جبهه جدیدی در آنجا تشکیل نداده است؛ اما مدت کوتاهی از این موضع‌گیری نگذشته بود که تروریست‌های تکفیری با هتک مقام چند تن از صحابه رسول خدا و اهل بیت ایشان اعلام کردند با حرم مطهر حضرت زینب کبری(س) در حومه دمشق نیز چنین خواهند کرد!

تهدید حمله به زینبیه را باید آغاز تبدیل شدن نبردهای سوریه به یک نبرد جهانی عنوان کرد؛ زیرا بسیاری از شیعیان غیور که تحمل چنین جسارت و گستاخی به حرم نوه پیامبر(ص) و دختر امیرالمؤمنین(ع) و فاطمه زهرا(س) را نداشتند، خود را برای دیدن آموزش‌های نظامی و حضور در پاسداری از منطقه زینبیه به دمشق رساندند. سید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان نیز نسبت به این تهدید واکنش نشان داد و برای اولین بار در یک مأموریت رزمی برون‌مرزی، دستور حضور تعدادی از فرماندهان و نیروهای مقاومت اسلامی لبنان در منطقه زینبیه را صادر کرد. حاج علاء نیز به همراه تنی چند از فرماندهان و رزمندگان مقاومت اسلامی راهی این منطقه شد.

حضور مقاومت اسلامی به همراه نیروهای تیپ فاطمیون و رزمندگان شیعه عراقی سبب پیروزی در زینبیه و عقب راندن تروریست‌ها از تهدید مستقیم این منطقه به وسیله آتش شد. با وجود این، تروریست‌ها که از حضور حزب‌الله در زینبیه و سپس داریا برای حراست از حرم‌های شیعی بسیار خشمگین بودند، در چند مورد دست به عملیات‌های تروریستی در شهر بیروت و دیگر نقاط لبنان به‌ویژه حومه بعلبک و هرمل زدند.

◀ ورود به میدان سوریه

پس از این اقدام بود که حزب‌الله سرانجام تصمیم به ورود به میدان سوریه گرفت و رزمندگان آن در چندین عملیات در حومه دمشق شرکت کردند. از نخستین مأموریت‌های حاج علاء در این بازه زمانی، هدایت عملیات‌های حزب‌الله در منطقه غوطه شرقی در حومه دمشق بود که موجب شد چند نقطه از این منطقه از سیطره تروریست‌ها خارج شود. در عملیات‌های بعدی حزب‌الله لبنان به سراغ نقاط مهم برای پاک‌سازی مرزهای سوریه با لبنان رفت و موفق شد شهرهای بسیاری نظیر قصیر، نیک، معلولا و به‌ویژه بیروت را از چنگال تروریست‌ها آزاد کند.

در حومه دمشق نیز براساس طرح شهید علی فیاض، کاروان پیاده نیروهای تروریست که در حال تردد در منطقه «عتیبه» در غوطه شرقی بودند، هدف دو سلسله انفجار گسترده قرار گرفت و سبب هلاکت بیش از ۱۷۰ نفر شد که در میان آن‌ها افرادی با تابعیت سعودی، چینی، اردنی و قطری حضور داشتند. پیروزی‌هایی که حاج علی فیاض بدست آورده بود، سبب تمجید شخص بشار اسد رئیس جمهور سوریه و فرماندهان و نیروهای گارد ریاست جمهوری سوریه شد، به گونه‌ای که افسران گارد ریاست جمهوری سوریه به‌دستور رئیس جمهور این کشور موظف به دادن اطاعت نظامی به این شهید بودند.

◀ خطر گسترش تروریسم تکفیری در منطقه

با شکل‌گیری داعش و قدرت‌یابی آن در سوریه و به‌ویژه عراق، خطر گسترش تروریسم تکفیری تمام منطقه را دربرگرفت، به‌گونه‌ای که پس از سقوط موصل، الرمادی، ابوغریب، تکریت و چند شهر مهم دیگر عراق، تروریست‌های داعشی به دروازه‌های بغداد رسیدند. در همین زمان شهید مجاهد بزرگ سید مصطفی بدرالدین پس از تماسی تلفنی از سوی سید حسن نصرالله، تنی چند از فرماندهان شاخص مقاومت اسلامی که در رأس آنان «حاج علاء بوسنیایی» قرار داشت را عازم عراق می‌کند تا به نیروهای مستشار ایرانی و افسران و داوطلبان



مردمی عراق در حفاظت از بغداد کمک کنند. با طرحی که این فرماندهان به اجرا درآوردند، خطر تا حد زیادی از بغداد دور شد و پس از تشکیل بسیج مردمی به فرمان حضرت آیت الله سیستانی، نیروهای مقاومت مردمی آموزش دیده و راهی جنگ با تروریست‌های تکفیری شدند.

در نتیجه این اقدامات بسیاری از مناطق از عراق نظیر جرفالصخر، آمرلی، بیجی، تکریت و بسیاری از نواحی دیگر عراق از تصرف تروریست‌ها خارج شد. حاج علاء پس از تثبیت وضع در بغداد، به سوریه بازگشت و همراه بسیاری از نیروهای مجاهد عازم نبرد در دو جبهه قلمون و حلب شد. این دو جبهه نمایانگر مهم‌ترین تلاش‌های حزب‌الله برای غلبه بر تروریست‌های تکفیری بود؛ زیرا ارتش اسرائیل پس از حمله هوایی در قنطره و شهادت چند تن از رزمندگان و فرماندهان ایرانی و لبنانی به‌ویژه شهیدان «محمد عیسی»، «محمدعلی الله‌دادی» و «جهاد مغنیه» فرزند کوچک شهید عماد مغنیه که از فرماندهان جدید و جوان حزب‌الله به شمار می‌رفت، نسبت به این منطقه حساس شده و به صلاح نبود تحرک گسترده‌ای در این منطقه شکل بگیرد. در مقابل حزب‌الله تلاش خود را روی پاک‌سازی برخی از محلات حلب و گسترش نفوذ برای رسیدن به شهرک محاصره شده نبل و الزهراء قرار داد.

◀ نبرد در بزرگراه حلب-دمشق

در این برهه حزب‌الله و نیروهای محور مقاومت اسلامی اقدام به حملاتی گسترده در حومه جنوبی حلب کردند و موفق شدند خود را به بزرگراه حلب-دمشق رسانده و فاصله‌شان را با شهرک‌های شیعه‌نشین محاصره شده «فوعه» و «کفریا» در شمال ادلب کم کنند. پیش از این نیز بخش‌هایی از مرزهای سوریه و لبنان توسط حزب‌الله و ارتش سوریه به‌ویژه شهر استراتژیک زبدانی در عملیاتی دشوار که شهید حاج علاء نیز در

سید حسن نصرالله
دبیرکل حزب‌الله لبنان
در سخنرانی خود در
مراسم هفتمین روز
شهادت «علی فیاض»
معروف به حاج علاء از
فرماندهان حزب‌الله در
سوریه در معرفی این
شهید گفت: «علاء از
همان عنفوان جوانی
به مقاومت پیوست و
از همان ابتدا به عنوان
یکی از رزمندگان جبهه
جنوب حاضر شد. بخش
اعظم عمر خود را در
میادین جنگ گذراند و
سرانجام نیز به عنوان
یکی از فرماندهان جبهه
به خیل شهادت نائل
آمد.»

راهبرد عربی مشترک نبودند، یعنی آن‌ها در انتظار تصمیم‌های اتحادیه عرب نماندند و حتی منتظر رسیدن عرب‌ها به یک اجماع کلی نبودند».

◀ شیرمرد دفاع از حقوق ملت بوسنی

سید حسن نصرالله درباره حضور حاج علا در بوسنی در مراسم بزرگداشت هفتمین روز شهادت او گفت: «حاج علا و برخی از برادرانش لبنان را به مقصد بوسنی به سرزمینی که هیچ چیزی از آن نمی‌شناختند ترک کردند. این عزیمت تنها جنبه انسانی و اخلاقی داشته است. در آن زمان ما قادر نبودیم هزاران نفر را اعزام کنیم یا به آنجا سلاح بفرستیم... جوانان ما در آن سرزمین برای مدت طولانی حضور یافتند و در کنار رزمندگان بوسنی جنگیدند... مسلمانان در بوسنی همه از اهل سنت و جماعت بوده و هستند، علایی که امروز در مراسم حضور داریم خانواده و مقاومت و سرزمین اشغال شده خود را رها کرد و به سمت بوسنی رهسپار شد، عازم شد تا برای دفاع از شرف برادران مسلمان اهل سنت و جماعت در بوسنی بجنگد».

• منابع

• خبرگزاری دفاع مقدس ۱۲۵۴۵۶

• بسیج نیوز

۱۲۵۶۸۹

• قدس

آنلاین

۱۳۹۸۷۵۲



تکریم شهید علی فیاض توسط سید حسن نصرالله

سید حسن نصرالله در همایشی عظیم به بررسی خدمات و دستاوردهای شهید مقاومت علی فیاض می‌پردازد و معتقد است که در آینده خدمات این شهید بزرگوار زمینه ساز تحولات بزرگی در محور مقاومت خواهد شد. برای مشاهده این ویدئو نمایه کیوآر کد مقابل را اسکن کنید.



آن نقش داشت، پاک‌سازی شده بود. مدت کوتاهی از این وضع نگذشته بود که سرانجام حمله برای آزادی نیل و الزهراء آغاز و ظرف چند روز این دو شهرک مهم آزاد شدند.

حاج علا در این زمان در حومه جنوبی حلب حضور داشت تا اینکه داعش برای قطع راه امداد رسانی ارتش سوریه و متحدانش به ویژه حزب الله، به جاده خناصر-اثریا در حومه جنوب حلب حمله کرده و این جاده را قطع کرد. نیروهای حزب الله نیز برای آزادسازی دوباره نقاط قطع شده با تروریست‌های داعش وارد درگیری شدند که در این درگیری که در تاریخ ۲۶ فوریه ۲۰۱۶ (۷ اسفند ۱۳۹۴) به وقوع پیوست، حاج علا از چند ناحیه زخمی و مدتی مفقود می‌شود. سرانجام پس از دو روز پیکر حاج علی فیاض در حالی که چند گلوله به پا و سینه وی اصابت کرده بود، پیدا و خبر شهادتش به صورت رسمی اعلام می‌شود. پیکر مطهر این شهید در زادگاهش شهر انصار به خاک سپرده شد.

◀ حاج علا از زبان سید حسن نصرالله

سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان در سخنرانی خود در مراسم هفتمین روز شهادت «علی فیاض» معروف به حاج علا از فرماندهان حزب الله در سوریه در معرفی این شهید گفت: «علا از همان عنفوان جوانی به مقاومت پیوست و از همان ابتدا به عنوان یکی از رزمندگان جبهه جنوب حاضر شد. بخش اعظم عمر خود را در میداین جنگ گذراند و سرانجام نیز به عنوان یکی از فرماندهان جبهه به خیل شهادت نائل آمد. هر یک از عملیات مقاومت را که بخواهیم به یاد آوریم در آن اثری از حاج علا به چشم می‌خورد. این شهید فرمانده در بیش از یک محور در جبهه‌های جنوب شرکت داشت و بیش از یک نوع عمل جهادی را از این شهید ما می‌دیدیم تا اینکه به سرعت به یکی از فرماندهان مقاومت و یکی از نخبگان رزمنده تبدیل شد».

◀ فرمانده پیروزی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶

این شهید فرمانده با جانفشانی‌هایش و جانفشانی تمام رزمندگان مقاومت و شهدای مقاومت توانستند پیروزی سال ۲۰۰۰ میلادی را محقق سازند و طولی نگذشت که در سال ۲۰۰۶ به یکی از فرماندهان دلاور مقاومت تبدیل شد. در بخش دیگری از فعالیت‌های این شهید می‌توان او را یکی از فرماندهان زیرساخت‌های توان مقاومت دانست. او در کنار شهید حاج عماد مغنیه برای پیشبرد توان و قدرت بازدارندگی مقاومت تلاش کردند تا اینکه این مقاومت رشد کرد، بزرگ شد پیشرفت کرد تا اکنون به یک قدرت واقعی تبدیل شود، به گونه‌ای که دشمن اسرائیلی از آن واهمه دارد.

این همان مقاومتی است که از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ پیروزی آفرین بود. حاج علا نماینده نسلی از جوانان لبنانی است که گزینه مقاومت را برگزیدند. پس از سال ۱۹۸۲ و یورش دشمن صهیونیست، جوانان لبنانی می‌توانستند گزینه‌ها و مقاصد مختلفی را برای خود انتخاب کنند. علا و برادران او همچون سایر رزمندگان در جنبش امل و دیگر گروه‌های مقاومت در انتظار



دفاع بدون مرز

تصویر حاج علی احمد فیاض. مرد دفاع از بوسنی. وی در جنگ‌های نامنظم توانمندی مثال زدنی داشت.



فرمانده «محمد عیسی»: شهید دفاع از مقاومت اسلامی

مقاومت؛ گزینه اول و آخر

جنوب و حومه نبطیه را با شکست مواجه کند. مدتی پس از پایان جنگ ۳۳ روزه، برای حفظ نظارت و رصد اقدامات ارتش رژیم صهیونیستی، به فرماندهی محور شرقی نوار مرزی برگزیده و عازم شهر کوچک و مرزی «خیام» در جنوب لبنان شد.

با آغاز جنگ داخلی در سوریه، به صورت محدود و کوتاه برای آموزش نیروهای ارتش این کشور راهی شام شد و پس از تهدید حرم حضرت زینب (س) توسط تروریست‌های تکفیری و با تصمیم فرماندهی حزب‌الله برای حضور گسترده در خاک سوریه، وی نیز راهی دمشق شد.

شهید طی حضور به‌عنوان یکی از فرماندهان ارشد در نبرد با تروریست‌های تکفیری، با بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه نیز دیدار کرد. تصویر این دیدار پس از شهادت ابوعیسی (کنیه و نام جهادی حاج محمد) منتشر شد. پایگاه خبری جنوب لبنان (موقع جنوب لبنان) این تصویر را منتشر کرد.

سرانجام حاج محمد عیسی پس از نزدیک به ۳۳ سال جهاد و فرماندهی، در حمله هوایی ارتش رژیم صهیونیستی به کاروان نیروهای ایرانی و لبنانی محور مقاومت اسلامی (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب‌الله لبنان) در جاده مزارع «امل» در حومه قنبره در شرق ارتفاعات جولان در تاریخ ۱۸ ژانویه ۲۰۱۵ (۲۸ دی ۱۳۹۳) به شهادت رسید.

خانم «صفاء مقلد» همسر شهید حاج محمد عیسی، که به عنوان میهمان در اجلاس نقش زنان در ایجاد تمدن اسلامی در تهران حضور یافته بود، در مورد نقش زنان در روند مقاومت اسلامی و خاطرات خود از همسر شهیدش به صحبت نشست که شرح این گفت‌وگو را از نظر می‌گذرانیم:

شهید «حاج محمد عیسی» در سال ۱۹۷۱ در شهرک «عرب‌الیم» از توابع ارتفاعات اقلیم التفاح در حومه شهر نبطیه در جنوب لبنان به دنیا آمد. ۱۱ سال بیشتر از عمر وی نگذشته بود که ارتش رژیم صهیونیستی به بهانه مبارزه با گروه‌های فلسطینی مستقر در لبنان، وارد خاک این کشور شد و طی یک هفته، خود را به بیروت، پایتخت لبنان، رساند.

محمد عیسی همزمان با آغاز اشغالگری رژیم صهیونیستی، به جوانان مقاوم علیه اشغالگری که توسط نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه بقاع در شمال شرق لبنان آموزش می‌دیدند، پیوست.

مدت زیادی طول نکشید تا محمد بتواند جایگاه فرماندهی را برای نخستین بار با هدایت یک دسته از جوانان مقاومت اسلامی در منطقه اقلیم التفاح تجربه کند. «مصطفی حیدر»، پسرخاله و دوست نزدیک وی که تا زمان شهادتش در کنار محمد جنگید، در این مسیر او را همراهی می‌کرد.

شهید محمد عیسی در جایگاه فرمانده محور در جنوب لبنان توانست طعم آزادسازی جنوب لبنان را در سال ۲۰۰۰ میلادی (۱۳۷۹ شمسی) بچشد. مدت کوتاهی پس از آزادی مناطق اشغالی جنوب و بقاع غربی، به‌عنوان فرمانده ارشد مقاومت اسلامی در اقلیم التفاح برگزیده شد.

جنگ ۳۳ روزه آزمون مهمی برای اثبات دوباره ایمان و مهارت محمد عیسی در هدایت نیروهای مقاومت اسلامی در اقلیم التفاح و مناطق همجوار با آن بود. حاج محمد عیسی طی نبرد در جنگ ۳۳ روزه توانست تلاش‌های واحدهای مکانیزه ارتش رژیم صهیونیستی برای پیشروی از ناحیه مرزی به سمت عمق



پس از شهادت مرد، اهمیت رسیدگی به خانواده برای زن مضاعف می شود. طبیعی است ما پس از شهادت همسرانمان، با مشکلات بسیاری روبه رو شویم. نخستین مشکل فقدان مرد و همسر در خانه است. به همین دلیل، مادر خانه باید همزمان هم پدر و هم مادر برای فرزندان باشد. بنابراین وظایف وی در خانواده بسیار بیشتر از گذشته خواهد شد

◀ نقش زنان در تربیت نسل های مقاوم چیست؟

نقش همسران و خانواده های شهیدان مقاومت کمتر از نقش رزمندگان حاضر در جبهه های نبرد با دشمنان اسلام و دفاع از مقدسات نیست. همسر یک شهید، با چالش های سختی در درون و بیرون از وجود خود رودررو است. او وظیفه دارد نسلی تربیت کند که ارزش های شهدا را برای برافراشته کردن پرچم اسلام با خود حمل کنند.

همسر شهید وظیفه دارد ایمان، صبر، اراده قوی و عزم راسخ را در کنار توکل به خداوند متعال، در وجود خود زنده نگه دارد. من اطمینان خاطر دارم که تمام مادران و همسران شهدا می توانند با استفاده از این عوامل، بر چالش ها غلبه کنند و نسلی مقاوم تربیت کنند که زمینه ساز تشکیل دولت امام زمان (عج) باشد.

همان طور که می دانید، یک زن پیش از شهادت همسرش، چالش هایی در محیط پیرامون خود دارد. غیبت طولانی مدت مرد رزمنده از خانه، سبب می شود همسرش برای مواجهه با سختی ها، آمادگی کامل کسب کند. این موضوع شامل بحث های مختلف به خصوص تربیت فرزندان و مراقبت از آنان می شود. پس از شهادت مرد، اهمیت رسیدگی به خانواده برای زن مضاعف می شود. طبیعی است ما پس از شهادت همسرانمان، با مشکلات بسیاری روبه رو شویم. نخستین مشکل فقدان مرد و همسر در خانه است. به همین دلیل، مادر خانه باید همزمان هم پدر و هم مادر برای فرزندان باشد. بنابراین وظایف وی در خانواده بسیار بیشتر از گذشته خواهد شد.

◀ در مورد دوستی و ارتباط قوی میان ایشان و پسرخاله اش

«شهید مصطفی حیدر» برای ما توضیح دهید.

شهید ابوعیسی بیش از ۳۰ سال به فعالیت جهادی پرداخت؛ زیرا وی از سن ۱۱ سالگی و زمانی که هنوز به بلوغ هم نرسیده بود، همزمان با حمله ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان، به صفوف مقاومت پیوست. شهید مصطفی حیدر از همان ابتدای جنبش مقاومت اسلامی تا زمان شهادتش [در زمان اشغال جنوب لبنان توسط ارتش اسرائیل]، در کنار ابوعیسی بود. من به دلیل ابعاد امنیتی جهاد شهید محمد، چیز زیادی از خاطرات وی و شهید مصطفی نمی دانم اما چیزی که از این دو شهید می دانم و می دیدم، این است که این دو شهید همیشه عزم و ایستادگی قابل توجهی در برابر دشمن و عوامل آن در شرایط مختلف از خود نشان می دادند.

هر روز که می گذرد، تعداد بیشتری از دوستان شهید ابوعیسی به ما سر می زنند و از قصه های شهید برای ما می گویند. چیزی که من در شخصیت حاج محمد دیدم، این بود که علاوه بر روحیه خاکی و متواضع، در برقراری و حفظ روابط، بسیار انسان هوشمندی بود. به یاد دارم پس از بازگشت شهید از مأموریت نظامی در عراق به جنوب لبنان، افراد بسیاری به دیدن شهید آمدند که از تمام سنین، از کودکان تا افراد پیرا شامل می شدند.

شهید همواره به تداوم حضورش در جبهه اهمیت می داد. حضور طولانی مدت در جبهه موجب مشکلات جسمی برای او شده بود که به خاطر این مشکلات، ابراز ناراحتی می کرد. وقتی برای درمان به مطب پزشک رفت، به او توصیه شد تا جای ممکن استراحت کند. شهید هم گفته بود: «من مأموریتی دارم که پس از انجام آن استراحت می کنم». در حقیقت همین طور هم شد و حاج ابوعیسی با شهادت خود، به راحتی ابدی دست یافت.

اگر بار دیگر به بحث نقش زن رجوع کنیم، متوجه خواهیم شد خود مرد دلیل رسیدن زن به این جایگاه است. شهید همیشه در این مورد با من صحبت و تأکید می کرد من باید آماده پذیرش هر وضعیتی در آینده باشم.

◀ در مورد حضور شهید ابوعیسی در سوریه برای ما توضیح دهید که واکنش شما و اعضای خانواده نسبت به این موضوع چه بود؟

در ابتدا حضور شهید در جبهه ها به شکل محدود در منطقه ای نزدیک به خانه در جنوب لبنان بود؛ یعنی صبح می رفت و هنگام بعد از ظهر یا عصر از مأموریت برمی گشت. سپس به



فرماندهی محور مرزی «خیام» انتخاب شد و هر چند روز یک بار به ما سر می زد. مدتی پس از فرماندهی محور خیام یعنی در سال ۲۰۱۳، بحث نبرد با تروریست های تکفیری پیش آمد. شهید پس از آن به صورت گسترده راهی سوریه شد و ما کمتر از گذشته او را می دیدیم.

این موضوع برای بچه ها به خصوص پسر کوچک من بسیار سخت بود. او همیشه عادت داشت هر وقت حاج ابوعیسی به خانه برمی گشت، گوشه پیراهن او را می گرفت و همه جا به دنبالش می رفت. با این حال حاج محمد در اواخر عمر شریفش، بیشتر به ما سر می زد. مثلاً یک هفته در سوریه بود و سپس به لبنان برمی گشت و سه، چهار روز در منزل می ماند.

◀ در مورد روز شهادت حاج محمد عیسی و لحظه دریافت این خبر برای ما بگویید.

از یک سال قبل از شهادت ایشان، احساس می کردم

مستند ملازمان حرم - شهید ابوعیسی

شهید ابوعیسی از جمله نیروهای حزب الله لبنان بود که طی عملیات تروریستی عوامل رژیم صهیونیستی به همراه پنج نفر دیگر از اعضای حزب الله به شهادت رسید. پانزدهمین قسمت برنامه «ملازمان حرم» کاری از تلویزیون اینترنتی نصر، به گفت و گو با همسر این شهید مدافع حرم اختصاص داده شده است. در این برنامه دکتر شهره پیرانی همسر شهید رضایی نژاد به نزد همسر شهید ابوعیسی می رود و با او در مورد خاطرات زندگی مشترک با همسرش می پرسد. همسر ابوعیسی تعریف می کند که برای اولین بار، شنیدن خبر شهادت او برایش غیر قابل باور بود ولی به تدریج با این حقیقت کنار آمد. سید هاشم موسوی تهیه کنندگی «ملازمان حرم» را بر عهده دارد. برای مشاهده این مستند نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.





شهید محمد عیسی در کنار همسر و فرزندان



آنچه می بینید تصویری است از شهید ابو عیسی و فرزندان که حالا دیگر پدرشان در کنارشان نیست و او شهید است!



خانواده شهید محمد عیسی در کنار تابوت او

علامت‌هایی غیبی در اطراف وجود دارد که بر اساس این علامت‌ها، تقریباً به یقین رسیدم که سرنوشت حاج محمد شهادت است.

من در اواخر عمر شهید به وی گفتم: «اطمینان دارم هر پنج بچه را خودم به تنهایی تربیت خواهم کرد». هدفم از گفتن این عبارت، این بود که به شهید بفهمانم که می‌دانم که تو به شهادت می‌رسی. آن زمان، ما چهار فرزند داشتیم و قرار بود فرزند پنجم هم به دنیا بیاید اما پس از شهادت پدرش متولد شد.

روز شهادت حاج ابو عیسی، به طرز عجیبی به شدت احساس نگرانی و ناراحتی می‌کردم. دلیل این ناراحتی شدید را نمی‌دانستم. به شدت گریه می‌کردم و تمام همکارانم در مدرسه متوجه این موضوع شدند. این وضع تا زمان اذان مغرب که خبر شهادت حاج محمد به دستم رسید، ادامه پیدا کرد.

این در حالی بود که تمام مردم عرب‌الیم می‌دانستند ابو عیسی شهید شده است، اما از من مخفی نگه داشته بودند. هنگام نماز مغرب بود که تمام بستگان ما با هم وارد منزل شدند. من هنوز از این حالت ورودشان به منزل متعجب بودم که خبر شهادت حاج محمد را به من دادند.

به محض اینکه این خبر را دریافت کردم، تمام احساسات قبل از آن ناپدید شد. البته تحمل این حالت بسیار سخت است اما من هنگامی که حاج محمد برای مأموریت‌های نظامی به عراق می‌رفت، حس می‌کردم که در آنجا به شهادت خواهد رسید. به همین دلیل از حضرت زینب (س) خواسته بودم که اگر سرنوشت ابو عیسی شهادت است، قلبم را مورد عنایت خود قرار دهد و صبر مرا زیاد کند.

◀ پیام شما به همسران شهدا در ایران چیست؟

پیام من به تمام همسران شهدا در همه جای جهان این است که با وجود قرار داشتن در چنین زمان سختی، باید شعار «لبیک یا زینب (س)» را نه فقط با بیان زبانی، بلکه به صورت عملی نیز نشان دهیم. لبیک یا زینب (س) یعنی با شناخت، عزم و توکل به خدا در میدان وارد عمل شویم و همیشه در برابر اراده خدا تسلیم باشیم.

پروردگار، همسران را که عزیزترین فرد در زندگی من بود، از من گرفت اما هر وقت به آن فکر می‌کنم به یاد این آیه از قرآن کریم می‌افتم که خداوند متعال فرمود: «و اصبر لحکم ربک فانک بأعیننا» (بر اطاعت از فرمان ما صبور باش که ما همیشه به تو توجه داریم). من اطمینان خاطر دارم اگر در برابر خواست خدا صبور باشیم، خداوند ما را به مراتب بالایی خواهد رساند که کمتر از جایگاه شهیدان نیست.

• منابع:

• دفاع پرس ۱۲۵۸۶۵

• اخبار مقاومت ۸۹۶۹۸۵

• اعلام الحربی فی سوریا ۱۲۸۹۵

مستند دل سوخته

گفت و گوی اختصاصی با خانواده شهید محمد عیسی که در جبهه مبارزه با تروریسم و دفاع از حرم اهل بیت در سوریه به شهادت رسید. برای مشاهده این ویدئو نمایه کیوآر کد مقابل را اسکن کنید.



جبل عامل؛ سرزمین غافلگیری‌ها

شرحی بر تجربه پیروزمندانه مقاومت اسلامی لبنان در جنگ ۳۳ روزه

عربی تحمیل‌کننده شکست تاریخی به ارتش صهیونیست، بگیرند. این اتفاقات از چشم ایران دور نبود.

حاج قاسم سلیمانی، فرمانده شهید نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در همان روز اول جنگ با کمک دوست و برادر هم‌رزمش حاج عماد مغنیه، فرمانده ارشد نظامی و شهید مقاومت اسلامی لبنان، از راه سوریه وارد لبنان شد و خود را به مقر ستاد فرماندهی مقاومت اسلامی در منطقه حومه جنوبی بیروت (ضاحیه) رساند تا با سید حسن نصرالله در مورد حمله اسرائیل مشورت کند و گزارشی از این حمله به دست رهبر معظم انقلاب اسلامی در تهران برساند.

قاسم سلیمانی و عماد مغنیه در حین جلسه با سید حسن نصرالله، هنگام بمباران نیروی هوایی ارتش اسرائیل برای حفظ جان سید حسن نصرالله، او را از ساختمانی به ساختمان دیگر در ضاحیه منتقل کردند. به فاصله کوتاهی از این جلسه، قاسم سلیمانی دوباره از مسیر زمینی به دمشق رفت و از آنجا عازم تهران شد.

فرمانده شهید نیروی قدس پس از دیدار با رهبر معظم انقلاب متوجه شد آمریکا و اسرائیل از چند سال قبل طرح حمله به لبنان را ریخته بودند، اما عملیات اسیرگیری مقاومت اسلامی سبب شتاب و اجرای زودتر از موعد طرح آنان شد؛ چیزی که به نظر رهبر معظم انقلاب یکی از الطاف الهی بود و حتی سید حسن نصرالله با حاج قاسم سلیمانی هم از آن اطلاع نداشتند. اگر این طرح در موعد مقرر خود یعنی چند ماه بعد به اجرا درمی‌آمد، بخش قابل توجهی از توان حزب‌الله لبنان نابود می‌شد و ارتش اسرائیل به اهداف مورد نظر خود در تغییر ساختار جغرافیای سیاسی و جمعیتی در جنوب لبنان دست پیدا می‌کرد.

ارتش اسرائیل به وحشیانه‌ترین شکل ممکن تا آن روز جنوب بیروت، بعلبک، صور، بطنیه، بنت جبیل، مرجعیون و تمام مناطق اطراف این شهرها، که مرکز استقرار و تجمع شیعیان و نیروهای حزب‌الله بود را هدف حمله قرار داد.

مقاومت اسلامی لبنان هم در پاسخ، حملات بازدارنده موشکی خود به شمال فلسطین اشغالی را آغاز کرد تا جایی که سه روز پس از آغاز جنگ، برای نخستین بار در تاریخ نبردهای حزب‌الله و رژیم صهیونیستی، شهر بندری و مهم «حیفا» در نوار ساحلی شمال فلسطین اشغالی و سومین شهر مهم رژیم اشغالگر قدس را آماج حملات موشکی خود قرار داد. حزب‌الله در این حملات بندر، فرودگاه، ایستگاه قطار، پالایشگاه نفت و مناطق مختلفی از شهر حیفا را به انتقام بمباران ضاحیه به صورت گسترده تخریب و فقط در اولین حمله موشکی خود به حیفا، ده‌ها نفر از صهیونیست‌های متجاوز ساکن این شهر را کشته و زخمی کرد.

حملات موشکی حزب‌الله بسیار ویرانگرتر از موج حملات دو جنگ دهه ۷۰ شمسی (۵۰ میلادی)، به خصوص جنگ ۱۶ روزه، بود. مقاومت اسلامی در آن جنگ بیشتر ضربات خود را روی شهرک‌هایی که دشمن حداکثر در ۲۰ کیلومتری جنوب مرز فلسطین اشغالی و لبنان داشت، متمرکز کرد تا جایی که شهرهای صفد، نهاریا و کریات شموونه به مناطق خالی از سکنه و شهر ارواح تبدیل شدند، اما داستان جنگ ۳۳ روزه تفاوت زیادی با جنگ‌های قبل داشت.



محمد جواد مهدی‌زاده

پژوهشگر روابط بین‌الملل و تاریخ نظامی

ساعت ۹:۰۵ صبح روز ۲۱ تیر ۱۳۸۵ (۱۲ جولای ۲۰۰۶)، گروهی از نیروهای ویژه مقاومت اسلامی لبنان در عملیاتی

که ماه‌ها برای اجرای آن برنامه‌ریزی و تمرین صورت گرفته بود و «وعده راستین» نامیده شد، با عبور از دیوار مرزی لبنان و فلسطین در منطقه «خله ورده»، واقع در حاشیه جاده شهرک «زرعیت» در شمال فلسطین اشغالی، دو خودرو نظامی «هامر» متعلق به نیروهای گشت مرزی منطقه شمالی ارتش رژیم صهیونیستی را هدف و دو نفر از نظامیان صهیونیست، به نام‌های «ایهود گلدواسر» و «الداد رگو» را به اسارت گرفتند تا با «سمیر قطار» و دیگر اسرای لبنانی در بند رژیم صهیونیستی مبادله کنند. این نخستین بار نبود که مقاومت اسلامی لبنان در تاریخ ۲۴ ساله نبرد خود با ارتش رژیم

صهیونیستی (تا آن روز) دست به اجرای عملیات اسیرگیری علیه نظامیان صهیونیست می‌زد. عملیات شهید شیخ راغب حرب (بهمین ۱۳۶۴)، عملیات اسیرگیری سه نظامی صهیونیست در مزارع شبع (۷ اکتبر ۲۰۰۰ مصادف با ۱۶ مهر ۱۳۷۹، دقیقاً ۲۳ سال پیش از عملیات طوفان الاقصی) و اسارت «حنان تنباوم» سرهنگ ارتش اسرائیل در بیروت کمتر از یک هفته پس از عملیات مزارع شبع از مهم‌ترین اقدامات حزب‌الله لبنان در راستای به نتیجه رساندن پرونده اسرای لبنانی در بند رژیم صهیونیستی بود.

با این حال، سابقه نداشت ارتش اسرائیل پس از اجرای یک عملیات اسیرگیری از نظامیان صهیونیست دست به اجرای حمله‌ای گسترده علیه مناطق آزاد در خاک لبنان زده باشد. هیچ‌کدام از دو نبرد هفت روزه (تسویه حساب، ۱۳۷۲) و ۱۶ روزه (خوشه‌های خشم، ۱۳۷۵) پس از عملیات‌های اسیرگیری رخ ندادند.

به همین دلیل هم بود که سید حسن نصرالله چند روز پس از آغاز تجاوز گسترده نظامی ارتش اسرائیل به خاک لبنان که از سوی مقامات تل‌آویو ادعا می‌شد پاسخی به عملیات اسیرگیری حزب‌الله است، در پیامی تلفنی به ملت لبنان گفت: «اقدامات دشمن صهیونیست نه پاسخی به عملیات اسیرگیری بلکه تسویه حسابی با ملت، مقاومت، دولت، ارتش و نیروهای سیاسی داخل لبنان است که شکستی تاریخی را [با آزادسازی جنوب لبنان] به این رژیم تحمیل کردند!».

بسیاری از ساختمان‌ها و مراکزی که به هر نوعی تعلق به حزب‌الله داشتند، در همان ساعات یا روزهای اولیه جنگ هدف بمباران رژیم صهیونیستی قرار گرفتند. بنادر، جاده‌ها، پل‌ها و هر نوع راه ارتباطی مهم توسط جنگنده بمب‌افکن‌های نیروی هوایی رژیم صهیونیستی بمباران شدند. از آنجا که ژنرال «دان حالوتس» رئیس وقت ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی، خود یکی از افسران خلبان نیروی هوایی ارتش رژیم بود، این تفکر در میان مقامات ارشد سیاسی و نظامی رژیم به وجود آمد که کار حزب‌الله با یک حمله هوایی گسترده یکسره خواهد شد.

مقامات رژیم صهیونیستی، از وزرای کابینه تا نمایندگان کنست و ژنرال‌های ارتش، همه در برابر دوربین‌ها ظاهر شدند و با سرخوشی حرف از پایان کار «حزب‌الله ایرانی در لبنان» (!) زدند. چراغ سبز و تضمین‌های سیاسی و نظامی آمریکا برای پیروزی در برابر حزب‌الله به آنان این ایده را القا می‌کرد که این بار می‌توانند انتقام شکستشان در لبنان را با نابودی حزب‌الله، اولین نیروی اسلامی

حملات موشکی حزب‌الله بسیار ویرانگرتر از موج حملات دو جنگ دهه ۷۰ شمسی (۵۰ میلادی)، به خصوص جنگ ۱۶ روزه، بود. مقاومت اسلامی در آن جنگ بیشتر ضربات خود را روی شهرک‌هایی که دشمن حداکثر در ۲۰ کیلومتری جنوب مرز فلسطین اشغالی و لبنان داشت، متمرکز کرد تا جایی که شهرهای صفد، نهاریا و کریات شموونه به مناطق خالی از سکنه و شهر ارواح تبدیل شدند، اما داستان جنگ ۳۳ روزه تفاوت زیادی با جنگ‌های قبل داشت

حزب الله با موشک باران گسترده شهرهای شمال فلسطین اشغالی و معادله بازدارنده سید حسن نصرالله (طبق تعبیر خود سید مقاومت «به سوی حیفا، فراتر از حیفا و فراتر از فراتر از حیفا») حملات موشکی خود را به شهرهای طبریا، ناصره، عفوله، بیسان و در آخرین روزهای جنگ به شهر «حاضر» در ۲۰ کیلومتری شمال تل آویو رساند تا جایی که سید حسن نصرالله در آخرین روزهای جنگ رسماً اعلام کرد: «هر نوع حمله هوایی ارتش اسرائیل به بیروت با حمله موشکی مقاومت اسلامی به تل آویو پاسخ داده خواهد شد!».

تأثیر حملات موشکی حزب الله تا حدی بود که علاوه بر آواره کردن بخش قابل توجهی از اشغالگران ساکن شمال فلسطین اشغالی، موج مهاجرت معکوس از فلسطین اشغالی به دیگر نقاط جهان، به خصوص قاره‌های اروپا و آمریکا را ایجاد کرد.

مقامات ارتش اسرائیل که در ذهن خود خیال می‌کردند حتی اگر حزب الله بتواند دست به حمله موشکی علیه شهرها و شهرک‌های صهیونیست‌نشین شمال فلسطین اشغالی بزند، توان شکست محاصره آبی لبنان توسط نیروی دریایی ارتش اسرائیل را نخواهد داشت، با اصابت موشک کروز دریایی به ناو جنگی «ساعر ۵» موسوم به «حانیت» در مقابل ساحل بیروت در بهت و حیرت فرو رفتند؛ عملیاتی که با نظارت شخص شهید حاج عماد مغنیه و بلافاصله پس از اتمام پیام زنده تلفنی سید حسن نصرالله، درحالی که شخص سید مقاومت وعده انهدام این ناو را می‌داد، به اجرا درآمد و یک ضربه نظامی-رسانه‌ای بسیار قوی به ارتش اسرائیل، به خصوص نیروی دریایی این رژیم، تا امروز محسوب می‌شود.

مقامات سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی که نه با بمباران هوایی و نه با محاصره دریایی توانسته بودند محبوبیت حزب الله و قدرت نظامی مقاومت اسلامی را کاهش دهند، دو هفته پس از شروع جنگ تصمیم به وارد کردن نیروی زمینی رژیم به مناطق جنوب لبنان، با هدف تصرف کامل نواحی جنوبی رود لیتانی و ایجاد یک کمربند امنیتی جدید و پاک‌سازی کامل نژادی-مذهبی شیعیان در این منطقه، گرفتند.

ارتش رژیم صهیونیستی برای عملیات زمینی خود در لبنان، بخش قابل توجهی از این مأموریت را به تیپ ویژه «جولان» (گولانی) و لشکر ۹۱ «الجلیل» محول کرد. یکی از مأموریت‌های لشکر ۹۱ در این نبرد، تصرف شهر مهم «بنت جبیل» بود؛ جایی که سید حسن نصرالله در روز آزادسازی جنوب لبنان، طی حضور و سخنرانی معروف خود، اسرائیل را «سست‌تر از لانه عنکبوت» توصیف کرد!

با این حال، ورود نظامیان صهیونیست به جنوب لبنان برخلاف تصور اولیه‌شان با واکنش بسیار سختی از طرف مقاومت اسلامی مواجه شد، به گونه‌ای که شدیدترین درگیری‌ها در مثلث مرزی «مارون الرأس- بنت جبیل- عیترون» رخ داد. نیروی زمینی ارتش

اسرائیل با وجود درگیری‌های سنگین نتوانست مواضع خود را در این منطقه تثبیت کند. ژنرال «گال هersh» که در آن زمان فرماندهی لشکر ۹۱ و نبردهای ارتش رژیم صهیونیستی در این منطقه را برعهده داشت، پس از پایان جنگ به صراحت از «عدم شناخت مقامات ارشد سیاسی و نظامی رژیم از وضعیت درگیری در جبهه جنوب لبنان» انتقاد کرد.

از سوی دیگر ارتش اسرائیل این بار با ساختاری کاملاً متفاوت و غافلگیرانه نسبت به دوران اشغال جنوب لبنان مواجه شده بود. در آن زمان پایگاه‌های ارتش اسرائیل در ارتفاعات و تپه‌های جنوب لبنان (مانند سجد، دبشه، عرمتی، بئرکلاب، بیت یاحون، احمدیه و...) دژهای محکمی برای صهیونیست‌ها بودند که مقاومت اسلامی آنان را در عملیات‌های ضربتی مورد حمله قرار می‌داد اما این بار ارتش اسرائیل وارد یک درگیری سنگین و متفاوت، که ترکیبی از نبرد شهری و جنگ در تپه‌ها و گذرگاه‌های جنوب لبنان به حساب می‌آمد، شده بود.

یکی از مهم‌ترین امیدهای ارتش اسرائیل برای پیروزی در جنگ ۳۳ روزه، تانک پیشرفته «مرکاوا-۴» بود که تا آن زمان یکی پیشرفته‌ترین تانک‌های جهان به حساب می‌آمد. تا قبل از جنگ ۳۳ روزه، نیروهای «تیپ‌های ناصر صلاح‌الدین» در شهر غزه با دشواری موفق به انهدام یک دستگاه از این تانک شده بودند، اما رزمندگان حزب الله و فرمانده نظامی ارشد آنان، حاج عماد مغنیه، با یک غافل‌گیری حیرت‌آور جنوب لبنان را به جهنم این تانک تبدیل کردند.

ارتش اسرائیل برای تصرف منطقه مورد نظر خود در جنوب لبنان نیروهای زرهی خود را در چند جبهه، به خصوص دره مهم «حجیر» و دشت «خیام»، وارد صحنه کرد اما مقاومت اسلامی توانست با موشک‌های ضدزره خود، به خصوص موشک قدرتمند «کوزنت» که توسط نیروهای زنده‌ای مانند شهیدان «حاج علی صالح» و «ربیع قصیر» به کار گرفته شدند، توان زرهی ارتش اسرائیل را نابود کند. به تمام این شکست‌ها باید عدم موفقیت عملیات‌های هلی‌برن در غندوریه، بعلبک و پیاده شدن واحدهای ویژه ارتش اسرائیل در ساحل جنوب لبنان مانند یگان «شایطت ۱۳» که پیش از این در عملیات تاریخی «فخ العباس» (کمین انصاریه) در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) توسط نیروهای ویژه حزب الله لبنان تار و مار شده بود را افزود.

عدم موفقیت ارتش اسرائیل در برابر حزب الله به سطحی رسید که مقامات صهیونیست در آخرین روزهای جنگ هدفشان را تا «عقب زدن موشک‌های حزب الله از مرز با لبنان» کاهش دادند؛ هدفی که به آن هم نرسیدند.

سرانجام ارتش اسرائیل ناگزیر از پذیرش قطعنامه ۱۷۰۱ سازمان ملل و عقب‌نشینی از لبنان شد. دو سال پس از این جنگ اسرای لبنانی به میهن بازگشتند، هرچند جای عماد مغنیه خالی بود.

یکی از مهم‌ترین امیدهای ارتش اسرائیل برای پیروزی در جنگ ۳۳ روزه، تانک پیشرفته «مرکاوا-۴» بود که تا آن زمان یکی پیشرفته‌ترین تانک‌های جهان به حساب می‌آمد. تا قبل از جنگ ۳۳ روزه، نیروهای «تیپ‌های ناصر صلاح‌الدین» در شهر غزه با دشواری موفق به انهدام یک دستگاه از این تانک شده بودند، اما رزمندگان حزب الله و فرمانده نظامی ارشد آنان، حاج عماد مغنیه، با یک غافل‌گیری حیرت‌آور جنوب لبنان را به جهنم این تانک تبدیل کردند.





زندگی نامه شهید فوزی ایوب، فرمانده بزرگ حزب الله لبنان

تحت تعقیب

◀ حضور مستقیم فرماندهان حزب الله در فلسطین
پس از شهادت شهید فوزی ایوب روزنامه هاآرتص اسرائیل هم در گزارشی به نقل از یک مقام امنیتی در خصوص فعالیت این شهید در فلسطین نوشت: فوزی ایوب در اکتبر سال ۲۰۰۰ وارد اسرائیل شد و هدف او از ورود به اسرائیل، انجام عملیات ضد اسرائیلی بود. او در ابتدا چند روزی را در هتلی در شهر قدس اقامت کرد و راه‌های پنهان کردن وسایل جنگی را در این هتل بررسی کرد. سپس به شهر خلیل در کرانه باختری رفت و به آموزش نیروهای دو گروه حماس و جهاد اسلامی پرداخت تا اینکه در سال ۲۰۰۲ از سوی سربازان اسرائیلی دستگیر شد. شهید فوزی ایوب پس از اسارت در دادگاه خطاب به قاضی اسرائیلی گفت که هدف من در زندگی، حمایت از مظلومان است. مسلمانان زیر ظلم و فشار هستند و من می‌خواهم مردم را از ظلم نجات بدهم.

شهید «فوزی ایوب» در سال ۱۹۶۶ در روستای «عین قانا» در جنوب لبنان به دنیا آمد. این شهید در جوانی به عضویت حزب الله درآمد و اولین بار در سال ۱۹۸۸ به اتهام تلاش برای ربایش یک هواپیمای عراقی در رومانی بازداشت شد. او پس از بازداشت به تورنتو رفت و پس از چندی شناسنامه کانادایی گرفت. ایالت میشیگان آمریکا مقصد بعدی شهید فوزی ایوب بود. این شهید در سال ۲۰۰۰ به لبنان بازگشت. او در همان سال با یک گذرنامه آمریکایی قلابی به نام فرانک بوشی وارد سرزمین‌های اشغالی فلسطین شد. روزنامه بدیعوت آحارونوت پس از شهادت شهید فوزی ایوب او را به عنوان فرمانده بزرگ حزب الله و یکی از اعضای یگان خاص حزب الله برای کمک به گروه‌های فلسطینی معرفی کرد. او در گروه ویژه‌ای زیر نظر عماد مغنیه فعالیت می‌کرد. این روزنامه اسرائیلی نقش شهید فوزی ایوب در فلسطین را آموزش گروه‌های فلسطینی برای طراحی عملیات‌های نظامی و ساخت بمب‌ها اعلام کرد.



شهادت فوزی ایوب در
خاطراتش از دوران
مقاومت در برابر
صهیونیست‌ها در جنوب
لبنان می‌گوید: در
یکی از روزهای اشغال
جنوب لبنان توسط
صهیونیست‌ها مأموریتی
از جانب مقاومت به
من محول شد تا یکی
از تانک‌های اسرائیلی
را که امنیت گشتی‌های
صهیونیست را تأمین
می‌کرد، نابود کنم.
من تنها با دو موشک
ضدتانک به محل کمین
رفتم. پس از رسیدن به
محل کمین صبر کردم،
اما خبری نشد و من چند
دقیقه‌ای به خواب رفتم.
در خواب حضرت
زهرا (س) را دیدم که
بشارت یک پیروزی بزرگ
را در این عملیات به من
دادند

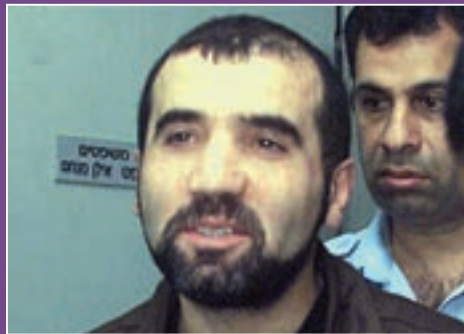


فرازی از وصیت نامه شهید فوزی ایوب

در فرازی از وصیت نامه شهید مدافع حرم حزب الله لبنان، فوزی ایوب آمده است: «لذت جهاد در صفوف مقاومت و پیروزی‌های آن وصف ناپذیر است. تصویری الهی و زیباست. فراتر از لذایذ دنیوی است. این عشق و محبت را خود خداوند به مجاهد در راه خود عنایت می‌کند...»



آرامگاه شهید فوزی ایوب در لبنان.



حاج ایوب سرانجام در سال ۲۰۰۳ و در تبادل اسرای بین فلسطین و رژیم صهیونیستی آزاد و پس از بازگشت به لبنان بار دیگر با پوشیدن یونیفرم حزب الله در خدمت به مقاومت اسلامی استوار ماند.

شکست اسرائیلی‌ها در برابر یک اسیر

مدت اسارت شهید فوزی ایوب در اسرائیل یک سال و هفت ماه بود و او در این مدت در زندان‌های مختلف این رژیم جابه‌جا شد. صهیونیست‌ها در مدت اسارت این شهید او را در سلول‌های انفرادی زندانی کرده بودند و شهید فوزی ایوب را تحت شکنجه‌های مختلف قرار دادند تا این شهید به سؤال‌های صهیونیست‌ها در خصوص حزب الله پاسخ بدهد.

افسران اطلاعاتی صهیونیست‌ها برای فشار آوردن به شهید فوزی ایوب، با شکنجه اجازه خوابیدن به او را نمی‌دادند. آن‌ها یکی پس از دیگری بدون توقف از او بازجویی می‌کردند تا از نقشه‌های حزب الله سردر بیاورند، اما این شهید با مقاومت در برابر صهیونیست‌ها و دادن جواب‌های غلط و کوتاه به پرسش‌های این افسران، نقشه آن‌ها را به هم ریخت.

شهید فوزی ایوب در سال ۲۰۰۴ در پی عملیات تبادل اسرا میان حزب الله و اسرائیل از زندان صهیونیست‌ها آزاد شد و به لبنان بازگشت. این شهید در نخستین لحظات ورود به زادگاهش در مصاحبه با خبرنگاران گفت من در راه مقاومت باقی می‌مانم و اگر دوباره مأموریتی برای هدف قرار دادن دشمن به من واگذار شود، آن را انجام می‌دهم.

رزمنده حزب الله، خطرناک‌ترین متهم تحت تعقیب آمریکا

پلیس فدرال آمریکا در سال ۲۰۰۹ نام شهید فوزی ایوب را در فهرست خطرناک‌ترین متهمان تحت تعقیب درج کرد. اف‌بی‌آی اتهام این شهید را جعل گذرنامه و تلاش برای انجام انفجار در اسرائیل اعلام کرد. پلیس فدرال آمریکا شهید ایوب را به عنوان یک فرد مسلح خطرناک معرفی کرد و از همه شهروندان آمریکا خواست اطلاعات خودشان را در خصوص شهید ایوب به پلیس ارائه بدهند.

امدادهای غیبی به حزب الله

شهید فوزی ایوب در خاطراتش از دوران مقاومت در برابر صهیونیست‌ها در جنوب لبنان می‌گوید: در یکی از روزهای اشغال جنوب لبنان توسط صهیونیست‌ها مأموریتی از جانب مقاومت به من محول شد تا یکی از تانک‌های اسرائیلی را که امنیت گشتی‌های صهیونیست را تأمین می‌کرد، نابود کنم. من تنها با دو موشک ضدتانک به محل کمین رفتم. پس از رسیدن به محل کمین صبر کردم، اما خبری نشد و من چند دقیقه‌ای به خواب رفتم. در خواب حضرت زهرا (س) را دیدم که بشارت یک پیروزی بزرگ را در این عملیات به من دادند.

او در ادامه گفت: هنگامی که بیدار شدم، تانک اسرائیلی را در برابر خودم دیدم. دستور حمله به آن تانک از سوی فرماندهی مقاومت صادر شد و من با هدف‌گیری دقیق به سوی تانک شلیک کردم. اما پس از شلیک موشک دیدم که موشک منحرف شد و به خانه مجاور تانک اصابت کرد. فرمانده تانک هم پس از شلیک موشک هوشیار شد و کمی تانک را عقب برد. من از اصابت نکردن موشک به تانک تعجب کردم و منتظر شدم که دوباره تانک در برد موشک‌های من قرار بگیرد. همین که تانک را دیدم، موشک دوم را به سوی آن شلیک کردم، اما بازهم موشک دوم منحرف شد و به خانه مجاور تانک اصابت کرد.

شهید فوزی ایوب ناراحت از عدم اصابت موشک‌ها به مقر حزب الله برگشت، اما فرمانده با او برخوردی داشت که او را به تعجب واداشت. شهید فوزی این برخورد را این‌گونه شرح



قرائت سوره دخان توسط شهید فوزی ایوب پیش از عملیات در میداین سوریه



شهید فوزی ایوب در دفاع از حرم مخلصانه ایستاد تا در منطقه القلمون و به دست تکفیری ها به شهادت رسید



انتفاضه دوم مردم فلسطین آغاز شد، توسط نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی در فلسطین بازداشت شد و به مدت سه سال در زندان‌های مخوف اشغالگران بود. حاج ایوب سرانجام در سال ۲۰۰۳ و در تبادل اسرای میان فلسطین و رژیم صهیونیستی آزاد و پس از بازگشت به لبنان بار دیگر با پوشیدن یونیفرم حزب‌الله در خدمت به مقاومت اسلامی استوار ماند.

همزمان با آغاز بحران داخلی سوریه وی نیز به همراه رزمندگان مقاومت اسلامی به دفاع از حرم مطهر حضرت زینب کبری (س) و مقدسات مسلمانان پرداخت و سرانجام در ۲۵ می سال ۲۰۱۴ همزمان با چهاردهمین سالگرد آزادی جنوب لبنان و در روزی که مردم جنوب لبنان جشن باشکوه مقاومت و آزادسازی را با عنوان «مقاومت هویت وطن» در بنت جبیل برگزار کرده بودند به درجه رفیع شهادت نائل آمد و آسمانی شد.

نام این شهید در کتاب «جنگ سری با ایران» مطرح شده است. همچنین نام این فرمانده مقاومت برای صهیونیست‌ها آشناتر است و زمانی که خبر شهادت وی تأیید شد، رسانه‌های صهیونیستی و ارتجاع عرب نتوانستند خوشحالی خود را پنهان کنند. به نظر می‌آید شهید فوزی ایوب در منطقه القلمون سوریه به شهادت رسیده است. رشادت‌های این فرمانده شهید در سوریه و جنگ با گروه‌های تروریستی به ویژه در منطقه القلمون برای جبهه استعماری غربی - عربی یک خاطره تلخ به شمار می‌آید. پیشتر حزب‌الله لبنان و ارتش سوریه در عملیاتی مشترک منطقه القلمون را از وجود تروریست‌ها پاک‌سازی کردند.

• منابع :

- خبرگزاری کیهان ۲۵۸۵۹
- خبرگزاری ایما ۲۵۸۹۶۳
- خبرگزاری مشرق ۲۵۸۹۶۵

داد: هنگامی که به اتاق عملیات حزب‌الله رسیدم، فرمانده به سرعت به سوی من آمد و من را در بغل گرفت، من به فرمانده گفتم که چرا این طوری از من استقبال می‌کنی، من عملیات را با شکست مواجه کردم، او جواب داد که منزلی که موشک تو به آن اصابت کرد، محل تجمع ۱۱ سرباز اسرائیلی بود و همه آن سربازها با موشک تو کشته شدند. رسانه‌های حزب‌الله پس از عملیات من نوشته بودند سربازان حزب‌الله مانند اشباح هستند و منزلی را هدف قرار دادند که پناهگاه سری سربازان اسرائیلی بود.

◀ فرمانده حزب‌الله، الگوی جوانان

زندگی شخصی این شهید پر از محبت و کرم بود و او برای بسیاری از جوانان الگو بود. این شهید در زندگی اش اموال خود را می‌فروخت تا احتیاجات مردم فقیر را برآورده کند و همیشه به یاد فقرا بود.

این فرمانده حزب‌الله که سرویس‌های امنیتی آمریکا و اسرائیل از او هراس داشتند، بخشی از ساعات شب را به خواندن نماز شب می‌گذراند. اگر رزمندگان حزب‌الله شهید را حتی در حین معرکه گم می‌کردند، او را در زیر سایه درخت یا یک ساختمان مخروبه پیدا می‌کردند که خاشعانه در حال خواندن نماز شب است.

◀ شهادت آخرین آرزوی یک فرمانده

شهید فوزی همیشه می‌گفت من دوست دارم زندگی‌ام مانند زندگی امام کاظم (ع) خاتمه پیدا کند و من از این امام فروربردن خشم را آموختم. او می‌گفت دوست دارم که مجاهد و اسیر باشم و در اسارت به عبادت خداوند بپردازم و در نهایت به شهادت برسم. مسیر زندگی شهید فوزی ایوب چهار کلمه «مجاهد، اسیر، مجروح و شهید» بود.

شهید فوزی ایوب از رزمندگانی است که در سال ۲۰۰۰، سالی که با حضور آریل شارون و کادر همراهش در مسجدالاقصی

این فرمانده حزب‌الله که سرویس‌های امنیتی آمریکا و اسرائیل از او هراس داشتند، بخشی از ساعات شب را به خواندن نماز شب می‌گذراند. اگر رزمندگان حزب‌الله شهید را حتی در حین معرکه گم می‌کردند، او را در زیر سایه درخت یا یک ساختمان مخروبه پیدا می‌کردند که خاشعانه در حال خواندن نماز شب است

وصیت نامه نور

شهید فوزی ایوب کسی بود که سالها رژیم صهیونیستی را به دنبال خود کشاند تا دست آخر در سوریه با شهادت به آسمان پرکشید. وی در وصایای خود نسبت به ضرورت استمرار جهاد تا پایان فتنه صهیونیسم تأکید کرده است. فوزی ایوب علاوه بر ارشادات جهادی برخی ضرورت‌های عرفانی را نیز یادآور می‌شود. برای مشاهده این کلیپ نمایه کیوار کد مقابل را اسکن کنید.





مقاومت لبنان را

با کتاب خواندنی‌ها درباره لبنان، مقاومت و حزب الله بشناسیم

حقایق و ابعاد مختلفی درباره اوج‌گیری جنبش حزب الله لبنان در فاصله سال ۱۹۹۳ تا به امروز وجود دارد که ضرورت بررسی همه‌جانبه شکل‌گیری تا اوج‌گیری این حرکت مردمی در لبنان دوجندان کرده است. چهره‌های موثر بر شکل‌گیری این جنبش، بنیان‌گذاران و سربازانی که زیر پرچم زرد حزب خدا مشق مبارزه با ظلم ظالم صهیونیست کردند و معادلاتی که همه‌ی این سال‌ها و در برهه‌های زمانی مختلف شکل گرفته تا بلوغ این جنبش جوان و مردمی را در کشوری پراشتهاب مانند لبنان شاهد باشیم. اگر اهل خواندن کتاب‌های خاص هستید، در این مطلب می‌توانید با آثار مکتوبی آشنا شوید که درباره چگونگی شکل‌گیری حزب الله در لبنان، جنگ ۳۳ روزه و نقش انقلاب اسلامی ایران در منطقه و به طور مشخص کشور لبنان نوشته شده‌اند.



ناگفته‌های جنگ ۳۳ روزه



کتاب «ناگفته‌های جنگ سی و سه روزه» از مهمترین آثار در شناخت و واکاوی تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۲۰۰۶ میلادی است. این اثر به قلم علی حسن خلیل؛ وزیر اسبق دارایی لبنان و عضو هیئت رئیسه جنبش امل نگاشته شده که تلاش دارد با گفتن چگونگی انتقال پیام‌های سری میان سید حسن نصرالله و نبیه بری که آن روزها رئیس مجلس اعلای لبنان بود، از درگیری‌های پشت پرده سیاست میان بازیگران داخل لبنان و نیز کنشگران منطقه‌ای یا بین‌المللی، روایت کرده است. این اثر برای اولین بار در ۱۳۹۹ با ترجمه روان دکتر صفاءالدین تیرائیان از سوی انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی به زیور طبع آراسته شد. تیرائیان در مقدمه این اثر نوشته است: «در این کتاب، بیش از حوزه نظامی، نکاپوی عرصه دیپلماسی مورد توجه واقع شده است؛ موضوعی که کمتر در محدود آثار منتشره درباره جنگ ۳۳ روزه ملاحظه می‌گردد. خواننده در این اثر با مواضع شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی مهم لبنان در خلال جنگ آشنا می‌شود؛ همی راوی اثر رئوس مهم گفتگوی سیاستمداران خارجی با رئیس مجلس لبنان را در اختیارمان قرار می‌دهد. مسئولیت انتقال پیام‌ها، اطلاعات و نامه‌های سید حسن و نبیه بزّی را مشاوران عالی‌رتبه‌ی سیاسی آنان یعنی «خلیلین» (حاج حسین الخلیل و علی حسن الخلیل) برعهده دارند، که در فرصت مناسب و زمان مقتضی و محل مطمئن که هر بار آن را به دلایل امنیتی تغییر می‌دادند، از بام تا شام، در بیروت رد و بدل می‌شد».

نبیه بری، رئیس مجلس لبنان که در جنگ ۳۳ روزه حضور داشته، در مقدمه کتاب اصلی نوشته است: «این نبرد حکایت آوردگاه مرگ است؛ همان که اراده ملت ما آن را به آوردگاه امیدی

دیگر مبدل ساخت و افق پیروزی را از دل آن پدیدار کرد که امنیت و آرامش و قدرت، ارمغان جاودان آن بود. این صفحات چپ‌نیش واژگان و عبارات را در پی هم نیاورد؛ بلکه خون و آتش، اضطراب و پایداری و تسلیم‌ناپذیری را به تصویر کشیده است؛ و پژواک آوای لبنانیان دردمندی است که از یغمای بی‌امان ماشین کشتار پنهان در پس نقاب تروریسم دولتی صهیونیست‌ها به تنگ آمده بودند. حکایت روزها و ساعت‌ها و لحظاتی است که لبنانیان، با زبان و قلم و قدم، به یاری برادران خود شتافتند و بار سنگین را از روی یکدیگر بر گرفتند.»



به دنبال کشف یک راز بزرگ

صبح‌گاه ۲۶ آوریل ۱۹۸۸ نیروهای مقاومت حزب الله وارد منطقه هارداو در جنوب لبنان می‌شوند و در حمله‌ای غافل‌گیرانه به یگانگی از ارتش اسرائیل ضربه سختی وارد می‌کنند. شش روز پس از این ماجرا عملیات «قانون و نظم عملیاتی» با هدف تصرف دهکده میدون در بقاع غربی لبنان برنامه‌ریزی می‌شود. اغلب، جنگ‌های نامنظم در بقاع غربی به روستای میدون خلاصه می‌شود، نقطه رهایی نیروهای حزب الله نفوذ به داخل خاک اسرائیل، برخلاف تصور نیروهای صهیون عملیات طولانی می‌شود و پیچیده، حتی خود شارون هم به میدان می‌آید. گردان‌ها، تانک‌ها و بالگردهای اسرائیلی در مقابل چند نیروی بی سلاح لبنانی. نتیجه این جنگ معلوم است: پیروزی اسرائیل در نبرد با چند جوان لبنانی. اما به جای تبلیغات و بوق و کرنا، این پیروزی غرورآفرین برای همیشه در بایکوت خبری قرار می‌گیرد. راستی چرا؟ کتاب جنگ بدون صلح که توسط انتشارات روایت فتح در ۲۱۶ صفحه منتشر شده، قرار است از این راز پرده بردارد و نصرت الله محمودزاده سزای را بر ملا می‌کند. با این رمان واقعی همراه شوید و حق، معجزه، ایمان، دروغ، ضعف و... را از نزدیک لمس کنید.

بخشی از متن کتاب را در ادامه ملاحظه می‌کنید:

«کمتر جنگ اعتقادی پیدا می‌شود که با صلح پایدار پایان یابد. هرچه آتش این نوع جنگ‌ها شعله‌ورتر می‌شود، کینه اعتقادات عمیق‌تر خواهند شد. یهود بنا ندارد با هیچ آئینی کنار بیاید.»

یکی از سیب‌های درشت و قرمز را برداشت و چهار قاچ کرد و بدون اینکه پوست بکند، گاز زد: «وقتی یهودی‌ها در جریان هولوکاست شکست را پذیرفتند که جریزه جنگیدن با نازی‌ها را نداشتند، یعنی جایی جز اردوگاه مرگ برایشان پیش بینی نشده بود. اما امروز خیلی راحت تا قلب بیروت پیشروی می‌کنند. این اسرائیل نیست که راحت پیشروی می‌کند، بلکه عرب‌ها خیلی راحت عقب‌نشینی می‌کنند.»



قدیمی‌ترین زندانی لبنان در دستان صهیونیست‌ها کیست؟

کتاب «حقیقت سمیر» نوشته یعقوب توکلی است که انتشارات سوره مهر آن را در ۵۴۰ صفحه به چاپ رسانده است. به گفته خود نویسنده، هنگامی که قرار شد نویسنده با آقای سمیر سامی قنطار درباره سرگذشت سی سال زندان او در اسرائیل به گفت‌وگو بنشیند هم سمیر قنطار و هم بقیه دوستانش تصور می‌کردند که خبرنگاری آمده و می‌خواهد ساعتی گفت‌وگو کند و تمام شود. اما نویسنده در همان آغاز به سمیر یادآور شد که در جوانی کتاب گزارش محاکمات نلسون ماندلا رهبر فقید مبارزات آفریقای جنوبی را که مطالعه کرده است و همچنان صبر و استقامت ماندلا در ذهن و جاننش زنده است. هرچند آن موقع که او کتاب را خوانده ماندلا زندانی بود و الان که این متن را می‌نویسد ماندلا در قید حیات نیست. به سمیر یادآور شد که در صورت حوصله در گفت‌وگو سرگذشت بسیار عجیب او می‌تواند برای تاریخ و جهانیان ماندگار باشد. فرآیند سؤالات و مباحثه به گونه‌ای چیده شد که خواننده در روند زمان قرار گیرد سمیر قنطار با حافظه بسیار دقیق با نظمی منطقی به این سؤالات جواب داد و روند تدوین نیز بر همین اساس شکل گرفت. باید اذعان کرد که این اثر با کتاب «قصتی» نوشته جناب آقای حسان الزین تفاوت‌های اساسی دارد، چرا که نویسنده تلاش کرده حوادث جدی سیاسی و نظامی فلسطین و لبنان و تحولات آن را علاوه بر مسائل خاص خود سمیر قنطار مورد توجه قرار دهد که این مجموعه حاصل بیش از ۵۰ جلسه مصاحبه توکلی و قنطار است. اگر از جلوه‌های صبر و تاب‌آوری، و تشکیل گروه مقاومت در داخل زندان‌ها بی‌خبر هستید، آنگاه با سمیر پانزده ساله، به دالان‌های محصور قدم بگذارید و جنایات رژیم اشغالگر را در سرگذشت دو کشور تاریخ‌ساز محور مقاومت، یعنی لبنان و فلسطین، بررسی کنید تا با دقت و استناد به حقایق، بتوانید ظلم آشکارشان را برای همگان بازگو کنید.



بازتاب انقلاب اسلامی بر شیعیان لبنان

انقلاب اسلامی ایران در قرن بیستم، به عنوان نقطه عطف در تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی جهان اسلام، سرمنشأ تحولات عظیمی در جهان و منطقه بوده است. انقلاب اسلامی با تقویت باور به اسلام ناب از طریق ترویج اسلام سیاسی، بسیاری از مسلمانان جهان را در مسیر بازیابی هویت خویش قرار داد. کتاب «بازتاب انقلاب اسلامی بر شیعیان لبنان» حاصل تحقیق سیدمهدی طاهری است که در آن وجوه گسترش و بازتاب انقلاب اسلامی بر دیگر مناطق جهان، به خصوص تأثیر انقلاب اسلامی بر شیعیان لبنان را مورد بررسی قرار داده است. در این بررسی ضمن معرفی اجمالی جغرافیای طبیعی و انسانی لبنان و ادیان و اقوام آن، تحلیل گسترده‌ای در مورد جایگاه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شیعیان آنجا، موانع تأثیرپذیری شیعیان لبنان از انقلاب اسلامی ایران و فرآیند تأثیرپذیری شیعیان لبنان از انقلاب اسلامی ایران صورت گرفته است. این کتاب یکی از وجوه گسترش و بازتاب انقلاب اسلامی بر دیگر مناطق جهان، یعنی موضوع مهم تأثیر انقلاب اسلامی بر شیعیان لبنان را مورد بررسی قرار داده است. مولف در نگارش این کتاب، از روش تطبیقی تاریخی و مقایسه‌ای استفاده کرده و بر مبنای آن، ابتدا به بررسی وضعیت جامعه لبنان به خصوص شیعیان لبنان تا قبل از انقلاب اسلامی در تمام عرصه‌ها پرداخته است تا بتواند با درک این وضعیت، به میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر آن‌ها شناخت پیدا کند و به ابعاد بازتاب انقلاب اسلامی در میان شیعیان و موانع تأثیرگذاری این انقلاب بر آن‌ها بپردازد. خوانندگان این اثر، افزون بر آشنایی اجمالی با جغرافیای طبیعی و انسانی لبنان و ادیان و اقوام آن، آشنایی مفیدی با شیعیان لبنان و سیر تحولات و نقش آفرینی آن‌ها در آن منطقه و تأثیر انقلاب اسلامی بر این فرآیند آشنا می‌شوند. دغدغه اصلی مولف در نگارش کتاب بازتاب انقلاب اسلامی بر شیعیان لبنان، بررسی این موضوع بوده است که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیرات موفقیت‌آمیزی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در میان شیعیان لبنان داشته و با چه موانعی در این زمینه‌ها روبه‌رو بوده است؟ کتاب بازتاب انقلاب اسلامی بر شیعیان لبنان، نوشته سید مهدی طاهری است که انتشارات سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی سال ۱۳۸۸ آن را در ۲۵۸ صفحه منتشر کرده است.



مجاهدان راه خدا از زبان روزنامه‌نگار آمریکایی

حزب الله لبنان چه قدرتی دارد که اسرائیل را در جنگ ۳۳ روزه در هم کوبید؟ این گروه چگونه تاسیس شد؟ تاریخچه آن چیست و در دهه‌های اخیر چه فراز و فرودهایی را پشت سر گذاشته است؟ شاید برای پاسخ این سوالات و به دست آوردن اطلاعات تاریخی، سیاسی، نظامی و امنیتی مختلف درباره حزب... مطالعه هیچ کتابی مفید تر از کتاب «مجاهدان راه خدا» نباشد! چرا که نویسنده آن نیکولاس بلانفورد، روزنامه‌نگار آمریکایی روزنامه تایمز و لبنان دلی استار است که سال‌های بسیاری در خاورمیانه و لبنان حضور داشته است. او مقالات و کتب تحقیقاتی عجیب و منحصر به فردی پیرامون اتفاقات و حوادث مهم این سال‌های لبنان نوشته است. اولین کتاب او به نام «کشتن آقای لبنان» پیرامون ترور نخست‌وزیر لبنان سعد حریری و پیامدهای این حادثه بود. کتاب دوم او به نام «مجاهدان راه خدا» گزارشی مبسوط و تحلیلی پیرامون حزب الله لبنان است. او که از نزدیک شاهد تحولات لبنان و خاورمیانه بوده و جنگ سی و سه روزه را با چشمان خود مشاهده کرده، توانسته روایتی از واقعیت‌های میدان که خودش لمس کرده برای مخاطب مکتوب کند. در این مسیر او حتی اجازه پیدا می‌کند به یکی از پایگاه‌های موشکی حزب الله برود و از نزدیک شاهد قدرت تسلیحاتی آن‌ها باشد. تحلیل او از حوادث سیاسی اجتماعی لبنان و اینکه در آینده رابطه اسرائیل و حزب الله به کجا خواهد انجامید جالب و خواندنی است. این کتاب به تازگی و در سال ۱۴۰۲ با تعداد ۶۳۲ صفحه از موسسه انتشاراتی روزنامه ایران وارد بازار شده که ترجمه آن را پروین عبد خدایی برعهده داشته است.



خاطرات زنی در میانه نبرد تموز

گاهی ملتی که در وسط میدان جنگ و مقاومت زندگی می‌کنند؛ مقاومت و پایداری جزئی از زندگی عادی آن‌ها می‌شود در صورتی که همان اتفاق از نگاه نویسنده‌ای بیرون از این جامعه یک حماسه و یک رمان و یک داستان بزرگ است. در داستان‌های موجود مربوط به جنگ ۳۳ روز لبنان آنچه بیشتر بر آن تمرکز شده؛ داستان‌های قهرمانی و ایستادگی با نگاهی مردانه است و شاید به این جنگ از نگاه زنانه کمتر پرداخته شده باشد. آنچه در کتاب «آخرین روز جنگ» می‌خوانیم فقط روایت زندگی یکی از مردم مقاوم در جنگ ۳۳ روزه است، خاطرات زنی که در روستای خود باقی مانده و جنگ را با نگاه یک همسر و یک مادر و از پشت پنجره‌های خانه و زیر باران گلوله و صدای شنی‌های تانک و جنگنده‌ها دنبال می‌کند. خاطراتی که به ما کمک می‌کند در شرایطی که بیشتر شناخت ما از این جنگ حاصل تحلیلات سیاسی و کتاب‌های علمی و بررسی‌ها و پژوهش‌های سیاسی است، با جزئیات زندگی مردم عادی در جریان این جنگ و مقاومت آشنا بشویم. این کتاب را رقیه کریمی نوشته و انتشارات شهید کاظمی آن را در ۱۱۲ صفحه روانه بازار نشر کرده است.



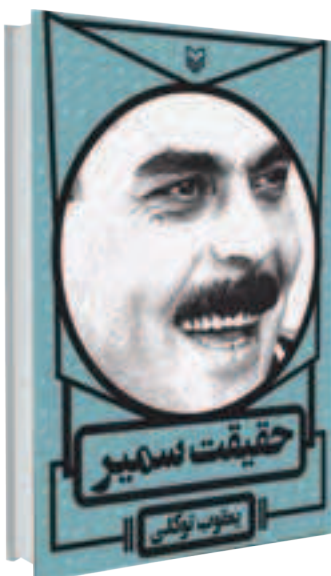
حزب خدا اوج می‌گیرد؟

شاید دانستن این موضوع که حزب الله و تشکیلات یا ساختار آن چگونه شکل گرفته است، از مواردی باشد که خیلی‌ها دوست داشته باشند درباره آن اطلاعاتی کسب کنند بدانند شاید هم برای فردایی که پیش رو داریم نیاز به مستنداتی باشد که روایت این حضور را با اسناد و مدارک بدانند و بشناسند.

۱۶ فوریه ۱۹۸۵ در اولین سالروز شهادت شیخ راغب حرب، شیعیان در حسینیه‌ای برای یادبود شیخ گرد هم آمده بودند که «سید ابراهیم السید سعید» از روی کتابچه‌ای چهل و چند صفحه‌ای برخی از مواضع و دیدگاه‌های سیاسی حزب الله را قرائت کرد. دفترچه‌ای که با معرفی حزب شروع می‌شد و در ادامه دیدگاه‌هایی در مورد مسائل داخلی، ملی و جهانی را توضیح می‌داد. این واقع، شروع فعالیت علنی حزب الله لبنان بعد از حدود دو سال فعالیت مخفی محسوب می‌شود. امروز اما حزب الله لبنان یکی از گروه‌های نظامی و مبارزاتی در دنیاست که دارای ساختارهای بسیار مهم و برنامه ریزی شده است. برنامه ریزی‌های در راستای پرورش نیرو، تقویت قدرت نظامی و سیاسی و تقریباً یک دولت کوچک و اما یک پارچه و همه جانبه نگر. انتشارات روایت فتح در سال ۱۳۸۹ کتابی با عنوان «حزب الله» را به قلم سیده سمیه طباطبایی و در ۱۴۰ صفحه منتشر کرد که در ۵ فصل تدوین شده است. شروع کتاب به بررسی وضعیت سیاسی و اجتماعی لبنان می‌پردازد در ادامه به موضوع حمله و ورود اسرائیل به لبنان و جنگ‌های داخلی و درگیری بین مسیحی‌ها و مسلمانان تا ضرورت وجود حلقه‌های مقاومت اشاره می‌کند. فصل سوم این کتاب با عنوان «حزب الله متولد می‌شود»، به بررسی فعالیت‌های حزبی و علنی حزب الله می‌پردازد. بررسی و بازخوانی چند عملیات قوی و بسیار اثرگذار، توسط حزب الله لبنان که به طور رسمی فعالیت خود را بعد از عملیات‌ها با قبول مسئولیت عملیات‌ها اعلام می‌کند. اولین عملیاتی که برای رژیم اشغالگر بسیار گران تمام شد، «انفجار بنر العبد» بود. روزهایی که اسرائیل از جنوب لبنان عقب نشینی می‌کرد، مارس ۱۹۸۵، مدت کمی از اعلام موجودیت حزب الله گذشته بود. در همین زمان یک کامیون با ۹۰۰ کیلوگرم مواد منفجره در میان ادوات زرهی و کامیون‌های اسرائیلی‌ها منفجر و منجر به تلفات زیادی از آنها می‌شود. «حزب الله اوج می‌گیرد» و «حزب الله در اوج» نام دو بخش چهار و پنج کتاب «حزب الله» است که به بررسی چند جریان مهم نظیر «ماجرای خروج بی قید و شرط اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۱۹۹۸»، «تبادل بزرگ اسرا و فرماندهان حزب الله با چند اسیر اسرائیلی در سال ۲۰۰۴»، «جریان خروج کامل نیروهای نظامی سوریه از لبنان»، «ماجرای استعفا و ترور رفیق حریری در سال ۲۰۰۴»، «حمله حزب الله به حيفا در سال ۲۰۰۶» و «شهادت عماد مغنیه در سال ۲۰۰۸»، می‌پردازد. نویسنده در کتاب «حزب الله»، از منابع مختلفی برای مستند و مستدل بودن اثرش بهره برده است، از کتاب‌های مستندی که در مورد حزب الله و مقاومت منتشر شده تا روزنامه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای عربی برای نقل اخبار تا مصاحبه سران حزب الله در شبکه‌های مختلف.

منبع:

- <https://irdc.ir/fa/news/۸۱۷۷/>
- ibna.ir/x۴LJR
- <https://fidibo.com/book/۱۶۷۴۴۱>
- <https://tn.ai/۳۰۱۹۸۰۴>
- <https://snn.ir/fa/news/۱۱۰۵۳۷۸/>
- <https://new.bookroom.ir/book/۶۸۵۵/>



روایت‌های مستند از عروس مدیترانه

با تلاطم‌های مدیترانه‌ای لبنان از
قاب دوربین همراه شوید

نظامی دولت اشغالگر اعتراف کرد که این جنگ؛ یک شکست بزرگ و جدی بود. بهترین وصف درباره این نقطه عطف مبارزه برای آزادی قدس و نابودی صهیونیسم را رهبر معظم انقلاب در پیام تبریک پیروزی خطاب به سید حسن نصرالله داشتند: «شما برتری نظامی خود را بر رژیم صهیونیستی تحمیل کردید؛ افسانه‌ی شکست‌ناپذیری و هیبت دروغین ارتش صهیونیست را به سخره گرفتید؛ و آسیب‌پذیری رژیم را به نمایش گذاشتید. دشمن به غلط پنداشته بود که یا حمله به لبنان، ضعیف‌ترین حلقه‌ی کشورهای منطقه را هدف قرار می‌دهد و طرح وهم‌آلود خاورمیانه‌ی دلخواه خود را کلید می‌زند.»

این مقدمه، گوشه‌ای از تاریخ پرفراز و فرودی است که مردمان غیرتمند لبنانی برای مبارزه با ظلم به آن را رقم زدند. در ادامه مطلب، با فیلم‌های مستندی آشنا می‌شوید که به جنبه‌های مختلف این حوادث پرداختند.

پیش از وقوع ظفر بزرگ در جدال تموز که بین عموم مردم به «جنگ ۳۳ روزه» شهرت دارد، لبنان نبردهای دیگری را هم با رژیم صهیونیستی داشته است. در واقع پس از اشغال فلسطین، حمایت همه‌جانبه آمریکایی‌ها در دوران ابتدای شکل‌گیری رژیم بود که باعث شد اشغالگران صهیونیست بتوانند بر ارتش کشورهای عربی غلبه داشته باشند. اما از چه زمانی ورق برگشت؟ درست از زمانی که بر پایه اسلام انقلابی که مبارزه با ظلم مهم‌ترین شاخص آن است، گروهی از جوانان لبنانی میدان‌دار تشکیل هسته‌های مقاومت شدند. افرادی مانند سید حسن نصرالله و عماد مغنیه، برخلاف طیفی که آن روزها مسلط در جهان عرب بودند و باورهای سوسیالیستی داشتند، نگاه توحیدی برگرفته از اندیشه ناب شیعی را سرحواله کار خود قرار دادند و به همین خاطر بود که پس از ۱۵ سال نزاع، سرانجام اولین شکست تاریخی صهیونیست‌ها به دست این جوانان رقم خورد تا آنها در غرب آسیا در کانون توجهات قرار بگیرند. چمی شالو؛ تحلیلگر کهنه‌کار صهیونیست روز ۴ خرداد ۱۳۷۹ در روزنامه معاریو نوشت که بوی تحقیر فضا را در برگرفته و مارتین ون کریفیلد مورخ نظامی رژیم صهیونیستی هم اعتراف کرد این اولین بار است که اسرائیل در جنگ شکست می‌خورد. این شکست البته آمریکا را هم دستپاچه کرد تا به سرعت در سال ۲۰۰۱ مواضع متعددی را در منطقه غرب آسیا برپا کند تا برنامه سرنگونی ۷ دولت عراق، سومالی، لیبی، سودان، لبنان، سوریه و در نهایت ایران را تنها در ۵ سال محقق کند! ایالات متحده در مدت ۲ سال ۶۰٪ نیروهای مسلح در حال خدمت ارتش آمریکا را در منطقه غرب آسیا مستقر کرد. نزدیک به ۳۰۰ هزار نیروی نظامی آمریکا کریدور زمینی و هوایی میان ایران و حزب الله را در عراق و اردن بسته بودند. کاندولیزا رایس؛ وزیر خارجه وقت آمریکا در واکنش به جنایت رژیم صهیونیستی در قانا (روستای لبنانی در ۱۲ کیلومتری مرزهای شمال اراضی اشغالی) گفته بود: «آن چه ما شاهدش هستیم، دردهای زایمان یک خاورمیانه جدید است. ما باید مطمئن باشیم که به سوی این خاورمیانه قدم بر می‌داریم و نه برای بازگشت به خاورمیانه پیشین». جالب است که عوامل دولت لبنان هم علیه حزب الله بودند و همسو با اسرائیل! با همه این سختی‌ها، نبرد ۳۳ روزه که جنایت قانا در یکی از نقاط سیاه کارنامه ننگین ضدبشری صهیونیست‌های اشغالگراست، در ۲۳ مرداد ۱۳۸۵ به پایان رسید و ماه‌ها پس از پایان جنگ در بهمن ۱۳۸۶، کمیته بررسی عملکرد نهادهای





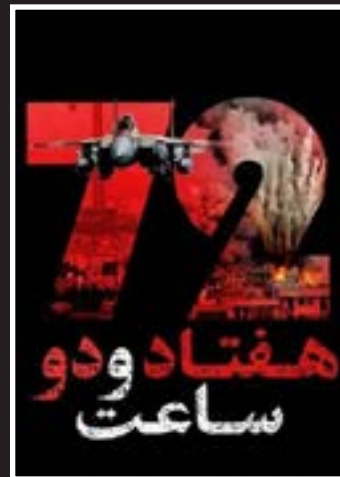
۷۲ ساعت تا فرار

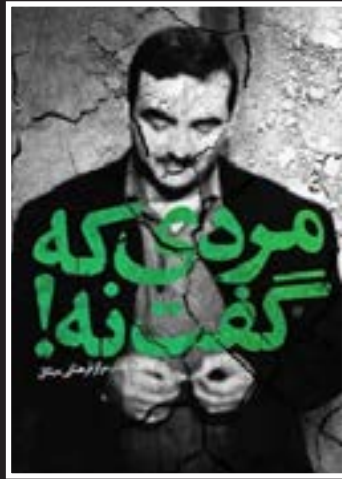
مستند «۷۲ ساعت» ساخته محمد منتصر کورانی و تهیه شده در مرکز فرهنگی میثاق، روایتی است ۴۱ دقیقه‌ای از ۳ روز پایانی جنگ ۳۳ روزه حزب الله لبنان با ارتش اسرائیل و فاصله ۷۲ ساعته بین آتش بس و عقب‌نشینی اسرائیلی‌ها از جنوب لبنان و جنایات به وقوع پیوسته در این مدت زمان که سال ۱۳۸۷ تولید و منتشر شد.

اسرائیل در سال ۲۰۰۴م برخلاف توافق با حزب الله، سه اسیر لبنانی را آزاد نکرد. حزب الله برای آزادی آن‌ها، در جولای ۲۰۰۶م، در عملیات «الوعد الصادق» دو نظامی اسرائیلی را اسیر گرفت. اسرائیل در مقابل این عملیات، به لبنان اعلام جنگ کرد. محققان معتقدند اسرائیل قصد حمله به لبنان را داشت و عملیات حزب الله این حمله را جلو انداخت. اسرائیل به صورت رسمی خلع سلاح حزب الله و آزادی دو اسیر خود را خواستار شد. خواسته‌هایی که در پایان جنگ بدان‌ها دست نیافت. این جنگ خساراتی برای دوطرف داشت با این حال میزان خسارات و تلفات مادی و انسانی دو طرف قابل مقایسه نبود. اسرائیل به جهت برتری تسلیحاتی، ضربات و خسارات مادی و تلفات انسانی قابل توجهی به کشور و مردم لبنان وارد ساخت به نحوی که ۱۵ هزار خانه بصورت کامل نابود شد و هزاران مرکز حساس از جمله نیروگاه برق، بنادر، پل‌ها و... از بین رفت. این جنگ ۳۳ روز طول کشید و در صبح روز ۳۴ جنگ برابر با ۱۴ آگوست ۲۰۰۶م براساس قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت، آتش بس برقرار شد.

سقوط اسطوره‌ای به نام میرکاوا

مستند «سقوط اسطوره» به کارگردانی سامر دکروب و تهیه کنندگی مهدی قانصوه سال ۲۰۱۴ و در ۱۲۰ دقیقه تولید و منتشر شده است. «سقوط اسطوره» به سالها قبل برمی‌گردد و به جنگ‌هایی که میرکاوا در آن حضور داشته از اشغال لبنان در سال ۱۹۷۸ و ۱۹۸۲ تا آزادی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ می‌پردازد و نقش مقاومت در نابودی آن را بررسی می‌کند. این فیلم طرح‌ها و نسل‌های مختلف میرکاوا را بررسی می‌کند و از نسل اول تا نسل چهارم آن را در دو قسمت معرفی می‌کند. این مستند دارای استناد به تحلیل‌های کارشناسان نظامی روسیه و همچنین چهره‌هایی متخصص چون «سرهنگ طلعت مسلم» فرمانده تیپ ۱۸ مصر در جریان جنگ اکتبر ۱۹۷۳ است. در مستند «سقوط اسطوره» از تصاویر آرشیوی خوبی بهره گرفته، همچنین سخنان فرماندهان نظامی رژیم صهیونیستی درباره سرنوشت میرکاوا و سخنان روزنامه‌نگاران اسرائیلی چون «یدیعوت آحارانوت» در این باره مطرح شده است. عنوان این اثر ساده است و نیازی به تفسیر ندارد. میرکاوا به عنوان یک جنگ‌افزار قدرتمند، نمادی از اقتدار نیروهای اسرائیلی بود و آن را «اسطوره» می‌نامیدند، اما هژمونی پوشالی خود را پس از جنگ ۳۳ روزه از دست داد، چرا که «میرکاوا» به هدف اول موشک‌های مقاومت تبدیل شد و طی درگیری‌های «وادی الحجیر» در جنوب لبنان، نسخه آن به کل پیچیده شد تا در زمانی اندک، ده‌ها تانک به همراه مهندسان تیپ زرهی ۴۰۱ رژیم صهیونیستی نابود شوند.





حاج رضوان از زبان هم‌زمان

مستند ۴۶ دقیقه‌ای «عماد» که سال ۱۳۹۹ در ۴۶ دقیقه منتشر شده، روایت‌های مختلفی را از زندگی عماد مغنیه گردآوری کرده که به عنوان فرمانده نخبه حزب‌الله لبنان، نقشی بی‌بدیل در پیروزی‌های متعدد بر نظامیان اشغالگر داشت.

نام کامل او عماد فایز مغنیه و معروف به «حاج رضوان» بود که ۱۲ فوریه ۲۰۰۸ بر اثر انفجاری در دمشق به باران شهیدش پیوست و جاودانه شد. در ساخت این مستند از آرشیو بکر و منحصر به فردی استفاده شده که برای نخستین بار زندگی شهید را از زوایای مختلف روایت می‌کند. به گفته کارگردان اثر، در این مستند ضمن پرداختن به شخصیت شهید عماد مغنیه، تاریخچه‌ای درباره لبنان و پیشرفت حزب الله طی سال‌های مختلف گفته شده تا همه چیز به خوبی برای مخاطبان به تصویر کشیده شود. علاوه بر این، مستند فعالیت‌ها و اقداماتی را روایت کرده که حاج رضوان و هم‌قطاران او در ابتدای تاسیس حزب الله و حتی پیش از آن انجام داده بودند تا ضربات سنگینی به جبهه استکبار در منطقه وارد شود. نقطه مهم دیگر روایت مستند «عماد» پرداختن به نقش گروهک‌هایی است که در مناطق مرزی لبنان و سوریه، سعی می‌کنند با ادعای مبارزه با داعش و وعده و وعیدهای دیگر، مردم مرزنشین را جذب کنند. مستند عماد به کارگردانی ایمان گودرزی و نویسندگی محمد مهدوی در مرکز بسیج صداوسیما تهیه شده است.

ماجرای مبارزه یک مرد مسیحی با صهیونیست‌ها

مستند ۲۸ دقیقه‌ای «مردی که گفت نه» به کارگردانی محمدرضا محمدی نجات ساخته و در سال ۲۰۰۱ منتشر شد تا پیشگام در روایت مواجهه لبنانی‌ها با ظلم و اشغالگری اسرائیلی‌ها باشد. این مستند که در مرکز فرهنگی میثاق تولید شده، درباره زندگی دوگنل ابوتاس؛ یک لبنانی مسیحی است که تصمیم می‌گیرد به جریان مقاومت بپیوندد. مردی که خیلی طول نکشید تا شیفته رهبر حزب الله لبنان شود و نام فرزند شهید سید حسن نصرالله یعنی هادی را برای پسر خود برگزیند. او که در یکی از عملیات‌ها به اسارت نظامیان غاصب صهیونیست درآمد، به شکلی بی‌رحمانه تحت شکنجه قرار گرفت تا اینکه روز پیروزی فرار رسید و در سال ۲۰۰۰ از زندان خیام آزاد شد. او درباره این اتفاق در مستند گفته است: «فکرش را نمی‌کردم روزی برسد که نیروهای مقاومت با تمام یاران و مردم طرفدارش بیایند، قفل‌ها را بشکنند، درب‌ها را باز کنند و ما پیرومندان از اینجا خارج شویم. تصورش را نمی‌کردم از این زندان مخوف آزاد شوم یا حتی روزی مثل امروز بیایم اینجا و خاطراتم را مرور کنم!» این کارگردان اثر دیگری با عنوان «خبرنگار... اما» نیز در سال ۲۰۰۲ ساخته است که به فاجعه روستای منصوری واقع در جنوب لبنان می‌پردازد. در این فاجعه، ارتش رژیم صهیونیستی، آمبولانس حامل زنان و کودکان را مورد حمله موشکی قرار می‌دهد، در حالی که محل اجرای عملیات بسیار نزدیک به مقر سازمان ملل بوده و این یعنی به نوعی شاهد این ماجرا و مطلع از فاجعه نسل‌کشی صهیونیست‌ها شناخته می‌شوند.





روایت ناکامی در رسیدن به لیتانی

سه سوی میدان جنگ روایت نبرد سنگین نیروهای مقاومت با سربازان اسرائیلی در دشت خیام است که در واپسین روزهای جنگ ۳۳ روزه اتفاق افتاد. یک سوی میدان جنگ همان جایی است که ارتش اسرائیل قصد دارد با تانک های پیشرفته اش وارد شود. ضلع دیگر، روستای مسیحی نشینی است که از قضا دو خبرنگار مسیحی در آنجا زندگی می کنند و شاهد اتفاقات هستند. ضلع آخر هم، سنگرزمنندگان حزب الله است که منتظرند تانک های اسرائیلی وارد دشت خیام شوند. مستند سه سوی میدان جنگ از نگاه دو خبرنگار مسیحی و رزمندگان حزب الله به روایت دقیق نبرد در دشت خیام می پردازد، جایی که در آن چهار رزمنده مقاومت با گردانی از ارتش اسرائیل تن به تن جنگیدند! یکی از اهداف مهم اسرائیلی ها در جنگ ۳۳ روزه، رسیدن به رودخانه لیتانی بود. آن ها راه های مختلفی را برای رسیدن به این منطقه امتحان کردند، اما موفق نشدند. تلاش آخر آن ها ورود به دشت خیام بود که

منطقه ای مثالی شکل است و از جنوب به خاک فلسطین اشغالی، از سمت راست به شهرکی لبنانی و از سمت چپ به شهرک مسیحی نشین مرجعیون می رسد. این مستند به تحلیل این میدان جنگ می پردازد. کارگردان نام آشنا در این مستند ۴۹ دقیقه ای سعی کرده به نبردی پیردازد که عملاً تیر خلاص مقاومت در جنگ ۳۳ روزه بود و نسخه ارتش پوشالی اشغالگران صهیونیست را پیچید.



زیتون، ساحل، اشک

مستند «سواحل اشک و زیتون» به کارگردانی رضا برجی، روایتگر وقایع سی و سه روز جنگ ارتش اسرائیل با حزب الله و جنایت وحشیانه و قتل و غارت ارتش رژیم صهیونیستی به بهانه اسارت دو تن از سربازانش به تصویر کشیده که از آغاز جنگ تا پایان آن که با مقاومت و حضور مردم در بیروت و سایر شهرهای لبنان، آوارگان جنگی و کشتار مردم بی گناه روستای «قانا» را شامل می شود. رژیم اشغالگر قدس کینه مردم و مقاومت اسلامی لبنان را از بابت شکست و عقب نشینی سال ۲۰۰۰ فراموش

نکرده و همین دست آویزی شد تا در سال ۲۰۰۶ به بهانه اسارت دو تن از سربازان مزدور، تهاجم همه جانبه ای را به لبنان آغاز کند. تهاجمی که هدف آن از بین بردن کامل مقاومت اسلامی بوده است. کارگردان مستند سواحل اشک و زیتون در ۸۸ دقیقه خواسته تا روایتی از مظلومیت مقاومت در برابر آتش هجوم نیروهای اسرائیلی را بازنمایی کند. رضا برجی، عکاس و فیلمساز مشهور جنگ است که رکورددار سفر به مناطق بحرانی و جنگی جهان است و تا به امروز به عنوان خبرنگار، عکاس، فیلمبردار و مستندساز این فرصت را داشته که در ۱۴ منطقه جنگی از جمله جنگ تحمیلی عراق و

ایران، جنگ های افغانستان، قره باغ، کشمیر، چین، بوسنی و هرزگوین، عراق و آمریکا، کوزوو، لبنان، سودان، سومالی و ... حضور داشته و ضمن نگارش چندین کتاب خاطرات و مقاله، بیش از ۱۵ نمایشگاه انفرادی و گروهی عکاسی را در کشورهای مختلف جهان برپا کرده است. این فیلم مستند جذاب که سال ۱۳۸۷ اکران شد، با تصاویر شادمانی مردم و شور و شفع آنان از شکست ارتش صهیونیست های غاصب پایان می یابد.



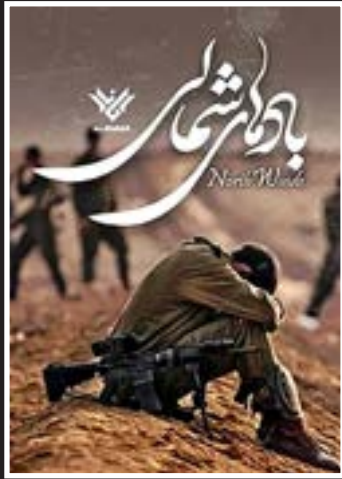
تاریخ مقاومت اسلامی لبنان

مستندی ۶۵ دقیقه ای که در شبکه المنار لبنان تهیه شده و با زبانی ساده و به کمک تصاویر آرشیوی، درباره چگونگی تغییرات و تداوم جریان مقاومت در لبنان تا به امروز می پردازد؛ حمله ی نظامیان اشغالگر اسرائیلی به روستاهای لبنان، شروع تشکل های مردمی، به اوج رسیدن حزب الله لبنان، آزادی جنوب لبنان و اسرای در زندان اسرائیل. فیلم مستند «تاریخ مقاومت اسلامی لبنان» سعی کرده نشان دهد این مقاومت، یک حرکت ملی-مذهبی است، چرا که رهبران مقاومت را روحانیت تشکیل می دهند. در ابتدا که شیخ راغب

حرب (شیخ شهدای مقاومت) به سخنرانی ها و تشکیل هسته های مردمی پرداخت و در همین راه، پس از تحمل زندان، هنگامی که از دعای کمیل بازمی گشت شهید شد. پس از او سید عباس موسوی برای رهبری این جریان انتخاب می شود که اسرائیل وی را نیز نمی تواند تحمل کند و او را شهید می کند. سومین رهبر جریان مقاومت لبنان اما، سید حسن نصرالله است که به سرعت انتخاب می شود تا اسرائیل به هدف خود در تضعیف لبنان نرسد. این مستند با سیر منطقی، علت و معلول جریان مقاومت را آشکار می کند اما همچنان مستندی ست سرشار از احساسات؛ از غصه ی خانه های ویران شده، فرزندان

بی گناه، نسل کشی مردم بی خبر، شادی مردم از آزادی وطن و فرزندان در بند تا دمیدن روح حماسه در مخاطب به سبب نمایش نتایج به دست آمده در مقاومت های ۷، ۱۶ و ۳۳ روزه تا آنجا که دبیر مقاومت می گوید: «ما حتی یک روز هم شکست نخوردیم». با اینکه اسم مستند ما را برای بیان وقایع گذشته آماده می کند، اما پیش از تاریخ مقاومت تلاش دارد فلسفه ی مقاومت و چرایی تداوم آن را جلوه گر کند.





نسیم باد شمالی در جنوب لبنان

مستند «بادهای شمالی»، روایتی است از ناگفته‌های جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه لبنان در تابستان سال ۲۰۰۶ میلادی است. آنچه این مستند را از ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌کند تکیه بر منابع رسانه‌ای رژیم اشغالگر قدس است. مستند «بادهای شمالی» در حقیقت گلچینی از گزارش‌های خبری و تحلیلی شبکه‌های تلویزیونی رژیم صهیونیستی است که در طی روزهای پرحرارت جنگ ۳۳ روزه با هنرمندی و زیبایی خاصی کنار هم قرار گرفته و به شکل یکی از اسناد انکارناپذیر این جنگ در تاریخ ثبت شده است. جنگی که در سحرگاه ۱۴ آگوست ۲۰۰۶ بر اساس قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت، با اعلان آتش بس پایان یافت. این جنگ خساراتی برای دوطرف داشت با این حال میزان خسارات و تلفات مادی و انسانی دوطرف قابل مقایسه نبود. اسرائیل به جهت برتری تسلیحاتی، ضربات و خسارات مادی و تلفات انسانی قابل توجهی به کشور و مردم لبنان وارد ساخت. در مجموع ۱۵ هزار خانه به طور کامل نابود شد و ده‌ها بخش زیرساختی از جمله نیروگاه برق، بنادر و پل‌ها از بین رفت. این مستند بلند سال ۲۰۰۷ میلادی در ۱۵۰ دقیقه به همت ناصر جمحد و حسین سلامه تولید شده و بخش عمده این مستند مصاحبه‌ها و گفتارهایی به زبان عبری است.

وقتی حمله رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان آغاز شد، هیچکس فکرش را نمی‌کرد ۳۳ روز بعد، این صهیونیست‌ها باشند که سرافکنده به خانه‌هایشان برمی‌گردند، در شرایطی که تلفات و زخمی‌های فراوان روی دستشان مانده است. اما دنیا دید که چندی بعد سران این رژیم جنایتکار رسماً اعلام شکست کردند. باید دقت کرد در جریان این ۳۳ روز مقاومت و ایستادگی، داستان‌های فراوانی از دفاع جانانه مردم مقابل ارتش صهیونیستی به ثبت رسیده و نام شهرها و روستاهای متعددی بر سر زبان‌ها افتاد؛ یکی از این

جایی که زندگی می‌کنیم

مناطق، روستای «عیترون» در مرز لبنان است. عیترون روستای مرزی کوچکی در جنوب لبنان که در جریان جنگ ۳۳ روزه مورد حمله گسترده صهیونیست‌ها قرار گرفت، اما خالی از جمعیت نشد. روایتی از همت ایثارگرانه مردم عیترون در مستند «جایی که زندگی می‌کنیم» به تصویر کشیده شده که دیدن آن نه فقط ایستادگی لبنانی‌ها را در اذهان ترسیم می‌کند، بلکه سرشکستگی ارتش به اصطلاح شکست‌ناپذیر صهیونیستی را هم به اثبات می‌رساند که چگونه با انواع توپ و تانک‌ها و سلاح‌های پیشرفته نتوانستند حتی وارد روستایی کوچک در جنوب لبنان شوند و آن موضع را تثبیت کنند. این مستند به کارگردانی مرتضی پایه‌شناس و تهیه‌کنندگی حسین همایون فر سال ۱۳۹۰ در ۴۵ دقیقه تولید و منتشر شد که برای بهترین فیلم پنجمین دوره جشنواره سینما حقیقت و سومین جایزه بزرگ شهید آوینی نیز نامزد شد.



درباره قطعنامه ۱۵۵۹

چهاردهم فوریه ۲۰۰۵ بود که رفیق حریری، نخست‌وزیر مستعفی لبنان، قدم زنان به سوی قهوه‌خانه‌ای در بیروت می‌رفت که ناگهان بر اثر انفجاری در مسیر کاروان موتورسیکلت‌ها، ترور شد. وی طی دو دوره بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ تا استعفايش در ۲۰ اکتبر ۲۰۰۴ نخست‌وزیر لبنان بود. او رهبری پنج کابینه در دولت لبنان را طی دوران مسئولیتش برعهده داشت. احزاب طرفدار او به همراه دیگر احزاب لبنان که سال‌ها بود خواهان خروج ارتش سوریه از لبنان بوده‌اند، ترور او را دستاویزی برای رسیدن به این خواست قرار می‌دهند و سوریه را متهم ردیف اول این ترور می‌خوانند. پس از آن حزب الله را متهم می‌خوانند. ولی با بررسی‌های دیگر شواهد تکان دهنده‌ای آشکار می‌شود. مستند «پانزده ۵۹» به نویسندگی و کارگردانی محمدرضا ابوالحسنی، روایتی است از ترور این شخصیت تاثیرگذار لبنانی که نقش مهمی در تحولات کشورش داشت. در این مستند با کارشناسان و سیاستمداران جهان عرب درباره ترور او گفت‌وگو شده و تلاش برای این بوده که اسناد و مدارکی در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد. همچنین ارتباط آن با قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت سازمان ملل را موشکافی می‌کند. این فیلم مستند، شخص حریری را یکی از موانع اصلی اجرای قطعنامه مورد نظر قدرت‌های غربی، به خصوص در موضوع خلع سلاح حزب الله لبنان می‌داند. همچنین در این اثر جذاب، اسناد فاش شده درباره ترور رفیق حریری مرور شده تا حوادث مختلف سیاسی و بین‌المللی به ویژه تاثیر آن بر معادلات لبنان و منطقه بحث شود. واقعه‌ای حساس که منجر به وقوع انقلاب سدر و خروج نیروهای سوری از لبنان می‌شود، حال آنکه پشت پرده این پرونده، صهیونیست‌ها هستند.





خاستگاه مردان حزب خدا

«فرزندان جبل عامل»، روایتی است از دلایل شکل‌گیری هسته اصلی مقاومت لبنان و نقش اصلی و اساسی امام موسی صدر در تشکیل این گروه. «فرزندان جبل عامل» در ادامه سعی دارد به معرفی اشخاص تأثیرگذاری بپردازد که پس از دستگیری امام موسی صدر ادامه دهنده راه او شدند و با پیام امام خمینی (ره) به مردم لبنان در سال ۱۹۸۲ بالاخره فرزندان مقاومت توانستند اسرائیل را زمین‌گیر کنند و این رویارویی در خلد، آغاز سازمان یافتن هسته‌های مقاومت اسلامی در لبنان شد و سازمان اصلی حزب الله لبنان شکل گرفت. جبل عامل یکی از مناطق شیعه‌نشین جنوب لبنان و همسایه اسرائیل است. مردمان جبل عامل با مقاومت متولد می‌شوند، زندگی می‌کنند و جاودانه می‌شوند؛ آنچنان که همه افتخارات تاریخ لبنان همیشه یک ریشه در مقاومت جنوب داشته و دارد. امروز روح مقاومت در جبل عامل چونان زنده است که مردمانش سرزنده‌اند. انگار این روح مقاومت است که هر روز نوبه‌نو می‌شود و شکوفه می‌زند و ریشه می‌دواند و در تاریخ سیر می‌کند؛ از ابودر غفاری آغاز می‌شود و در صورت همه فرزندان جبل عامل ادامه می‌یابد. «فرزندان جبل عامل» مرور مختصری است بر مقاومت فرزندان جبل عامل، امام موسی صدر، سیدعباس موسوی و سیدحسن نصرالله. فرزندان جبل عامل را حسین محمودیان و سیداحسان اصغرزاده برای مخاطبان روایت کرده‌اند که توانستند تصاویری کمتر دیده شده از امام موسی صدر و شهید مصطفی چمران را برای اولین بار در تدوین اثر خود استفاده کنند.



نسیم حیات از شش برگ درخت زیتون

این مستند به کارگردانی وحید فرجی و محمد صراف در شش قسمت حدود ۲۵ دقیقه‌ای، مقاومت مردم لبنان علیه اشغالگران در طی جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی را روایت می‌کند. قسمت اول این مجموعه با عنوان «عبت‌الشعب» روایتی از حماسه‌هایی است که جوانان روستای عبث‌الشعب از ابتدای جنگ ۳۳ روزه خلق نمودند، مردم روستا از مقاومت جوانانشان می‌گویند. قسمت دوم با عنوان «شهید حسان» روایت زندگی یکی از شهدای مقاومت در روستای عبث‌الشعب است. در این قسمت خانواده محمود محمد عقیق (شهید حسان) از رشادت‌های فرزندشان می‌گویند. قسمت سوم از این مجموعه با عنوان «شهید حاج قاسم» روایتی عاطفی از زبان دختر، همسر و مادر یکی دیگر از شهدای حزب الله لبنان با نامی مشابه سپهبد عزیز شهید سلیمانی است. قسمت چهارم این مستند با عنوان «شهید بلال» روایت مقاومت سلحشورانه شهید حاج علی محمود صالح می‌باشد که دلاورانه در برابر ورود تانک‌های میرکاو به روستا مقاومت کرد و نام خود را به عنوان تحقیرکننده میرکاوای افسانه‌ای جاودانه کرد. در قسمت پنجم این مستند با عنوان «علی شعیب»، خبرنگار المنار حمله رژیم صهیونیستی به شهرک خیام و پایداری مردم آن را روایت می‌کند، شهرکی که تنها ۴-۳ کیلومتر با خاک غصب شده به دست این رژیم فاصله دارد. اما قسمت ششم و پایانی این مستند با عنوان «دختران آفتاب» به کشتار بی‌رحمانه رژیم صهیونیستی در روستای قانا روایت می‌شود؛ دخترانی که خانواده‌هایشان در آن حمله به شهادت رسیده‌اند. مستند «نسیم حیات» باور دارد که حزب الله در این جنگ به پیروزی نرسید، مگر به واسطه حماسه‌ها و رشادت‌های رزمندگان مقاومت و پایمردی زنان و مردانی که در بدترین شرایط در روستاهای جنوب لبنان ماندند و حاضر به ترک میدان نشدند.

ir/5876/

- <https://rasekhoon.net/media/show/۳۵۸۶۴۸/>
- <https://tn.ai/56-392>
- <https://tn.ai/۲۳۳۸۰۸۰>
- <https://bookroom.ir/disk/۲۹۷۱/>
- <https://iusnews.ir/fa/news-details/۳۶۷۲۷۰/>
- <https://iqna.ir/۰۰۶۴Lr>

- <https://ammaryar.ir/m/yelo5>
- <https://ammaryar.ir/m/mpjnk>
- <https://aftabnews.ir/...JJY>
- <https://www.filimo.com/m/CVO5i>
- mehrnnews.com/xp9kR
- <https://kerman.farhang.gov.ir/fa/news/۴۸۰۱۱/>
- <http://book.ammarfilm>

منابع:

- <http://fna.ir/۳۶۶kti>
- <https://ammaryar.ir/m/eh3hv>
- <https://www.rajaneews.com/news/۱۸۴۷۹۴>
- <https://ammaryar.ir/m/gaur5>
- <https://ammaryar.ir/m/tjlap>
- <https://www.aparat.com/v/JFBrQ>
- <https://www.filimo.com/m/iQSOOf>
- <https://www.filimo.com/m/tCcw3>

آوا و نوای لبنانی، از بیروت تا بعلبک

پرطنین زیر پرچم زرد حزب خدا

◀ نوایی پرطنین در سرزمین‌های اشغالی

یکی از رسانه‌های رژیم صهیونیستی در گزارشی به محبوبیت گسترده یکی از سرودهای حزب‌الله لبنان در میان صهیونیست‌ها اشاره کرده و گفته در اتفاقی عجیب، این سرود به محبوبیت بالایی میان اسرائیلی‌ها دست یافته است. برنامه «الجهة الثانية» در شبکه اسرائیلی «مکان» گزارشی پخش کرده که سرود «اضرب و الريح تصيح» با سرابندگی «نزار فرانسيس» و خوانندگی «علی العطار» به عنوان چهره‌ای نزدیک به حزب‌الله لبنان، با استقبال صهیونیست‌های ساکن سرزمین‌های اشغالی مواجه شده است. در گزارش این شبکه صهیونیستی نشان داده می‌شود که این سرود در چند مراسم و جشن اسرائیلی‌ها پخش می‌شود و تا حدی مورد استقبال صهیونیست‌ها قرار گرفته که یکی از خواننده‌های اسرائیلی به نام «نیزی شکوری» تصمیم گرفت تا کلیپ ویدئویی از این سرود ضبط کند و فیلم وی بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار بار در شبکه‌های اجتماعی مشاهده شد. سرود «اضرب و الريح تصيح» برای ارتش لبنان و نیروهای حزب‌الله لبنان در نبرد با داعش سروده شده است. این سرود به تدریج به سرودی در حمایت از حزب‌الله و «سید حسن نصرالله» دبیرکل حزب‌الله لبنان تبدیل شد. «ودیع الشیخ» از هنرمندان لبنانی نیز در یک تجمع گسترده با تغییرات اندکی این سرود را به هشداری علیه صهیونیست‌ها تبدیل کرد. این سرود در حالی است که این روزها این سرود به یکی از سرودهای محبوب در جشن‌ها و تجمع صهیونیست‌ها تبدیل شده است. مجری شبکه مکان صهیونیستی در پایان این گزارش می‌گوید اگر کسانی که این سرود را می‌خوانند معنی آن را می‌دانستند شاید با این شور آن را نمی‌خواندند.

◀ پیروزیات دنیا را تکان داد!

ترانه لبنانی معروف "نصرک هز الدنی" در جشن پیروزی لبنان و جشن سالگرد پیروزی جنگ ۳۳ روزه پخش شد و به همین دلیل جزء معروف‌ترین سرودهای مقاومت است. این ترانه و کلیپ پیروزی با کارگردانی ناصر بجمد "و با صدای "حسن غملوش" و سروده "قادی عباسی" تهیه و تنظیم شده است. ظهر روز سالروز آزادسازی لبنان از اشغال رژیم صهیونیستی (که در تاریخ ۵-۳-۱۳۷۹ و ۲۵ اپریل ۲۰۰۰ اتفاق افتاد) در لبنان زلزله‌ای با ۵٫۱ درجه در مقیاس ریشتر در بیروت ثبت شد و مردم نگران شدند. به سرعت در شبکه‌های اجتماعی یک مطلب جالب پخش شد: نصرک هز الدنی (پیروزیات دنیا را تکان داد): این عنوان یک سرود پیروزی زیبا و حماسی و خوش ساخت است که حزب‌الله قبلاً تولید کرده بود و می‌گویند شهید حاج عماد مغنیه خودش در تولید آن نقش و نظارت داشت، این زلزله همان زلزله سرود نصرک هز الدنی

موسیقی در لبنان سابقه بسیار طولانی دارد. در دوره معاصر نیز پس از جنگ جهانی دوم، پایتخت لبنان مرجع هنرهای بدیع بوده و نه تنها در موسیقی که در شعر و ادبیات و تئاتر نیز حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. جرج جرداق و جبران خلیل جبران نمونه‌ای از نویسندگان و جولیا خلیل بطرس نیز یکی از مسیحیان لبنانی است که به دلیل شهرتش به خواندن آهنگ‌هایی برای مقاومت و مردم سرزمینش، از او در کشورهای تونس، اردن، سوریه، قطر و امارات تقدیر شده و توانسته نشان «سدر» لبنان را نیز دریافت کند. بیشتر طرفداران و مخالفان او بر این عقیده هم‌نظرند که جولیا بطرس علاوه بر تعهد هنری و اخلاقی در آتش، از صدایی رسا دارد و جالب است که او در بسیاری از تجمع‌ها و تظاهرات گروه‌های مردمی، به عنوان صدای اعتراضات در پشت تریبون نقش‌آفرین بوده است. به طور کلی باید به استفاده از این دست‌مایه هنری عامه‌پسند در لبنان و به همت باورمندان به مقاومت نمره قبولی داد، به خصوص که بخش سرود و موسیقی حزب‌الله نیز فعالیت موثری در این خصوص دارد و هم‌نوا با هنرمندان مستقل لبنانی، در سال‌های اخیر تجارب موفقی در ترویج گفتمان مقاومت از طریق سرود و موسیقی کسب کرده است. در این گزارش، درباره این مباحث طرح بحثی مجمل شده است که از نظراتان می‌گذرد.



است که در سالروز پیروزی به واقعیت رسید. در ادامه ترجمه فارسی بخشی از متن این سرود را می‌خوانید:

ملت تو سر خم نمی‌کند
ای لبنان خاکت با خون پاسداری می‌شود
دلاوران شجاع، دشمن را قبل از ورود زمینگیر کردند
و خارها را به گل و شبنم تبدیل کردند
دلاوران شجاع، دشمن را قبل از ورود زمینگیر کردند
و خارها را به گل و شبنم تبدیل کردند
از تیغ قهرمانان، ارتش غاصب فرار کرد
ای گرانقدر ترین وطن‌ها، تو بی‌بدیل هستی
پیروزیات دنیا را تکان داد
روزگار عزت و سربلندی با مجاهدت مردانت بازگشت

◀ آوای برادری ظفرمند سوریه و لبنان

یبرود شهری در منطقه قلمون و در همسایگی لبنان بود که محل تجمع و عبور و مرور تروریست‌ها به لبنان محسوب می‌شد. حدود یک ماه بود که ارتش سوریه با کمک نیروهای حزب الله آنرا محاصره کرده و آماده هجوم نهایی بودند. نیروهای ارتش سوریه پس از ۳۲ روز محاصره کامل تروریست‌های مسلح



در شهر استراتژیک یبرود واقع در سلسله جبال القلمون، این شهر را به طور کامل تحت کنترل خود درآوردند. در روز ۲۵ اسفندماه ۹۲ با شکست مفتضحانه تروریست‌های سلفی در یبرود، نهضت مقاومت اسلامی بار دیگر پیروز میدان شد. کلیپ لبنانی «احسم نصرک فی یبرود» تقریباً با شروع محاصره یبرود پخش شد. ماجرای انتشار این سرود از آن رو جالب است که طبق معمول، نهضت مقاومت پیروز میدان مبارزه شد. آهنگساز این ترانه «محمد جعفر غندور» و خواننده «علی برکات» است. کار ضبط و پخش آن را نیز «محمد علیق» انجام داده است. متن این شعر را هم «ابوحسن حطیط» سروده است. بخشی از ترجمه فارسی آن در ادامه آمده است:

حزب الله با جوانمردی مردانت را بفرست / و با پیروزی موعود بازگرد

ای مقاوم برو خدا به همراهت / القصیر و نبک شاهدند
پیروزیات در یبرود را حتمی کن

لبنان پیروزیات آشکار شد / همه میادینات را ازاد کردیم
ای ارتش تروریست مراقب باش / ما دیگر شکست نخواهیم خورد

مهدی پیروزی موعود ما است / از گذشته ما پیرس و
و عده‌ها یمان

ارتش یهود را نابود کردیم / الان نوبت تو در یبرود است
پیروزیات در یبرود را حتمی کن

◀ نسلی که اسرائیل را می‌ترساند

درباره یکی از اثرگذارترین و مهم‌ترین تجربه‌های موسیقایی مقاومت در لبنان، از زبان سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان خواهیم گفت. او در تاریخ ۵ مرداد ۱۴۰۱ و پس از اجرای پرشکوه نسخه لبنانی سرود ماندگار سلام فرمانده که با عنوان «سلام یا مهدی» شناخته می‌شود گفته: «کمپین و سرود «سلام یا مهدی» [سلام فرمانده] پیام بسیار مهمی دارد، همان‌طور که پیام انتخاباتی ما بسیار قوی بود. اگر کسی صحبت کند و گفته‌هایش به زبان فرانسوی و انگلیسی باشد، اشکالی ندارد، اما اگر یک نفر از حزب الله یا شیعیان یک کلمه ایرانی بگوید، تهمت‌ها شروع می‌شود. نسلی که در اجرای سرود سلام یا مهدی شرکت کرد نسلی است که اسرائیل را می‌ترساند و پیام سلام یا مهدی بسیار زیبا و قوی است. کسانی که ما را متهم می‌کنند بگویند که خودشان چه کسی و از چه فرهنگی هستند تا ببینیم شبیه چه کسانی هستند، مشکل آنها با این فرهنگ، فرهنگ مقاومت است و آنچه آنها در منطقه می‌خواهند فرهنگ عادی‌سازی است. مشکل آنها با فرهنگ مقاومت این است که مقاومت ترک مقدسات و اشغالگری را رد می‌کند. در زمان حاضر دو فرهنگ در منطقه وجود دارد: فرهنگ مقاومت و فرهنگ عادی‌سازی.»

◀ توجه به همه اعضای جبهه مقاومت در سرودهای

حزب الله

همزمان با شهادت سردار رشید ایرانی، سپهبد قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس به دست تروریست‌های آمریکایی در فرودگاه بغداد، حزب الله لبنان سرودی اختصاصی با درون‌مایه حماسی و با عنوان «یا روح الحق سلیمانی» تولید و منتشر کرد. همچنین همزمان با روز جهانی قدس نامه‌نگی از حزب الله لبنان خطاب به ساکنان کرانه باختری در فضای مجازی منتشر شده است که با استقبال کاربران همراه شده. این سرود یکی از نامه‌نگ‌های معروف گروه «اسرا» است که به فلسطینیان ساکن کرانه باختری رود اردن تقدیم شده است. در این نامه‌نگ، حزب الله آمادگی کامل خود را برای حمایت مبارزات ضد صهیونیستی در این منطقه خاص اعلام می‌کند. بیت اول سرود به این معناست: ای مردم من در کرانه! مقاومت کنید! من می‌آیم! با خنجر و سنگ به دشمنانتان ضربه بزنید و نابودشان کنید.

• منابع:

• <https://fa.alalam.ir/news/۵۹۶۵۲۹۳/>

• <https://tn.ai/۳۸۴۱۰۳/>

• <https://tn.ai/۳۱۶۸۰۱/>

• https://mobile.khorasannews.com/ON_

• <https://www.yjc.ir/۳۰۹۶۶۴=https://ehayat.com/?p>

• <https://www.yjc.ir/۳۰۹۶۶۴=https://ehayat.com/?p>

• <https://www.yjc.ir/۳۰۹۶۶۴=https://ehayat.com/?p>

• <https://www.yjc.ir/۳۰۹۶۶۴=https://ehayat.com/?p>



درگیری در عمق خاک دشمن

عمق هدف گیری و ضربه زنی به دشمن

۳۳

کیلومتر

تعداد آورگان شهرک نشین صهیونیست

۲۳۰

هزار

تسلط رزمی و عملیاتی بر

۴۳

آبادی و محله مرزی

سیطره قطعی در خاک دشمن به شعاع

۵

کیلومتر



تسلیحات به کارگیری شده علیه دشمن صهیونیست

۴۲

مورد دفاع پدافند هوایی

۳۸۶

عملیات توپخانه ای دفاعی

۳۴۳

شلیک موشک زمین به زمین

۲۲

مورد شلیک تک تیرانداز و حملات رگباری

۴۸۴

مورد حمله موشکی هدایت شونده

۲۶

مورد انواع حملات هوایی به دشمن

۱۴

مورد رهگیری و جنگ الکترونیکی

۱۱۳

درگیری با سلاح سبک از فاصله نزدیک



خسارت های وارد شده به دشمن

انهدام

۳۸

مرکز نظامی کنترل و فرماندهی

انهدام

۶۸

خودروی نظامی خاص

انهدام

۳۰۰

مورد مراکز فنی و پشتیبانی

انهدام

۲۸۲

نقطه از استحکامات دشمن

انهدام

۲

کارخانه صنایع دفاعی صهیونیسم

انهدام

۵۲۰

واحد سکونتگاه نظامی دشمن

انهدام کامل

۲

سکوی آهنین اسرائیل

انهدام

۲۲

نقطه استقرار توپخانه ای دشمن

مجموع عملیات های انجام شده علیه دشمن

۱۱۹۴

مورد

جمع تلفات صهیونیسم به روایت دشمن

بیش از ۲ هزار صهیونیست مهاجم

رهبر معظم انقلاب: فلسطین همانند جنوب لبنان، آزاد خواهد شد

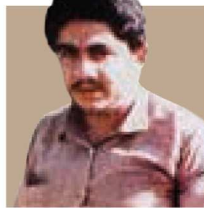
که هرکس سلاح و قدرت نظامی دارد، هرکس قدرت تبلیغات بین‌المللی و جهانی دارد، لزوماً موفق خواهد شد. اگر در دو، سه سالی قبل، به آحاد مردم و به خود صهیونیست‌ها و پشتیبانان‌شان گفته می‌شد که همین جوانان مؤمن حزب‌الله در لبنان بر شما صهیونیست‌ها پیروز خواهند شد، شما را از این‌جا بیرون خواهند کرد، سرزمین خودشان را از شما به‌زور پس خواهند گرفت، کسی باور نمی‌کرد؛ اما همین مطلبی که باور نمی‌شد، اتفاق افتاد! همچنان که بعد از بیست و دو سال جنوب لبنان برگشت، بعد از گذشت چندین سال ممکن است بخش‌هایی از فلسطین اشغالی و در نهایت همه فلسطین اشغالی به مردم فلسطین برگردد. امروز عده‌ای این را بسیار بعید می‌بینند؛ دیروز هم عده‌ای آزاد شدن جنوب لبنان را بعید و محال می‌دانستند؛ اما شد!

بیانات در حرم مطهر امام خمینی (ره) ۱۳۷۹/۰۳/۱۴

روزی که رژیم صهیونیستی وارد جنوب لبنان شد و این منطقه را اشغال کرد، به قصد این نیامد که یک روز از این‌جا بیرون برود؛ احتیاطاً تا بیروت هم آمدند و خودشان را به بیروت هم رساندند؛ منتها نمی‌خواستند آن قسمت‌ها را نگه‌دارند. تصمیم قطعی رژیم صهیونیستی این بود که بخش جنوب لبنان را نگه‌دارد و جزء پیکره قلمرو غصبی خودش قرار دهد.... در مقابل‌شان چه بود؟ در مقابل‌شان نیروی مردمی تهیدست بدون هیچ‌گونه تجهیزات در لبنان بود؛ یعنی نیروی حزب‌الله، نیروی مقاومت مسلمانان، نیروی آحاد مردمی که بمباران‌های روزمره رژیم صهیونیستی را تحمل کردند. سال‌ها طول کشید، اما نتیجه به پیروزی نیروی انسانی‌ای که متکی به ایمان و اراده بود، تمام شد. یک‌بار دیگر آن تصویری که قدرت‌های استکباری می‌خواستند از آرایش عوامل اثرگذار به ذهن‌ها القاء کنند، باطل شد و معلوم گردید که نخیر! این‌طور نیست



شهید سید محمد هادی نصرالله



شهید احمد قصیر



شهید سید عباس موسوی



شهید سید مصطفی بدرالدین



شهید حسان اللقیس



شهید شیخ «راغب حرب»



شهید علی فیاض



شهید حسن محمدالحاج



شهید سمیر قنطار



شهید حاج محمد عیسی



شهید جهاد عماد مغنیه



شهید فوزی ایوب